سالروز ولادت حضرت ابوالفضل(ع) و روز جانباز مبارک باد

جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ - ۴ شعبان ۱۴۴۶
سال بیست‌وششم- شماره ۷۲۳۵ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۵۰۰۰ تومان

بین‌الملل

مقابله شریکان با آشوب ترامپی

رئیس‌جمهور امریکا با جنگ تعرفه‌ای علیه کانادا، مکزیک، برزیل و چین، نظمی را که ایالات متحده به یاری متحدان بنا کرده است، به‌هم زد. واکنش متقابل این کشورها علیه تعرفه‌های ترامپ، نظم تازه ترامپی را نیز فروریخت | صفحه ۱۵

رهبر معظم انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن:
صبر و تلاش ۴۶ ساله ملت ایران در مقابل صف‌آرایی همه مستکبرین جهان باعث رشد همه‌جانبه کشور شد
ملت ایران نه تنها در این رویارویی ضربه ندید بلکه در همه زمینه‌ها رشد و پیشرفت کرد | صفحه ۲

پیروزی غزه یک وجبی بر امریکا تحقق امر محال بود

فرق ملت ایران با دیگران این است که جرئت گفتن این واقعیت را دارد که امریکا متجاوز، دروغگو، فریبکار و استعمارگر است و به هیچ اصلی از اصول انسانی پایبند نیست. بنابراین، «مرگ بر امریکا» می‌گوید اما دیگران جرئت بیان این حقایق و ایستادگی در مقابل امریکا و ادای سهم خود در مبارزه با استکبار را ندارند بنابراین به نتیجه‌ای هم نمی‌رسند

یادداشت سیاسی

جعفر حسن‌خانی

انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین کنش جمعی ایرانیان

انقلاب اسلامی جریان است نه رویداد صرف. در فهم انقلاب اسلامی این نکته را هم باید لحاظ کرد. نباید انقلاب اسلامی را صرفاً به عنوان یک رویداد تاریخی دانست که در بهمن ۱۳۵۷ روی داده است، بلکه آن را باید به عنوان یک جریان تاریخی درک کرد که از پی سده‌ها تلاش به نقطه عطف درخشان بهمن ۱۳۵۷ رسید و پس از آن از حرکت نایستاده است. انقلاب اسلامی حاصل یک تداوم تاریخی است و امروز در تاریخ تداوم دارد. انقلاب اسلامی یک روند پویا است نه یک رویداد ایستا. انقلاب اسلامی با تاریخ گذشته خود پیوست دارد اما پهلوی یک گسست تاریخی در ایران بود | صفحه ۲

از حاشیه تا متن

تقی دژاکام

بچه‌ها را به موزه عبرت ببرید!

دانش‌آموزان و دانشجویان ما باید به موزه عبرت بروند تا با چشمان خود اتاق‌های شکنجه، ابزارهای شکنجه و فیلم‌های موجود در آن را مشاهده کنند و با خدمات شاه و ساواک بهتر آشنا شوند و «آپولو» و مصداق جدید «مشکل گشا» را در آنجا ببینند و شکنجه با کابل برق و باتوم برقی و آویزان کردن از نرده‌های مشرف به حیاط زندان و به صورت وارونه در اطاق شکنجه و چرخاندن و دستبندزدن صلیبی و رهاکردن در حوض بزرگ و مرتفع زندان و باز کردن آب تا زیر چانه و نگه‌داشتن زندانی برای سه روز در این شرایط و زدن شلاق‌های خاص روی ناخن‌ها و پراندن آنها یا فروکردن سوزن‌های ته‌گرد به زیر ناخن و روشن کردن فندک یا شمع زیر آن و دوماه‌ونیم روی تخت مصلوب کردن یا شکنجه‌های خاص برای دختران و «زن»هایی که دنبال «زندگی» و «آزادی» برای خود و دیگران بودند با رسم شکل برایشان جا بیفتد | صفحه ۲

یادداشت ورزشی

فریدون حسن | دبیر گروه ورزشی

انتخاب سرمربی از آرایشگاه تا قهوه‌خانه

این روزها باشگاه استقلال محله بروبیای دلال‌هاست. این روزها دلال‌های چسبیده به فوتبال با تمام توان مشغول هستند تا گنجشک‌های رنگ شده خود را به اسم قناری به استقلال بچپانند، درست مانند آنچه در خصوص موسیمانه اتفاق افتاد. حالا به قول علی جباری، پیشکسوت بزرگ آبی‌ها، آقایان در قهوه‌خانه به‌دنبال سرمربی برای تیمی هستند که امروز کوچک‌ترین نشانی از آن استقلال بزرگ ندارد. البته قبلاً سابقه داشته که مثلاً مربی را در آرایشگاه انتخاب کنند یا اینکه در نمایشگاه و هزار و یک جای بی‌ربط دیگر، پس حالا اگر در قهوه‌خانه انتخاب شود، تعجب چندانی ندارد. جباری درست می‌گوید، امثال استراماچونی که این روزها تا دلتان بخواهد نامش برده می‌شود اگر خوب بودند بیکار نمی‌گشتند. او که در حساس‌ترین زمان ممکن استقلال را رها کرد و کل پول دو فصل قراردادش را هم گرفت، درست مانند کاری که موسیمانه با استقلال کرد. جباری درست می‌گوید، استقلال باید سراغ مربی برود که در شأن استقلال باشد، کسی که رزومه داشته باشد، نه اینکه در قهوه‌خانه به دنبال مربی باشند! | صفحه ۱۳

موج‌سواری دلالان روی یک واکسن

شاید تا همین چند سال پیش کسی در خصوص واکسنی تحت عنوان واکسن گارداسیل اطلاعی نداشت و این واکسن این همه پرمتقاضی نبود! همه چیز از ماه رمضان سال ۹۷ و یک برنامه تلویزیونی شروع شد که فرد غیرپزشک در یکی از پرمخاطب‌ترین برنامه‌های افطار درباره این واکسن صحبت کرد. حالا اما به مدد برخی جریان‌سازی‌ها در فضای مجازی و در راستای تأمین منافع برخی افراد و شرکت‌ها، آنقدر تقاضا برای این واکسن افزایش یافته که بازار سیاهی برای گارداسیل درست شده‌است و سازمان غذا و دارو در خصوص واکسن تقلبی گارداسیل هشدار می‌دهد. واکسنی که به باور بسیاری از متخصصان نه هزینه اثربخشی‌اش مناسب است و نه برای همه افراد و گروه‌ها ضروری است | صفحه ۳

جشنواره فیلم فجر صفحه ۱۶

در نشست خبری فیلم‌های «رها» و «بچه مردم» چه گذشت؟

باید به اصل گمشده فیلمنامه‌نویسی بازگردیم

شهاب حسینی: هر کسی کو دور ماند از اصل خویش /باز جوید روزگار وصل خویش. این اصل در زندگی شخصی هر کسی یک جوری تعریف می‌شود، اما در حرفه کاری ما این اصل به فیلمنامه برمی‌گردد. از حدود ۲۰ سال پیش با حسام فرهمند آشنایی دارم و او در این چند سال تمرین و ممارست کرد و تدوین و ریتم را بلد است. فیلم «رها» با یک سوم هزینه یک فیلم نرمال در ۳۷ روز فیلمبرداری می‌شود. امیدوارم این اصل به هنرهای نمایشی ما برگردد که همه چیز مبتنی بر فیلمنامه باشد

نقدی بر فیلم «آنتیک» اکران‌شده در جشنواره فیلم فجر

یک کمدی ضعیف با شوخی‌های کلیشه‌ای و تکراری

فیلم «آنتیک» تا پیش از اکران در جشنواره فجر، فضای تبلیغاتی خوبی را پیرامون سوژه و داستانش شکل داده و کنجکاوی زیادی ایجاد کرده‌بود، اما فیلم فقط طبل توخالی بود و از درون و به لحاظ محتوایی چیزی برای ارائه نداشت. همانند بیشتر فیلم‌های کمدی چند سال اخیر، دو شخصیت اصلی فیلم در سال‌های اول انقلاب در موقعیتی متضاد گیر می‌افتند و با ظاهرسازی به دنبال پیشبرد منافع خودشان هستند. پژمان جمشیدی انگار از سرصحنه «زیر خاکی» یا «دینامیت» آمده‌است

رضا دهشیری | جوان

نگاهی به فیلم «اسفند» ساخته دانش اقباشاوی

قهرمانانی در دل تاریخ

امسال هم چند فیلم دفاع مقدسی در جدول مسابقه شرکت دارند که «اسفند» یکی از آنهاست. ساختن اینگونه فیلم‌ها برای مخاطبانی که جنگ را تجربه کرده‌اند و به یاد دارند جذاب است، چراکه با زوایای پنهانی از جنگ آشنا و واقف به زندگی افرادی می‌شوند که در تمام این سال‌ها فقط نامی از آنها شنیده‌اند، این نکته بسیار حائز اهمیتی است، اما خطر تکراری شدن اینگونه فیلم‌ها از یک‌سو و جذاب نبودن برای مخاطبان کم‌سن و سال‌تر، نکته‌ای است که به نظر می‌رسد کمتر به آن پرداخته شده است

رونمایی سپاه از شهر موشک‌های کروز قدر ۳۸۰ ضدناوشکن

فرمانده کل سپاه: نیروی دریایی سپاه موفق شده است تمام سامانه‌های ساحل به دریای خودش را در سازه‌های امن و مستحکم در تونل‌های زیرزمینی ذخیره‌سازی کند. تعداد این سازه‌های امن در نقاط مختلفی از خط ساحلی و عمق کشورمان گسترش یافته است. هر کدام از این پایگاه‌ها و سازه‌های امن زیرزمینی که به اصطلاح شهرهای موشکی نامگذاری شده‌اند، تعداد بسیار کثیری از سامانه‌ها و موشک‌ها را در درون خودش جای داده است. نیروی دریایی سپاه یک نیروی پوشیده و پنهان از محاسبات دشمن است، دشمن نمی‌تواند توانایی‌های این نیرو را محاسبه کند

فرمانده نیروی دریایی سپاه: از ویژگی‌های موشک کروز قدر ۳۸۰ ضدجمینگ بودن آن است که نمی‌توان آن را منحرف کرد و دارای توانایی هدایت تا لحظه اصابت به هدف است. قابلیت انجام عملیات با یک نفر و در کمتر از پنج دقیقه از ویژگی‌های اصلی این موشک است. ما خود را برای مقابله با هر تهدیدی در هر مقیاس و هر جغرافیایی آماده می‌کنیم. ما با دستور رهبر معظم انقلاب اسلامی به سمت نیروی دریایی سیال در تراز انقلاب اسلامی حرکت کرده‌ایم. سامانه‌های ما صدها متر زیرزمین نگهداری و در موقع نیاز در زمان بسیار کوتاهی عملیاتی می‌شوند | صفحه ۶

حضور زنان در انقلاب اسلامی به خیزش جامعه قدرت داد

زهرا چیذری | خبرنگار گروه اجتماعی

مینو اصلانی، رئیس اندیشکده زن و خانواده دانشگاه امام حسین(ع) در گفت‌وگو با «جوان»: در رژیم پهلوی و البته در دوران قاجار، این نگاه شکل گرفت که پیشرفت را منوط به غربی شدن و احیا کردن سبک زندگی غربی در داخل کشور دیدند. در زمان پهلوی اول به نوعی این موضوع سرعت گرفت و رضا پهلوی صرفاً با یک نگاه قلدرمآبانه و بدون تعقل و درک واقعیت‌ها، دستور کشف حجاب را صادر کرد که این موضوع فقط کشف حجاب نبود، بلکه تغییر سبک زندگی از سبک زندگی متعارف در کشور به سمت و سوی سبک زندگی غربی بود. در این دوران به دلیل وضعیت حاکمیت و حکمرانی در کشور به نوعی زنان ما به محاق رفته بودند، یعنی شرایط برای حضور اجتماعی آنها فراهم نبود و اگر قرار بود خانم‌ها در جامعه ظهور و بروزی داشته باشند، حتماً باید با روش‌ها و مدل‌هایی که بنیاد پهلوی، بنیاد اشرف و بنیادهای اینچنینی ترسیم می‌کردند، در قامت یک فعال فرهنگی و اجتماعی ظاهر می‌شدند. اینگونه القا کردند که اگر قرار است زنان در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی حضور داشته باشند، حتماً باید با کشف حجاب و مدل‌های غربی این حضور و ظهور همراه باشد | صفحه ۱۰

۶

رجزخوانی رئیس‌جمهور برای دشمنان در بازدید از صنایع دفاعی

جدیدترین موشک بالستیک وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح کشورمان با نام «اعتماد» رونمایی شد. در جریان بازدید رئیس‌جمهور از دستاوردهای موشکی وزارت دفاع، موشک بالستیک اعتماد با برد هزارو ۷۰۰ کیلومتر به نمایش درآمد. این موشک با ۱۶ متر طول و قطر ۱/۲۵ متری به عنوان جدیدترین موشک بالستیک وزارت دفاع نمایش داده شده است. موشک اعتماد دارای کلاهک هدایت‌شونده تا لحظه اصابت است

۲

دیدار فرمانده کل ارتش با فرمانده کل سپاه

۳

تصمیم سرنوشت‌ساز را بی‌توجه به مصالح کنکوری‌ها نگیرید

مهسا گربندی | خبرنگار گروه اجتماعی

چشم امید داوطلبان کنکور به جلسه فردای شورای عالی انقلاب فرهنگی است. پیشنهاداتی نیز از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس برای مصوبه جدید کنکوری مطرح شده‌است؛ پیشنهاداتی که تقریباً منتقدان به مصوبه اخیر شورا را هم راضی خواهد کرد. عبداللهی، مدیر گروه آموزش و پرورش مرکز پژوهش‌های مجلس به «جوان» می‌گوید مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی اصلاحات عمیقی می‌خواهد تا به عدالت نزدیک و ایرادات آن رفع شود

۹

مردمی‌سازی به جای مذاکره

سجاد آذری | خبرنگار گروه اجتماعی

«محسن ردادی» عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در گفت‌وگو با «جوان»: ابرچالش‌های جدی در مسیر اداره کشور وجود دارد، این ابرچالش‌ها بسیار بسیار سنگین هستند که یک قلم آن همین ناترازی انرژی، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و مواردی از این دست است که کشور را در آینده نزدیک دچار قفل‌شدگی می‌کند، ولی همه اینها در آینده نزدیک به اندازه جنگ تحمیلی که در سال ۵۹ به ایران تحمیل شد نمی‌شود، ولی در آن زمان نگاه مسئولان این بود که مردم راه‌حل هستند

۷

ساواک برای داشتن رساله امام فک و دندان جلال را شکست

برادر شهید جلال فرجی اولین شهید انقلاب شهرستان بابلسر در گفت‌وگو با «جوان»: از سال ۵۳ یا ۵۴ مبارزات مخفیانه جلال علیه طاغوت شروع شد. اوج فعالیت‌های انقلابی او و برادرانم در سال ۱۳۵۶ بود. سه برادرم با پهلوی مبارزه می‌کردند. وقتی ساواک رساله امام خمینی را در خانه یکی از برادرانم پیدا کرد او را دستگیر و در زندان شکنجه کرد، فک و دندانش در زندان ساواک شکست. انقلاب که پیروز شد اسنادی از مبارزات انقلابی برادرانم در شهربانی بابلسر پیدا کردیم

۴

اقتصاد زیر ضرب تعطیلات!

خبرها حاکی از آن است که لایحه دو روزه شدن تعطیلات آخر هفته و اضافه‌شدن پنج‌شنبه به تعطیلات رسمی تا دو ماه آینده و پس از تصمیم‌گیری درخصوص بودجه ۱۴۰۴ تعیین‌تکلیف می‌شود. در صورت تبدیل این لایحه به قانون، تعطیلات مناسبتی و آخر هفته در مجموع به حدود ۱۲۸ روز می‌رسد و این در شرایطی است که در چند سال اخیر و به خصوص سال جاری به دلیل مشکلات تأمین انرژی و همچنین آلودگی هوا تعطیلات ناگهانی به بی‌سابقه‌ترین میزان خود رسیده است تا جایی که برخی به کنایه به دولت اعلام کردند به جای اعلام استان‌های تعطیل، غیرتعطیل‌ها را اعلام کنید!

خبر اول

رهبر معظم انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن:

پیروزی غزه یک وجبی بر امریکا تحقق امر محال بود

اگر گفته می‌شد مردم منطقه کوچک غزه با قدرت بزرگی مثل امریکا می‌جنگند و بر آن پیروز می‌شوند، هیچ کس باور نمی‌کرد اما این امر محال به اذن پروردگار محقق شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار استادان، قاریان، و حافظان برتر شرکت‌کننده در چهل و یکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن و قشرهایی از مردم، قرآن را معجزه جاودانه نبی مکرم اسلام خواندند و تأکید کردند: توکل حقیقی به پروردگار، هر امر محالی را هم محقق می‌کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تبریک میلاد اباعبدالله الحسین(ع)، استمرار اعجاز قرآنی و نبوی را برکت عظیمی برای انسان و عالم وجود برشمردند و گفتند: هنگام مراجعه و تلاوت قرآن باید توجه کامل داشت که با معجزه رسول خاتم روبه‌رو هستیم.

ایشان لفظ، نظم، مفاهیم، بیان سنت‌های الهی و همه چیز قرآن را معجزه خواندند و گفتند: اگر از این معجزه عظیم بهره‌گیری شود، همه مشکلات بشر برطرف می‌شود و زندگی جوامع بشری سامان می‌یابد.

رهبر انقلاب با اشاره به دسترسی اولیا و علما و بزرگان به معارف بلند قرآنی، گفتند: برای آحاد بشر نیز همین تعابیر ظاهری و درس‌های مشهود قرآن راهگشاست.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین مفهوم قرآنی «توکل» گفتند: به فرموده کلام‌الله مجید، هر کس به خدا توکل کند خدا برای او کافی است؛ بنابراین اگر شروط توکل رعایت شود، این وعده الهی حتماً تحقق می‌یابد.

ایشان، اعتماد و یقین به وعده‌های صادق الهی را شرط ذهنی توکل خواندند و افزودند: باید بدون هیچ‌گونه سوءظن، یقین داشت که به اذن پروردگار، هر امر محالی ممکن خواهد شد.

پیروزی غزه امر محالی بود که محقق شد

رهبر انقلاب پیروزی مردم غزه بر رژیم صهیونیستی و رژیم امریکا را نمونه‌ای از تحقق امر محال دانستند و گفتند: اگر گفته می‌شد مردم منطقه کوچک غزه با قدرت بزرگی مثل امریکا می‌جنگند و بر آن پیروز می‌شوند، هیچ کس باور نمی‌کرد اما این امر محال به اذن پروردگار محقق شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شرط دوم برای تحقق آیه «مَن یَتَوَکل عَلی الله فَهُوَ حَسْبُه» را حضور در میدان عمل برشمردند و گفتند: خداوند در هر کاری، بخشی را بر عهده انسان گذاشته است و اگر علاوه بر یقین ذهنی به وعده‌های پروردگار، این وظایف هم انجام شود، بدون تردید هر کاری حتی اگر محال باشد، ممکن خواهد شد.

تفاوت ملت ایران با دیگران

ایشان با اشاره به رویارویی استکبار با بسیاری از ملت‌های دنیا و نه فقط ملت ایران، گفتند: فرق ملت ایران با دیگران این است که جرئت گفتن این واقعیت را دارد که امریکا متجاوز، دروغگو، فریبکار و استعمارگر است و به هیچ اصلی از اصول انسانی پایبند نیست؛ بنابراین، «مرگ بر امریکا» می‌گوید اما دیگران جرئت بیان این حقایق و ایستادگی در مقابل امریکا و ادای سهم خود در مبارزه با استکبار را ندارند، بنابراین به نتیجه‌ای هم نمی‌رسند.

رهبر انقلاب با تأکید بر ضرورت صبر و مجاهدت برای حصول نتیجه، صبر و تلاش ۴۶ ساله ملت ایران در مقابل صف‌آرایی همه مستکبرین جهان را باعث رشد همه‌جانبه کشور خواندند و افزودند: ملت ایران نه تنها در این رویارویی ضربه ندید بلکه در همه زمینه‌ها رشد و پیشرفت کرد.

ایشان تربیت هزاران جوان و نوجوان قاری و حافظ قرآن در سراسر کشور را نمونه‌ای از پیشرفت‌های معنوی کشور برشمردند و افزودند: در جهات مادی نیز کشور رشد کرده و کارهای گوناگون و بزرگی به دست جوانان انجام شده که این پیشرفت‌ها با توکل به پروردگار تا رسیدن ملت به نقطه اوج و مطلوب خود ادامه خواهد یافت.

در ابتدای این دیدار رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه، گزارشی از برگزاری چهل و یکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم با حضور قاریانی از ۲۶ کشور اسلامی در مشهد مقدس بیان کرد.

برپایی دوره‌های حفظ و تلاوت، تفسیر و آموزش، مدیریت دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم و فعالیت‌های متنوع در زمینه ترویج معارف و فرهنگ قرآنی در کشور از محورهای گزارش حجت‌الاسلام خاموشی بود.

در این مراسم همچنین برخی شرکت‌کنندگان برتر مسابقات بین‌المللی اخیر قرآن کریم در مشهد مقدس، آقایان: سید محمد حسینی‌پور، نفر اول رشته قرائت - استاد محمد علی جابین، داور بین‌المللی از کشور مصر - محمد خاکپور، نفر اول رشته حفظ کل - محمد حسین محمد، نفر دوم رشته قرائت از کشور مصر - هاشم روغنی، قاری ممتاز بین‌المللی و جمعی از نوجوانان ممتاز قرآنی به قرائت فرازهایی از کلام‌الله مجید و اجرای ابتهال پرداختند.

بهارستان

رئیس مجلس شورای اسلامی:

کارنامه ضعیفمان را نباید به نام امام و انقلاب کنیم

رئیس مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه نباید کارنامه ضعیفمان را به نام امام و انقلاب ارائه کنیم، گفت: این انقلاب متعلق به مردم است و عملکرد ما باید در شأن آنان باشد.

محمد باقر قالیباف روز گذشته در مراسم تجدید میثاق با بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی و گرامیداشت دهه مبارک فجر در حرم مطهر امام راحل گفت: دهه فجر برای همه ما بسیار عزیز و مبارک است، علتش این است که این زمان اوج ملت شدن مردم ایران است، این دهه فتح الفتوح و تحولی برای جوانان این سرزمین زیر چتر دین است و این تقارن اتفاقی نیست. در تاریخ معاصر ما هیچ موضوعی مثل دین نتوانسته ما ایرانی‌ها را این گونه کنار هم منسجم و تبدیل به یک ملت کند، باید قدردان باشیم و این سرمایه را حفظ کنیم و این رمز ماندگاری انقلاب ماست، همان طوری که رهبر معظم انقلاب فرمودند انقلاب اسلامی بود که توانست امر ملی را در ایران احیا کند و این امام و مقام معظم رهبری بودند که این قطب نما و جهت‌گیری را به ملت عزیز ما دادند و ان شاءالله این موضوع حفظ خواهد شد.

قالیباف با تأکید بر اینکه باید همین اندیشه و مسیر امام را حفظ کنیم، بیان کرد: مردم سالاری امام ناشی از اسلام شناسی امام بود، امام بر همین اساس بود که به مردم باوری رسید و به ما آموخت که هدف انقلاب پیش بردن دین و دنیای مردم توأم با هم است.

■ **شأن مسئولان در جمهوری اسلامی خدمت به مردم است**

وی افزود: امام به ما یاد داد فهمی که در آن مردم باوری نباشد، فهم درستی نیست. ایشان به ما یاد داد که محوریت در تمام امور اعم از اقتصاد، سیاست داخلی، سیاست خارجی و همه چیز با مردم است. همچنین در میان همه مردم، محرومان در اولویت هستند زیرا آنهایی تا آخر خط با این انقلاب خواهند ماند که طعم محرومیت و فقر را چشیده باشد. مسئولان در جمهوری اسلامی فقط خادمان مردم هستند و ایجاد هرگونه زحمت برای مردم یا عدم رضایت مردم به خصوص و به ویژه اقشار محروم باید خط قرمز عملکرد هر مدیر و مسئولی باشد.

■ **امام به مردم ایران اعتماد به نفس ملی داد**

قالیباف افزود: امام (ره) به مردم شریف ایران اعتماد به نفس ملی داد؛ ما در تمام فراز و نشیب‌های این ۴۶ سال اخیر، از پیروزی انقلاب تا دوران دفاع مقدس، در عبور از فتنه‌های گوناگون، چالش‌های امنیتی، فشارهای اقتصادی و تحریم، جبهه مقاومت، پیشرفت‌های شگفت‌انگیز کشور، عرصه‌های علم و دانش و بسیار موارد دیگر، اعتماد به نفس ملی را در مردممان دیدیم و تجربه کردیم. وی اضافه کرد: در محرومیت نگه داشتن مردم چه از سر ناکارآمدی باشد چه به خاطر غرض ورزی، خلاف کرامت مردم است. اگر می‌بینیم نتیجه عملکرد مدیریتی ما چنین است باید با خودمان روراست باشیم و بدانیم که خلاف مکتب امام(ره) عمل می‌کنیم ما نباید کارنامه ضعیف خودمان را به نام امام و انقلاب ارائه کنیم.

■ **القای خسته شدن مردم از انقلاب دروغ و مردم‌فریبی است**

رئیس مجلس تصریح کرد: البته اگر دشمنان یا وادادگان اینگونه القا کنند که مردم از انقلاب بریده یا خسته شده‌اند این هم یک دروغ بزرگ و یک مردم فریبی است، هیچ کس بیشتر از همین مردم پای انقلاب هزینه نداده و بیشتر از این مردم، انقلاب را از آن خودش نمی‌داند اما وقتی عملکرد ما در شأن مردم نباشد قطعاً حق با مردم است. وی با تأکید بر اینکه امام (ره) به مردم به معنای عام آن توجه داشتند، گفت: امام به بعضی از اقشار جامعه به طور ویژه تأکید داشتند و از آنها توقع پیشرانی، پیشاهنگی و کنشگری هم داشتند که نمونه آن جوانان، زنان، نخبگان، روحانیون، کارآفرینان، تولیدکنندگان و کارگران است. امام به نقش زنان در فرهنگ، تقویت و پرورش به ویژه فرزندان خود و اقتصاد تأکید ویژه داشتند. ایشان در وصیت نامه الهی و سیاسی خود نسبت به کنشگری زنان توجه دارند و از نقش آنها در اقتصاد هم تقدیر کردند.

■ **حصار تحریم‌ها با مردمی شدن اقتصاد می‌شکند**

وی افزود: امام راحل به مسئله حصر اقتصادی که از زمان حیات ایشان تا به امروز که حلقه آن هم تنگ‌تر شده است، اعتنا داشتند. آن چیزی که اقتصاد کشور را از حصار تحریم‌ها بیرون می‌کشد، مردمی شدن است. اقتصاد ما به خاطر دولتی بودن ضریب آسیب پذیری بیشتر و تاب‌آوری کمتر در برابر تحریم دارد. قالیباف با بیان اینکه اعتماد به نفس فعال اقتصادی و تولید کننده ایرانی نباید بشکند اظهار داشت: مداخله نابه‌جا یکی از عوامل از بین رفتن این اعتماد به نفس است، اینجاست که باید حساس باشیم. دولت نه فقط خودش نباید چنین خطایی کند، بلکه باید با حمایت دقیق از اقتصاد مولد خصوصی، حافظ اقتصاد در خدمت مردم باشد.

رئیس مجلس بیان کرد: امام عزیز ما در حینی که به اقتصاد و سیاست داخلی اهمیت می‌داد، به همان میزان به سیاست خارجی هم تأکید داشت. نگاه امام در مورد سیاست خارجی بسیار روشن و پیشرو است. ایشان تأکید داشتند که همه نسبت به مسائل خارجی مسئولیت دارند اما ناوبری به دست وزارت امور خارجه است. ایشان از رابطه با هر کشوری که نخواهد در امور مردم و کشور ما دخالت کند و ما را وابسته به خود نکند، استقبال و اولویت را هم با کشورهای اسلامی بیان می‌کردند. این مبانی و اصول محکم و شفاف، دست ما را برای تحول در روش‌ها و دوره‌ها و مسئله‌های مختلف باز می‌کند.

قالیباف ادامه داد: به جرئت می‌توان گفت امام از اولین متفکران مسلمانی بود که در مورد خطر رژیم صهیونیستی هشدار داد و حتی یکی از پایه‌های قیامش در برابر رژیم ستمشاهی، وابستگی شاه ملعون به صهیونیست‌ها بود. شک نداریم وعده امام در مورد آزادسازی قدس به دست مسلمانان و مستضعفان هم صادق است و طبق سنت‌های الهی اتفاق خواهد افتاد. امروز صهیونیسم که عصاره رذائل نظام سلطه است در مقابل وجدان جهانی سرافکنده شده است و به هیچ یک از اهداف راهبردی خود در غزه و جنوب لبنان نرسیده و نخواهد رسید.

دولت

معاون اول رئیس‌جمهور:

مزیت انحصاری انقلاب ما، مدیریت موفق بحران است

مزیت انحصاری انقلاب ما، مدیریت موفق «بحران» است و هرگاه که با بحران روبه‌رو شده‌ایم، با انسجام داخلی و همراهی بیشتر مردم، به موفقیت رسیده‌ایم.

محمدرضا عارف در آیین تجلیل از محافظان نهاد ریاست جمهوری که به مناسبت میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار برگزار شد، با قدردانی از خدمات محافظان و خانواده‌های آنها گفت: از همسران پاسداران و محافظان ریاست جمهوری که با وجود تمام مشکلات، شرایطی را فراهم می‌کنند که همکاران ما در آرامش به کار خود بپردازند، قدردانی و تشکر کنم. حقیقتاً رفتار، کردار و عملکرد پاسداران و محافظان دولت، الگویی برای تمامی همکاران است و ان‌شاءالله که خداوند، اجر زحمات خالصانه آنان به اسلام و کشور را عطا کند.

معاون اول رئیس‌جمهور گفت: انقلاب اسلامی، انقلابی فرهنگی و اخلاقی به رهبری مرجعی گرانقدر است و امروز خدا را شاکریم که در طول بیش از چهار دهه گذشته با وجود آنکه با موانع و مشکلات سنگینی روبه‌رو بوده‌ایم اما بر توطئه‌ها و مشکلات فائق آمدیم، ما از جنگ تحمیلی با پیروزی بیرون آمدیم که در اصل، رودررویی با همه جهان استکبار بود و بعد از آن هم، دشمن هر روز با شیوه‌ها و فناوری‌های جدید به مقابله با انقلاب اسلامی آمد، اما به خاطر حضور مردم و حضور محافظان ارزشمندی که دغدغه‌شان ارزش‌ها، اسلام، انقلاب اسلامی و کشور بود با عنایات خدوند از همه این میدان‌ها، پیروز بیرون آمدیم.

عارف در این آیین با تبریک اعیاد شعبانیه و دهه فجر انقلاب اسلامی تصریح کرد: مزیت انحصاری انقلاب ما، مدیریت موفق «بحران» است و هر گاه که با بحران روبه‌رو شده‌ایم، با انسجام داخلی و همراهی بیشتر مردم، به موفقیت رسیده‌ایم. برای اینکه مسیر را به درستی پیش ببریم، توقع این است که اصلاح از مرکز حکومت شروع بشود و مرکز حکومت، «کارآمدی، کارآیی، همسویی با نظام و ارزش‌های اسلامی» را نشان دهد، البته که این کار، کاری دشوار است اما همکاران عزیزم در نهاد ریاست جمهوری به خوبی از عهده آن برآمده‌اند و صمیمانه از زحمات آنها تشکر می‌کنم.

خبر

به مناسبت روز پاسدار انجام شد

دیدار فرمانده کل ارتش با فرمانده کل سپاه

امیر سرلشکر موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز پاسدار با حضور در ستاد فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با سرلشکر سلامی دیدار کرد.

به گزارش روابط عمومی سپاه، امیر سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت سالروز ولادت حضرت امام حسین (ع) و روز پاسدار با حضور در ستاد فرماندهی کل سپاه با سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جمعی از فرماندهان سپاه دیدار و روز پاسدار را به وی و آحاد پاسداران ایران اسلامی تبریک گفت.

در این دیدار امیر سرتیپ محمد حسین دادرس، جانشین فرمانده کل ارتش، امیر دریادار حبیب الله سیاری معاون هماهنگ کننده آجا، فرماندهان نیروهای چهارگانه ارتش، معاون اجرایی آجا و رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات راهبردی ارتش نیز حضور داشتند.

یادداشت

انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین کنش جمعی ایرانیان

جعفر حسن‌خانی
کارشناس سیاسی

این روزها توهین به مردم و تخفیف رویداد بزرگ انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ رویکرد اصلی جریان سلطنت‌طلب است. بستر این توهین و تخفیف، وجود نارضایتی‌های اجتماعی به دلیل چالش‌های اقتصادی کشور در سال‌های اخیر است، که البته در این چالش یک دهه اقتصادی، «متغیر خارجی» سهم عمده را داشته است. جنگ اقتصادی و اعمال تحریم علیه ایران از سوی امریکا به عنوان متغیر اصلی مهم‌ترین دلیل وجود مشکلات اقتصادی کشور بوده است. این اقدام امریکا علیه ایران هم یک دلیل مهم دارد: ممانعت از پیشرفت هسته‌ای ایران.

در این وضعیت نارضایتی برآمده از تحریم، سلطنت‌طلبان در تولیدات رسانه‌ای خود، به تصریح و تأکید عمل همه مردم در سال ۱۳۵۷ را علت وضعیت کنونی معرفی می‌کنند و به شنیع‌ترین شکل که در رویه رفتاری سلطنت‌طلبان متعارف است، آن را مورد هجو قرار می‌دهند و عملاً تبدیل به پیوست رسانه‌ای تحریم و جنگ اقتصادی امریکا علیه ایران شده‌اند.

حال در این وضعیت لازم است تأملی دوباره در رخداد بزرگ انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۵۷ داشت: انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین کنش جمعی ایرانیان در طول تاریخ ایران است. ایرانیان در فراخنای تاریخ خود هیچ‌گاه در این گسترده و تعداد رویدادی نیافریده‌اند. ملی‌ترین رویدادی که در ایران رخ داده است، انقلاب اسلامی است که شامل بیشترین تعداد از مردم بود. در جریان انقلاب اسلامی از نظر تعداد حضور مردم در خیابان می‌توان با قاطعیت مدعی بود که این انقلاب در مقایسه با همه انقلاب‌های جهان، مردمی‌ترین انقلاب بود و تعداد افراد شرکت‌کننده در انقلاب اسلامی در هیچ یک از انقلاب‌ها رخ نداده است. نسبت دادن این عمل جمعی ایرانیان به وعده‌هایی نظیر آب و برق رایگان که البته استناد تاریخی ندارد هم توهین به ملت ایران است.

انقلاب اسلامی یک رخداد تاریخمند است. یک رویداد دفعی و بی‌بوته نیست. رخداد انقلاب اسلامی ابتنای بر تاریخ ایران دارد و از این تاریخ برآمده. چنین رویداد بزرگ سیاسی اجتماعی بدون اینکه ابتنای بر صیرورت تاریخی داشته باشد، توان تحقق نمی‌یابد. گسیلگری انقلاب اسلامی، سندی است بر تاریخمندی انقلاب اسلامی. یک نظام معنایی تاریخمند توان چنین صحنه آرایی را دارد. جمعیت بدون تاریخ و بدون نظام معنایی تاریخی توان این حد از انسجام، این شکل از تحول و این گستردگی عمل را ندارد. اسلام در طول هزار و چند صد سال جامعه ایران را در بر گرفته و این جامعه هزار سال به سیاق اسلامی زیسته‌اند و تلاش برای حذف هزار سال زیست ایرانی از امروز ایرانیان خطایی بود که پهلوی اول و دوم کردند. حذف هزار سال تجربه زیسته ایرانیان، حذف ایرانیت ایران است. آیت الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی کتابی دارد تحت عنوان «رساله مقیم و مسافر» که دوران پهلوی اول نوشته است. این رساله جامعه‌شناسی یک جامعه استبداد زده است. اگر بخواهیم از استعاره زیبای حاج آقا نورالله نجفی استفاده کنیم، باید گفت تاریخ نشان داد که اسلام مقیم این سرزمین است و استبداد مسافری بیش نیست و در این سرزمین اقامتگاهی ندارد. انقلاب اسلامی نشان داد که از پس تاریخ ایران چه کسی در این سرزمین مقیم است و چه کسی مسافر. پهلوی به تاریخ ایران پشت کرد و یک تاریخ گذشته‌گرای اگزجره را برگزید و تاریخ به صحنه آمد او را برنگزید.

انقلاب اسلامی جریان است نه رویداد صرف. در فهم انقلاب اسلامی این نکته را هم باید لحاظ کرد. نباید انقلاب اسلامی را صرفاً به عنوان یک رویداد تاریخی دانست که در بهمن ۱۳۵۷ روی داده است، بلکه آن را باید به عنوان یک جریان تاریخی درک کرد که از پی سده‌ها تلاش به نقطه عطف درخشان بهمن ۱۳۵۷ رسید و پس از آن از حرکت نایستاده است. انقلاب اسلامی حاصل یک تداوم تاریخی است و امروز در تاریخ تداوم دارد. انقلاب اسلامی یک روند پویا است نه یک رویداد ایستا. انقلاب اسلامی با تاریخ گذشته خود پیوست دارد اما پهلوی یک گسست تاریخی در ایران بود که با انقلاب اسلامی این گسست با پیوست تاریخی جایگزین شد. پهلوی تنها حکومتی در ایران بود که خارج از تحولات درون ایران به زور نیروی خارجی در ایران تأسیس شد و علیه تاریخ ایران شورید اما دیری نپایید و تداوم تاریخی ایران توانست از پس این گسست برآید و آن را به پیوست تبدیل کند.

خبر آخر

وزیر کشور:

امسال یک میلیون و صد هزار نفر از اتباع بیگانه اخراج شدند

در جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، وزیر کشور از اخراج یک میلیون و صد هزار نفر از اتباع بیگانه طی امسال خبر داد.

به گزارش ایسنا، ابراهیم رضایی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی در توضیح جلسه عصر دیروز کمیسیون گفت: اسکندر مؤمنی، وزیر کشور به مسائلی مانند انسداد مرز، بحث لایروبی اروند، مقابله با قاچاق انسان، مواد مخدر و قاچاق سوخت، بحث مسکونی‌سازی جزایر، مسئله اتباع بیگانه و ساماندهی آن‌ها، تشکیل سازمان ملی اقامت و مهاجرت پاسخ داد. وزیر کشور در مورد اتباع گفت که امسال یک میلیون و صد هزار نفر از اتباع بیگانه تاکنون اخراج شده‌اند، اما احتمال دارد درصدی از آنها برگردند. وزیر کشور درخواست داشت که موضوع اتباع بیگانه یکپارچه و اختیارات لازم در این زمینه داده شود. با اشاره به لایحه سازمان ملی مهاجرت درخواست داشت که تصویب شود.

ستون دوشنبه‌ها

از حاشیه تا متن

تقی دژاکام
روزنامه‌نگار

بچه‌ها را به موزه عبرت ببرید!

من فکر می‌کنم از کارهایی که باید برنامه آن در حوزه آموزش و پرورش کشور، و به خصوص تهران، قرار و ادامه داشته باشد، بردن دانش‌آموزان، و به‌خصوص دبیرستانی‌ها، به «موزه عبرت» است. حقیقت این است که ذهن و روح بسیاری از نوجوانان و جوانان کشورمان با تبلیغات وارونه و دروغین رسانه‌هایی ساخته و پرداخته می‌شود که رسماً و به‌خصوص این روزها اعلام شده است ردیف بودجه مشخص از دولت امریکا دارند یا آشکارا بین انگلیس و اسرائیل دست به دست می‌شوند. در چنین شرایطی طبیعی است که دوران پهلوی با ساخت یک بزرگراه و دو دانشگاه و یک تونل و یک پل معرفی و تبلیغ شود، اما سرخم کردن شاه کشور در برابر سفیر واشینگتن و لندن و اطاعت کردن‌های نخست‌وزیر کشور از آنها و تشکیل جلسه سران سه کشور جهان در تهران و دعوت‌نکردن از همین شاه به آن، سانسور شود. از تقدیم دختران این مرزوبوم به شاه و مهمانان خارجی دربار سخنی گفته نشود و دادن استان چهاردهم ایران و یکی از استراتژیک‌ترین مناطق کشور در خلیج فارس به تعبیر شاه چون «بحرین مروارید نداشت» و طنز تلخ هویدا که «به هیچ‌کس مربوط نیست؛ دختر خودمان بود، دلمان خواست شوهرش دادیم.» تمام شود!

آری جوانان ما، دانش‌آموزان و دانشجویان ما باید به موزه عبرت بروند تا با چشمان خود اتاق‌های شکنجه، ابزارهای شکنجه و فیلم‌های موجود در آن را مشاهده کنند و با خدمات شاه و ساواک بهتر آشنا شوند و «آپولو» و مصداق جدید «مشکل گشا» را در آنجا ببینند و شکنجه با کابل برق و باتوم برقی و آویزان کردن از نرده‌های مشرف به حیاط زندان و به صورت وارونه در اطاق شکنجه و چرخاندن و دستبندزدن صلیبی و رهاکردن در حوض بزرگ و مرتفع زندان و باز کردن آب تا زیر چانه و نگه‌داشتن زندانی برای سه روز در این شرایط و زدن شلاق‌های خاص روی ناخن‌ها و پراندن آنها یا فروکردن سوزن‌های ته‌گرد به زیر ناخن و روشن کردن فندک یا شمع زیر آن و دوماه‌ونیم روی تخت مصلوب کردن یا شکنجه‌های خاص برای دختران و «زن»هایی که دنبال «زندگی» و «آزادی» برای خود و دیگران بودند با رسم شکل برایشان جا بیفتد.

جوانان و نوجوانان ما باید از جزئیات جشن‌های ۲۵۰۰ساله باخبر شوند و مثلاً بدانند که کار به آنجا رسیده بود که صدای خبرنگاران اروپایی و آن روزنامه معروف انگلستان درآمده بود که در ۲۸ مهر ۱۳۵۰ با اشاره به این موضوع که «دربار ایران، امروز یکی از پرتجمل‌ترین و پرخرج‌ترین دربارهای جهان است»، نوشت: «شگفت‌انگیز است در کشوری که فقر در همه‌جای آن به چشم می‌خورد، زمامداران آن به خود اجازه می‌دهند این‌چنین بی‌پروا میلیاردها خرج برپاکردن خیمه و خرگاه کنند یا گران‌ترین رستوران جهان، ماکسیم، را به خدمت بگیرند. شهرت آشپزهای ایرانی از مرزوبوم این کشور گذشته است؛ هیچ خارجی نیست که یک‌بار غذای ایرانی را چشیده باشد و با تحسین از آن یاد نکند. پس چرا میلیون‌ها دلار به رستوران ماکسیم پول دادند که حتی سالاد گوجه‌فرنگی را از فرانسه وارد کند؟ آیا در ایران گوجه‌فرنگی نمی‌رویید؟»

دانش‌آموز و دانشجوی ما باید بداند که شاه تمام احزاب و گروه‌های سیاسی گوناگون را منحل کرد و به آنها اجازه ادامه فعالیت نداد و فقط و فقط به یک حزب دربارساخته یعنی «رستاخیز» اجازه فعالیت سیاسی داد و شخص شاه پا را از این هم فراتر گذاشت و صریحاً در کنفرانس مطبوعاتی را کسانی که عضو این حزب نشوند تهدید کرد و گفت «کسی که وارد حزب رستاخیز نشود، دو راه در پیش دارد: یا فردی است متعلق به یک تشکیلات غیرقانونی یعنی به‌اصطلاح خودمان توده‌ای و یک فرد بی‌وطن است، یا اگر بخواهد، فردا با کمال میل، بدون اخذ عوارض، گذرنامه‌اش را در دستش می‌گذاریم و به هر جایی که دلش خواست، می‌تواند برود؛ چون ایرانی نیست و وطن ندارد».

اگر نسل جوان و نسل جدید ما در کنار این آگاهی‌ها ببینند به جای یک بزرگراه ناتمام و دو سه دانشگاه، الان در تمام شهرهای بزرگ و کوچک ما دانشگاه تأسیس شده، نزدیک به ۲۰ بزرگراه فقط در شهر تهران داریم که بسیاری از آنها طولانی‌تر و عریض‌تر از بزرگراه مدرس است، فاصله تقریباً تمام شهرهای بزرگ کشور با آزادراه‌های متعدد طی می‌شود، به جای پزشکان هندی و فیلیپینی آن دوران، اکنون بهترین پزشکان و بیمارستان‌های دنیا و منطقه را داریم و یکی از منابع درآمدی کشورمان توریسم پزشکی و پذیرش بیماران از کشورهای دیگر است، به‌جای یک حزب دولت‌ساخته سابق، امروز بیش از ۷۰ حزب و سازمان و تشکل سیاسی و اجتماعی مختلف در ایران فعالیت می‌کنند و بیانیه می‌دهند و عضوگیری دارند و در انتخابات‌های مختلف رقابت می‌کنند. زندان‌های ما به‌گونه‌ای است که در آنها زندانیان پس از آزادی چاق‌تر و سرحال‌تر شده‌اند و بدترین شکنجه آنها این بوده که تعداد لوبیاهای یکی از وعده‌های غذایی آنجا ۱۷ عدد بوده!

از همه اینها گذشته امروز رئیس جمهور و نمایندگان مجلس و تصمیم‌گیرندگان شهرها و روستاها با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند و رقابت‌ها تنگاتنگ و به‌گونه‌ای است که در هر انتخاباتی رئیس جمهوری با نگرشی کاملاً متفاوت با نگرش برگزارکنندگان انتخابات و رئیس جمهور قبلی برگزیده ملت شده است و از این مهم‌تر اینکه دیگر رئیس جمهور و رؤسای قوا و اکثر مسئولان ما زیر بلیت آدم‌های رده چندم کشورهای خارجی نیستند و از آنها دستور نمی‌گیرند و دلسوز مردم و سرنوشت آنهایند و البته بله، اشتباه هم کم ندارند؛ اما اشتباهات اینها کجا و سرسپردگی رسمی و علنی آنها به کشورهای خارجی کجا. ۴۶ سال اخیر تنها دوره‌ای از تاریخ ایران است که یک وجب از خاک پاک میهنمان جدا نشده، زندگی شخصی دو رهبر بزرگ آن از زندگی متوسط مردم کشور پایین‌تر و ساده‌تر و سالم‌تر بوده و است و عزت و اقتدار ملی و علمی و نظامی کشورمان در اوج قرار داشته و دارد.

اینها همه به دلیل وابستگی عمیق ملت ایران به دینداری، توکل آنها به خداوند متعال، عشق و محبت زایدالوصف آنان به اهل بیت علیهم‌السلام و به استقلال، آزادی و صداقت جمهوری اسلامی، هوشمندی، کیاست و اقتدار دو رهبر بزرگ انقلاب و جانفشانی شهیدان فراوان آن از شهیدان دوران شاه و انقلاب اسلامی تا جنگ تحمیلی تا عرصه‌های متعدد دیگر بوده و است. تا باد چنین بادا...

خبر

سرلشکر صفوی:

مسیر حزب‌الله در منطقه به سمت پیروزی است

دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا در سخنرانی روز ولادت امام حسین (ع) در آستان حضرت عبدالعظیم (ع) گفت: مسیر حزب‌الله در عراق، لبنان و سوریه به سمت پیروزی است.

به گزارش ایرنا، سردار سرلشکر پاسدار سید یحیی رحیم صفوی روز گذشته در مراسم جشن ولادت سومین اختر تابناک امامت حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) در شبستان امام خمینی(ره) آستان مقدس حضرت عبدالعظیم(ع) با اشاره به وقایع اتفاق افتاده در منطقه اظهار داشت: امریکایی‌ها فکر می‌کنند که در منطقه به پیروزی رسیده‌اند این را بدانند سخت در اشتباهند. همان‌طور که بعد از ۲۰ سال در افغانستان شکست خوردند و فرار کردند از عراق هم فراری خواهند شد. دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا خاطرنشان کرد: همه دیدیم که سرانجام حماسه مقاومت مردم مظلوم فلسطین جز پیروزی و شکست امریکا و اسرائیل و هم پیمانانشان نبود. صفوی گفت: نتیجه بیش از ۴۵۵ روز کشتار کودکان و زنان بی‌گناه چیزی جز تسلیم بر خواسته‌های نیروهای حماس نبود و مردم دنیا دیدند که این رژیم خونخوار با چه ذلتی آتش‌بس را پذیرفت و به خواسته‌های حماس برای مبادله اسرا تن داد.

گزارش یک
مهسا گربندی

تصمیم سرنوشت‌ساز را بی‌توجه به مصالح کنکوری‌ها نگیرید

محمدصادق عبداللهی، مدیر گروه آموزش و پرورش مرکز پژوهش‌های مجلس:
مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی اصلاحات عمیقی می‌خواهد تا به عدالت نزدیک و ایرادات آن رفع شود

چشم و امید داوطلبان کنکور به جلسه فردای شورای عالی انقلاب فرهنگی است. پیشنهاداتی نیز از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس برای مصوبه جدید کنکوری مطرح شده‌است؛ پیشنهاداتی که تقریباً منتقدان به مصوبه اخیر شورا را هم راضی خواهد کرد. کاش مسیر رئیس جمهور قبل از اینکه به شورای انقلاب فرهنگی برسد و مصوبه جدید را امضا کند، از میان‌بر مرکز پژوهش‌های مجلس بگذرد. کاش این پیشنهادات را بخوانند و طی مسیر رسیدن به شورا یک به یک آنها را بررسی کند که در این صورت به عنوان یک فرد دانشگاهی بهترین تصمیم را می‌گیرد.

با نزدیک شدن به زمان برگزاری کنکور، داوطلبان در انتظار تصمیم سرنوشت‌ساز شورای‌عالی انقلاب فرهنگی هستند. جلسه فردای شورا، جزئیات سرنوشت نهایی تأثیر معدل در آزمون سراسری را مشخص می‌کند، موضوعی که برای بسیاری از کنکوری‌ها به یک دغدغه جدی تبدیل شده‌است. آنها می‌گویند اگر ریاست جمهوری پای برگه‌های مصوبه شورا را در هفته گذشته امضا نکند، این مصوبه مجدد بازنگری می‌شود و یک روزنه امید برای تصمیمات بهتر در شورا برایشان ایجاد می‌شود، چراکه آنها مصوبه فعلی را به عنوان راهی برای برقراری عدالت آموزشی نمی‌دانند.

قرار بود با مصوبه جدید کنکوری دیگر تمام هم و غم دانش‌آموزان، کنکور نباشد، بلکه تلاش کنند توانایی‌های آموزشی خود را بالا ببرند و در کلاس درس، حضور و نقش فعال داشته باشند. مسئولان می‌خواستند اثر صد در صدی این آزمون تستی را از میان بردارند. همه اینها خوب است، اما حالا با مصوبه تأثیر قطعی معدل در پایه یازدهم و دوازدهم به قدری مسیر ورود به دانشگاه پرپیچ و خم شده که کوله باری از استرس و اضطراب روی دوش دانش‌آموزان سنگینی می‌کند و بدتر اینکه آنهایی که دانش‌آموز دیروز بودند و پشت کنکور ماندند نیز باید ۲۳ امتحان را پشت سر بگذرانند و بعد از آن نیز با غول کنکور مواجه شوند! اینها برخی از ایراداتی است که طی این هفته از سوی کارشناسان آموزش و همچنین داوطلبان کنکور مطرح شده‌است.

■ صدای داوطلبان کنکور شنیده نمی‌شود

استرس و اضطراب تمام وجودشان را گرفته، برخی‌شان می‌گویند عبور از امتحانات نهایی و بعد از آن کنکور به قدری برایشان دلهره‌آور شده که امیدی به آینده ندارند. برخی دیگر هم که پشت کنکوری هستند و طبق مصوبات جدید کنکوری باید برای خود سوابق تحصیلی ایجاد کنند، از بی‌عدالتی‌های پیش آمده می‌گویند، چراکه باید مجدد امتحان دهند و بابت وقت و هزینه صرف کنند. در پس تمام این انتقادات اما، یک حرف مشترکی میانشان رد و بدل می‌شود؛ اینکه گوش شنوایی برای شنیدن حرف‌هایشان نیست. آنها می‌گویند اگر قرار است مصوبه جدید کنکوری برای آینده‌شان تعیین‌تکلیف کند، چرا آقایان تصمیم‌گیرنده پای صحبت آنها نمی‌نشینند تا به تصمیمات دقیق‌تر و بهتری در جلسه شورا برسند؟!

عجیب است! می‌گویند حتی وقتی در فضای مجازی به اکانت‌های مسئولان تصمیم‌گیرنده یا حتی به شماره تلفن آنها پیام می‌دهند که تصمیمات کارشناسانه‌تری را مدنظر قرار دهند، اما آقایان مسئول پشت تریبون می‌روند و می‌گویند که این پیامک‌ها از سوی مافیا اداره می‌شود! اما کدام مافیا؟ داوطلبان کنکور یا آن مافیایی که ممکن است با مصوبات جدید کنکوری قدرت بگیرد و تیشه به ریشه آینده‌سازان مملکت بزنند؟ یکی از داوطلبان کنکور در این رابطه می‌گوید: «برخی مسئولان، انتقادهای دانش‌آموزان و خانواده‌ها را به مافیای کنکور یا مافیای معدل نسبت می‌دهند. این در حالی است که دانش‌آموزان واقعی با مشکلاتی نظیر نابرابری آموزشی، عدم دسترسی به منابع و فشارهای مالی و روانی روبه‌رو هستند و این انتقادات از دل این مشکلات برآمده‌است. دانش‌آموزانی که در این نظام آموزشی در حال تلاشند، نماینده واقعی مردمند و نه مافیا.»

■ پیشنهادات مرکز پژوهش‌های مجلس

سال‌های سال است که گفته می‌شود باید با غول کنکور مبارزه کرد و طرحی درست جایگزین آن شود، اما آیا طرحی که اکنون در مصوبات جدید نوشته شده می‌تواند غول کنکور را شکست دهد و عدالت آموزشی را رقم بزند؟ آیا این همان چیزی است که کارشناسان و متخصصان حوزه آموزش از آن سخن می‌گفتند؟ محمدصادق عبداللهی، مدیر گروه آموزش و پرورش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در این رابطه می‌گوید: «مصوبه پر سروصدای کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی در آستانه اصلاحات نهایی است. با استدلال‌های کارشناسی و آماری می‌توان نشان داد که اصل ایده این مصوبه دقیق و موجب تعمیق یادگیری، مرجعیت یافتن کتاب‌های درسی و سال‌های تحصیل و رفع خسارت‌های کنکور به رسم سابق است، اما این مصوبه، اصلاحات عمیقی می‌خواهد تا به عدالت نزدیک و ایرادات آن رفع شود. در این بین باید دقت کرد که اصلاحات به‌گونه‌ای مصوبه را قلع و قمع نکنند که اصل ایده خنثی و تأثیر آزمون‌های نهایی نمایشی شود. پیشنهاداتی همچون مثبت‌شدن تأثیر امتحانات نهایی آن هم تنها در پایه دوازدهم و به میزان ۳۵درصد (و حتی ۵۰ درصد)، دقیقاً خنثی‌سازی مصوبه به اسم اصلاح است و موجب می‌شود تا ابد سایه پر مصیبت و فلاکت‌بار کنکور (به شیوه سابق) بر سر نظام آموزش‌وپرورش بماند.»

اما مصوبه جدید در کنار ضعف‌های آموزشی در نقطه به نقطه کشور نگرانی‌هایی را نیز ایجاد کرده‌است؛ موضوعی که عبداللهی نیز بدان اشاره می‌کند: «تلاش ما در مرکز پژوهش‌های مجلس آن بود، اصلاحاتی را به تصمیم‌گیران پیشنهاد دهیم که ضمن تحکیم ایده‌های مصوبه، نگرانی‌ها را نیز برطرف سازد. عمده پیشنهادات اصلاحی ما بدین شرح بود؛ اول، قطعی ماندن تأثیر سوابق در پایه دوازدهم، دوم، مثبت شدن تأثیر سوابق در پایه یازدهم، سوم حذف تأثیر سوابق در پایه دهم (به‌دلیل افت دانش‌آموزان پس از تغییر مقطع از متوسطه اول به متوسطه دوم) و چهارم، اصلاح سهمیه‌بندی مناطق (به‌جهت در نظر گرفتن محرومیت‌ها و نمره‌های پایین ناشی از محرومیت).»

پشت کنکوری‌ها نیز از بی‌عدالتی‌ها در مصوبه جدید کنکوری گلایه دارند. مدیر گروه آموزش و پرورش مرکز پژوهش‌های مجلس در این رابطه پیشنهاد پنجم را مطرح می‌کند: «تعبیه دفترچه آزمون تشکیل سوابق تحصیلی یا برگزاری آزمون جامع برای افراد فاقد سابقه می‌تواند عدالت را برای این گروه رقم بزند.»

او ادامه می‌دهد: «مورد ششمی که مرکز پژوهش‌های مجلس در رابطه با مصوبه کنکوری پیشنهاد کرد، این بود که ردیف بودجه اختصاصی ویژه تجهیز و تکمیل منابع و امکانات زیرساختی برگزاری آزمون‌های نهایی در آموزش‌وپرورش (اعم از تجهیزات فیزیکی و حقوق و دستمزد معلمان و مصححان اوراق امتحانی) تعبیه شود. گفتن این نکته نیز حائز اهمیت است که این پیشنهادات در کنار برخی از موارد جزئی دیگر (همچون حل مسئله کنکور تربیت معلم) می‌تواند ما را به نظام سنجشی عادلانه و دقیق برساند و مسئله کنکور را مانند بسیاری از کشورهای پیش‌رو حل کند.»

عبداللهی در پایان ابراز امیدواری می‌کند و می‌گوید: «ان‌شاءالله بتوان در فضایی کارشناسی، بهترین تصمیم را برای نظام آموزشی کشور اخذ کرد تا حداقل با گذشت سال‌ها و تجربه خسارت‌های کنکور به شیوه سابق، حال گامی به جلو برداریم نه اینکه چند گام عقب‌تر رویم و راه جلو رفت را هم مسدود کنیم.»

■ تصمیم سرنوشت‌ساز

بدون شک با اجرای تمام موارد مطرح‌شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس می‌توان به برقراری ایجاد عدالت آموزشی امیدوار بود، در غیر این صورت راه به جایی نخواهیم برد.

تنها با یک دو،دوتای ساده معلوم می‌شود که کدام تصمیمات و کدام مصوبات به نفع مافیای کنکور و مافیای معدل تمام می‌شود و کدام به ضرر آن. البته اگر چشمی برای دیدن و گوشی برای شنیدن وجود داشته باشد! تنها کافی است مسئولان پیش از آنکه برای میلیون‌ها نفر از جوانان کشور، تصمیمات عجیب بگیرند و آنها را با مشکلات تحصیلی و حتی مشکلات مالی مواجه کنند، حرف‌های کارشناسان دلسوز این حوزه را مو به مو بشنوند و تصمیمی به نفع آینده‌سازان این مملکت بگیرند. در غیر این صورت معلوم نیست که چه سرنوشتی را برای آنها و کشور رقم خواهند زد.

مجید حقدوست|مهر

گزارش ۲
زهرا چیذری

موج‌سواری دلالان روی یک واکسن

مطالعات نشان داده‌اند که در ایران، نرخ شیوع HPV و سرطان دهانه رحم نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه، پایین‌تر است

شاید تا همین چند سال پیش کسی در خصوص واکسنی تحت عنوان واکسن گارداسیل یا بیماری زگیل تناسلی اطلاعی نداشت و این واکسن این همه پرمتقاضی نبود! همه چیز از ماه رمضان سال ۹۷ و یک برنامه تلویزیونی شروع شد که فرد غیرپزشک در یکی از پرمخاطب‌ترین برنامه‌های افطار درباره این واکسن صحبت کرد و این مسئله مورد توجه قرار گرفت. حالا اما به مدد برخی جریان‌سازی‌ها در فضای مجازی و در راستای تأمین منافع برخی افراد و شرکت‌ها، آنقدر تقاضا برای این واکسن افزایش یافته که بازار سیاهی برای گارداسیل درست شده‌است و سازمان غذا و دارو در خصوص واکسن تقلبی گارداسیل هشدار می‌دهد. واکسنی که به باور بسیاری از متخصصان نه هزینه اثربخشی‌اش مناسب است و نه برای همه افراد و گروه‌ها ضروری است، اما یک جریان‌سازی رسانه‌ای موجب شده این واکسن به یکی از پرتقاضاترین داروهای این روزها تبدیل شود.

بالا گرفتن هر تبی نشان از وضعیتی غیرعادی دارد. تب تزریق واکسن اچ‌پی‌وی هم در کشورمان به شکلی غیرعادی بالا گرفته‌است. البته که اصل ماجرا به جریان‌سازی‌هایی باز می‌گردد که در فضای مجازی شکل گرفته و البته سر نخ آن به فضای حقیقی و منافع برخی از افراد و گروه‌ها گره می‌خورد. خلاصه‌اش اینکه واکسنی که به تأکید بسیاری از کارشناسان آنچنان ضرورتی ندارد و یک بیماری که با روش‌های پیشگیرانه قابل کنترل است، حالا به یکی از پر متقاضی‌ترین واکسن‌ها تبدیل شده به گونه‌ای که قیمت واکسن در داروخانه‌های رسمی حدود ۳ میلیون تومان است، اما در بازار سیاه اطراف داروخانه‌ها این واکسن را دو تا سه برابر می‌فروشند؛ واکسن‌هایی که اصل یا تقلبی بودنشان هم محل تردید است.

■ حاشیه‌های جنجالی یک واکسن

HPV یک عفونت ویروسی شایع است که معمولاً باعث رشد غیرطبیعی پوست یا غشای مخاطی و بروز زگیل می‌شود. در بیش‌تر موارد عفونت HPV خود به خود بهبود پیدا می‌کند، اما بعضی از انواع عفونت‌های HPV باعث ایجاد زگیل تناسلی می‌شوند و بعضی می‌توانند انواع مختلفی از سرطان مثل سرطان دهانه رحم و مقعد را ایجاد کنند.

این ویروس راه‌های انتقال مختلفی دارد که یکی از اصلی‌ترین آنها روابط جنسی است، اما از طریق تماس پوستی هم ممکن است انتقال یابد. با تمام اینها به گفته محمد احسانی کیا، کارشناس اقتصاد بهداشت مطالعات نشان داده‌اند که در ایران، نرخ شیوع HPV و سرطان دهانه رحم نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر، به ویژه در منطقه خاورمیانه، پایین‌تر است. بر اساس آمار، ایران یکی از کمترین نرخ‌های شیوع این ویروس را دارد.

وی با بیان این مطلب می‌افزاید: «یکی از مهم‌ترین چالش‌های واکسیناسیون گارداسیل در ایران، بحث هزینه اثربخشی آن است. در شرایطی که کشور با محدودیت‌های بودجه‌ای روبه‌رو است، باید بررسی شود که آیا هزینه‌های سنگین واردات و اجرای واکسیناسیون همگانی می‌تواند تأثیر متناسبی بر کاهش نرخ سرطان دهانه رحم داشته باشد یا خیر.»

از نگاه این کارشناس واکسن گارداسیل، اگرچه از نظر بالینی تأثیرگذار است، اما برای اجرای همگانی آن در کشور، باید تمامی جوانب، از جمله هزینه اثربخشی، شیوع واقعی بیماری، پذیرش اجتماعی و منابع محدود مالی کشور، مورد توجه قرار گیرد. این در حالی است که به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، روش‌های غربالگری و مداخلات درمانی ساده‌تر، گزینه‌های بهتری برای کنترل HPV و کاهش نرخ سرطان دهانه رحم در ایران باشند.

■ راهکارهای معقول‌تر پیشگیری

دکتر محمدرضا ناظر، متخصص بیماری‌های عفونی درباره این بیماری به «جوان» می‌گوید: «نکته‌ای که درباره زگیل‌های تناسلی در ایران همچون بیمارهای مقاربتی وجود دارد، این است که شیوع مشخصی نمی‌توان برایش پیدا کرد، چون پنهان است.»

وی با طرح این سؤال که اگر این بیماری شیوعش زیاد شود و با فرض اینکه واکسن مربوط به این ویروس را که تبلیغ شده تزریق کنیم، دیگر مشکل حل شده و فرد مصون و ایمن می‌شود یا خیر، ادامه می‌دهد: «اگر ما همه هم و غم خود را روی پیشگیری از این ویروس بگذاریم و به دنبال پیشگیری از این ویروس با تزریق واکسن باشیم، فرد در خصوص ۳۰ بیماری دیگر که از راه مسائل جنسی انتقال می‌یابد باید چه بکند؟ بنابراین روش اصلی پیشگیری از زگیل تناسلی واکسن نیست. در بیمارهای دیگر فرد می‌خواهد چه بکند؟ آیا ایدز خطرناک‌تر است یا زگیل تناسلی؟ آیا هپاتیت C خطرناک‌تر است یا زگیل تناسلی، بحث اصلی به نظرم این است، بنابراین این طرز فکر کاملاً اشتباه جا انداخته شده که فرد برود برای پیشگیری از زگیل تناسلی واکسن بزند و بعد بگوید خب حالا هر کاری که دوست داشتم می‌توانم انجام بدهم. در هیچ کجای دنیا چنین توصیه‌ای را مطرح نمی‌کنند و اتفاقاً دین اسلام تعهد به سلامت رفتارهای جنسی را توصیه می‌کند.»

■ خطر خرید دارو خارج از شبکه رسمی

با تمام اینها اما موج‌سازی‌های رسانه‌ای در فضای مجازی بازار تقاضای القایی برای این واکسن را آنچنان داغ کرده که شبکه دلالی اختصاصی این واکسن در اطراف داروخانه‌ها شکل گرفته است؛ شبکه‌ای که سازمان غذا و دارو درباره آن هشدار داده‌است.

روابط عمومی سازمان غذا و دارو با اشاره به اینکه واکسن گارداسیل تولید داخل مطابق با ضوابط مورد تأیید مراجع علمی و نظارتی کشور تولید و به میزان کافی در داروخانه‌های معتبر توزیع می‌شود، طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در روزهای اخیر برخی تبلیغات در فضای مجازی سعی دارند با ایجاد نگرانی درباره کمبود واکسن گارداسیل (واکسن HPV) و تبلیغ برندهای خارجی، نیاز القایی در جامعه ایجاد کنند. این تبلیغات که اغلب از سوی افراد یا گروه‌های سودجو انجام می‌شود، هدفشان توسعه تجارت غیرقانونی دارو است و هیچ‌گونه مبنای علمی یا منطقی ندارد.

روابط عمومی سازمان غذا و دارو تأکید کرد که هر دارویی که خارج از چرخه رسمی داروخانه‌ها عرضه شود، از نظر این سازمان فاقد اعتبار است. خرید واکسن از مسیرهای غیرقانونی، علاوه بر تحمیل هزینه‌های اضافی به مصرف‌کنندگان، خطرات جدی از جمله عدم اطمینان از اصالت، نگهداری در شرایط نامناسب و بروز عوارض ناخواسته را به همراه دارد.

برای جلوگیری از فروش غیرقانونی و تقلبی واکسن گارداسیل، در اقدام فرا ارگانی پلیس، ستاد مبارزه با قاچاق و دیگر اهرم‌های قهریه باید با شناسایی و برخورد قاطع با دلالان، فعالیت آنها را متوقف کنند. استقرار گشت‌های نظارتی در اطراف داروخانه‌های بیماران خاص و اجرای عملیات‌های ضدقاچاق ضروری است. همچنین، اطلاع‌رسانی مردمی و نظارت دقیق بر توزیع واکسن از طریق سامانه «تی‌تک» نیز به کنترل این بازار سیاه کمک می‌کند.

در نهایت اینکه به قول دکتر ناظر پزشک متخصص عفونی «باید مراقب برخی جریان‌ها باشیم. مسئله دارو برای خود مافیایی دارد. ولی باز هم تأکید می‌کنم که بارها و بارها برای خانواده‌ها باید کلاس‌های آموزشی گذاشته شود و از طریق تلویزیون و رسانه‌ها باید حساس‌سازی‌هایی صورت بگیرد و مسئله صداقت و اخلاق مورد تأکید قرار گیرد. از طرف دیگر، باید در کشور برنامه داشته باشیم و بر اساس برنامه و پژوهش اقدام کنیم.»

دریچه
مهسا گربندی

جوی آب و خمیر نان!

انگار فقط مأموریم و معذور! بدون آنکه فکر کنیم که کارمان ممکن است چه ضرری داشته باشد! می‌خواهیم اشتباهی را اصلاح کنیم، اما چون راه درست آن را بلد نیستیم یا نمی‌خواهیم کار درست را انجام دهیم، اشتباه بزرگ‌تری را انجام می‌دهیم. شبیه به کاری که برای پلمب یک نانوایی انجام شده‌است؛ می‌خواستند جلوی گرانفروشی یک نانوایی را بگیرند، اما موجب شدند خمیر نانی که برای چند صد نان بود، داخل جوی آب ریخته شود.

حتی دیدن تصویرش هم تلخ است. این حجم از خمیر نان می‌توانست تبدیل به نان‌هایی شود که حداقل شکم آنهایی را سیر کند که نیازمند هستند و چشمشان به دست مردم است. آنها که این روزها، حتی خرید یک نان هم برایشان سخت است و نان‌های حاصل از این کیسه خمیر می‌توانست دردی از زندگی آنها را دوا کند.

اهالی محله می‌گویند که نانوایی را برای گرانفروشی پلمب کرده‌اند. بدون شک مقابله با گرانفروشی خوب است و حتی این کار مانع از گرانفروشی نانوایان دیگر می‌شود، اما اقدامی که منجر به اسراف شود قابل قبول نیست. حتی اگر مأموران پلمب به هنگام پخت نان هم رسیده باشند، می‌توانستند کمی صبر کنند تا نان‌ها پخته شود و بعد از آن اقدام به پلمب کنند.

بی‌تردید جای آرد و خمیر نانوایی در جوی آب نیست. هیچ کس این کار را تأیید نمی‌کند، حتی اگر به قیمت برخورد با گرانفروشی نانوایان باشد، اما چه کسی قرار است با این مأموران اسراف‌گر برخورد کند؟ مأمورانی که برای ممانعت از یک اشتباه، خود مرتکب اشتباه بزرگ‌تری شدند و افراد حاضر در آنجا نیز هاج و واج نگاه‌شان می‌کردند! شاید این کار به دلیل ناآگاهی و عدم مدیریت مشکلات باشد. شاید هم از روی عجله؛ عجله برای پلمب کردن نانوایی و رفتن به سراغ کاری دیگر. هر چه که باشد نمی‌تواند دلیل موجهی برای ریختن خمیر نان داخل جوی آب باشد.

احتمالاً اقدامات زیان‌بار دیگری که نام مأموریت را یدک می‌کشد در سطح شهر انجام می‌شود که از چشم‌ها و دوربین‌های تصویربرداری دور مانده‌است. باید اما، هر چه زودتر جلوی این اقدامات زیان‌بار گرفته شود، چراکه ما انسان هستیم و قدرت فکر داریم، می‌توانیم قبل از انجام هر مأموریتی دو دوتا چهار تا کنیم و ببینیم چطور می‌توانیم جلوی ضرر را بگیریم، بدون آنکه خود موجب ضرر بیشتر شویم.

سلامت

رئیس سازمان غذا و دارو:

ایران موفق به تولید داروهای سل تراپی و ژن درمانی شد

رئیس سازمان غذا و دارو با تأکید بر پیشرفت‌های علمی کشور در حوزه داروسازی گفت: ایران موفق به تولید داروهای سل تراپی شده و برخی داروهای ژن تراپی نیز در مرحله مطالعات بالینی قرار دارند.

مهدی پیرصالحی با اشاره به توانمندی دانشمندان ایرانی، بر ضرورت توسعه فناوری‌های نوین و بهره‌گیری از هوش مصنوعی در صنعت داروسازی تأکید کرد. وی اظهار داشت: دنیا به سمت فناوری‌های جدیدی مانند سل‌تراپی و ژن‌تراپی حرکت کرده و ایران نیز در این حوزه‌ها ورود جدی داشته است، اکنون چند داروی سل‌تراپی در کشور مجوز دریافت کرده‌اند و در زمینه ژن‌تراپی نیز برخی داروها در مرحله مطالعات بالینی قرار دارند. پیرصالحی با بیان اینکه ۹۹ درصد داروی مورد نیاز کشور در داخل تولید و تنها بخش کوچکی از طریق واردات تأمین می‌شود، ادامه داد: علاوه بر داروهای متداول، در حوزه بیوتکنولوژی نیز توانسته‌ایم همپای کشورهای پیشرفته دنیا حرکت کنیم.

وی همچنین در خصوص تجهیزات پزشکی افزود: بخش عمده‌ای از تجهیزات ICU و اتاق عمل در داخل کشور تولید می‌شود و این پیشرفت‌ها نتیجه تلاش متخصصان داخلی است.

خبر کوتاه

■ قائم مقام وزیر میراث فرهنگی گفت: درباره سفارش حفاری تا دلتان بخواهد بوده، هست و خواهد بود و سفارش‌ها تمام‌نشدنی است، همواره این درخواست‌ها مطرح است.

■ رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: در ۱۰ ماهه سال جاری میزان معوقات بانکی وصول شده ۷۳۸ هزار و ۲۶۲ میلیارد و ۵۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزار و ۱۰۱ ریال بوده که در مقایسه با سال گذشته رشد ۱۰۲ درصدی را نشان می‌دهد.

■ رئیس سازمان بهزیستی گفت: در سال ۱۴۳۰ بالای ۳۰ درصد جمعیت کشور بالای ۶۰ سال دارند، یعنی جامعه در آن زمان شدیداً سالخورده است و احتمالاً در آن سال ما سالخورده‌ترین کشور جهان خواهیم بود.

■ سرپرست مرکز مطالعات و اطلاعات رفاه ایرانیان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: با آمارها و مطالعات ما مشخص شد که ۴۰ درصد از خانواده‌های ایرانی نمی‌توانند وام بگیرند یا هرگز وام نگرفته‌اند که البته باید دهک‌های افراد هم با دیگر متفاوت باشد.

■ مدیر کل حفاظت محیط‌زیست استان تهران گفت: همه عوامل مؤثر در آلایندگی هوای این استان باعث‌شده اکنون بار آلودگی در پایتخت هر روز بیشتر شود، بنابراین حل این مسئله نیاز به یک مدیریت جدی با همکاری همه دستگاه‌های متولی دارد.

■ دادگاه رسیدگی به پرونده شکایت خانواده‌های شهدای شاهچراغ(ع) در شعبه ۵۵ دادگاه امور بین‌الملل تهران برگزار شد و شاهدان عینی، جانبازان و خانواده‌های شهدا روایات خود را از این وقایع ناگوار بیان کردند و اجرای عدالت را خواستار شدند.

گزارش ۲

بهناز قاسمی

الزامات تحقق رشد ۱۳درصدی معادن در برنامه هفتم توسعه

معدن ۵۵میلیارد دلار سرمایه می‌خواهد

بهرامن: امروز چین و روسیه هم تحریم هستند اما مشکلی در جابه‌جایی پول و انعقاد قراردادها ندارند، در سال گذشته جذب سرمایه‌گذاری مستقیم به بخش معدن در جهان ۱۱درصد رشد داشته اما ایران سهمی از این سرمایه‌گذاری نداشته است

اهداف پیش‌بینی‌شده در برنامه هفتم توسعه اقتصادی اعم از رشد ۸درصدی اقتصاد و ۱۳درصدی بخش معدن، رؤیا نیست بلکه به اراده‌ای در دولت و بخش خصوصی نیاز دارد. مادامی که بخش خصوصی چالش‌های پیش روی خود را در این صنعت در بوق و کرنا کند و دستگاه‌های مرتبط دولتی اعم از وزارت صمت، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی مشکلات این صنعت را رفع نکنند، قطعاً توسعه بخش معدن اتفاق نمی‌افتد.

رئیس کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی ایران از تعطیلی ۶۵درصدی معادن کشور خبر می‌دهد و می‌گوید: ناترازی انرژی که امسال اتفاق افتاده باعث کاهش نرخ رشد بخش معدن شده است و در سال‌های آتی آثار آن برجای می‌ماند. رشد بخش معدن نیازمند مصرف انرژی است که متأسفانه تأمین آن با مشکل روبه‌رو شده است. تأمین مالی بخش معدن، امنیت سرمایه‌گذاری، واردات ماشین‌آلات و تعدیل حقوق دولتی معادن از مشکلات پیش روی این صنعت است که باید در کوتاه‌مدت برطرف شود.

وقتی پای درددل فعالان بخش معدن می‌نشینیم، تحقق اهداف برنامه هفتم را برخی شدنی و برخی دیگر آرمان و آرزو می‌دانند. برخی چالش‌های بخش را بزرگ و رفع آن را غیر ممکن می‌دانند و برخی دیگر به رفع این چالش‌ها به شرط وجود اراده تأکید دارند. شاید این نگرانی‌های بخش خصوصی که در این سال‌ها شاهد تحقق سهم کوچکی از برنامه‌های توسعه‌ای و چشم‌اندازهای بلندمدت بودند، طبیعی است، اما نکته این است که رسیدن به اهداف برنامه هفتم باید در کابینه دولت وفاق به باور تبدیل و چالش‌ها و مشکلات پیش روی معدنکاران و فعالان معدنی حل‌وفصل شود.

ناترازی انرژی در سال جاری بخش صنعت و معدن را به شدت تحت تأثیر قرار داد. فعالان صنعتی و معدنی دغدغه‌هایی برای رسیدن به اهداف پیش‌بینی‌شده در برنامه‌های هفتم توسعه و پیشرفت دارند و معتقدند در شرایط کنونی به دنبال توسعه نیستیم و با وجود ناترازی برق فقط به بقا فکر می‌کنیم، حالا همه جمع شده‌ایم تا به دولت، مجلس و رهبری بگوییم کشور ما ظرفیت‌های معدنی چشمگیری دارد و اجرای رشد ۱۳درصدی شدنی است، مشروط به اینکه شرایط مورد نیاز محقق شود. بخش خصوصی متوقع است دست از سرش بردارند، حتی نیازی به تسهیلات ندارد، همین که اجازه داده شود ارز حاصل از صادرات را بتواند در بازار آزاد عرضه کند و از پس هزینه‌های خود برآید، مشکلاتش حل می‌شود.

محمدرضا بهرامن، عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی ایران در نشست خبری با اصحاب رسانه در خصوص الزامات رشد ۱۳درصدی بخش معدن در قانون برنامه هفتم می‌گوید: ساختار زمین‌شناسی کشور ما از ظرفیت قابل توجهی برخوردار است و می‌تواند ظرفیت خوبی برای رشد ۱۳درصدی معدن در برنامه هفتم توسعه باشد، با این حال زنجیره ارزش افزوده در مواد معدنی نیاز به انرژی دارد و ما این انرژی را در اختیار داریم، ایران یکی از سه کشوری است که هم ذخایر انرژی دارد و هم ذخایر معدنی، دو کشور دیگر روسیه و امریکا هستند، با این حال یکی از الزامات تحقق رشد ۱۳درصدی ورود ۶۵میلیارد یورو سرمایه به بخش معدن است و این سرمایه باید از محل سرمایه‌گذاری‌ها انجام شود نه درآمدهای دولتی.

وی می‌افزاید: بخش خصوصی امروز با بخش خصوصی ۲۰سال قبل در معدن متفاوت است و طرح‌هایی که اکنون دولت در اختیار دارد، اگر در اختیار بخش خصوصی قرار بگیرد، موفقیت مورد نظر حاصل می‌شود و حتی بخش خصوصی حاضر است سرمایه را خود تأمین کند. نمی‌گوییم دولت ورود نکند دولت نظارت داشته باشد، همه جای دنیا ذخایر معدنی حاکمیتی است، کشور ما هم مستثنی نیست اما دولت باید جایگاه ناظر را داشته باشد.

وی تأکید می‌کند: امروز چین و روسیه هم تحریم هستند اما مشکلی در جابه‌جایی پول و انعقاد قراردادها ندارند، در سال گذشته جذب سرمایه‌گذاری مستقیم به بخش معدن در جهان ۱۱درصد رشد داشته اما ایران سهمی از این سرمایه‌گذاری نداشته است.

رئیس خانه معدن ایران از نبود استراتژی در بخش معدن گلایه می‌کند و می‌گوید: برای رسیدن به رشد ۱۳درصدی بخش معدن نیاز به آب، برق، فروش، بازارهای صادراتی و بسترهای مناسب حمل و نقل داریم، در حالی که در برنامه هفتم توسعه فقط هدف تعیین شده و خبری از فراهم‌سازی زیرساخت‌ها نیست. ما می‌توانیم برای سرمایه‌گذاری ایرانیان خارج از کشور بستری مناسب ایجاد و با تأمین امنیت سرمایه‌گذاری راه را برای توسعه و رشد باز کنیم، اما همه اینها نیازمند همت و اراده در دولت، مجلس و بخش خصوصی است.

■ سرمایه‌گذاری در معادن امنیت ندارد

قدیر قیافه، دیگر عضو هیئت رئیسه اتاق ایران در این رویداد می‌گوید: چند سال پیش مقام معظم رهبری جایگزینی معدن به جای نفت را مطرح کردند، ایران یک‌درصد جمعیت جهان و یک‌یازدهم مساحت روسیه را دارد و ارزش ذخایر زیرزمینی آن به ۲۷/۵تریلیون دلار می‌رسد، با این حال تحقق رشد ۱۳درصدی نیازمند تأمین مالی است و مشکل تأمین مالی در سراسر زنجیره وجود دارد.

وی می‌افزاید: تعطیلی گستره معادن کشور نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در بخش معدن امنیت ندارد، در حالی که نرخ تشکیل سرمایه ثابت در کشور باید مثبت شود که رشد ۱۳درصدی محقق شود و این میزان از رشد با شرایط کنونی مشمول آرزوهای ما می‌شود نه واقعیت امر.

■ آخرین وضعیت تعطیلی معادن

همچنین بهرام شکوری، رئیس کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی ایران نیز در نشست با خبرنگاران می‌گوید: پیش‌تر می‌گفتیم معدن می‌توان جای نفت بنشیند اما حالا می‌گوییم حتی مس به تنهایی می‌تواند جایگزین نفت شود.

وی می‌افزاید: دولت می‌تواند مناسباتش را با دنیا اصلاح کند تا بستر توسعه فعالیت کسب و کارها را فراهم آورد و شرایطی فراهم کند که تولیدکننده نگران تأمین برق و گاز نباشد، در حالی که مصرف انرژی شاخص توسعه‌یافتگی است.

وی درباره آخرین وضعیت تعطیلی معادن می‌گوید: ۶۵درصد معادن کشور تعطیل است و یکی از دلایل آن افزایش کارشناسی‌نشده حقوق دولتی است. نگاه قانونگذار در حقوق دولتی درآمدی نیست و این حقوق باید خرج توسعه معادن و رفاه جمعیت بومی و منابع طبیعی و صندوق بیمه فعالیت‌های معدنی و سازمان نظام مهندسی شود، بنابراین اگر نگاه درآمدی به حقوق دولتی نیست چرا باید به قدری افزایش یابد که به تعطیلی معادن بینجامد، البته قول داده‌اند نرم‌افزار حقوق دولتی را در سال آینده راه‌اندازی کنند.

شکوری تصریح می‌کند: عوارض سنگین وارداتی و ممانعت از واردات ماشین‌های معدنی و عدم‌تأمین مواد اولیه عواملی است که به تعطیلی معادن می‌انجامد و به اینها بوروکراسی پیچیده پیمان سپاری ارزی را بیفزایید.

رئیس کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق تأکید می‌کند: رشد اقتصادی ۱۳درصدی معدن مبنایی ندارد، همچنین اکنون استراتژی مدونی برای توسعه در کشور وجود ندارد و اگر این استراتژی وجود

گزارش یک

نرگس گودرزی

«جوان» تبعات اقتصادی تعطیلات کشور را به بهانه‌های مختلف بررسی می‌کند

اقتصاد زیر ضرب تعطیلات!

تعطیلی کشور به بهانه‌های مختلف از جمله ناترازی‌های رنگارنگ، اقتصاد را به گوشه رینگ برده و تعطیلی پنج‌شنبه‌ها هم مزید بر علت شده است

رضا دهشیری | جوان

رشد اقتصادی صفر درصدی برای چند دهه پی‌درپی، آمار بالای بیکاری، بهره‌وری پایین، سهم غیرقابل قبول از تجارت جهانی و تعطیلی‌های پی‌درپی ناگهانی و بسیاری مشکلات از این دست قاعدتاً باید سیاست‌ها را به سمت و سویی ببرد که تصمیمی جدی برای خروج جامعه ایران و اقتصاد کشور از این وضعیت اتخاذ شود، اما خبرها حاکی از آن است که لایحه دو روزه شدن تعطیلات آخر هفته و اضافه‌شدن پنج‌شنبه به تعطیلات رسمی تا دو ماه آینده و پس از تصمیم‌گیری در خصوص بودجه ۱۴۰۴ تعیین تکلیف می‌شود. در صورت تبدیل این لایحه به قانون، تعطیلات مناسبتی و آخر هفته در مجموع به حدود ۱۲۸روز می‌رسد و این در شرایطی است که در چند سال اخیر و به خصوص طی سال جاری به دلیل مشکلات تأمین انرژی و همچنین آلودگی هوا تعطیلات ناگهانی به بی‌سابقه‌ترین میزان خود رسیده است تا جایی که برخی به کنایه به دولت اعلام کردند به جای اعلام استان‌های تعطیل، غیر تعطیل‌ها را اعلام کنید!

■■■

در سال‌های گذشته مناقشات بر سر تعیین روز تعطیلات بود. بخش خصوصی اصرار به تعطیلی شنبه‌ها و در مقابل دولت و مجلس بیشتر تمایل به تعطیلی پنج‌شنبه‌ها داشتند، این مناقشات ظاهراً در ادامه با اعلام نظر قطعی مجلس به اینجا رسید که تعطیلی شنبه منتفی و به زودی تعطیلی پنج‌شنبه تعیین‌تکلیف می‌شود.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس روز جمعه در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان یزد گفت: طرح تعطیلی‌های پایان هفته در دستور کار مجلس قرار دارد و نهایتاً تا دو ماه آینده این موضوع به نتیجه می‌رسد و تعیین‌تکلیف می‌شود.

■ آخرین وضعیت لایحه افزایش تعطیلات رسمی

پیش از این شورای نگهبان در مرداد ماه ایراداتی به لایحه ساماندهی تعطیلات گرفته بود که ایرادات در مهر ماه از سوی کمیسیون اجتماعی برطرف شد. این لایحه اما همچنان در صحن مورد بررسی قرار نگرفته است، هر چند برخی گمانه‌زنی‌ها در خصوص بعضی ملاحظات از سوی رئیس مجلس درباره لایحه افزایش تعطیلات آخر هفته مطرح شده است، اما برخی نمایندگان مجلس اعلام کردند دلیل عدم‌رسیدگی به این لایحه، بررسی بودجه سال آینده بوده و پس از تعیین‌تکلیف سند دخل و خرج ۱۴۰۴ دولت چهاردهم، لایحه ساماندهی تعطیلات که احتمالاً به روزهای ابتدایی سال آینده موکول می‌شود، بررسی خواهد شد. از سوی دیگر بر اساس قانون چون این لایحه ارجاعی از سوی شورای نگهبان است، در صحن علنی مجلس نیز به بحث گذاشته نخواهد شد و صرفاً تعطیلی پنج‌شنبه و تقلیل ساعات کاری از ۴۴ به ۴۰ساعت رأی‌گیری خواهد شد.

به گفته یکی از نمایندگان مجلس، کار کمیسیون اجتماعی در خصوص لایحه افزایش تعطیلات آخر هفته به پایان رسیده است و هیئت رئیسه مجلس باید در خصوص زمان در دستور کار قرار گرفتن این لایحه تصمیم بگیرد.

لایحه افزایش تعطیلات آخر هفته چند ماه پیش در کمیسیون اجتماعی به تصویب رسید و بر این اساس روز پنج‌شنبه به عنوان دومین روز تعطیلات آخر هفته مشخص شد. همچنین ساعت کاری را با نگاه به افزایش بهره‌وری به ۴۰ساعت کاری در هفته کاهش دادیم.

این نماینده مجلس با بیان اینکه بعد از مصوبه‌ای که کمیسیون متبوعش برای رفع ایرادات شورای نگهبان داشت، جلسه‌ای با رئیس مجلس در خصوص این لایحه برگزار نشده است، خاطرنشان کرد: ما منتظر هستیم لایحه افزایش تعطیلات آخر هفته در دستور کار صحن علنی مجلس قرار گیرد.

در این باره جلال رشیدی کوچی، نماینده مجلس دوره یازدهم و از طرفداران تعطیلی شنبه، با انتشار پیامی در صفحه شخصی خود نوشت: طبق اخبار واصله به نظر می‌رسد تعطیلی شنبه‌ها منتفی و پنج‌شنبه‌ها به عنوان تعطیلی آخر هفته قطعی شده است.

هدف سیاستگذار از افزایش تعطیلات آخر هفته چیست؟ اساساً نه تعطیلی شنبه و نه تعطیلی روز پنج‌شنبه در شرایط فعلی تصمیم درستی نیست، هر چند افزایش تعطیلات آخر هفته با اهدافی همانند تعادل‌بخشی به جامعه، تقویت بنیان خانواده یا توسعه گردشگری در دستور کار قرار گرفته است، اما واقعیت این است که وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی اجازه افزایش تعطیلات را نمی‌دهد.

در حال حاضر تعطیلات مناسبتی و آخر هفته در مجموع به حدود ۸۰روز می‌رسد و در صورت اضافه‌شدن پنج‌شنبه به آن ۴۸روز دیگر به تعطیلات رسمی اضافه می‌شود، این در حالی است که اقتصاد کشور به دلیل محدودیت‌ها در تأمین برق تابستان و گاز زمستان در تعطیلی تابستانی و خواب زمستانی فرو رفته است!

■ تشدید کاهش بهره‌وری با تعطیلات بیشتر

توقف ۱۰ماهه تولید و کاهش بیش از ۴۰درصدی حجم تولید و نیمه‌تعطیل‌شدن بسیاری از واحدها به دلیل کمبود گاز و مازوت برای صنایع کشور مشکل‌ساز شده و بدون شک افزایش تعطیلات و کاهش ساعت کار در این شرایط میزان بهره‌وری را کمتر می‌کند.

برآوردها نشان می‌دهد از ۴۴ساعت کار هفتگی قانونی در کشورهای توسعه‌یافته ۲۸ساعت به صورت مفید انجام می‌شود و در ایران با وجود انجام ۴۴ تا ۴۹ساعت و بیشتر کار در هفته، ساعات کار مفید فقط ۱۱ساعت است.

مرکز پژوهش‌های مجلس چندی پیش اعلام کرد در خوشبینانه‌ترین حالت ساعات کار مفید در ایران در هر روز تا دو ساعت است که میزان هفتگی آن به بیشتر از ۱۱ساعت نمی‌رسد، البته برخی آمارهای دیگر نیز این میزان را شش تا هفت ساعت در هفته برآورد کرده است، با این حال میزان ساعات کار مفید هفتگی در ژاپن ۴۰ تا ۶۰ساعت و در کره‌جنوبی نیز ۵۴ تا ۷۲ ساعت برآورد می‌شود. در صورت تصویب لایحه افزایش تعطیلات این وضعیت بحرانی‌تر نیز خواهد شد.

آخرین آمارها نشان می‌دهد عدم‌بهره‌وری مناسب نیروی کار در ایران ۱۰۰هزارمیلیارد تومان به اقتصاد ملی آسیب زده است و در این شرایط ضروری است به جای تصمیماتی که به تعطیلی بیشتر اقتصاد کشور منجر شود، تمهیداتی اندیشید تا میزان بهره‌وری نیروی کار از طرق غیر از کاهش ساعت کار افزایش یابد. بدون شک کشوری که کار و تولید نکند و نتواند در بازار بین‌الملل سهمی برای اقتصاد خود بگیرد، نمی‌تواند مستقل عمل کند. برای بهبود سبک زندگی، رفاه و رشد اقتصادی راهی جز جدی گرفتن کار و افزایش بهره‌وری پیش رو نیست.

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با محمدرضا کارگزار کارشناس انرژی

تبدیل ایران به نقطه ثقل تجارت گاز منطقه با ارتباط مستقیم گازی با روسیه و هند

یک کارشناس انرژی معتقد است ارتباط مستقیم گازی ایران به روسیه و هند به صورت توأمان و انتقال گاز روسیه به هند از مسیر ایران، کشور ما را به نقطه کانونی تجارت گاز منطقه تبدیل خواهد کرد و با توجه به تحقق این مسیر و همچنین اتصال مستقیم ترکمنستان به خطوط لوله گاز سراسری کشور ما، گاز ترکمنستان نیز از مسیر ایران به سمت غرب کشور، یعنی کشورهای ترکیه و عراق صادر خواهد شد و به این ترتیب ایران به هاب انتقال گاز غرب آسیا تبدیل خواهد شد.

■■■

محمدرضا کارگزار، کارشناس انرژی در رابطه با لزوم تحقق نقش راهبردی ایران در زمینه تجارت گازی منطقه با توجه به نقطه استراتژیک و موقعیت منحصربه‌فرد جغرافیایی کشور به «جوان» گفت: یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دولت شهید رئیسی، انعقاد قرارداد گازی بین ایران و روسیه و همراه کردن این کشور در انتقال تجارت گازی خود از مسیر ایران به سمت هند با زیرساخت ۴هزار کیلومتری و منابع متعدد گازی در جنوب کشور بوده که یکی از بزرگ‌ترین قراردادهای حوزه انرژی کشور بوده که درصدد تحقق نقش راهبردی ایران در زمینه تجارت گازی منطقه با توجه به نقطه استراتژیک و موقعیت منحصربه‌فرد جغرافیایی کشور است تا بتوانیم به سمت بازطراحی تجارت انرژی خود و درآمدزایی از این مسیر حرکت کنیم و در این مسیر به وابستگی متقابل سیاسی، امنیتی و اقتصادی نیز دست یابیم و خنثی‌سازی تحریم‌ها را دنبال کنیم.

وی در ادامه با اشاره به فرصت بسیار مهم ایران در جهت قرارگیری به عنوان نقطه ثقل انتقال گاز منطقه گفت: برخورداری از شرایط خاص جغرافیایی و زیرساخت‌های متنوع و متعدد گازی در ارتباط با همسایگان، این ظرفیت را برای کشور ایجاد کرده است که تبدیل به هاب گازی منطقه شویم. اینکه ما با کشورهای زیادی همسایه هستیم و تقریباً تمام آنها به گاز روسیه و ترکمنستان نیاز دارند، فرصت خوبی برای‌مان ایجاد کرده است تا بتوانیم به عنوان واسطه بین آنها و روسیه و ترکمنستان برای انتقال گاز عمل کنیم.

این کارشناس انرژی خاطرنشان کرد: انتقال گاز روسیه و ترکمنستان به کشورهای مختلف اعم از پاکستان، عراق و ترکیه می‌تواند منافع اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی کشور را تأمین کند، البته این طرح با سنگ‌اندازی‌های جدی از سوی امریکا مواجه خواهد شد که باید با آنها مقابله کنیم. افزایش روابط با کشورهای همسایه در حوزه انرژی به تأمین منافع سیاسی و دیپلماتیک کشور منجر می‌شود و امنیت منطقه را بالا می‌برد. همچنین از طریق تبدیل‌شدن به هاب گازی منطقه، منافع اقتصادی سرشاری می‌بریم که منافع ملی ما را تأمین خواهد کرد.

وی در ادامه افزود: از طرق مختلف می‌توانیم گاز روسیه را به دیگر کشورها منتقل کنیم. روش اول، سوآپ گازی است. در این روش، گاز روسیه را در شمال تحویل می‌گیریم و در غرب، جنوب و جنوب‌غرب به دیگر کشورها تحویل می‌دهیم. روش بعدی، استفاده از خط لوله است. در این روش، روسیه اقدام به احداث خط لوله در کشورمان می‌کند و گازش را از مسیر ایران انتقال می‌دهد.

کارگزار در پایان گفت: هر دوی این روش‌ها برای‌مان مزیت دارند. به طور مثال، احداث خط لوله برای انتقال گاز روسیه، به افزایش روابط دو کشور منجر می‌شود و امنیت تهران و مسکو به یکدیگر گره می‌خورد. این امر برای هر دو کشور مزیت دارد. همچنین ارتباط مستقیم گازی ایران به روسیه و هند به صورت توأمان و انتقال گاز روسیه به هند از مسیر ایران، کشور ما را به نقطه کانونی تجارت گاز منطقه تبدیل خواهد کرد و با توجه به تحقق این مسیر و همچنین اتصال مستقیم ترکمنستان به خطوط لوله گاز سراسری کشور ما، گاز ترکمنستان نیز از مسیر ایران به سمت غرب کشور، یعنی کشورهای ترکیه و عراق صادر و به این ترتیب ایران به هاب انتقال گاز غرب آسیا تبدیل خواهد شد.

انرژی

۴میلیارد مترمکعب افزایش انتقال گاز از ابتدای سال

مدیرعامل شرکت انتقال گاز ایران از افزایش ۴میلیارد مترمکعبی انتقال گاز از ابتدای سال تا پایان دی در مقایسه با مدت مشابه پارسال خبر داد.

به گزارش صدا و سیما، پیمان خضرایی در حاشیه بازدید از منطقه۵ عملیات و مجتمع تأسیسات تقویت فشار گاز فراشبند اعلام کرد: ۲۵۲میلیارد مترمکعب گاز تا پایان دی امسال به سراسر کشور منتقل شده که این مقدار انتقال در مقایسه با مدت مشابه پارسال ۴میلیارد مترمکعب افزایش داشته است. وی با اشاره به تلاش شبانه‌روزی کارکنان شرکت انتقال گاز ایران و همکاری بخش بالادستی تولید گاز تأکید کرد: با وجود کاهش دمای هوا و افزایش مصرف گاز طبیعی، تاکنون هیچ‌گونه توقفی در انتقال پایدار گاز به‌وجود نیامده است. مدیرعامل شرکت انتقال گاز ایران با بیان اینکه این شرکت دارای ۱۰ منطقه عملیاتی، بیش از ۴۰هزار کیلومتر خط لوله فشار قوی گاز و ۹۴تأسیسات تقویت فشار گاز در سطح کشور است، افزود: مجتمع تأسیسات تقویت فشار گاز فراشبند نیز به‌عنوان یکی از تأسیسات راهبردی منطقه۵ عملیات، به‌واسطه گلوگاه بودن و اهمیت آن، جایگاه بسیار مهمی در شبکه انتقال گاز کشور دارد. خضرایی از توسعه زیرساخت‌های این بخش خبر داد و گفت: در نیمه نخست سال، تأسیسات تقویت فشار گاز آبپخش۶، خورموج، دوراهان ۱۰ و پل کله ۱۰ به عنوان تأسیسات جدید به مجموعه شرکت انتقال گاز ایران اضافه شدند و در نیمه دوم سال بهره‌برداری از «تأسیسات تقویت فشار گاز شهید دهشیر» در برنامه توسعه‌ای شرکت ملی گاز ایران قرار دارد.

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۵

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۵۴۸۸

شرکت محترم پارسی پست مستقر در ثبت اسناد و املاک شهرستان بروجرد
آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه برابر رأی شماره ۶۲۰۰۱۴۰۳۶۰۳۲۵۰۰۰۴۰۰۵۱۹۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۴ صادره از هیات قانون تعیین تکلیف اراضی و املاک فاقد سند رسمی در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۸۹۶/۱۷ متر مربع تحت پلاک به شماره ۱۱ فرعی از ۸۱ اصلی واقع در بخش سه بروجرد در مالکیت خانم قدم‌بانو یعقوبی پور فرد فرزند شیر محمد قرار گرفته و مطابق سوابق ثبتی تحدید حدود پلاک فوق به عمل نیامده و اجرای تبصره ذیل ماده ۱۵ قانون ثبت نیز امکان پذیر نمی‌باشد، برابر دستور /تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف عملیات تحدید حدود اختصاصی پلاک فوق در روز یک‌شنبه در مورخه ۱۴۰۳/۱۲/۱۲ در ساعت ۱۲ ظهر در محل وقوع ملک شروع و انجام خواهد شد، لذا به مالکین و مجاورین و دارندگان حقوق ارتفاقی و انتفاعی اخطار می‌شود، در ساعت و تاریخ مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نمایندگان قانونی آنها در وقت تحدید حدود حضور نداشته باشند برابر ماده ۱۵ قانون ثبت تحدید حدود با حدود اظهار شده از طرف مجاورین به عمل خواهد آمد، هرگاه مجاورین نیز در محل حضور نداشته باشند تحدید حدود از ردیف خارج خواهد شد، اعتراض نسبت به تحدید حدود طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی به مدت ۳۰ روز خواهد بود که به استناد ماده ۸۶ اصلاحی قانون ثبت معترض می‌بایست، در مهلت مقرر در آگهی فوق ضمن تسلیم اعتراض به اداره ثبت شهرستان بروجرد دادخواست به مراجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی مشعر به طرح دعوا را از مراجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نماید در غیر این صورت حق آنها ساقط خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵
تاریخ تحدید: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲
محمد آجرلو
معاون مدیر کل و سرپرست ثبت اسناد و املاک بروجرد
شناسه آگهی: ۱۸۷۷۲۳۰

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای حسن خسروی با تسلیم یک برگ فرم استشهادیه گواهی شده شماره ۱۴۰۳۰۲۱۵۴۵۵۸۰۰۰۴۶۳ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۴ دفتر ۱۰ بروجرد مدعی می‌باشد، که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۱۱۷ فرعی از ۴۳۶۴ اصلی واقع در بخش ۱ بروجرد به نام حسن خسروی ذیل دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۵۰۰۴۰۰۳۶۰۷ ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم نگردیده است، که سند اولیه به علت جابجای مفقود شده است. لذا باستناد تبصره یک الحاقی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب جهت اطلاع عموم یک نوبت آگهی می‌شود، اگر شخصی به نحوی از انحاء مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد، می‌تواند اعتراض خود را کتباً پس از نشر آگهی به مدت ده روز به این اداره تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضاء مدت قانونی و اعلام گواهی سند مالکیت المثنی بنام مالک صادر خواهد شد.

آدرس ملک: بروجرد خیابان شهدا خشکشویی هالیوود پاساژ مسعود طبقه زیرزمین یک

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵
محمد آجرلو
معاون مدیر کل و سرپرست ثبت اسناد و املاک بروجرد
شناسه آگهی: ۱۸۷۷۲۵۰

خانم سحر ساطعی به وکالت از علیرضا سلیمانی با تسلیم دوبرگ فرم استشهادیه گواهی شده شماره ۳۵۹۷۷ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۴ دفتر اسناد رسمی شماره ۷ بروجرد مدعی می‌باشد. ششدانگ پلاک ۴۷۲۴ فرعی از ۷۳ اصلی واقع در بخش سه بروجرد ذیل دفتر الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۲۵۰۰۴۰۲۲۷۷ و ۱۴۰۱۲۰۳۲۵۰۰۴۰۲۰۲۷۸ و شماره چاپی ۶۹۹۴۹۳ و ۶۹۹۴۹۴ بنام مشارالیه ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم گردیده است، مفقود گردیده است؛ لذا باستناد تبصره یک الحاقی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب جهت اطلاع عموم یک نوبت آگهی می‌شود، اگر شخصی به نحوی از انحاء مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد می‌تواند، اعتراض خود را کتباً پس از نشر آگهی به مدت ده روز به این اداره تسلیم نماید، در غیر این صورت پس از انقضاء مدت قانونی و اعلام گواهی سند مالکیت المثنی بنام مالک صادر خواهد شد.

آدرس ملک: بروجرد مجتمع گاماسیاب

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵
محمد آجرلو
معاون مدیر کل و سرپرست ثبت اسناد و املاک بروجرد
شناسه آگهی: ۱۸۷۷۲۳۶

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آینه نفس

اثر مداومت در اعمال مستحبی

استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری(ره):
یکبارها اثرش کم است، چرا؟ یک بار نماز مستحبی خواندن، یک‌بار انفاق کردن [از این جهت است که] گاهی انسان تحت تأثیر یک حالت موقت قرار می‌گیرد و این کار را می‌کند. مثلاً یک واعظی به یک شکل مؤثری برای انسان صحبت می‌کند، در آن وقت در انسان حالت عبادت پیدا می‌شود. بعد ممکن است برود هزار رکعت نماز پشت‌سر همدیگر بخواند، ولی آن حالت موقت که رفع شد تا پنج سال دیگر هم دنبالش نمی‌رود. یا یک کسی تحت تأثیر گفتار یک نفر قرار می‌گیرد و یک‌دفعه به اصطلاح لوطی‌گری‌اش گل می‌کند، می‌بینید مثلاً یک ثلث مال خودش را می‌بخشد و می‌گوید اینقدرش را من دادم. ولی این لوطی‌گری یک‌بار است. آن یک حالت موقت است، اعتبار ندارد؛ برخلاف آنچه انسان مداومت کند. وقتی که انسان مداومت بر یک عمل داشته باشد این نشانه‌ای است از اختیارش و اینکه از عمق روح خودش برخاسته نه اینکه دیگری او را تحت تأثیر خود قرار داده باشد.
منبع: کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در ایتا به‌استناد کتاب آشنایی با قرآن، ج ۹، ص ۱۱۱

خدا از بخشش خسته نمی‌شود

صفحه توئیتری «عالم» بیان از آیت‌الله آقامرتضی تهرانی(ره) را به اشتراک گذاشت. ایشان بیان داشته‌اند: هرگاه گناه کردید، هرگاه توبه شکستید؛ این را به خاطر داشته باشید: اگر شما از گناهان خود خسته می‌شوید، خداوند از بخشش شما خسته نمی‌شود! پس از رحمت خدا ناامید نشوید!

چرا از محل منازعه فرار می‌کنید؟

عبدالله گنجی در توئیتی نوشت: انصاری معاون پزشکیان گفته: ظریف در کنار کروبی و خاتمی قهرمانان ملی ما هستند. هفته‌نامه اصلاح‌طلب صدا هم عکس ظریف را کنار قائم مقام فراهانی و قوام گذاشته، یعنی مثل اونهاست. چرا از محل منازعه فرار می‌کنید؟ چرا سؤالی را که محل منازعه است، قایم می‌کنید و حرف بی‌ربط و نامرتبط می‌زنید. مسئله روشن است: ۱- انتصاب خلاف قانون رسمی است؛ ۲- محل طرح مسائل خانوادگی غرب نیست. اینجا محل منازعه است. کروبی و دیگری قهرمان ملی‌اند مبارک‌تان باشد، اما پاسخ مرتبط این نیست.

یک هنرنمایی دیگر از مهندسان ایرانی

صفحه توئیتری «ایران تک» نوشت: رونمایی از دامپتراک آداک ۱۵۰، به عنوان نخستین دامپتراک کاملاً بومی طراحی و تولید شده در ایران، گامی کلیدی در راستای تحقق خودکفایی و کاهش وابستگی به واردات تجهیزات معدنی سنگین محسوب می‌شود. این دستاورد فنی-مهندسی، حاصل همکاری گسترده میان مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و صنایع داخلی است.

تجربه‌ای تاریخی در انتظار سیماست؟!

محمدصالح سلطانی توئیت کرد: ابراهیم حاتمی کیا در موسی کلیم‌الله قصه‌ای کهن را با طراوت در مضمون‌پردازی، لطافت فهم عمیق تاریخ و جسارت استفاده از تکنولوژی‌های تازه و مسیرهای کمتر تجربه شده در فیلمی تماشایی روایت می‌کند. اگر تراز کیفی سریال هم همینقدر باشد، تجربه‌ای تاریخی در انتظار تلویزیون است.

کاربران شبکه‌های اجتماعی ولادت امام‌حسین(ع) و روز پاسدار را تبریک گفتند

روز پاسدار بر همه دوستداران مکتب پاسداری مبارک

با فرارسیدن سومین روز از ماه پربرکت شعبان که مصادف با ولادت حضرت امام‌حسین(ع) است و به نام روز پاسدار نیز نامگذاری شده است، کاربران شبکه‌های اجتماعی در توئیت‌هایی ضمن تبریک این روز به عموم مردم و به‌ویژه پاسداران انقلاب اسلامی از زحمات آنان در خدمت به مردم و پاسداری از ایران اسلامی تشکر کردند. کاربران همچنین به خصلت‌های پاسداران و پاسداری اشاره کردند و آن را همچون مکتبی دانستند که به‌گفته امام خمینی(ره) مجسم مظلومیت‌ها و رشادت‌های ملت ایران است. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

■ **محمد دهداری:**
حسین‌جان! مرا بگیر و بسوزان و اشک و آهم کن؛ من از تو هیچ نخواهم؛ فقط نگاهم کن... #روز_پاسدار #سوم_شعبان

■ **بنت الحیدر:**
مبارک باد روز پاسدار؛ روز آنان که با پروانه حضورشان به دور شمع وطن، غیرتی حسینی را از کربلا تا قله‌های دماوند به دوش می‌کشند. ولادت امام حسین(ع) و روز پاسدار مبارک. #انقلاب_امید

■ **طاهره فروزان:**
شیطان ز صدای زیرو بم می‌ترسد | از نسل مدافع حرم می‌ترسد | مانند نتانیاهو و آل‌سعود | از نام خلیج‌فارس هم می‌ترسد. ولادت امام حسین (ع) و روز پاسدار مبارک باد. #من_هم_پاسدارم

■ **جواد مولایی:**
ولادت با سعادت امام‌حسین (ع) و روز پاسدار مبارک سبزپوشان و مدافعان مرزهای پرگهر ایران عزیز. #روز_پاسدار

■ **سیدعماد:**
میلاد امام‌حسین (ع) بر سپاهیان پاسدار گمنام و با نام زمینی، دریایی، هوایی، فضایی و قدسی و بر ارتشیان پاسدار مبارک.

■ **کاربری با نام «سید بلوچ»:**
به مناسبت روز پاسدار، یادی کنیم از پرویز کدخدایی که از سبزپوشان بلوچ اهل‌سنت بود و مهر ۱۴۰۳ از سوی گروهک در نیکشهر به شهادت رسید و جان مبارکش را در راه پاسداری از وطن و انقلاب اسلامی فدا کرد.

■ **مهران رجبی:**
پرسید لباس پاسدار چه رنگیه؟ گفتم سبز. خندید و رفت. روز بعد دوباره پرسید لباس پاسدار چه رنگیه؟ گفتم خاکی خندید و رفت. فرداش که شهید شد وقتی رفتم بالای سرش دیدم تمام لباس‌هایش از خون خودش قرمز شده (خاطره مربوط به شهید دوران دفاع مقدس شهید پاسدار حسین کامرانی.)

■ **علی بهادری جهرمی:**
امام حسین(ع): «ترس در مقابل دشمنان از بدترین خصلت‌های حکمرانان است.» (بحارالانوار، جلد ۴۴، صفحه ۱۸۹) سالروز ولادت اباعبدالله، امام‌حسین(ع) و روز پاسدار مبارک.

■ **محمدعلی ابطحی:**
تولد امام‌حسین(ع) است. نماد آزادگی، شجاعت، وفاداری، مظلومیت و انسانیت. بر همه کسانی که نمی‌از این خصال دارند، مبارک باشد. فلسفه نامگذاری این روز در ابتدای انقلاب به نام روز پاسدار نیز به دلیل این بود که این خصلت‌ها تابلوی راه آنان باشد. میلاد امام سوم شیعیان به همه علاقه‌مندانش مبارک.

■ **ا. ح. اصفهانی:**
امام‌خمینی(ره) درباره پاسدارها گفتند: «شما آیینه مجسم مظلومیت‌ها و رشادت‌های این ملت بزرگ در صحنه نبرد و تاریخ مصور انقلابید. شما فرزندان دفاع‌مقدس و پرچمداران عزت مسلمین و سپر حوادث این کشورید.» روز پاسدار به همه آنان که مسلک پاسداری پیشه کردند، مبارک باد.

■ **سیدمحمدرضا قدردانی:**
پاسداری از انقلاب اسلامی، به آدم عزت میده... پاسداران روزتون مبارک. #روز_پاسدار

■ **زینب حسنی:**
پاسداران آگاهانه انتخاب می‌کنند؛ شجاعانه می‌جنگند؛ غریبانه زندگی می‌کنند؛ مظلومانه شهید می‌شوند و بی‌شرمانه مورد توهین قرار می‌گیرند. (شهید بهشتی) #روز_پاسدار

■ **محمدمهدی معنوی:**
عید است و جهان روضه رضوان حسین است | از عرش الی فرش، گلستان حسین است | با گریه شوق نبی و حیدر و زهرا | چشم همگان بر لب خندان حسین است. میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار مبارک باد. #الحسین_سفینه_النجاه

هدف؟ به گریه انداختن معلم‌ها! چرا؟!

کانال تلگرامی «ترجمان» خلاصه‌ای از مقاله‌ای با عنوان «هدف؟ به گریه انداختن معلم‌ها» نوشت: اَشلی لَم- سینکلر را با ترجمه احمد خداداد حسینی به اشتراک گذاشت. در این مطلب می‌خوانیم: فرض کنید معلم هستید و در کلاس‌تان دانش‌آموزی دارید که همیشه دیر می‌آید، ردیف آخر کلاس می‌نشیند، هروقت نگاه‌تان به او می‌افتد، می‌بینید پوزخند تحقیرکننده‌ای گوشه لبش نشسته و چشم‌هایش با اعتنایی جایی خیره مانده، دم‌به‌دم سؤالات بی‌ربط می‌پرسد که تقریباً اطمینان دارید هدفش از پرسیدن آنها دست‌انداختن یا عصبانی کردن شماست. نمره‌هایش ضعیف است و تکالیفش نیمه‌تمام و بی‌نظم و به حرف هیچ‌کس هم گوش نمی‌دهد. چه آینده‌ای برای او متصور می‌شوید؟ آیا می‌توانید تصور کنید وقتی بزرگ شد، کسی مثل اینشتین شود؟
اینشتین در دوران مدرسه، یکی از این دانش‌آموز به اصطلاح «ناسازگار» بود. رایج است بدرفتاری‌ها و ضعف درسی او را به هوش خارق‌العاده او نسبت می‌دهند. البته اینشتین واقعاً قدرت ذهنی استثنایی‌ای داشته، اما رفتارهای او در مدرسه آنقدرها هم استثنایی نبوده است. در واقع هر معلمی احتمالاً در کلاسش یکی دو نفر مثل او می‌شناسد.
ما آدم‌های سرکش را دوست داریم. کسانی که روحیه مستقل و تمایلاتی خلاف جریان دارند، قوانین را می‌شکنند و راه و رسم خاص خودشان را پی می‌گیرند، اما اگر ببینیم دانش‌آموزی در مدرسه چنین رفتاری می‌کند، به حالش تأسف می‌خوریم. در یک تحقیق از چند صد معلم پرسیده شد که از نظرشان دانش‌آموز خوب چه خصوصیاتی دارد؟ «خودداری» و «مشارکت» در صدر فهرست قرار گرفتند. در واقعیت هم دانش‌آموزی که در کلاس آرام و منظم است و در بحث‌ها مشارکت می‌کند، احتمال بیشتری دارد که به موفقیت‌های تحصیلی برسد. با این حال، دانش‌آموزان ناسازگار در نقطه مقابل می‌ایستند.
تحقیقات متعددی نشان داده است که در محیط کار نیز «نظم» و «وظیفه‌شناسی» و «سازگاری» از جمله مهارت‌های نرمی هستند که دارندگان‌شان موفقیت‌های بیشتری کسب می‌کنند. اگر اینطور باشد، پس باید واقعاً برای بچه‌های ناسازگار نگران بود، اما واقعیت چیز دیگری است.
مدرسه‌ها اغلب تعریف خیلی محدودی از موفقیت دارند و چارچوب رفتاری سفت‌وسختی را در پیش می‌گیرند. دقیقاً به همین دلیل است که دانش‌آموزان به اصطلاح «ناسازگار» که نمی‌توانند در این چارچوب عمل کنند، طرد می‌شوند. با این حال بسیاری از آنها راه‌شان را با آزمون و خطا پیدا می‌کنند و به نسخه خاص خودشان از موفقیت می‌رسند. آدام گرنت در کتابی با نام اصیل‌ها می‌گوید: طفره‌رفتن، تأخیر همیشگی و گرایش به واژگون کردن مظاهر قدرت، ویژگی‌های مهم متفکران اصیل است. درواقع، اغلب سرکش‌ها هستند که بیشترین تغییر را در جهان به وجود آورده‌اند.
اشتباه نشود، تدریس خودش به اندازه کافی دشوار است، پس شاید واقعاً نباید از معلم‌ها انتظار داشته باشیم تا دانش‌آموزان را به بدرفتاری و گستاخی تشویق کنند، آن هم به امید اینکه اینها در بزرگسالی به متفکرانی اصیل تبدیل خواهند شد! اما روش‌هایی وجود دارد تا معلم‌ها بتوانند چنین رفتاری را کنترل کنند و به راه درست بیندازد.
یکی از این راه‌حل‌ها «کلاس‌های استعداد محور» است که به دانش‌آموزانی که درس برایشان حوصله‌سربر یا ناخوشایند است، اجازه می‌دهد تا توانایی‌های دیگر خودشان را بروز دهند و با ایجاد تجربه مثبت یادگیری و احساس موفقیت، آنها را ترغیب کند تا بقیه برنامه درسی‌شان را نیز راحت‌تر پیگیری کنند. راه‌حل ساده دیگر «پرهیز از برچسب‌زدن» است. اگر معلم هستید و دانش‌آموزی واقعاً آزارتان می‌دهد، به او برچسب «بچه شرور کلاس» را ندهید. این برچسب او را بین بچه‌ها محبوب خواهد کرد، پس برای حفظ محبوبیتش هر کاری می‌کند تا اشک‌تان را درآورد.

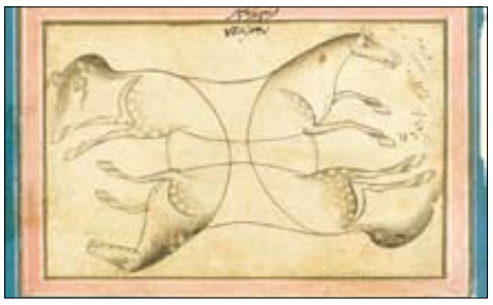

اولین نمونه‌های طراحی پازلی ۴ اسب در ایران

صالح شریفی با انتشار تصویر فوق نوشت: طراحی پازلی شگفت‌انگیزی از چهار اسب اثر رضا عباسی. تا جایی که جست‌وجو کرده‌ام، به نظر می‌رسد اولین نمونه‌های طراحی پازلی چهار اسب در ایران عهد صفوی کشیده شده و احتمالاً نخستین طرح همین طراحی است.

کم‌کم دست‌های پشت پرده افشا می‌شود

مرتضی غرقی توئیت کرد: طالبان به کارمندان دولتی خبر داده که پرداخت حقوق برای سه ماه به تعویق افتاده، دولت ترامپ برای مهار طالبان پرداخت هزینه‌های طالبان را متوقف کرده، قبلاً بایدن حقوق ماهانه ۴۰۰هزار نظامی و مخارج دولت طالبان را پرداخت می‌کرده! حالا متوجه شدید امریکا در مرزهای ایران چطور برنامه‌ریزی می‌کرده است.

نامه‌ای از شهید آوینی به برادرش

حمید کثیری در کانال شخصی خود در پیام‌رسان ایتا نوشت: نامه شهید آوینی به برادرش محمد درباره امام خمینی(ره) در زمانی که او ساکن امریکا بود: «برادر، گرفتار تاریکی بودیم که امام‌خمینی از قلب تاریخی می‌رفت تا فراموش شود، چون محمد فریاد برآورد که «واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا» و ما که هنوز دست و پا می‌زدیم تا به خویشتن خویش بازگردیم، از این سخن تازه شدیم و دریافتیم آنچه می‌جستیم، یافته‌ایم!
با همان عشقی که اباذر با محمد بیعت کرد، ما به امام‌خمینی پیوستیم و برادر او را ندیده‌ای: دست خداست بر زمین؛ آن همه به صفات خداوندی آراسته است که هنگامی که دست محبتش را بر سر شیفتگان بالا می‌آورد، سایه‌اش زمین و آسمان را می‌پوشاند. من بوی خوشش را از نزدیک شنیده‌ام و صورتش را دیده‌ام که قهر موسی را دارد و لطف عیسی را و آرامش سنگین محمد را برادر!
مادر به تو گفت (در پشت تلفن) که من کار پیدا کرده‌ام. اینچنین نیست؛ من زندگی یافته‌ام. عشق خمینی بزرگ و عظمت فرهنگی آنچه می‌گوید، مرا آنچنان شیفته خود ساخته است که نمی‌توانم جز به حکمتی که در حال تدوین آن هستم بیندیشم و جز به فرهنگی که در حال احیای آن هستیم. کارم در راه خداست (فی سبیل الله) و برای آن پولی دریافت نمی‌کنم. تنها سهمی اندک از بیت‌المال می‌برم که خورد و خوراک را بس باشد و بس. جهادی را که آغاز کرده‌ایم، امام‌خمینی جهاد سازندگی نام نهاده است. شمشیرمان قلم است و بیل و کلنگ و در راه سازندگی ایرانی آزاد گام نهاده‌ایم؛ ایرانی که منشأ حرکت نوین تاریخ و خاستگاه فرهنگ نوینی است که دنیای تاریخ را سراسر دربرخواهد گرفت.»

درآمد جهانی صنعت بازی‌ویدئویی چقدر است؟

کانال «تمافر» در پیام‌رسان بله نوشت: درآمد صنعت بازی ویدئویی در سال‌های اخیر رشد بالایی داشته است. بازی‌های ویدئویی اکنون پیشتاز صنایع خلاق هستند، به طوری که درآمد صنعت بازی ویدئویی در سال ۲۰۲۳ از مجموع درآمد صنایع فیلم و موسیقی بیشتر بوده است. درآمد جهانی صنعت بازی ویدئویی در سال ۲۰۲۳ به ۲۲۷/۶ میلیارد دلار رسیده و نسبت به سال ۲۰۲۲، ۱۴/۶ میلیارد دلار افزایش یافته است، این در حالی است که پیش‌بینی می‌شود رشد درآمد صنعت بازی ویدئویی در سال‌های آینده نیز ادامه پیدا کند و در سال ۲۰۲۸ به ۳۳۴ میلیارد دلار برسد. با وجود اینکه همچنان درآمد صنعت بازی ویدئویی تحت سلطه خرید اشتراک و بازی است، اما سهم بخش‌های جدیدی همچون تبلیغات بازی‌های ویدئویی در حال رشد است، به طوری که پیش‌بینی می‌شود بازی‌های ویدئویی به یک پلتفرم محبوب برای بازاریابی و تجربه سایر محتوای فرهنگی و خلاقانه تبدیل شوند. همچنین ورزش‌های الکترونیکی نیز افزایش چشمگیری در فروش بلیت رویدادهای خود داشته‌اند. برای مثال در سال ۲۰۲۲، فروش بلیت رویدادهای ورزش‌های الکترونیکی ۱۵۰ درصد افزایش یافته است.

عمر، زیاد حوصله‌دار نیست

یکی از فعالان توئیتر فارسی با نام کاربری «کاتسوموتو» نوشت: همسایه‌مون خیلی پولدار بود، یه کلید واژه داشت به اسم «تبدیل به احسن.» مثلاً تو قرعه‌کشی ایران‌خودرو ماشین اگر برنده می‌شد، می‌فروخت و می‌گفت با پولش ملک بخرم. ملک خوب اگر می‌ساخت، می‌گفت بفروشم با پولش سرمایه‌گذاری کنم. مدام مشغول جمع‌کردن بود و نه ماشین خوبی سوار شد نه خونه خوبی داشت. این اواخر یه هایما برنده شده بود، می‌گفت این رو تبدیل به احسن کنم دیگه بعدش می‌خوام برای خودم زندگی کنم. فردا قراره بریم خاکسپاریش. راستش رو بخواید عمر، زیاد موجود حوصله‌داری نیست، منتظر نمی‌مونه تا بخواید سر عقل بیاید تا جایی که امکانش هست خوب زندگی کنیم به این دنیا اعتباری نیست.

ترامپ و آینده اپوزیسیون ایرانی

مهدی جهان‌تیغ در کانال شخصی خود در پیام‌رسان بله به تحلیل رابطه ترامپ با اپوزیسیون ایران پرداخت. خلاصه‌ای از یادداشت او را در ادامه مرور کرده‌ایم:
۱) در نگاه دولت ترامپ، باتوجه‌به مشکلات اقتصادی و لزوم کاهش هزینه‌ها، زین پس معیار کارآمدی دلخواه از اپوزیسیون در گاه اصلی دریافت کمک مالی خواهد بود. بنابراین سؤال مهم این است که چه کسانی و چه نوع کارآمدی دلخواه تیم ترامپ هست؟
۲) در گذشته نزدیکان ترامپ به اپوزیسیونی از جنس منافقین یا گروه‌های که رویه تجزیه‌طلبانه‌تر، اغتشاشگرایانه و خشونت‌آمیز بیشتری داشتند بهای بیشتر دادند. در نگاه آنها اپوزیسیون ایرانی فاقد توان برای اقدامات نرم براندازی با اقبال گسترده مردمی هستند و بیشتر باید نقش ضد امنیتی مقطعی، تحریمی و فشارهای رسانه‌ای و شوک روانی باید داشته باشند.
۳) به زبان ساده‌تر، اپوزیسیون ایرانی برای دریافت کمک بیشتر باید بسیار بیشتر از قبل وطن‌فروشی و اقدام مستقیم علیه مردم ایران انجام بدهند.
۴) هدف‌مندتر شدن کمک مالی دولت امریکا به اپوزیسیون سبب چندپارگی و اختلافات بیشتر آنها خواهد شد. دلیل اول این است که جنگ القای کارآمدی و اثبات خود به دولت ترامپ در سه ماه آینده بین اپوزیسیون بیشتر از قبل شکل خواهد گرفت و به همین دلیل نفی یکدیگر و دعوای قدرت شدیدتر بین آنها صورت خواهد پذیرفت. در این میان برخی از اپوزیسیون همانند محمدرضا پهلوی که همچنان با اموال دزدی ایرانیان صاحب ثروت قابل‌توجهی است، تلاش خواهد کرد که برخی اپوزیسیون کم‌درآمد و رو به ضعف را به سمت خود متمایل کند و جبهه مخالفین خودش را تضعیف کند. برخی دیگر از اپوزیسیون نیز به سمت جذب کمک از دیگر کشورهای اروپایی و برخی کشورهای منطقه سرازیر خواهند شد. تنوع منابع تأمین مالی و کارفرمایان متعدد اپوزیسیون، عملاً سبب می‌شود که بیشتر از قبل در روندهای کلی دچار سیاست‌های چندگانه متضاد شده و اختلافات بین آنها را ریشه‌دارتر از قبل بشود.

تصویر منتخب

صحنه زیبا و ماندگار استقبال مردم از امام خمینی(ره) هنگام ورود به ایران در ۱۲ بهمن ۵۷ | از صفحه توئیتر مهدی عباسیان

برترین روزنامه‌ها

راز حمله به جریان انقلابی

روزنامه کیهان در شماره دیروز خود با طرح این پرسش که راز حمله به جریان دغدغه‌مند انقلابی چیست و چرا تلاش می‌شود دلسوزان انقلاب با عناوینی مانند تندرو و افراطی برچسب‌گذاری شوند؟ اتاق فکر تخریب جریان انقلابی کجاست و طراحان و هدایتگران این اتاق عملیات به کجا وابسته‌اند؟ نوشت: اگر به صفحات روزنامه‌ها، تیترها، یادداشت‌ها و مصاحبه‌هایی که در این چند سال در رسانه علیه جریان دلسوز انقلاب با برچسب تندرو و افراطی تصویرسازی می‌شود، دقت کنیم، شاید بشود جریانی که سعی دارد دغدغه‌مندان انقلابی را منکوب و به صورت هدفمند برچسب‌گذاری و از دایره کنشگری سیاسی و اجتماعی حذف کند را در دو گروه کلی تقسیم‌بندی کرد: «رویزیونیست‌ها و تراولیست‌ها». «رویزیونیست‌ها» یا تجدیدنظرطلبان نفوذی که از ابتدای شکل‌گیری انقلاب جریان اصیل انقلابی و حافظان واقعی انقلاب اسلامی مانع به نتیجه رسیدن تلاش آنان برای تسلیم، براندازی، انحراف در اصول و دست برداشتن از آرمان‌ها و اهداف انقلاب بود. «تراولیست‌ها» جریان متأخری هستند که به مرور و به دلیل جایگاه‌خواهی و منفعت‌طلبی تلاش کردند با پول‌پاشی در ساختار و تراشیدن از بدنه جریان انقلابی و با یارکشی از درون جبهه انقلاب در جهت مطامع و منافع باندی و جریانی اقدام کنند و در این مسیر حتی از لکه‌دار کردن جریان اصیل انقلابی که دغدغه‌ای جز حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب ندارد، با برچسب‌گذاری‌های کاذب همچون «افراطی و تندرو» و با واژه‌سازی‌هایی همچون «سوپرانقلابی» به جریان انقلاب صدمات جبران‌ناپذیری وارد کرده‌اند. این دو جریان اگرچه در اهداف و خاستگاه هیچ‌وجه اشتراکی ندارند اما نتیجه عمل آنان در یک نقطه که عبارت است از تخریب جریان دغدغه‌مند آرمان‌ها و شعارهای انقلاب به نتیجه مشترک می‌رسد. یادمان باشد که نقطه اوج تخریب جریان انقلابی با برچسب‌گذاری تندرو و افراطی‌گری را در دهه تلخ ۹۰ شاهد بودیم؛ دوره‌ای که دلسوزان انقلاب با دغدغه پاسداری از اهداف انقلاب مانع بسیاری از انحرافات در مشی سیاسی و اجتماعی کشور شدند و مورد تهاجم رسانه‌ای در افکار عمومی قرار گرفتند.

پیروزی‌های سریالی مردم فلسطین

روزنامه جام‌جم در یادداشت خود نوشت: تبادل اسرا و آتش‌بس در نوار غزه معیاری است که کاملاً پیروزی حماس و مقاومت را در عملیات طوفان‌الاقصی نشان می‌دهد. درواقع این اتفاق به معنای به رسمیت شناختن حماس و پیروزی حماس و محورمقاومت به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، آتش‌بس و تبادل اسرا حکم شکست را برای رژیم‌صهیونیستی، امریکا و برخی کشورهای اروپایی دارد که حامی رژیم‌صهیونیستی هستند. به این ترتیب، اسرای فلسطینی که برخی از آنها به حبس ابد محکوم شده بودند به تعداد چندین برابر اسرای رژیم‌صهیونیستی آزاد می‌شوند و فریاد مقاومت و شادی سر می‌دهند. این در حالی است که صدها هزار نفر از مردم غزه و فلسطین که در طول جنگ آنها را به زور به مناطق جنوبی کوچ داده بودند، این روزها به مناطق شمالی برمی‌گردند تا در سرزمین خود خانه‌های‌شان را دوباره بسازند. این اتفاق در حالی رخ داده که شاهدیم شهرک‌نشین‌های رژیم‌صهیونیستی حاضر نیستند به منازل خود برگردند، به همین دلیل در سمت مردم فلسطین شاهد پیروزی و مقاومت هستیم و در طرف رژیم‌صهیونیستی، ضعف و شکست را مشاهده می‌کنیم. درخصوص اقدام اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جدید امریکا نیز می‌توان گفت همین شرایط حاکم است. درواقع، ایده ترامپ برای کوچ اجباری مردم غزه به مصر و اردن نیز کاملاً اقدامی خلاف موازین و مقررات بین‌المللی است و ثابت می‌کند ترامپ نیز سیاست‌های جو بایدن را ادامه می‌دهد و تفاوتی بین جمهوریخواهان و دموکرات‌ها وجود ندارد. به عبارت دیگر، مخالفت امروز مردم غزه درباره ایده ترامپ و مخالفت مردم مصر و اردن با این مسئله، نوع دیگری از پیروزی برای مردم غزه به شمار می‌رود.

تغییر مسیر جهان

روزنامه همشهری در یادداشتی متفاوت به مناسبت دهه فجر با مرور صحنه سیاسی جهان در ۵۰سال گذشته نوشت: کل جهان پس از جنگ جهانی دوم تقسیم شده بود به دو بلوک شرق و غرب با دو تفکر و پیروی از دو مکتب مارکسیسم و لیبرالیسم و با دو ائتلاف نظامی بزرگ ناتو و ورشو. دو قدرت فائق آن دوران، به‌رغم همه اختلافاتی که با یکدیگر داشتند، در مقابله با دین و مذهب مشترک بودند و به قول شهید مطهری مانند دو تیغه قیچی عمل می‌کردند که ظاهراً با هم تضاد دارند اما برای قطع یک ریشه به حرکت درمی‌آیند.

نویسنده اضافه کرده است: در چنین زمانه‌ای ناگهان در یکی از مهم‌ترین نقاط راهبردی جهان و کشوری که امریکایی‌ها جزیره ثبات و ژاندارم خود می‌دانستند، با زعامت یک ابرمرد و مرجع عالی‌مقام، به نام «روح‌الله خمینی» انقلابی به نام خدا و با همراهی شگفت‌انگیز مردم شکل گرفت و شد آنچه از نظر دو قدرت مسلط جهان به ویژه امریکا نباید می‌شد! انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ در کمال ناباوری همه به پیروزی رسید که منجر به استقرار نظامی انقلابی شد؛ انقلابی که «توحید» شاکله اصلی جهان‌بینی آن بود و این شاکله «نظریه نظام انقلابی» را ابدی کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی تغییر مسیر تاریخ آغاز شد و درپی برافراز کردن شعار «نه شرقی، نه غربی»، جهان دوقطبی، سه‌قطبی شد و با توجه به نگاه محوری انقلاب که نه ستم می‌کند و نه زیر بار ستم می‌رود، دل‌های آزادی‌خواه و استقلال‌طلب جذب آن شد و نهضت‌های آزادیبخش و سپس جبهه مقاومت شکل گرفت. انقلاب اسلامی ایران اکنون در حالی برای جشن چهل‌وششمین سالگرد پیروزی خود مهیا می‌شود که دشمنانش یا نابود شده‌اند یا ناکام از توطئه‌های ۴۶سال گذشته خشمگین و غضبناک او را تماشا می‌کنند.

شرم نمی‌کنید آقای دبیرکل؟!

روزنامه وطن‌امروز در شماره دیروز خود نوشت: دبیرکل سازمان ملل متحد اخیراً در یک لفاظی آشکار، خواستار برطرف‌شدن نگرانی‌ها درباره فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران شده و حتی از تهران خواسته در این روند، «اعتمادسازی» را از خود شروع کند! آنتونیو گوترش در حالی این مواضع وقیح را بر زبان رانده که خروج یکجانبه امریکا از برجام، مستقیماً قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد را به چالش کشید و اساساً چیزی از توافق برجام باقی نگذاشته است. گوترش به جای مطالبه‌گری درباره عدول واشینگتن از یک سند رسمی که اتفاقاً از سوی سازمان متبوع وی (شورای امنیت سازمان ملل متحد) نیز قطعنامه شده است، درصدد معکوس‌سازی صورت‌مسئله برآمده است! این رویکرد غیرحقوقی و کاملاً سیاسی در طول تاریخ معاصر روابط بین‌الملل مسبوق به سابقه است و مهر تأییدی بر انحراف مطلق سازمان ملل متحد از اهداف و اساسنامه ادعایی خود به شمار می‌آید. گوترش به جای بازخواست رسمی از صهیونیست‌ها و امریکا بابت کشتار سیستماتیک و عامدانه کارکنان سازمان ملل متحد، ترجیح داده تمرکززدایی از این جنایت آشکار و مستمر را در دستور کار قرار دهد. واقعیت تلخ این است که سازمان ملل پس از هشت دهه، نقش و جایگاه حقوقی خود را در مناقشات بین‌المللی نادیده گرفته و رسماً به متغیری وابسته به جریان سلطه تبدیل شده است.

گزارش یک

ریاست جمهوری

رجزخوانی رئیس‌جمهور برای دشمنان در بازدید از صنایع دفاعی

پزشکیان: اسرائیل و حامیانش از علم استفاده شیطانی می‌کنند
اگر مرد هستند باید در میدان جنگ بجنگند نه با زنان و کودکان

در مقطعی دشمنان می‌توانستند به راحتی به کشور ما تجاوز کنند اما امروز با توان و قدرت بالای نظامی و دفاعی ایران که با تلاش متخصصان کشور به دست آمده است، دیگر نمی‌توانند حتی به تجاوز به خاک ایران فکر کنند.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور صبح یک‌شنبه از نمایشگاه دستاوردهای دفاعی و فضایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بازدید کرد. در جریان این بازدید، برای اولین بار موشک بالستیک اعتماد با برد هزارو ۷۰۰کیلومتر به نمایش درآمد و در واقع رونمایی شد.

رئیس‌جمهور همچنین با شرکت در آیین «بزرگداشت روز ملی فناوری فضایی» سخنانی ایراد کرد. در این مراسم همچنین وزیر دفاع هم مطالبی بیان کرد. پزشکیان در بدو ورود به سازمان صنایع هوا و فضای وزارت دفاع و قبل از آغاز بازدید از دستاوردهای دفاعی و فضایی کشور، به مقام شامخ شهدای وزارت دفاع ادای احترام کرد.

■ بازدید دکتر پزشکیان از آخرین دستاوردهای دفاعی و فضایی

رئیس‌جمهور صبح یک‌شنبه با همراهی «عزیز نصیرزاده» وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، «محسن حاجی‌میرزایی» رئیس دفتر رئیس‌جمهور و «فاطمه مهاجرانی» سخنگوی دولت، همزمان با روز ملی فناوری فضایی از جدیدترین دستاوردهای دفاعی و فضایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بازدید کرد و با ویژگی‌های جدیدترین دستاوردهای کشور از جمله سامانه پرتابگر و ماهواره‌بر سیمرغ و موشک بالستیک «اعتماد» آشنا شد. بخشی از دستاوردهای ارائه شده در این نمایشگاه عبارت بودند از:

- سامانه سلاح پدافند هوایی برد بلند شهید آرمان با برد ردگیری ۱۸۰کیلومتر، برد درگیری ۱۲۰کیلومتر به عنوان سامانه کاملاً تاکتیکی و خودکششی
- سامانه سلاح موشک بالستیک سوخت جامد ال ۳۶۰ با برد ۱۸۰کیلومتر و دقت نقطه‌زنی، قابلیت شلیک همزمان شش موشک به عنوان سامانه تاکتیکی متحرک
- سامانه سلاح موشک بالستیک سوخت جامد شهید قاسم با برد ۱۴۰کیلومتر، دارای دقت نقطه‌زنی و مقاوم در برابر جنگ الکترونیک
- سامانه سلاح موشک کروز شهید ابومهدی با برد هزار کیلومتر، وزن سرجنگی ۲۷۰کیلوگرم، قابلیت شلیک از انواع لانچرهای زمینی و دریایی، قابلیت عبور از نقاط میانی
- سامانه سلاح موشک بالستیک سوخت مایع خرمشهر ۴ حداکثر با حداکثر برد ۲هزار کیلومتر، وزن سرجنگی هزارو ۵۰۰کیلوگرم و در نسخه جدید با سرجنگی ۲هزار کیلوگرمی، دارای انواع سرجنگی با مأموریت‌های مختلف، دارای سنگین‌ترین سرجنگی در بین موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی ایران، سرعت در لحظه برخورد هشت ماخ و بادقت نقطه‌زنی
- سامانه سلاح موشک بالستیک سوخت مایع جهاد با برد هزار کیلومتر، وزن سرجنگی ۶۵۰کیلوگرم و دارای دقت نقطه‌زنی
- سامانه سلاح موشک بالستیک سوخت مایع عماد با برد هزارو ۷۰۰کیلومتر، وزن سرجنگی ۸۰۰کیلوگرم و دقت نقطه‌زنی
- سامانه سلاح پدافند هوایی برد کوتاه شهید مجید با برد کشف ۱۵کیلومتر، برد درگیری هشت کیلومتر دارای قابلیت شلیک کن و فراموش کن و قابلیت مقابله با پهپاد، بالگرد و اهداف ارتفاع پایین
- سامانه سلاح پدافند هوایی برد کوتاه دزفول با برد کشف ۲۷کیلومتر، برد درگیری ۱۲کیلومتر، سامانه عمود پرتاب ضدکروز، پهپاد و اهداف پروازی با ارتفاع و برد پست، قابلیت شلیک دو موشک همزمان علیه دو هدف مختلف
- سامانه سلاح پدافند هوایی برد کوتاه زوبین با حداکثر برد ۲۵کیلومتر، قابلیت شلیک هشت موشک به صورت عمود پرتاب، دارای رادار آرایه فاز و قابلیت درگیری در ۳۶۰ درجه
- و سامانه سلاح پدافند هوایی برد بلند ۱۵ خرداد، با برد کشف ۲۰۰کیلومتر، برد درگیری ۱۲۰کیلومتر و ارتفاع کشف و درگیری ۲۷کیلومتر

جدیدترین بالستیک ایران رونمایی شد

جدیدترین موشک بالستیک وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح کشورمان با نام «اعتماد» رونمایی شد. در جریان بازدید رئیس‌جمهور از دستاوردهای موشکی وزارت دفاع، موشک بالستیک اعتماد با برد هزارو ۷۰۰کیلومتر به نمایش درآمد.

این موشک با ۱۶متر طول و قطر ۱/۲۵ متری به عنوان جدیدترین موشک بالستیک وزارت دفاع نمایش داده شده است. موشک اعتماد دارای کلاهک هدایت‌شونده تا لحظه اصابت است.

■ علم و دانش را نه برای تجاوز بلکه برای دفاع از مردم کشورمان می‌خواهیم

به گزارش ایرنا، مسعود پزشکیان روز یک‌شنبه طی سخنانی در آیین «بزرگداشت روز ملی فناوری فضایی» با تبریک اعیاد شعبانیه و روز پاسدار و با بیان اینکه امروز به برکت تلاش و کوشش جوانان و متخصصان کشور به موفقیت‌های بسیار زیادی در حوزه فناوری‌های دفاعی دست یافته‌ایم و جنگندگی و دفاع از آب و خاک کشورمان به برکت امام حسین(ع) و یاران شهیدش است، گفت: ما علم و دانش و فناوری در حوزه‌های مختلف از جمله دفاعی و نظامی را نه برای تجاوز بلکه برای دفاع، عزت و سربلندی مردم کشورمان می‌خواهیم.

رئیس‌جمهور تأکید کرد: مدافعان دروغین حقوق بشر از علم و دانش و توانمندی نظامی خود برای کشتار زنان، مردان و کودکان مظلوم و بی‌دفاع استفاده می‌کنند و امروز شاهدیم که اسرائیل نسل‌کش و جنایتکار در مقابل دیدگان دنیا چه فجایعی در غزه و لبنان به وجود آورده است.

پزشکیان با طرح این پرسش که آیا علم برای کشتار بی‌گناهان و زنده به گور کردن زنان و کودکان است؟ گفت: اسرائیل و طرفدارانش وحشی هستند، اگر مرد هستند باید در میدان جنگ، بجنگند. اینها از علم استفاده شیطانی می‌کنند، اینها چون نمی‌توانند با رزمندگان بجنگند، انسان‌های بی‌گناه را نابود می‌کنند.

■ پزشکیان: توان دفاعی ایران برای این است که کسی جرئت تجاوز به خاک ما نداشته باشد

رئیس‌جمهور همچنین همزمان با روز ملی فناوری فضایی در حاشیه بازدید از جدیدترین دستاوردهای دفاعی و فضایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح از جمله سامانه‌های پرتابگر و هدایت‌کننده ماهواره‌ها و همچنین سامانه موشک‌های بالستیک در گفت‌وگویی کوتاه تأکید کرد: آنچه امروز از دستاوردهای دفاعی و فضایی می‌بینیم حاکی از توان، نوآوری و خلاقیت جوانان و متخصصان کشور است که باعث غرور و افتخار برای ملت ایران است.

پزشکیان خاطرنشان کرد: در مقطعی دشمنان می‌توانستند به راحتی به کشور ما تجاوز کنند اما امروز با توان و قدرت بالای نظامی و دفاعی ایران که با تلاش جوانان، کارشناسان و متخصصان کشور به دست آمده، دیگر نمی‌توانند حتی به تجاوز به خاک ایران فکر کنند.

رئیس‌جمهور افزود: تلاش کرده‌ایم قدرت دفاعی خود را با وجود جوانان جهادگر، دانشمند و خلاق روزبه‌روز توسعه دهیم، این توسعه ادامه پیدا خواهد کرد و ایران عزیز در ردیف کشورهایی قرار خواهد گرفت که پروازهای خارج از جو کره زمین انجام دهد و این قدرت علمی کشور ما را نشان می‌دهد.

پزشکیان ادامه داد: دشمنان همواره تلاش می‌کنند ما نتوانیم روی پای خود بایستیم اما این زمینه‌ای شد که بتوانیم به علم و توانمندی‌هایی دست یابیم و با کمک جوانان و متخصصان توانمند خود امروز ایران با افتخار محصولات نظامی مورد نیاز خود را تولید و حتی صادر می‌کند و با افتخار توانمندی علمی کشور را گسترش می‌دهیم و با توان جوانان، مشکلات کشور را در تمام زمینه‌ها حل خواهیم کرد.

رئیس‌جمهور در پایان تأکید کرد: امیدوارم موفقیت‌های نظامی کشور به سایر زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری نیز گسترش یابد.

■ وزیر دفاع: در حوزه «ماهواره‌برها» به بلوغ رسیده‌ایم

امیر سرتیپ خلبان عزیز نصیرزاده، وزیر دفاع نیز در مراسم بزرگداشت روز فناوری فضایی گفت: امروز روز فناوری فضایی است، هرجا که خلأ وجود داشته باشد و ضعیف باشیم، در آنجا وابسته می‌شویم. آینده دنیا و علوم آینده فضامحور است، بنابراین فضا بسیار مهم است و ما در این حوزه عقب افتاده‌ایم که نیازمندیم خلأها را پر و عقب‌ماندگی را جبران کنیم.

وی با بیان اینکه کارهای خوبی در این حوزه انجام شده است، افزود: ارتباط و همکاری خوبی بین وزارت دفاع و ارتباطات و هوافضای سپاه وجود دارد و شرکت‌های دانش‌بنیان و خصوصی را هم در این حوزه به کار گرفته‌ایم.

وزیر دفاع با اشاره به سخنانی از حضرت علی(ع) درباره علم اظهار کرد: علم سلطان است. هر کس مجهز به علم است، قدرت دست او است. دنیای امروز کاملاً این را به ما نشان می‌دهد که علم چه اهمیتی دارد، حتی شخصیت‌های غربی هم به این موضوع اشاره کرده‌اند که علم سلطان است.

امیر نصیرزاده افزود: اختلاف نظر ما با غربی‌ها در علم این است که آنها علم را سلطان برای تسلط بر طبیعت و محیط مادی امروز می‌دانند، اما ما علم را سلطان برای تنظیم روابط عادلانه انسان‌ها و کشورها می‌دانیم. ما علم را سلطان برای رقابت سالم از رقبای خود می‌دانیم که عقب نمانیم. ما علم را سلطان می‌دانیم که تحت سلطه قرار نگیریم. بسیار مهم است که در این راستا در همه جهات رشد کنیم.

وی گفت: وزارت دفاع با بیش از ۷هزار شرکت خصوصی در ارتباط است. بیش از هزارو ۳۰۰ شرکت دانش‌بنیان با وزارت دفاع همکاری می‌کنند. از تمام ظرفیت‌های ملی برای توسعه فناوری‌ها بهره می‌گیریم و این ارزشمند است که دانشمندان کشورمان در حوزه هوافضا فرصت پیدا می‌کنند علم و دانش خود را برای تقویت و توسعه کشور به کار بگیرند.

وزیر دفاع با بیان اینکه ما ابتدا با ماهواره شروع کردیم، گفت: زمانی که برای پرتاب ماهواره برای ما مانع ایجاد کردند سراغ بومی‌سازی ماهواره‌بر رفتیم. در آنجا خلأ دیدیم، ممانعت ایجاد شد، بنابراین کار را شروع و از سال ۱۳۷۷ این کار را آغاز کردیم و توانستیم ۱۰سال بعد نخستین ماهواره را با ماهواره‌بر بومی‌سازی به نام سفیر به فضا بفرستیم.

امیر نصیرزاده با بیان اینکه در حوزه ماهواره‌برها به بلوغ و تکامل رسیده‌ایم، تصریح کرد: پرتاب‌های ماهواره سیمرغ و قائم ۱۰۰ بدون هیچ نقصی انجام شد و مأموریت‌های خود را انجام دادند و برنامه‌های خوبی برای آینده داریم.

وی افزود: ما در ماهواره‌بر، ماهواره، زیرساخت‌های زمینی، سامانه‌های کنترلی و سامانه‌های ناوبری کاملاً خودکفا شده‌ایم، البته این خودکفایی دلیل بر این نمی‌شود که ارتباط خود را با دنیای علم قطع کنیم اما وابسته نخواهیم بود و روی پای خود می‌توانیم بایستیم و حتی این امکان وجود دارد که در آینده بتوانیم به کشورهایی که روابط خوبی با آنها داریم، در صورت درخواست خدماتی را در حوزه ماهواره و ماهواره‌بر ارائه دهیم.

وزیر دفاع با بیان اینکه بهمن ماه امسال و تا پایان سال دو پرتاب دیگر داریم، افزود: بلوک انتقال مداری را سازمان خوب کار کرده است و قبلاً در ماهواره‌بر سیمرغ تستی روی سوخت جامد انجام دادند و وزارت دفاع بر بلوک انتقال مداری، روی سوخت مایع کار کرده‌اند که رئیس‌جمهور امروز از نزدیک ملاحظه کردند.

بهارستان

تأکید مجلس این است که دولتمردان اقتصاد و معیشت را به FATF گره نزنند

تأکید نمایندگان این است که عمده عدم‌مبادلات پولی و بانکی ما متأثر از تحریم‌های ثانویه امریکاست و FATF گرهی از مشکلات اقتصادی کشور باز نخواهد کرد.

به گزارش مهر، عباس گودرزی در جمع خبرنگاران در تشریح جلسه غیرعلنی صبح دیروز مجلس شورای اسلامی گفت: لوایح الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) و مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) در مجلس دهم مورد تصویب نمایندگان وقت قرار گرفت و با توجه به اینکه شورای نگهبان آن را رد کرد، با اصرار مجلس وقت، به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد.

وی ادامه داد: با توجه به پایان مهلت رسیدگی، بار دیگر این موضوع در دستور کار قرار گرفت و امروز در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

نماینده مردم بروجرد در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: مجلس شأنی برای تصمیم‌گیری مجدد در این مورد ندارد، البته با توجه به اینکه مجلس باید در حوزه‌های مختلف و تصمیمات کشور اظهارنظر کند و تأثیرگذار باشد، امروز (دیروز) نشستی با حضور مرکز پژوهش‌های مجلس و نمایندگان برگزار شد. کارشناسان مرکز پژوهش‌ها و رؤسای کمیسیون‌های ذی‌ربط و برخی نمایندگان صحبت کردند و ابعاد و ماهیت FATF مورد بررسی قرار گرفت.

سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی متذکر شد: در سنوات گذشته، دولت‌های وقت از ۴۱ اقدام، ۳۹مورد را پذیرفتند که دو اقدام به دلیل قانون داخلی موجود و حق تحفظ که برای خود قائل بودیم، مورد توافق آنها قرار نگرفت و اعلام کردند باید مجدداً مصوبه ارائه دهیم که همین امر تبدیل به مسئله امروز کشور در خصوص FATF شده است.

گودرزی بیان کرد: نکته مهمی که مورد تأکید نمایندگان قرار دارد، این است که عمده عدم‌مبادلات پولی و بانکی متأثر از تحریم‌های ثانویه ایالات‌متحده امریکاست و FATF گرهی از مشکلات اقتصادی کشور باز نخواهد کرد و آنچه اهمیت دارد این است که دولتمردان ما نباید اقتصاد و معیشت را به این مباحث گره بزنند، چراکه دولت وقت ۳۹ اقدام از ۴۱ مورد را پذیرفته است و ۳۷ مورد را نیز آنها قبول دارند و سؤال این است که آیا آنها توانسته‌اند گرهی از مشکلات باز کنند.

سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: از آنجا که این گروه یک نهاد سیاسی و امنیتی است، آنها می‌خواهند اراده استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را مخدوش کنند و استقلال ملت ایران را هدف قرار داده‌اند و قصد دارند علاوه بر تحمیل تحریم‌های فلج‌کننده، از این طریق به راه‌های دور زدن تحریم‌ها دست پیدا کنند.

گودرزی ادامه داد: مجلس شورای اسلامی تأکید دارد دولت با نگاه به ظرفیت‌های داخلی کشور و با اتکا بر نقاط قوتی که در کشور وجود دارد، مناسبات اقتصادی را به زلف اراده دشمنان گره نزند و محکم در مسیر حل مسائل قدم بردارد.

وی تأکید کرد: ما در کنار تلاش برای لغو تحریم‌ها از طریق مذاکره، حتماً باید جهت خنثی‌سازی و بی‌اثرکردن تحریم‌ها هم قدم برداریم، چراکه این موضوع استراتژی و راهبرد نظام است.

گزارش ۲

با حضور فرمانده کل سپاه صورت گرفت

رونمایی سپاه از شهر موشک‌های کروز قدر ۳۸۰ ضدناوشکن

سلامی: شهرهای موشکی بخشی از قدرت ماست

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حضور فرمانده کل سپاه از شهر موشک‌های کروز قدر ۳۸۰ ضدناوشکن در پایگاه زیرزمینی موشکی این نیرو رونمایی کرد.

سردار سرلشکر حسین سلامی، فرمانده کل سپاه شامگاه شنبه در حاشیه بازدید از آمادگی یگان‌های موشکی نیروی دریایی سپاه، از این موشک راهبردی با برد بیش از هزار کیلومتر رونمایی کرد و گفت: ملت ایران بدانند فرزندان آنان در مجموعه نیروهای مسلح و از جمله سپاه شبانه‌روز برای دفاع از این کشور و قوی‌شدن کشور تلاش می‌کنند. این شهرهای موشکی بخشی از قدرت ماست. رونمایی از شهرهای موشکی برای دقیق شدن محاسبات دشمنان است؛ اینکه دشمنان اشتباه نکنند که به خاطر اشتباه‌شان هم خودشان و هم دیگران را به دردسر بیندازند.

وی درباره اینکه اگر دشمنان اشتباه کنند، گفت: همه این سیستم‌ها روزی که نیاز باشد به اراده رهبر معظم انقلاب و ملت بزرگ ایران و با دستان پرتوان عزیزانی که روی ماشه است، فعال خواهد شد.

سردار سلامی افزد: نیروی دریایی سپاه موفق شده است تمام سامانه‌های ساحل به دریای خودش را در سازه‌های امن و مستحکم در تونل‌های زیرزمینی ذخیره‌سازی کند.

فرمانده کل سپاه ضمن اشاره به اینکه تعداد این سازه‌های امن در نقاط مختلفی از خط ساحلی و عمق کشورمان گسترش یافته است، اظهار داشت: هر کدام از این پایگاه‌ها و سازه‌های امن زیرزمینی که به اصطلاح شهرهای موشکی نامگذاری شده‌اند، تعداد بسیار کثیری از سامانه‌ها و موشک‌ها را در درون خودش جای داده است.

سلامی با بیان اینکه موشک‌های جدید برد بیش از هزار کیلومتر را دارا هستند، گفت: امروز نیروی دریایی سپاه به این توانایی رسیده است که سامانه‌های موشکی خود را از موقعیت‌های مختلف در اعماق خاک کشورمان شلیک کند و اهداف خود را چه در دریاها و چه در خشکی با دقت بالا مورد اصابت قرار دهد.

وی با اشاره به برد این موشک‌ها که دقت و قدرت تخریب آنها همگی باهم جهش و پیشرفت و ارتقای قابل توجهی را یافته است، بیان کرد: به فضل الهی طی سال‌های دور و نزدیک نیروی دریایی سپاه پیشرفت‌های زیادی هم در کمیت و هم در کیفیت سامانه‌های تهاجمی خود حاصل کرده است. در واقع برد واقعی موشک‌های این نیرو همچنین جمع برد دریانوردی شناورها به اضافه برد خالص سامانه‌های موشکی هم در جنگ ایستا و هم جنگ سیال روی سامانه‌های موشکی شناوری و ساحل به دریا ارتقای قابل ملاحظه‌ای داشته و به مدرن‌ترین تکنولوژی مجهز شده است.

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ادامه سخنان خود تصریح کرد: نیروی دریایی سپاه یک نیروی پوشیده و پنهان از محاسبات دشمن است، دشمن نمی‌تواند توانایی‌های این نیرو را محاسبه کند، دلیل آن هم این است که این نیرو روزبه‌روز در حال نو شدن، توانایی آن در حال افزایش و نرخ تولید موشک‌های آن به‌روز است و ما هر روز در حال تولید هستیم، این قدرت برای دشمن قابل اندازه‌گیری نبوده و البته این قدرت توقف‌پذیر هم نیست.

■ رونمایی از شهر موشک‌های کروز قدر ۳۸۰ ضدناوشکن

سردار علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در حاشیه این رونمایی درباره این موشک‌های کروز گفت: این موشک‌ها ساخت نیروی دریایی سپاه و با برد بالای هزار کیلومتر است. از ویژگی‌های موشک کروز قدر ۳۸۰ ضدجمینگ بودن آن است که نمی‌توان آن را منحرف کرد و دارای توانایی هدایت تا لحظه اصابت به هدف است. قابلیت انجام عملیات با یک نفر و در کمتر از پنج دقیقه از ویژگی‌های اصلی این موشک است. قابلیت‌های نیروی دریایی سپاه روزبه‌روز در حال افزایش است و ما خود را برای مقابله با هر تهدیدی در هر مقیاس و هر جغرافیایی آماده می‌کنیم.

تنگسیری اضافه کرد: ما با دستور رهبر معظم انقلاب اسلامی به سمت نیروی دریایی سیال در تراز انقلاب اسلامی حرکت کرده‌ایم. سامانه‌های ما صدها متر زیرزمین نگهداری و در موقع نیاز در زمان بسیار کوتاهی عملیاتی می‌شوند.

وی بیان کرد: این سامانه‌هایی که امروز با حضور فرمانده کل سپاه بازدید شد، با کشنده‌های زمینی مسلح شده‌اند که علاوه بر موشک‌های دریایی است و با تکنولوژی‌هایی که دانشمندان ایرانی به آن دست یافته‌اند، نیاز به حضور در سواحل برای انجام عملیات ندارند.

دریادار تنگسیری خاطرنشان کرد: این سامانه‌ها و شهرهای موشکی می‌توانند صدها کیلومتر از عمق کشور مسلح شوند، شلیک و اهداف خود را در عمق دریاها مورد اصابت قرار دهند.

وی با اشاره به قابلیت‌های ویژه این سامانه‌ها گفت: این سامانه‌ها ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارند که در لبه تکنولوژی موشک‌های کروز دریایی در جهان قرار داریم؛ موشک‌هایی که حرکت آنها دیگر به صورت خطی نیست و کاملاً هدایت‌پذیر و در شناسایی اهداف کاملاً هوشمند عمل می‌کنند.

فرمانده نیروی دریایی سپاه تصریح کرد: دشمنان در توانمندی ما دچار اشتباه محاسبه نشوند و مردم عزیزمان هم بدانند فرزندان این ملت از هیچ تلاش و جانفشانی‌ای برای سرافرازی و سربلندی‌شان فروگذاری نمی‌کنند.

گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید جلال فرجی اولین شهید انقلاب شهرستان بابلسر

ساواک برای داشتن رساله امام فک و دندان جلال را شکستند

■ زینب محمودی عالمی

شهید جلال فرجی اولین شهید انقلاب شهرستان بابلسر است. پدرش سال ۱۳۴۳ به رحمت خدا رفت و در آن زمان جلال تنها هشت سال داشت اما با همان سن کم مجبور به کارگری شد تا هزینه‌های خانواده را تأمین کند. او که در محیطی مذهبی پرورش یافته بود، سال‌ها در راه پیروزی انقلاب اسلامی مجاهدت کرد و سرانجام ۱۳ دی ۱۳۵۷ وقتی همراه دوستانش قصد آتش زدن دفتر و رستوران وابسته به حزب رستاخیز را داشتند، هدف قرار گرفت و به شهادت رسید. آنچه می‌خوانید حاصل همکلامی ما با کمال فرجی، برادر شهید جلال فرجی است.

پدرم سال ۱۳۴۳ بر اثر تصادف مرحوم شد. ما هفت خواهر و برادر یتیم مانده بودیم. فقط یک خواهر و برادرم ازدواج کرده بودند. بچه‌ها در سن خردسالی یا نوجوانی بودند. چون بچه یتیم بودیم برای تأمین مخارج خانواده مجبور بودیم روزها کار کنیم و شب‌ها درس بخوانیم. جلال شغلش آزاد بود، بنایی، کشاورزی و سیم‌کشی برق انجام می‌داد. روزها کار می‌کرد و شب‌ها درس می‌خواند.

جلال فرزند چهارم بود، سن زیادی نداشت که پدرم به رحمت خدا رفت. آن موقع دو برادر و یک خواهرم در زمین شالیزاری ارباب کشاورزی می‌کردند. زمان طاغوت مردم رعیت بودند و ارباب‌ها املاک و زمین داشتند و از مردم بیگاری می‌کشیدند. ارباب‌ها وابسته به طاغوت بودند و به مردم زور می‌گفتند اما مرحوم صفرپور (اربابی) که خانواده ما در مزرعه‌اش کار می‌کردند نسبت به اربابانی که وابسته به طاغوت بودند انصاف داشت و حق ما را می‌داد. حتی زمین کشاورزی که کار می‌کردیم محصولاتش نصف می‌شد.

■ **نان قرضی**

با آنکه در زمین کشاورزی ارباب، برادر و خواهرم کار می‌کردند یادم است تا بزرگ شویم حتی نان را نسیه می‌خریدیم، یعنی آن موقع وضع اقتصادی مردم در این حد ضعیف بود. وقتی به کلاس اول ابتدایی رفتم حتی پول لباس و کیف و کفش نداشتیم. با دمپایی به مدرسه می‌رفتم. آب، برق و گاز در خانه‌ها نبود. طاغوت را به چشم‌مان دیدیم و لمس کردیم. درد یتیمی و نداشتن پدر یک طرف، غصه‌ها و گریه‌های مادرم یک طرف و فقر و نداری و گرسنگی طرف دیگر! گاهی یک نان بربری را نسیه می‌خریدم و هفت نفر با هم می‌خوردیم. شاید کسی باور نکند یا بگوید افسانه است اما اینها واقعیت زمان طاغوت بود. از وقتی دانش‌آموز ابتدایی بودم زمین شالیزاری ارباب کار می‌کردم. خانه کاهگلی داشتیم و از آب باران استفاده می‌کردیم. حتی موکت و فرش نداشتیم، اتاق‌مان با حصیر فرش شده بود که مادرم با دست بافته بود.

■ **۳ برادر انقلابی**

وقتی انقلاب شد برق به خانه‌های مردم آمد. سیم سیار کشیدیم و از خانه برادرم برق می‌گرفتیم، فقط یک لامپ ۱۰۰ داشتیم. تا آن موقع رادیو و تلویزیون نداشتیم. شهید جلال و دو برادر دیگرم مبارز انقلابی بودند. یکی از برادرها ضبط صوت خریده بود و سخنرانی‌های امام خمینی(ره) را تکثیر می‌کرد. نماز و روزه ما ترک نمی‌شد. مادرم اول وقت به نماز جماعت مسجد می‌رفت. همسایه‌ها را جمع می‌کرد روضه خانگی می‌گرفتند. مادرم چندین بار در حال شنیدن مصیبت حضرت زهرا(س) بیهوش شد. عاشق آل الله بود. هر سال روز سوم شهادت امام علی، امام حسن و امام حسین (ع) آش نذری درست و بین مردم پخش می‌کرد. تخم مرغ‌ها را جمع می‌کرد و می‌فروخت و با پولش برای آش نذری وسیله می‌خرید. هر سال نذرش را انجام می‌داد تا سال ۹۲ به رحمت خدا رفت. مادرم با اینکه بچه‌ها را با یتیمی بزرگ کرده بود حتی یک بار مانع فعالیت‌های انقلابی برادرانم نشد. زمان دفاع مقدس یک برادرم شهید شده بود و دو برادر دیگرم دائم در جبهه بودند اما هرگز نگفت چرا به جبهه می‌روید. با اینکه پیرو زمینگیر بود برای رزمندگان جبهه شربت بهارنارنج و ترشی درست می‌کرد. خدا را شکر مادرم فرزندانش را انقلابی تربیت کرد.

■ **رعایت حال ضعفا**

جلال وقتی بزرگ‌تر شد با طاغوت مبارزه می‌کرد. همچنان کار می‌کرد و از دسترنجش برای نیازمندان هزینه می‌کرد. یادم است من دانش‌آموز سوم ابتدایی بودم که همراه جلال سر کار می‌رفتم. جلال بعد از اتمام کار دستمزدش را نمی‌گرفت، می‌گفتم داداش جلال! ما پول نداریم نان را نسیه می‌خریم اما شما کار می‌کنید و دستمزد نمی‌گیرید! پس از پایان کار با دوچرخه‌اش کمی جلوتر می‌رفت به من می‌گفت وسایل را جمع کنم پشت سرش بروم. می‌گفتم چرا با هم نمی‌رویم؟ می‌گفت وضع مادی اینها از ما ضعیف‌تر است، حداقل ما در زمین کشاورزی ارباب کار می‌کنیم، نمی‌خواهم چشم‌شان به من بیفتد بگویند پول ندارند و خجالت بکشند. تا این حد رعایت می‌کرد. زمان طاغوت جلسه قرآن و نشستن پای منبر علما ممنوع بود. ساواک اگر رساله امام خمینی را از خانه کسی پیدا می‌کرد آن فرد شکنجه و زندانی می‌شد.

وقتی انقلاب اسلامی پیروز شد کتاب شهید دستغیب و شهید مطهری را خواندم متوجه شدم جلال کجا سیر می‌کرد. او امام علی (ع) را الگوی خودش قرار داده بود و شب‌ها برای نیازمندان غذا می‌برد. سال ۱۳۵۳ سی هزار تومان از دسترنجش جمع کرد برای بچه‌های یتیم خیرات کرد. با پول آن زمان می‌شد چند هکتار زمین خرید.

■ **کشف رساله امام**

از سال ۵۳ یا ۵۴ مبارزات مخفیانه جلال علیه طاغوت شروع شد. اوج فعالیت‌های انقلابی او و برادرانم در سال ۱۳۵۶ بود. سه برادرم با پهلوی مبارزه می‌کردند. وقتی ساواک رساله امام خمینی را در خانه یکی از برادرانم پیدا کرد او را دستگیر و در زندان شکنجه کردند، فک و دندانش در زندان ساواک شکست. انقلاب که پیروز شد اسنادی از مبارزات انقلابی برادرانم در شهربانی بابلسر پیدا کردیم.

> جلال در همان شب حمله به دفتر و رستوران حزب رستاخیز به شهادت رسید. داخل رستوران رفته بود تا فیوز برق را بزند و فضا را برای عملیات بچه‌های انقلابی مهیا کند اما به او تیراندازی کردند. مشخص نشد چه کسی تیراندازی کرد. تیر به چشم، سر و قلب جلال اصابت کرد

شهید وسکره، شهید حاج محمد ابراهیمی، برادرانم ناصر و نادر فرجی و بهنام شریعتی‌فر از انقلابی‌های محله ما (جوادیه) بودند. من همراه جلال برای دیوارنویسی و پخش اعلامیه امام می‌رفتم. جلال همراه همیشگی سردار بهنام شریعتی‌فر، شهید وسکره و برادرم نادر بود.

■ **حمله به دفتر رستاخیز**

۱۳ دی ۱۳۵۷ و نزدیک پیروزی انقلاب شهید بابلسر تا آن زمان چنین جمعیتی ندیده بود. از شهرستان‌های اطراف مردم جمع شدند و به مراسم تشییع آمدند. در لحظات تشییع روبه‌روی شهربانی سابق گاردی‌ها تیراندازی کردند. اول تیرهوایی زدند، می‌خواستند زمینی شلیک کنند که فرمانده شهربانی به مأموران تشر زد تا زمینی شلیک نکنند. قبل از اینکه انقلاب پیروز شود ساواک فهمیده بود فرمانده شهربانی انقلابی است و دستگیرش کردند. اگر فرمانده شهربانی نبود روز تشییع هم شهید می‌دادیم.

> یک روز در شالیزار اقوام مشغول کار بودیم. شالیزار با منزل ما حدود پنج الی شش کیلومتر فاصله داشت، باید این مسیر را پیاده می‌رفتیم. مشغول کار بودیم که دیدیم یک سرباز نیروی هوایی از آن طرف رودخانه دوان دوان به طرف ما می‌آید. لباس سربازی پادگان نیروی هوایی تنش بود. از سیم خاردار پادگان فرار کرده و پیراهنش پاره شده بود...

■ **خاطره سرباز فراری**

قبل از شهادت جلال یادم است یک روز در شالیزار اقوام مشغول کار بودیم. شالیزار با منزل ما حدود پنج الی شش کیلومتر فاصله داشت، باید این مسیر را پیاده می‌رفتیم. مشغول کار بودیم که دیدیم یک سرباز نیروی هوایی از آن طرف رودخانه دوان دوان به طرف ما می‌آید. لباس سربازی پادگان نیروی هوایی تنش بود. از سیم خاردار پادگان فرار کرده و پیراهنش پاره شده بود و زیرپوش داشت. شلوار آبی نیروی هوایی و پوتین پایش بود.

من و جلال جلو رفتیم با او صحبت کردیم. سرباز آذری زبان بود و به زحمت می‌توانست فارسی حرف بزند. جلال پرسید چرا فرار می‌کنی؟ دستگیرت می‌کنند! سرباز گفت من یتیم هستم. پدر و برادر ندارم. وقتی جلال این جمله را شنید اشکش جاری شد. سرباز گفت مادر و خواهرم در خانه تنها هستند و جز من کسی را ندارند، به تازگی هم نامزد کردم، هر چه به فرمانده‌ام گفتم خانواده‌ام تنها هستند مرا به تبریز بفرستید قبول نکردند مرخصی بدهند، مجبور شدم فرار کنم. جلال گفت برای اینکه پیدایت نکنند به خانه ما برویم. تازه شش کیلومتر از خانه تا شالیزار آمده بودیم حالا شش کیلومتر دیگر باید پیاده تا خانه برمی‌گشتیم. جلال به سرباز پناه داد. آب گرم کرد سرباز خودش را شست‌وشو داد. چیزی که در ذهنم ماند این است که جلال پیراهن و شلوار نو را که تازه برای خودش دوخته و کتانی را که خریده بود همراه مقداری پول به سرباز داد و به او گفت وقتی به تبریز رسیدی بدون آدرس فرستنده برایم نامه بفرست، روی پاکت فقط بنویس تبریز تا خیالم راحت شود سالم رسیدی.

جلال افراد کارتن خواب و بی‌سرپناه را به خانه می‌آورد به آنها غذا می‌داد. با اینکه وضع مادی خوبی نداشتیم هر ماه چهار، پنج کارتن خواب را به خانه می‌آورد و رسیدگی می‌کرد. دوستانی داشت که خدمت سربازی بودند. برای شان نامه می‌نوشت و پول ۲ تومانی آن موقع که کاغذی بود لای نامه می‌گذاشت تا برای برگشت به خانه کرایه ماشین داشته باشند. حتی فکر دوستان سربازش بود.

در گیری‌های مردم با طاغوت علنی شده بود. بابلسر مانند شهرهای دیگر شاهد تظاهرات دانشجویان و دانش‌آموزان بود. انقلابی‌های بابلسر تصمیم گرفته بودند دفتر حزب رستاخیز، سینما و رستورانی را که در بابلسر مرکز فساد و فحشا بود آتش بزنند. آن موقع من ۱۷ ساله بودم. با بچه‌های دبیرستان همفکری کردیم تا تقسیم کار کنیم. مردم انقلابی در تاریکی شب در رستوران خیابان پاسداران جمع شدند، همان لحظات گارد ژاندارمری به مردم تیراندازی کرد، اول تیرهوایی زدند، بعد گاز اشک آور. در تاریکی شب من و دوستانم پخش شدیم. بهنام شریعتی‌فر کوکتل مولوتف درست کرده بود. دفتر حزب رستاخیز که ساواکی‌ها در آن جلسه داشتند، سینما و رستوران را با کوکتل مولوتف آتش زدند. البته من آن موقع بهنام را نمی‌شناختم. بعد از انقلاب دفتر حزب رستاخیز به دفتر حزب جمهوری اسلامی تبدیل شد. جلال با بهنام دوست بود. بعد از پیروزی انقلاب که عضو سپاه شدم سردار بهنام شریعتی‌فر را دیدم و شناختم. ایشان در زمان دفاع مقدس یکی از فرماندهان جبهه بود.

جلال در همان شب حمله به دفتر و رستوران حزب رستاخیز به شهادت رسید. داخل رستوران رفته بود تا فیوز برق را بزند و فضا را برای عملیات بچه‌های انقلابی مهیا کند. اما به او تیراندازی کردند. مشخص نشد چه کسی تیراندازی کرد. تیر به چشم، سر و قلب جلال اصابت کرد. او را به بیمارستان انتقال دادند اما خون زیادی از او رفته و به شهادت رسیده بود. در آن شب ۱۳ نفر از انقلابیون مجروح شدند.

■ **اولین شهید بابلسر**

جلال اولین شهید انقلاب اسلامی شهرستان بابلسر بود. تشییع پیکرش خیلی باشکوه برگزار شد. بابلسر تا آن زمان چنین جمعیتی ندیده بود.

یادکرد

روایت سرهنگ خسرو جهانی از روزهای انقلاب و حضور در واقعه میدان شهدا

دانشجوهای افسری از شلیک به مردم سرپیچی می‌کردند

■ علیرضا محمدی

در دوران مبارزات انقلابی علیه رژیم پهلوی، بارها مأموران شاه به روی مردم معترض آتش گشودند و شهدای بسیاری نیز تقدیم شد، اما بسیاری از سربازهای حاضر در میدان مقابله با مردم، به اجبار تن به این کار می‌دادند و همین طور بخشی از نیروهای نظامی را ارتشی‌های انقلابی تشکیل می‌دادند که حاضر نبودند سلاح‌شان را به سمت مردم نشانه بگیرند. سرهنگ خسرو جهانی از ارتشی‌های انقلابی بود که پیشتر با او گفت‌وگوهایی انجام داده بودیم اما قرار داشتن در ایام دهه فجر را فرصتی دانستیم تا شنوای خاطره‌ای از او در باره نوع مواجهه مأموران با مردم تظاهرکننده باشیم.

■ **استقرار در اماکن حساس**

من زمان انقلاب دانشجوی دانشکده افسری بودم. هنوز مانده بود تا درسم تمام شود، ولی وقتی خیابان‌ها شلوغ شد و مردم علیه رژیم شاه تظاهرات می‌کردند، ما را به خیابان‌ها می‌بردند و در اماکن حساس و حیاتی مستقر می‌کردند تا به نیروهای نظامی کمک کنیم. آن زمان لشکرهای یک و دو گارد مسئول تأمین امنیت در تهران بود و معمولاً ما را برای کمک به این دو لشکر به خیابان‌ها می‌بردند. غیر از ارتش، شهربانی هم به مقابله با مردم می‌پرداخت. تقریباً از ابتدای سال ۵۷ اوضاع کم‌کم از دست رژیم پهلوی خارج شد. بنابراین از نیروهای نظامی موجود کاری ساخته نبود و ما دانشجوهای دانشکده افسری را می‌بردند تا بلکه بتوانیم شهربانی و ارتش را تقویت کنیم.

■ **واقعه ۱۷ شهریور**

فرماندهان ارشد از ما که دانشجو بودیم انتظار داشتند به سمت مردم شلیک کنیم اما ما زیر بار نمی‌رفتیم. من روز ۱۷ شهریور سال ۵۷ همراه دیگر بچه‌های دانشکده افسری به میدان ژاله رفتم، یعنی خودمان که نه، ما را مجبور به رفتن کردند. آن روز میدان ژاله که اکنون به میدان شهدا تغییر نام یافته، غوغایی برپا بود. مأموران شاه همه جای میدان را پوشش داده بودند. ما هم کنار نیروهای گارد بودیم. ساواک ما را زیر نظر داشت تا مبادا اقدامی علیه مأموران انجام دهیم. از ساواک گرفته تا نیروهای اطلاعات خود ارتش و شهربانی، حواس‌شان جمع بود تا ببینند دانشجوهای افسری یا دیگر نظامی‌های حاضر در میدان ژاله به سمت مردم شلیک می‌کنند یا قصد همراهی با مردم را دارند اما ما هیچ کاری که بخواهد به مردم آسیب برساند انجام ندادیم.

> **ما کنار گاردی‌ها بودیم. ساواک ما را زیر نظر داشت تا مبادا اقدامی علیه مأموران انجام دهیم. از ساواک گرفته تا نیروهای اطلاعات خود ارتش و شهربانی، حواس‌شان جمع بود تا ببینند دانشجوهای افسری یا دیگر نظامی‌های حاضر در میدان ژاله به سمت مردم شلیک می‌کنند یا قصد همراهی با مردم را دارند اما ما هیچ کاری که بخواهد به مردم آسیب برساند انجام ندادیم**

■ **شروع درگیری**

روز ۱۷ شهریور به چشم دیدم که چطور چند نفر از گاردی‌ها خودشان به مغازه‌های اطراف میدان حمله کردند و شیشه‌ها را شکستند تا با ایجاد آشوب، بهانه حمله به مردم را به دست آورند. درگیری شروع شد و چند نفری را به شهادت رساندند. رفته رفته تعداد کشته‌ها و مجروحان زیاد شد. بعد مردم به کوچه‌های اطراف فرار کردند و تعدادی از جوان‌ها هم به سمت مأموران سنگ و پاره آجر پرتاب کردند. روز ۱۷ شهریور واقعاً یک روز خاص بود. تا آن موقع ما که دانشجو بودیم چنین درگیری را از نزدیک ندیده بودیم. خود مأموران یک آمار دروغین از تعداد شهدا و مجروحان دادند، در صورتی که آمار واقعی شهدای میدانی ژاله خیلی زیادتر بود. ما که از قبل ارتباط‌هایی را با افسرهای انقلابی برقرار کرده بودیم، با دیدن چنین صحنه‌هایی عزم‌مان را برای پیوستن تمام قد با مردم برای پیروزی نهضت حضرت امام جزم کردیم و نهایتاً انقلاب با پیوستن بدنه ارتش به مردم به پیروزی رسید.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۲۳۵

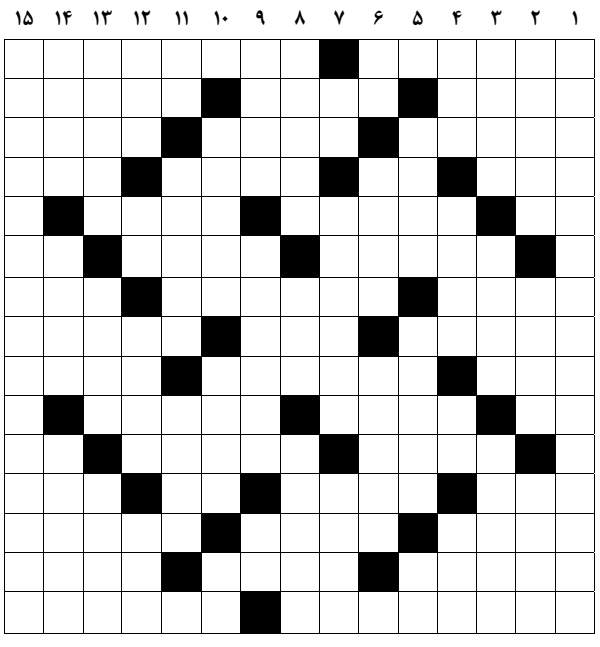

از راست به چپ

■ ۱- نام قدیم اصفهان – کشور چای ■ ۲- جای دور از خطر – کشوری در حاشیه خلیج فارس – فیلم کوتاه تبلیغی ■ ۳- صدمه و آسیب رساندن – پوسیده – حروفچینی کامپیوتری ■ ۴- تولیدی از عنکبوت – رودی در چین – اکنون "نوبت بازی ■ ۵- پول ژاپنی – از نام‌های خدا – مجلس قانونگذاری روسیه ■ ۶- ناخوش احوال – ستبر – گوشت آذری ■ ۷- رستنی – چهره حماسی مردم هند- رنگ دریا ■ ۸- شهری در بلغارستان – حمام یک نفره – لقب رستم ■ ۹- بسیار – درختی با شکوفه‌های معطر – طوقه فولادی چرخ خودرو ■ ۱۰- چهار من تبریزی – گدایی – شاخه تازه روییده ■ ۱۱- گردن آویز قهرمان – تنبیه اداری – چه وقت ■ ۱۲- پدر آذری – علم تکنولوژی جدید – یک و یک- واحد شمارش احشام ■ ۱۳- نشان تجاری – حاجت – شیخ مرتضی انصاری ■ ۱۴- مهد المپیک – واحد مقیاس طول در انگلیس – بهشت ■ ۱۵- دره‌ای که حضرت موسی در آنجا تجلی الهی را که به صورت آتشی در درختی جلوه‌گر شد مشاهده کرد- طلای سفید

از بالا به پایین

■ ۱- ورزشگاه تیم رئال مادرید ■ ۲- تیر و خدنگ – بنفش بسیار روشن – شهر هلن ■ ۳- سرشماری – شهری در ایتالیا – همتا ■ ۴- گوارا – وطن – عدد رمزی – چینه دیوار ■ ۵- خیال – جمع بدن – بوی رطوبت ■ ۶- منقار کوتاه – هوس باردار – مار آذری ■ ۷- کنار و پهلو – رفت و آمد خانوادگی – غلاف شمشیر ■ ۸- از مصالح ساختمانی – مادر وطن – نویسنده شاهزاده و گدا ■ ۹- حشره گزنده – محصل دانشگاه – شریک مرد ■ ۱۰- زبان اصلی هر فرد- کشور کاسه شکر – از جناح‌های سیاسی ■ ۱۱- حرف نفی عرب – داماد – روزها ■ ۱۲- ضمیر عربی – شیره انگور – کارآگاه به دنبال آن است- داغما ■ ۱۳- ایالتی در امریکا – بیمارستانی در تهران – پرچم ■ ۱۴- کشور نایروبی – ماه پاییزی – از گیاهان دارویی که در تقویت هاضمه مفید است ■ ۱۵- تیم فوتبالی معتبر در پرتغال

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۲	۷		۶	۵		
۶					۹			
		۷				۲		
۱	۶		۸					
۳			۱					۷
							۳	۱
۸			۶	۱				
							۴	۳
	۴			۵			۶	

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۲۳٤

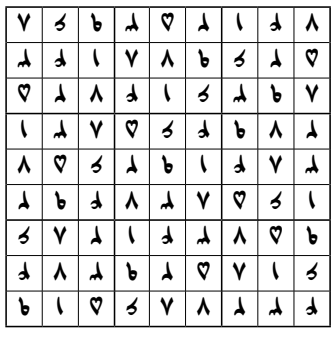

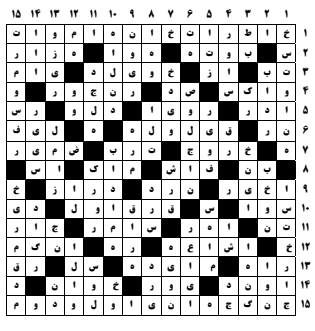

«عایده»
حصول مصالح دراماتیکی و معماری هنرمندانه است

عایده سرور، بانوی لبنانی و مادر دو شهید مقاومت

ک‌نـژاد، دانشـجوی دکتـرای ادبیات و
گاه
ب ما تصوراتی از محور مقاومت وجود دارد
ختلف به‌وجود آمده و در گذر زمان احیاناً
کمیل شده است. اگر اخبار روز (به‌انضمام
س‌ها و مستنداتی از این قبیل) را فعلاً در
یـم، این تصورات تا انـدازه‌ای بر آمده و
ر و ادبیات مقاومت است که رفته‌رفته بر
فزوده یا به تعبیر بهتر، جایگاه آن بیشتر
ود. ادبیات مقاومت (که در اینجا موسعاً
داری» را هم در بر می‌گیرد) از این حیث
ر ایران پیشروسـت و آثاری کـه در این
شر می‌شود کماً و کیفاً قابل اعتنا می‌نماید.
ش و تجلی خود ریشـه در دو عامل مهم
مند صورت‌بندی اسـت. نخستین عامل
ت و آثـار ادبی باز می‌گـردد که همواره
ت تا با استفاده از اسلوب‌ها و روش‌های
، نهایتاً مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد و
میان اهمیت دارد چیزی نیست جز هنر
یا شـاعر) و شـناختی که از ظرفیت‌ها و
های فرم‌های ادبـی دارد. آنچه به‌عنوان
می‌توان از آن یاد کرد، رکود نسـبی آثار
ژه هنرهای نمایشی) در این حوزه است
عمیق و البته غم‌انگیز را نشـان می‌دهد:
تمام این سالیان کماکان فیلم یا سریالی
مت در غزه نساخته‌ایم آیا به‌قدر کفایت
رانگیز نیست؟! ملاحظات اخیر به درک
ادب مقاومت کمـک می‌کند و به‌وضوح
هد، این گونه ادبی چگونه توانسته است
ی اخیر بلوغ و نبوغ خود را آشکار سازد
ن و شـیرین «روایت» را بـر دوش ببرد.
ومت در حقیقت تلاقـی‌گاه «واقعیت» و
ن اندیشـه و عمل هم هست: از یک سو،
شـیرین این جبهه را باز می‌نمایاند و از
، سمت مستندنگاری حرکت می‌کند و از
می‌تواند با اندک اشاره‌ای به شخصیت‌ها،
وادث، جهانی سرشار از خیال بسازد که
، و مختصات آن را ذهن نویسنده تعیین
رچند در ایـن حالت هم اثر ادبـی باید با
بت و تناسبی داشته باشد، چون جریان
ـان اندازه کـه تاریخ را می‌سـازد از دل
، آمده اسـت. بدین ترتیب ادب مقاومت
هدف غایی ادبیات (یعنی تأثیرگذاری)
سائل خود را از جهان واقع، وام می‌گیرد و
ید بر ظرایف و دقایقی که اساساً متعلق به
است می‌کوشد تا به ذهن و قلب خواننده
ایـن گزاره‌هـا هرچند در سـاحت نظر و
اندیشه شـاید حتی بدیهی به‌نظر برسـد، در ورطه عمل البته دشوار است و امکان تحقق آن چندان در دسترس نیسـت. باری، ادبیات مقاومت در نهایت با مجموعه‌ای از آرمان‌ها و انگیزه‌ها سـروکار دارد که باید آن را برای مخاطب خود محسـوس سـازد و در عین حال نمی‌تواند آن آرمان‌ها را به سـطح مسائل خرد و پیش‌پاافتاده تقلیل دهد. به‌نظر می‌رسد کتاب عایده (تهران: سوره مهر، چ دو، ۱۴۰۳) درست بر لبه همین تیغ حرکت می‌کند و تلاش تحسـین‌برانگیز نویسـنده آن (محبوبه‌سـادات رضوی‌نیا) معطوف به درنظرگرفتن همین ظرافت‌ها و ظرفیت‌هاسـت.

■■■

عایـده برآمـده از مصاحبه‌های مفصـل رضوی‌نیا، با عایده سـرور اسـت که خاطرات خـود از کودکی تا شهادت پسرش (علی اسماعیل) را برای او تعریف کرده و نویسنده این خاطرات شفاهی را سروسامانی داده و نهایتاً در قالب این کتاب عرضه کرده است. رضوی‌نیا در مقدمه کتابش یادآوری می‌کند، ابتدا بنا بوده زندگی و شهادت «علی اسماعیل» را بنویسد اما پس از گفت‌وگو با عایده سرور متوجه می‌شود «شخصیت جذاب» این شهید «مدیون عقبه او، یعنی داشتن مادری متفاوت اسـت» و بر آن می‌شـود که «در کنار ترسیم زندگی شـهید، مهد و دامانی را که در آن پـرورش پیدا کرده بود» (ص ۱۰) را هم برای مخاطـب بازگو کند. کتاب عایده به همین جهت دو پاره اسـت: تـا پیش از تولد علی، وقایع حول زندگی عایده سرور می‌شود و با تولد علی در فصل هشتم تمرکز راوی و نویسنده به کودکی، نوجوانی و شهادت علی معطوف می‌شود.

در نظر اول شاید ساده باشـد که این مصاحبه‌ها تبدیل به «ادبیات» شوند، چراکه جزئیات وقایع و چندوچون آنها در ذهن سـرور مانده و گویی نویسنده تنها وظیفه پیاده‌کردن آن حوادث بر کاغذ را عهده‌دار بوده است. اما اگر دقیق‌تر نگاه کنیم اتفاقاً به وظیفه دشـوار نویسنده پی می‌بریم که هم باید با استفاده از قریحه و توانایی خود به این خاطـرات رنگ و بویی از «هنر» ببخشـد و آن را برای خواننده، خواندنی‌تر کنـد و هم به بعد «تاریخی» زندگی عایده وفـادار بماند. البته تردیدی نیسـت که خاطرات عایده سـرور اگر این رنگ‌ولعاب هنری را هم نداشت، باز خواندنی بود اما آنگاه نمی‌توانست پا در عالم ادبیات بگذارد و به‌مثابه یک اثر «ادبی» مورد بحث قرار بگیرد. تصور می‌کنم اصلی‌ترین نقطه قوت کتاب عایده در همین نکته نهفته اسـت که هـم مصالح دراماتیکی دارد، (یعنی وقایع زندگی سرور) و هم معماری که این مصالح را با ظرافت و باریک‌بینـی در کنار هم قرار داده اسـت (یعنی رضوی‌نیا). این نکته را خصوصاً در برخی لحظات پرتعلیق و بحرانـی کتاب از جمله حضور عایده و خانواده‌اش در پناهگاه ساختمان کنکورد (صص ۲۲-۲۷) می‌توان دید.

> **توجهی که راوی و نویسنده هردو به «جزئیات» دارند در اغلب صفحات برای مخاطب جذابیت و کشش ایجاد می‌کند و خصوصاً مخاطب عام (در اینجا یعنی خواننده‌ای که آشنایی وسیع و عمیقی با محور مقاومت خاصه در لبنان ندارد) را با خود همراه می‌سازد. اشارات مکرر به محله‌ها، لباس‌ها، غذاها، سرودها و امثالهم در کتاب عایده در همین چشم‌انداز اهمیت می‌یابد**

توجهی که راوی و نویسنده هردو به «جزئیات» دارند در اغلب صفحات برای مخاطب جذابیت و کشـش ایجاد می‌کنـد و خصوصاً مخاطب عـام (در اینجا یعنی خواننده‌ای که آشنایی وسیع و عمیقی با محور مقاومت خاصه در لبنان ندارد) را با خود همراه می‌سازد. اشارات مکرر به محله‌ها، لباس‌ها، غذاها، سـرودها و امثالهم در کتاب عایده در همین چشـم‌انداز اهمیـت می‌یابد: هم آشـنایی صمیمانه‌ای بین مخاطب و عایـده (و اقوام او) حاصل می‌شـود که گویی در کنار آنهـا و در بطن همه آن وقایع زیسته و هم اتمسـفر جنوب لبنان و جزئیات زندگـی روزمره در آنجا پیش چشـم مخاطـب احضار می‌شود. در لابه‌لای همین اشارات است که تعدد و تنوع عقاید و اندیشـه‌ها در جامعه لبنان هم آشکار می‌شود و بدین وسیله مخاطب به یک‌دست‌نبودن و احیاناً تعارض اندیشـه‌های موجود در آنجا پی می‌بـرد. این جزئیات پراهمیت گه‌گاه در توصیف ظاهر شخصیت‌ها نیز خود را نشان می‌دهد و طبیعی اسـت که بعد ادبی عایده در این قسـمت‌ها بر وجه تاریخی آن غلبه می‌یابد. هرچند روشن نیسـت که آیا تمام این توصیفات جزء خاطرات سرور بوده یا نویسنده آن را به متن افزوده اما به‌هرحال توصیفات کتاب یک‌دست نیسـت و قوت و ضعف دارد. برای مثال عباراتی نظیر این که: «با هر خنده، دندان‌های مثـل مرواریدش بیـن لب‌هـای خوش‌ترکیبش می‌درخشـید» (ص ۳۲) دست‌فرسود و مکرر اسـت اما جزئیاتی که مثـلاً از لباس رمزیه (مادربزرگ راوی) در متن آمده ملموس و مؤثر است: «پیراهن سفید گشادی تنش بود که گل‌هـای کوچک آبی داشـت. حاشـیه‌های توری پهن پایین شـلوار بلندش تـا روی پاهـای او می‌آمد و دمپایی‌های مشـکی جلوبسته مدل سوراخ‌سوراخ می‌پوشید» (ص ۴۲) در همیـن موضـوع باید بـه نکته دیگـری اشـاره کنیم کـه درباره کتـاب عایـده باید مطمـح نظر داشـت، هرچنـد ایـن نکته در بسیاری از آثار ادب مقاومت وجود دارد. تفصیل مطلب این‌که تلاقی «رشادت» و «ظرافت» در اغلب صفحات کتاب بارز و کار راوی و نویسـنده از این جهت دشوار است که در تعبیرات و توصیفاتی که به‌کار می‌برند باید مرز میان این دو را بشکنند و به‌شکلی متعادل آنها را در هم آمیزند. از یاد نبریم راوی کتاب ما زن اسـت، اما زنی که از همان کودکی جزئیات جنگ را می‌بیند و رفته‌رفته این جزئیـات، در زندگی او و خانواده‌اش پررنگ‌تر و غلیظ‌تر ظاهر می‌شـود. اقرار باید کرد، این تعادل و توازن به‌طور کلی در متن کتاب رعایت شـده تا در نهایت با روایتی «واقعی» از مقاومت مواجه شـویم: روایتی که نه اهل غلتیدن در دام سانتی‌مانتالیسم است و نه سرشار از عقلانیتی خشن و غیرقابل هم‌ذات‌پنداری.

محبوبه سادات رضوی‌نیا
نویسنده کتاب

روایتی از جنگ و خرمشهر در رمان «خون، براده‌هایی از شهر»

سرزمین یک وطن به‌دوش

دی
ه‌هایی از شـهر، روایتـی از مفاهیـم نهفته در
برین یک شهر است. مفاهیمی که ورای کالبد و
ها و ساختمان‌ها، اهل بودن و تعلق به شهر را در
رانی چون جنگ به تصویر می‌کشد. شهری که
هلش، بلکه در مهاجران و حتی حیوانات ساکن
حس تعلق ایجاد می‌کند. ایـن کتاب که به قلم
ه به نگارش درآمده، سوژه خرمشهر را با مفاهیم
پیرامون موضوع شهر درآمیخته و این بار جنگ
ر را نه از زبان یک زن یا مرد خرمشهری یا یک
از دریچـه دید یک زن کولـی روایت می‌کند.
در سفر باشد، برای کولی، ماندن و مردن در شهر
. شـهر برای کولی قفس است و دیوارهای شهر
وتی با دیوارهای زندان ندارد. پس چه می‌شود
زن کولـی دوره‌گردی کـه در نوجوانی با پدر و
برای ماندن که برای گذرکردن و رفتن پا به این
ته، ماندنی می‌شود؟

■■■

د به اجبار و به فراخور حوادث ناخواسته، اما به تدریج
ن دوگانه اهل بودن یا غربتی بودن و وطن به دوشی،
ر او چیره می‌شود. با خودش می‌گوید مگر اهل شدن
ارد؟ هرکسی باید اجازه داشته باشد، خودش را اهل
و کجا بهتر از جایی که برای اولین بار عشـق تنش را
ی که یک بار مرده و سپس به زندگی بازگشته، جایی
بـش را جلد خانه خود کرده و کوچـک و بزرگ آنجا
ش؟ این پایبند شـدن تا جایی ادامه پیدا می‌کند که
گ و ویرانی کالبد شـهر و خانه و کاشانه‌اش، نه تنها
، تعلق در او خاموش نمی‌شود که بیش از پیش زبانه
ا آنجا که شـهر جنگ زده را نه به عنوان محلی برای
نوان جایی برای مردن برمی‌گزینند.

گذاشتن بخشی از داستان و روشن شدن سرگذشت زن
، رنج و سوگی که تجربه کرده، هرآنچه که مخاطب
مراه شدن با او در مابقی داسـتان بداند، دستگیرش
س خواننده خود را همراه او در کوچه پس کوچه‌های
یابد و به صدای جنگ گوش می‌سپارد که لحظه به
ـتر می‌شـود و امید ماندن را در او که سال‌های سال

در دوراهی ماندن و رفتن، مانـدن را انتخاب کرده بود، کم‌جان‌تر می‌کند. خواننده با ربابه در مسـجد جامع شـهر می‌چرخد و به زخمی‌ها رسـیدگی می‌کند و همراه با او در پرسه‌های شبانه‌اش به ویرانه‌های شهر سرک می‌کشد و سرانجام در سرداب خانه‌ای مخروبه، تصویر رؤیای پرواز بر فراز کارون را تجسـم می‌کند و به انتظار سرنوشت نامعلوم زن کولی می‌نشیند.

علاوه‌بر سوژه خاصی که نویسـنده بر آن دست گذاشته، از دیگر مصادیق خاص بودن این داسـتان، پرداختن به موضوعاتی است که در آثار مشابه چندان به چشم نیامده‌اند. در میان خون، خرابه، دود و بوی باروت در یک شـهر جنگ‌زده، حیوانات شهر احتمالاً آخرین چیزی هسـتند که مورد توجه قرار خواهنـد گرفت، اما مهدی زارع در این اثر با نگاهی ظریف، حیوانات شهر را در نسبت با شـخصیت اصلی که پرنده‌فروش و طبیب حیوانات است وارد داسـتانش می‌کند. در ابتدا داسـتان در جایی اطراف خرمشهر و لابه‌لای گاومیش‌های زخمـی و بیماری کـه مرهم‌های ربابه جانشان را می‌خرد آغاز می‌شـود و در انتها نیز به تماشای صحنه پرواز دسته کبوترها به سمت مسجد جامع خرمشهر ختم می‌شود. زارع از کبوترها، گاومیش‌ها، مرغ و خروس‌های شهر می‌گوید که همچون آدم‌های آن شـهر جای دیگری برای رفتـن ندارند و به ماندن و مردن در شهری که در آن زیسته‌اند و اهلش شده‌اند تن می‌دهند. عنوان کتاب و به کار بردن واژه براده برای شهر، برگرفته از تشبیهی است که نویسنده نسبت به خرمشهر به کار برده و آن را به واسطه استحکام و مقاومتی که در زمان تهاجم دشمن به نمایش گذاشت، به آهن تشبیه نموده است. این کتاب در ۱۴۶ صفحه و ۱۸ فصل کوتاه نگاشته شده است و روان بودن و حجم اندک آن اجازه نمی‌دهد، به سادگی از کنار سوژه خاصش عبور کرد. این اثر مناسب کسانی است که می‌خواهند از زاویه‌ای جدید و بکر به واقعه اشغال شهری بنگرند که بنا بود جایی باشد برای ماندن و اهل شدن مردمانی از هر شهر و سرزمین و چه بسا مردمان بی‌سرزمین.

> **در ابتدا داستان در جایی اطراف خرمشهر و لابه‌لای گاومیش‌های زخمی و بیماری که مرهم‌های ربابه جانشان را می‌خرد آغاز می‌شود و در انتها نیز به تماشای صحنه پرواز دسته کبوترها به سمت مسجد جامع خرمشهر ختم می‌شود. زارع از کبوترها، گاومیش‌ها، مرغ و خروس‌های شهر می‌گوید که همچون آدم‌های آن شهر جای دیگری برای رفتن ندارند و به ماندن و مردن در شهری که در آن زیسته‌اند و اهلش شده‌اند تن می‌دهند**

■ براده‌هایی از کتاب:

کنار پیر حیاط از کمر شکسته اما پرندگان دوباره روی شاخه‌هایش نشسته‌اند. سقف خانه‌اش پایین آمده. چیزی برای دلبستن نمانده، اما کجا برود؟ برای ربابه ایـن خانه نه جای زندگی که جایی برای مردن است. جایی که شاید یک صبح کبوترها روی اندام بی‌جانش بنشینند و به دست‌هایش نوک بزنند تا تکانی بخورد. چشم باز کند. لبخندی بزند و برود تا برایشان دانه بریزد. (صفحه ۴۳)

این پیرمرد اگر نبیندم که اینجا نمی‌ماند. بگذار برگردد. برود شمال و برای رفیق‌های هم‌سن و سالش از من افسانه ببافد. چه می‌دانم. بگوید عاشق زنی بوده که تن و جانش را پریان گرفته بودند و هربار کبوتری به دنیا می‌آورد که دختر شاه پریان می‌شد و شبی که ماه کامل می‌شد، به تکانی شبیه حورالعینی بلندبالا می‌شد و دل از تمام جوانان تازه بالغ شهر می‌برد و ال می‌کرد و بل می‌کرد. بگذار حرف‌هایش را باور نکنند. دستش بیندازند و بگویند موج انفجار مجنونش کرده. چه باک؟ نهایتش دهان می‌بندد و چند وقتی این روزها را برای خودش تکرار می‌کند و آخر یک صبح، دلگرم نجوای گنجشک‌ها و نسیم باد لابه‌لای درخت‌ها و بوی گل‌های وحشی، بی‌هوا تمام این روزها را فراموش می‌کند. (صفحه ۸۲)

پرندگان دریایی بر فراز کارون پرواز می‌کنند. پیراهن چیت گلدار ربابه را به منقار می‌گیرند. از آب بیرونش می‌کشند. بال پرندگان به تنش می‌خورد. بعد کبوترهـا را می‌بیند که دورش می‌چرخند و از تماشـای پروازشـان گرمای دلخواهی به تنش می‌خزد. تازه یادش می‌آید انگار که باید نفس بکشد. بوی دود هلپه در سینه‌اش می‌پیچد. تا چشم کار می‌کند اطرافش آب است. آب تمام خرمشهر را در خودش کشیده، تمام روستاها و بیابان‌های دور و بر را هم. ایران را آب بلعیده. عراق را در خودش فرو برده. تمام زمین زیر آب است و ربابه بر فراز آب‌ها نشسته. دستش را باز می‌کند. نوک انگشتش می‌خارد. نگاه می‌کند. برگی از نوک انگشـتانش جوانه می‌زند و خارش انگشتش از بین می‌رود. تمام تنش به خارش می‌افتد و ربابه می‌بیند چگونه برگ از برگ باز می‌شود، از تمام تنش. ربابه درختی است بر فراز آب. مرغ‌های دریایی روی آب می‌نشینند. کبوتران بر درخت تن او آرام می‌گیرند. خستگی را در تنشان احساس می‌کند. ماهی‌ها از آب بالا می‌پرند. کبوتری کف دست ربابه می‌نشیند. به اعتماد کبوتر لبخند می‌زند. کبوتری دیگر روی شانه‌اش می‌نشیند و نوکی به برگ‌های تنش می‌کشـد. ربابه می‌خنـد. عمیق‌تر از همیشه نفس می‌کشد. بوی باروت و خون توی دماغش می‌پیچد. چندشـش می‌شـود. کبوتری، انگار تیر خورده باشد، از شانه‌اش می‌افتد. می‌خواهد بگیردش، اما دست‌هایش خشک‌اند. کبوترها یکی یکی می‌افتند. ربابه می‌لرزد. تمام برگ‌هایش می‌ریزد. سنگین می‌شود. چون درختی خزان‌زده از آسمان سرنگون می‌شود. به آب می‌افتد و فرو می‌رود در قعر آب. (صفحه ۱۲۸ و ۱۲۹)

«یک عمر خیال کردم اگـر یکی از این مردم باشـم، دوباره مثل اجدادم از شـادی به رقص درمی‌آیم. نشـد. غلط کرده بودم.» با مشت می‌کوبد به سـینه‌اش: «اینجاست، توی سـینه‌ام، بندبند تنم، شادی، عشق، مرگ. تمامشـان توی تن خودمان است. هیچ چیزی بیرون از خودش معنی ندارد. من این کسی که تو می‌بینی نیستم. من درد دارم. آرزو دارم. هزار حرف نگفته دارم. من اینم، چه ربابه، چه عزرائیل. این شهر هم، حالا محمره یا خرمشهر، همین است. شهر که فقط اسمش نیست. شهر به مردمش شهر می‌شود، به پرندگانش، به درخت‌هایش، به تک‌تک حیواناتش، به دانه‌دانه سنگ‌ها و آجرهایش. نه اصلاً آدمی را می‌شود به زور مال کسی کرد نه شهری را می‌شود گرفت. شهر مال آن کشوری است که اهلش شده باشـد. این را خر تکریت هم می‌فهمد، اما فرمانده‌ات با این شعارهایش دارد از خر کمترتان می‌کند.» (صفحه ۱۳۳ و ۱۳۴)

تماشای غروب خرمشـهر از روی پل، این آخرین کاری است که پیرمرد کولـی از عطا می‌خواهـد. دردی ندارد و خـوب می‌داند این آخرین نفس‌هایش اسـت. به عطا تکیه می‌دهد. می‌خواهد روی پا بایستاندش. می‌ایسـتد. نگاه می‌کند. کبوترها دارند توی آسـمان پرواز می‌کنند. می‌گوید: «من اگر بنا بـود جایی بمانم، کجا بهتر از اینجا؟ جایی کـه این همه آدم بـرای زنده ماندنش جان داده‌اند، ارزشش را دارد. نه؟» انگار می‌کند که زنش کنارش ایسـتاده. نگاهش می‌کند. عطا فقط سـر تـکان می‌دهد و نجوا می‌کند: «دارد». و پیرمرد سـر می‌گرداند و دوباره کبوترها را در آسـمان می‌بیند. دارند انگار طرف مسـجد می‌روند. به دشواری سرفه‌ای می‌کند و خون دهانش را ترش و تلخ می‌کند. می‌گوید: «ربابه زنده است. نگاه کن.» تا عطا بخواهد مسیر نگاه پیرمرد را ببیند، سنگینی رها شدن اندامی بی‌روح تعادلش را به هم می‌زند. (صفحه ۱۴۵)

مردمی‌سازی به جای مذاکره

نقاط قوت و ضعف مردمی‌سازی اقتصاد کشور در جنگ اقتصادی به بهانه بازدید رهبر معظم انقلاب از نمایشگاه دستاوردها و توانمندی‌های بخش خصوصی در گفت‌وگوی تفصیلی «جوان» با «محسن ردادی» عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه مورد بررسی قرار گرفت

سجاد آذری

در شرایطی که این روزها بیش از گذشته مسئله جنگ اقتصادی و روش‌های مقابله با آن مورد تأکید رهبر معظم انقلاب است، ایشان از نمایشگاه دستاوردها و توانمندی‌های بخش خصوصی که در محل حسینیه امام خمینی (ره) برگزار شد، بازدید و در ادامه این دیدار به مشکلات پیش‌روی اقتصاد ایران و همچنین لزوم مردمی‌سازی اقتصاد برای عبور از جنگ حاضر تأکید کردند. در گفت‌وگوی تفصیلی «جوان» با محسن ردادی عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه مشکلات پیش‌روی این مردمی‌سازی، دلایلی که موجب شده کشور هنوز در این زمینه به توفیق کامل دست پیدا نکند و راه‌حلی که برای رسیدن به مهم وجود دارد، مورد بررسی قرار گرفته است.

دلیل اینکه رهبر انقلاب چند سالی است خودشان وارد عمل شده‌اند و نمایشگاه دستاوردها و توانمندی‌های بخش خصوصی را در حسینیه امام خمینی (ره) که محل دیدارهای رهبری است برگزار می‌کنند، چیست؟

این مسئله بازمی‌گردد به نگاه و درکی که رهبر انقلاب از صحنه مبارزه در حال حاضر دارند. به نظر می‌رسد عرصه‌ای که ما الان مشغول مبارزه و درگیری در آن هستیم نه عرصه نظامی است و نه سیاسی، بلکه عرصه اقتصادی است. قاعدتاً اگر رهبر انقلاب وضعیت را به گونه‌ای می‌دیدند که ما در جنگ نظامی هستیم نمایشگاه دستاوردهای نظامی را باید برپا می‌کردند و غیر از آن از رژه نظامی‌ها باید سان می‌دیدند، اگر درگیری، درگیری سیاسی هم بود قاعدتاً جلسه باید با حضور سیاستمداران و دست‌اندرکاران بخش‌های سیاسی و دیپلماسی برگزار می‌شد، اما وقتی با این شرکت‌های دانش‌بنیان، فناور و ارستارتاپ جلسه می‌گذارند، معنای آن این است که ما در جنگ اقتصادی هستیم و راه‌حل هم دقیقاً همین جوانان و افرادی است که می‌توانند موتور متحرکه پیشرفت اقتصادی باشند. بنابراین من تعبیر می‌کنم به اینکه بازدید رهبر انقلاب از نمایشگاه دستاوردهای این شرکت‌های دانش‌بنیان سان دیدن فرمانده کل قوا از افسران، ژنرال‌ها و سربازان جنگ اقتصادی است. چون اگر قرار باشد تحولی در عرصه اقتصاد اتفاق بیفتد، دقیقاً از سوی همین گروه‌ها رخ می‌دهد. در امریکا، انگلستان، چین و هند همین شرکت‌های ارستارتاپی و فناور بودند که توانستند اقتصاد را شکوفا کنند، یعنی با فناوری‌هایی که اختراع و کاربردی کردند، توانستند ارزش‌آفرینی و خلق پول کنند و کشور خود را رشد دهند.

رهبری می‌فرمایند من از پیگیری نشدن مسائل کارآفرین‌ها احساس شرمندگی کردم. این موضوع باید چه تأثیری روی مسئولان داشته باشد و چرا با وجود پیگیری رهبری این مسائل حل نمی‌شود؟

اینکه رهبر انقلاب می‌فرمایند من احساس شرمندگی کردم یک‌بار دیگر نیز اتفاق افتاده و ایشان در مورد مسائل اقتصادی دقیقاً همینطور فرموده بودند که من شرمنده می‌شوم وقتی پدری یا فردی نمی‌تواند از پس معیشت خودش بر بیاید و کسی جلوی خانواده خود شرمنده می‌شود در درجه اول این شرمندگی برای نظام جمهوری اسلامی است. رهبر انقلاب در واقع از طرف و به نیابت از مقامات دولتی چنین فرمایشی داشتند وگرنه حقیقت این است که این شرمندگی به رهبر انقلاب باز نمی‌گردد، بلکه به کسانی برمی‌گردد که در زمینه تقویت و تسهیل روند کار این گروه‌های مردمی فناور نوپا مسئولیت مستقیم دارند که باید زمینه رشد و ارتباط این گروه‌ها با طرف‌های خارجی را فراهم و از اینها حمایت می‌کردند تا رشد کنند و نکردند. این شرمندگی بر پیشانی این دولتمردان و سیاستمداران است و لکه ننگی که بر دامن این افراد ثبت شده و البته وقتی آنها اظهار شرمندگی نمی‌کنند رهبر انقلاب مجبور است جور آنها را بکشد و از ناحیه آنها چنین مطلبی را بیان کند. واقعیت این است که در کشورهای نه خیلی توسعه یافته که سیاستمداران آنها خیلی آموخته نیز نیستند این مسئله را بلد هستند و حتی کشورهای منطقه مانند ترکیه را هم اگر نگاه کنیم رشد گروه‌های استارتاپی، نوپا و فناور تسهیل شده، ولی متأسفانه این مسئله هرگز از سوی دولتمردهای ما در همه دولت‌ها فارغ از اینکه رئیس‌جمهور چقدر زحمت کشیده با وجود اینکه اغلب زحمت فراوان هم کشیده‌اند، تسهیل نشده و بدنه کرخت، سنتی و خموده دولتی هرگز حداقل حمایت را از این گروه‌ها به عمل نیاورده و چه بسا سیاست‌هایی را اجرا کرده‌اند که موجب تضعیف این گروه‌ها و شرکت‌ها شده و مانعی بر موانع پیش‌روی آنها افزوده است.

گزارش‌های فراوانی در این زمینه هست که خیلی از آنها خدمت مقام معظم رهبری بیان شده و این گروه‌ها نیز بیان کرده‌اند و در واکنش به این گزارشات بود که آقا این اظهار شرمندگی را فرمودند، ولی گزارش‌هایی که اینها می‌گویند اسفناک است که با یک غربت و مظلومیتی مواجه هستیم و مقامات دولتی خیلی ترجیح می‌دهند که با طرف‌های خارجی با قیمت گزاف و با خطرات و ریسک بیشتر کار کنند تا با این جوانان ایرانی. اتفاقی که اگر نگوییم یک نوع خیانت که حداقل نشانه بی‌عرضگی و نقص فهم است که شرمندگی را به دنبال دارد.

اینکه قانونی مانند قانون تسهیل صدور مجوزها در دولت جدید به فراموشی سپرده می‌شود چقدر با رهنمون‌های اقتصادی رهبری هم راستاست؟

همانطور که عرض کردم ما در یک جنگ اقتصادی هستیم و در این جنگ اقتصادی امیدی به شرکت‌های دولتی که ناکارآمدی آنها از دهه ۶۰ معلوم شده بود نیست و به همین دلیل دولت سازندگی از آنها قطع امید کرد و به سمت نگاه سرمایه‌داری رفت. دلیلش هم این بود که شرکت‌های دولتی واقعاً در تولید ثروت مؤثر نیستند و جز ضرر و زیان چیزی به همراه ندارند. پس در این جنگ اقتصادی نه شرکت‌های دولتی مؤثر هستند و نه شرکت‌های خصوصی سرمایه‌داری خیلی می‌توانند کمک کنند تا در این ۳۰ سالی که کشور به سمت خصوصی‌سازی رفته بتوانند تحول عمیق اقتصادی را ایجاد کنند. اغلب دنبال منافع خودشان هستند و سررشته فسادها به این شرکت‌ها برمی‌گردد که از رانت‌ها استفاده کردند. در این شرایط به نظر می‌رسد تنها چیزی که باقیمانده است این شرکت‌های کوچک مردمی هستند، رهبر انقلاب هم آنجا تصریح و تأکید می‌کنند شرکت‌های خصوصی تنها راه نجات و پیشرفت کشور است دقیقاً به جنبه غیردولتی اشاره دارند والا خیلی از شرکت‌هایی که آنجا بودند از لحاظ ماهیت حقوقی تعاونی هستند و خصوصی به معنای اینکه در انحصار چندتا سرمایه‌دار باشند، نبودند، بلکه شرکت‌های تعاونی یا شرکت‌های نوپایی بودند که با سرمایه اندک برخی از جوانان و با اتکا به فناوری، سواد و دانش و سرمایه انسانی این افراد شکل گرفته است. برای حمایت از این شرکت‌ها حتماً دولت‌ها یکسری از اقدامات را باید انجام دهند. در این زمینه حتی بخشی از حاکمیت می‌رود قانون تسهیل صدور مجوزها را تصویب می‌کند، اما دولت‌ها در اجرای این قانون کوتاهی می‌کنند و چه بسا در اجرای این قانون مقاومت می‌کنند و اینجاست که نشان می‌دهد تعارض منافعی وجود دارد. عده‌ای از دولتی‌ها منفعت‌شان در این است که این شرکت‌های نوپا نتوانند رشد کنند و اقتصاد همچنان در دست حلقه‌های بسته و حلقه‌هایی که کاملاً انحصاری هستند، باقی بماند. به هرحال این نوع برخورد فقط موجب تضعیف ایران در جنگ اقتصادی می‌شود و به نظر می‌رسد عوامل زیادی وجود دارد که دولت‌ها نتوانستند کاری برای این شرکت‌های تعاونی انجام دهند و همان نگاه قدیمی و منسوخ خودشان را دارند که می‌خواهند از طریق شرکت‌های دولتی یا بخش سرمایه‌داری، اتاق بازرگانی و شرکت‌های بزرگ سرمایه‌خواری به جای سرمایه‌داری، تلاش می‌کنند اقتصاد را اداره کنند و به جلو ببرند.

تصور می‌کنید این تحول اساسی از نظر رهبر انقلاب چگونه اجرا می‌شود؟

من برای اینکه نگاه رهبر انقلاب را کمی بیشتر باز کنم، سه جریان و نگاه را از هم متمایز می‌کنم؛ نگاه اول این است که همه چیز الان در مسیر درستی است و اگر با همین دقت و نظمی که فعلاً برقرار هست و با حفظ شرایط موجود حرکت کنیم می‌توانیم قله‌های پیروزی را فتح کنیم، نگاهی که خیلی از تکنوکرات‌ها و بروکرات‌های ما دارند و معتقد هستند که باید همین وضعیت را حفظ کرد و همه چیز عالی است و هیچ نیازی هم به تغییر و تحول نداریم. این یک نگاه متحجرانه، عقب‌مانده و منسوخی است که کاملاً بومی محافظه‌کاری می‌دهد و به نظر می‌رسد با واقعیت‌ها هیچ سنخیتی ندارد.

نگاه دوم نگاهی است که بعضی از اصلاح‌طلب‌ها دارند و به نظر می‌رسد در این دولت هم توانسته جای خودش را باز کند. البته منظور این نیست که دولت طبق این نگاه اداره می‌شود، بلکه منظورم این است کسانی که صاحب این نگاه هستند، توانسته‌اند در دولت هم حضور پیدا کنند صدای آنها از طریق دولت گاهی از اوقات شنیده می‌شود، ولی منظور این نیست که صدای دولت منحصراً این صداست. این نگاه دوم به جای مردم و توجه به ظرفیت‌های داخلی می‌گوید بیشتر به بهبود رابطه با کشورهای خارجی توجه داشته باشیم، یعنی به اتکای امریکا و مذاکره با اروپا و نه به اتکا مردم مشکلات خود را حل کنیم و آن فرمایش رهبر انقلاب که فرمودند: اگر ما به توانمندی‌های داخلی و سرمایه‌هایی که بخش خصوصی در ایران دارد، توجه کنیم ممکن است از سرمایه‌گذاری خارجی بی‌نیاز شویم دقیقاً در تعارض با این نگاه است که می‌گویند منحصراً اگر می‌خواهیم مشکلات و ابرچالش‌های ما حل شود چاره‌ای جز مذاکره و جذب سرمایه‌گذاری خارجی نداریم و اینقدر که مذاکره با امریکا و اروپا مورد توجه خیلی از سیاستمداران هست متأسفانه مذاکره، کنار آمدن و گفت‌وگو کردن با مردم مدنظر آنها نیست.

نگاه سوم که به نظرم رهبر انقلاب مورد تأکید قرار می‌دهند، این است رجوع به مردم موجب تحول می‌شود و اگر قرار باشد تحولی اتفاق بیفتد دقیقاً از طریق همراه شدن و همراه کردن مردم و اثرگذار کردن مردم در تصمیم‌سازی‌هاست. اگر کسی به این راه‌حل سوم اعتقاد داشته باشد برای معاونت راهبردی رئیس‌جمهور باید فردی قرار بدهد که یک نگاه اقتصادی و مشارکت‌جویانه داشته باشد و این معاون کسی باشد که معتقد و متخصص برقراری رابطه با مردم باشد نه کسی که متخصص سیاست خارجی است. اولویت اول رئیس‌جمهور باید آشتی با مردم باشد نه آشتی با اروپا و امریکا باشد.

از دیدگاه رهبری ضروریات مردمی‌سازی اقتصاد در جنگ اقتصادی پیش‌رو چیست و شرایط فعلی چقدر مهیای چنین اقدامی است؟

رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای سال بحث تحول را مطرح و تأکید کردند که مشکلات کشور حتماً باید از طریق تحولی که در دولت و نظام حکمرانی اتفاق می‌افتد، حل شود و تأکیدشان بر این بود که تحول را به معنای دورشدن از ارزش‌های انقلاب و اسلام در نظر نگیرید، چون به خصوص در دولت فعلی این تصور وجود دارد که حالا که ما می‌خواهیم یک تغییری به نفع مردم بدهیم سعی می‌کنند یکسری از مسائل نازل رسانه‌ای و سیاست زده را به عنوان آن تحول عظیم و اساسی به مردم غالب کنند. مثلاً بحث حجاب را پیش می‌کشند و می‌گویند ما خوشبختانه در مورد حجاب مقاومت کردیم و الان خانم‌های بی‌حجاب در خیابان به راحتی رفت و آمد می‌کنند یا تلاش می‌کنند که فیلترینگ را کمرنگ کنند و اینها را به عنوان دستاورد و تغییر معرفی می‌کنند و با هشتگ فرق می‌کند چه کسی رئیس‌جمهور باشد، سعی می‌کنند این تغییرات جزئی و بی‌ارزش برای نظام حکمرانی را به عنوان یک تغییر اساسی جا بزنند، ولی آن چیزی که مدنظر رهبر انقلاب است اینکه تحولی باید رخ بدهد که مردم در نظام تصمیم‌گیری کشور تأثیر بیشتری داشته باشند. این فاصله‌ای که بین مردم و دولت برقرار شده باید برداشته شود و با این مسائل جزئی و سیاسی این فاصله پر نمی‌شود. درد مردم این نیست که چرا روسری روی سر آنهاست یا واقعاً درد آنها این نیست که چرا اینترنت فیلترینگ دارد، بلکه به نظر من مشکل مردم این است چرا در نظام تصمیم‌گیری مشارکت ندارند و چرا مسئولان درد مردم را احساس نمی‌کنند. شاید صحبت‌های آقای پزشکیان در ایام انتخابات چنین ذهنیتی را برای مردم ایجاد کرده بود که وی از همه درد آشناتر است و بهتر از همه می‌تواند درد مردم را بفهمد که می‌گوید باید مردم را بیشتر دخالت دهیم و شاید به همین دلیل هم بود که بیشتر به وی رأی دادند، ولی در عمل متأسفانه این تغییر و تحول اساسی که مدنظر رهبر انقلاب بود، اجرا نمی‌شود.

با توجه به دسته بندی که فرمودید راه‌حلی که برای مردمی‌سازی اقتصاد در این جنگ اقتصادی باید از سوی دولت پیگیری شود، چیست؟

آقای رئیس‌جمهور به‌دلیل ارتباط خوب، ساده و دلنشینی که با مردم داشتند از سوی مردم انتخاب شدند و حسن‌شان این است که می‌توانند با افراد بدون شیله و پیله ارتباط بگیرند. متأسفانه در طی این چند وقت که از عمر دولت گذشته این اتفاق نیفتاده است. اگر ما دنبال مردمی‌سازی هستیم اولین قدم این است که بتوانیم با مردم ارتباط مناسبی داشته باشیم و آقای رئیس‌جمهور متأسفانه نتوانستند از آن قابلیت و توانمندی خودشان استفاده کنند و به سمت مردمی‌سازی پیش بروند.

> رجوع به مردم موجب تحول می‌شود و اگر قرار باشد تحولی اتفاق بیفتد دقیقاً از طریق همراه شدن و همراه کردن مردم و اثرگذار کردن مردم در تصمیم‌سازی‌هاست. اگر کسی به این راه‌حل سوم اعتقاد داشته باشد برای معاونت راهبردی رئیس‌جمهور باید فردی قرار بدهد که یک نگاه اقتصادی و مشارکت‌جویانه داشته باشد و این معاون کسی باشد که معتقد و متخصص برقراری رابطه با مردم باشد نه کسی که متخصص سیاست خارجی است

مثالی هم در این خصوص که به مردم بی‌توجهی شده است، دارید؟

اگر بخواهم مثال ملموس عرض کنم یکی آقای عبدالعلی‌زاده بود که چند وقت پیش گفتند اگر اقتصاد بخواهد پیشرفت کند و مسئله اقتصاد در برنامه‌محور در کشور پا بگیرد قریب به این مزمون می‌گویند اولین اقدام این است حرف از اینکه ما انتقام می‌گیریم و اگر آنها بزنند ما انتقام می‌گیریم باید تمام شود. مثال دوم در زمینه اینکه دولت از ظرفیت مردمی غافل است برمی‌گردد به مصاحبه یکی دیگر از حامیان دولت، یعنی آقا جهانگیری که روی چالش‌ها و ابرچالش‌های که در کشور وجود داشت تأکید می‌کند و ضمن مصاحبه می‌گوید من چون مطلع بودم که کشور چقدر مشکل دارد که ناترازی انرژی یکی از آنهاست هیچ تمایلی به ریاست جمهوری نداشتم و آقای پزشکیان هم چون اطلاعات من را نداشت وارد این عرصه شد، به هرحال معنای تلویحی فرمایش آقای جهانگیری این است که آنقدر مسائل زیاد هست که هیچ آدم عاقلی وارد عرصه ریاست جمهوری و اداره کشور نمی‌شود. این نگاه ناشی از این است که ظرفیت‌های مردمی باز هم دیده نشده است، اشکال این نیست که شما دارید در مورد مشکلات کشور اغراق می‌کنید، به هرحال کشور به شدت دچار مشکل است و با ابرچالش‌های جدی روبه‌رو هستیم، اما اشکال شما این است که از ظرفیت‌های مردمی غافل هستید اگر ظرفیت‌های مردمی هم لحاظ شود آنگاه این ابرچالش‌هایی که خیلی خیلی هم بزرگ است و مانند کوه به نظر می‌رسد قابل حل است.

تفکر افرادی مانند آقای جهانگیری که امروز مسئولیت اجرایی ندارد و این اطرافیان رئیس‌جمهور، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان در تفکر دولت و جهت‌دهی به آن مؤثر هستند. وقتی این نگاه‌ها تبلیغ و ترویج شود که در آن مطلقاً تکیه به نیروهای مردمی نیست آقای رئیس‌جمهور و بقیه بدنه دولت به این راه‌حل‌های مردمی فکر نمی‌کند که این دقیقاً برخلاف اندیشه و تفکر رهبر انقلاب است. من از شما و خوانندگان سؤال می‌کنم آیا در سخنان و بیانات رهبر انقلاب اسلامی توجه به ظرفیت‌های داخلی، استفاده از ظرفیت مردم، نگاه به داخل، استفاده از جوانان بیشتر وجود دارد یا اصلاح‌طلب‌های که خیلی از آنها پست‌های دولتی و مشاوره دولتی دارند و در کلام آنها این چنین حرف‌هایی وجود دارد. این افراد که ادعای مردمی بودن به مردم ارجاع می‌دهند یا رهبر انقلاب، این افراد بیشتر به خارج از مرزها ارجاع می‌دهند یا به مردم. اینها سؤالاتی است که اگر به آنها پاسخ داده شود احتمالاً آن خطاب رهبر انقلاب که من احساس شرمندگی می‌کنم منشأ خودش را پیدا می‌کند که چه کسانی بیشتر باید احساس شرمندگی کنند و آن چیزی که مانع از پیشرفت اقتصاد کشور در این سال‌ها شده مشخص می‌شود که چه نوع نگاهی مسلط بوده که کار را به اینجا رسانده است.

همه این موارد یعنی ما ابرچالش نداریم و فقط باید کار را به مردم بسپاریم؟

باز هم تأکید می‌کنم که ابرچالش‌های جدی در مسیر اداره کشور وجود دارد، این ابرچالش‌ها بسیار بسیار سنگین هستند که یک قلم آن همین ناترازی انرژی، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و مواردی از این دست است که کشور را در آینده نزدیک دچار قفل‌شدگی می‌کند، ولی همه اینها در آینده نزدیک به اندازه جنگ تحمیلی که در سال ۵۹ به ایران تحمیل شد نمی‌شود، ولی در آن زمان نگاه مسئولان این بود که مردم راه‌حل هستند. بنابراین از ظرفیت مردمی استفاده کنیم تا این مشکل حل شود. اگر بخواهم در چارچوب سه جریانی که عرض کردم، مثال جنگ را توضیح دهم ممکن بود دسته اول که محافظه‌کارها هستند بگویند همه چیز خوب است و ما طبق روال با ارتش و امکاناتی که وجود دارد، داریم کار را پیش می‌بریم و هیچ نیازی هم به تغییر آرایش وجود ندارد، خب این نگاه آن زمان مقبول نبود و دولت، مردم و امام خمینی (ره) از این نگاه تبعیت نکردند. اگر نگاه دوم که برارتباط با غرب تأکید دارد آن زمان قدرت را در دست گرفته بودند به جای اینکه حمله صدام به ایران را بخواهند از طریق مردم دفع کنند به دنبال این بودند که ما یک روابط خارجی قوی داشته باشیم، زبان دنیا را بلد باشیم، برویم با دشمنان مذاکره کنیم، برویم با اسرائیل و با امریکا آشتی کنیم تا مشکلات ما حل شود، معلوم است که هیچ کدام از این دوتا به سرانجام و نتیجه نمی‌رسد. نگاه سوم که رهبر انقلاب تأکید دارند و مسئولان باید ملتزم به این نگاه شوند و آن زمان غلبه داشت و این بود که مشکل را به مردم بسپاریم و مردم بخشی از راه‌حل هستند. مردم مشکل نیستند که بگوییم الان در این شرایط جنگی چطور باید مردم را سیر کنیم، چطور آنها آرام نگه داریم و چه کنیم که مردم برای ما ایجاد اشکال نکنند، بلکه گفتند باید مردم را به صحنه بیاوریم و خود مردم آمدند و مثلاً شهید حسن باقری با آن سن کم تصمیم‌ساز شدند که ما چطور باید بجنگیم و خودشان از کسانی شدند که جنگ را طراحی می‌کردند. خود مردم عملیات‌ها را اجرا و خود مردم نیز بر آنها نظارت می‌کردند، یعنی در عرصه اجرا، تصمیم‌گیری و نظارت مردم فعال شدند و نتیجه این شد که جنگ به خوبی مدیریت شد و پیش رفت الان هم باید این نگاه حاکم باشد و به مردم نقش سپرده شود و اجازه داده شود مردم به شکل واقعی وارد شوند نه اینکه کار شعاری شود چون حرف در همه دولت‌ها زیاد است، معاونت مردمی‌سازی تأسیس می‌کردند، ولی اینکه همه این موارد تا چه حد منجر به این شد که مردم در عرصه اجرا، تصمیم‌گیری و نظارت حضور فعال داشته باشند، مشخص است! این ملاک واقعی مردمی‌سازی است نه شعارهایی که این طرف و آن طرف داده می‌شود. اگر در مواجه با ابر چالش‌هایی که با آن مواجه هستیم مردم به کار گرفته شوند و در این عرصه حضور پیدا کنند می‌شود امیدوار بود که به‌رغم تمام مشکلات بتوان بر این چالش‌ها غلبه کرد و کار را پیش برد.

اگر مسئله دیگری هست که به نظر شما باید گفته شود، می‌شنویم؟

نکته آخری که می‌خواهم عرض کنم این است که الان دوباره این نگاه خیلی مشتری پیدا کرده ما با گفت‌وگو با امریکا می‌توانیم مشکلات خود را حل کنیم و سایت‌های اصلاح‌طلب پرشده از اینکه از تهدید ترامپ یک فرصت بسازیم و حرف‌هایی که نگاه همه آنها این است که اگر مشکلی در کشور وجود دارد با تکیه بر ظرفیت خارجی و ظرفیت امریکا و اروپا قابل حل است. عرض می‌کنم این یک سرابی بیش نیست، فارغ از اینکه این نگاه با اندیشه انقلاب اسلامی، استکبارستیزی و نگاه انقلابی مغایرت دارد که شما بخواهید با مستکبرین عالم توافقی کنید که منجر به حل مشکلات داخلی شما شود و این اصلاً با نگاه انقلاب سازگار نیست، عرضم درخصوص کارآمدی این نگاه است و به نظر می‌رسد این نگاه اصلاً کارآمد نیست و اگر قرار است مذاکره‌ای هم انجام شود ما باید از موضع قوت وارد گفت‌وگو شویم. برای مذاکره باید کشوری باشد که اولاً مردم کاملاً پشت حکومت و دولت باشند، دوماً اینکه از لحاظ اقتصادی به یک ثباتی رسیده باشد و سوم اینکه برگ برنده‌هایی داشته باشد که بتواند روی آنها مذاکره کند و اگر از همه اینها خالی و در موضع ضعف باشیم مذاکره منجر به حل مشکلات ما نمی‌شود. باید روی عقل طرف مقابل هم حساب کنیم که اگر پای میز مذاکره می‌آید ببینید ما در موضع ضعف هستیم، اصلاً حاضر نخواهد بود به ما امتیازی بدهد و اصلاً برای چه باید به ما امتیاز بدهد وقتی که می‌بیند با همین روش‌ها ما را تضعیف کرده و می‌تواند با همین روش‌ها بیشتر از قبل ما را تضعیف و تحقیر کند.

ما امروز از لحاظ اقتصادی نسبت به زمانی که آقای روحانی مذاکره را آغاز کرد، ضعیف‌تر شده‌ایم و در این شرایط برای چه باید به ما امتیاز بدهد! در این شرایط سراب مذاکره اصولاً ناکارآمد و منجر به حل مشکلات ما نمی‌شود، ولی اگر این ذهنیت وابسته و غرب‌گرایی را کنار بگذاریم متوجه می‌شویم که مهم‌تر از مذاکره با امریکا، ترامپ و اروپا مذاکره با مردم است برای اینکه مردم دوباره به صحنه بازگردند با دولت و حکومت آشتی کنند این راه‌حل را باید اینجا جست‌وجو کرد. مذاکره با مردم حتماً مهم‌تر از مذاکره با امریکا و اروپاست و باز هم اگر نگاه سیاست‌زده، جناحی و غرب‌زده را کنار بگذاریم دغدغه اصلی مردم الان این نیست که حجاب مانع فعالیت‌های من است یا دغدغه اصلی مردم این نیست که فیلترینگ برداشته شود یا نه، به نظرم در حال حاضر دغدغه اصلی مردم این است که چرا از آنها در عرصه حکمرانی استفاده بیشتری نمی‌شود! جای مردم در تصمیم‌گیری‌ها کجاست، صدای مردم را اصلاً می‌شنوند، کسی هست که گوش کند و پای درددل مردم بنشیند، اینهاست که به نظرم دغدغه‌های اصلی مردم است و به نظرم این حرف‌هایی که از طریق جناح‌های مختلف زده می‌شود که تلاش می‌کنند خودشان را نماینده مردم نشان دهند به هیچ عنوان صلاحیتی برای اینکه از جانب مردم نمایندگی کنند را ندارند.

حرف‌های مردم را باید شنید، تصمیمات مردم را باید پذیرفت و آنها را در اجرا، نظارت و تصمیم‌گیری شریک کرد در این صورت هست که فاصله بین مردم و حکومت کم می‌شود و الا شما نه تنها قانون حجاب را بردارید اگر قانون بی‌حجابی وضع کنید و بگویید کسی از فردا حق ندارد، محجبه باشد و همه باید بی‌حجاب در خیابان بیایند یا شما حداقل فیلترینگی که ممکن است در اروپا و امریکا روی بعضی از سایت‌ها داشته باشند را هم بردارید، سرعت اینترنت را یک دنیا کنید؛ من بعید می‌دانم این دغدغه مردم کارگر، کارمند، طبقه مستضعف جامعه را رفع کند و با پیگیری این خواسته‌های جناحی بتوان ارتباط بین مردم و دولت را تقویت کرد به جای این باید اجازه داد تا مردم راحت‌تر حرف‌شان را بزنند و مردم فارغ از جناح‌ها بتوانند در تصمیم‌گیری‌ها حضور فعال داشته باشند و مردم نظارت داشته باشند. آنجا که اعتراض دارند اعتراض خود را بدون لکنت‌زبان بیان کنند و مسئولان هم خودشان را خادم مردم ببینند نه نگاه بالا به پایین داشته باشند در آن صورت است که می‌توان این شکاف ایجاد شده بین مردم و دولت پدیده آمده را ترمیم کرد و همچنین در جنگ اقتصادی فعلی موفق شد والا این نگاه‌های سیاست‌زده و شعارهای کوچه بازاری مشکل مردم را حل نمی‌کند.

گفت‌وگو
زهرا چیذری

بررسی دستاوردهای انقلاب برای زنان در گفت‌وگوی «جوان» با رئیس اندیشکده زن و خانواده دانشگاه امام حسین(ع)

حضور زنان در انقلاب اسلامی بر خیزش جامعه قدرت داد

وقتی هویت زن به رسمیت شناخته و زمینه ظهور و بروز او فراهم می‌شود خانواده و حتی جامعه در مسیر اعتلای کلمه حق قرار می‌گیرد

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی برای زنان فراهم شدن فضایی مناسب و امن برای حضور اجتماعی آنان است. پیش از انقلاب فضای نامساعد جامعه و تلاش برای تغییر سبک زندگی مردم با حال و هوا و سبک زندگی غربی، موجب شده بود زنان و دختران نتوانند فعالیت اجتماعی داشته باشند. آنهایی هم که در سطح جامعه حاضر می‌شدند با نگاه ابزاری به زنان مواجه بودند و خیلی وقت‌ها در عمل وسیله‌ای برای التذاذ مردان محسوب می‌شدند. انقلاب اسلامی مطابق نگاه اسلام جایگاه انسانی به زن داد و او را از جنسیت‌زدگی خارج کرد، همین مسئله موجب شد زنان در زیر لوای جامعه اسلامی به جایگاهی که حق‌شان است دست پیدا کنند و بتوانند در تمامی عرصه‌ها خوش بدرخشند و استعدادهای‌شان شکوفا شود. بر این اساس انقلاب اسلامی زن را از پستوی خانه خارج کرد و به او تشخص داد. به این ترتیب شاهد آن هستیم که زنان ایرانی بعد از انقلاب در سایه امنیت و آرامش اجتماعی توانستند در تمامی عرصه‌ها حضور پیدا کنند، به گونه‌ای که آمار زنان هنرمند، معلم، استاد، ورزشکار، دانشمند و اندیشمند در دوران پس از انقلاب با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست؛ زنانی که با حجاب‌شان نمادی از زن مسلمان تراز انقلاب اسلامی را به نمایش گذاشتند و در هر جایگاهی چه به عنوان یک زن خانه‌دار متولی تربیت انسان‌های شایسته برای جامعه‌ای متعالی و چه به عنوان یک زن اندیشمند و دانشمند که ظهور و بروز جهانی دارد، خوش درخشیدند. به مناسبت دهه مبارک فجر سراغ مینو اصلانی، رئیس اندیشکده زن و خانواده دانشگاه امام حسین(ع) رفته و در خصوص دستاوردهای انقلاب برای زنان با وی به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

خانم دکتر اصلانی! انقلاب اسلامی نگاه جنسیت‌زده و ابزاری به زن را کنار زد و موجب شد زن از پستوی خانه بیرون بیاید و در جامعه در سطوح عالی و متعالی فعالیت داشته باشد. از نگاه شما انقلاب اسلامی ایران چه دستاوردهایی برای حوزه زنان داشت؟

با روی کار آمدن رژیم پهلوی و البته در دوران قاجار، این نگاه شکل گرفت که پیشرفت را منوط به غربی شدن و احیا کردن سبک زندگی غربی در داخل کشور دیدند. در زمان پهلوی اول به نوعی این موضوع سرعت گرفت و رضا پهلوی صرفاً با یک نگاه قلدرمآبانه و بدون تعقل و درک واقعیت‌ها، دستور کشف حجاب را صادر کرد که این موضوع فقط کشف حجاب نبود، بلکه تغییر سبک زندگی از سبک زندگی متعارف در کشور به سمت و سوی سبک زندگی غربی بود.

و این ترویج سبک زندگی غربی چه تبعاتی برای زنان ما داشت؟

در این دوران به دلیل وضعیت حاکمیت و حکمرانی در کشور به نوعی زنان ما به محاق رفته بودند، یعنی شرایط برای حضور اجتماعی آنها فراهم نبود و اگر قرار بود خانم‌ها در جامعه ظهور و بروزی داشته باشند، حتماً باید با روش‌ها و مدل‌هایی که بنیاد پهلوی، بنیاد اشرف و بنیادهای اینچنینی ترسیم می‌کردند، در قامت یک فعال فرهنگی و اجتماعی ظاهر می‌شدند. این حرکت در دوران پهلوی دوم به شدت سرعت گرفت و با تشکیل بنیادهای مختلف زنانه، همه اینها باعث شد به نوعی اگر قرار است زنان در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی حضور داشته باشند، حتماً باید با کشف حجاب و مدل‌های غربی این حضور و ظهور همراه باشد، حتی در مدارس قبل از انقلاب دروس قرآن و دینی که با عنایت به ترس از علما در دروس مدارس قرار داده شده بود، از سوی معلمانی تدریس می‌شد که خودشان هیچ التزامی به اسلام و حجاب نداشتند، بنابراین هیچ گونه ظرفیت‌سازی برای ظهور و بروز استعدادها و توانمندی‌های زنان وجود نداشت، حتی اگر یک دختری در دانشگاه قبول می‌شد اگر محجبه بود، تمسخر و نهایتاً مجبور می‌شد از سبک زندگی خودش عدول و سبک زندگی غربی را پیشه کند تا بتواند در حوزه کاری و تحصیلی موفق باشد، حتی در مدارس هم اگر دانش‌آموزی پوشش و حجابش را رعایت می‌کرد، مورد تمسخر قرار می‌گرفت و برخی مدارس هم اصلاً دانش‌آموزان محجبه را راه نمی‌دادند! بنابراین به دلیل این فشارها و محدودیت‌ها جامعه از حضور و بروز و نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری زنان به نوعی محروم مانده بود.

این در حالی است که اگر ما برخی وقایع و بزنگاه‌های تاریخی را مورد بازبینی قرار دهیم، می‌بینیم زنان ما بسیار تأثیرگذار بودند، وقایعی مثل قیام تنباکو. درست است؟

بله، قطعاً. اگر زمینه فراهم می‌شد خانم‌ها اثرگذاری بسیار زیادی در طول تاریخ داشتند. حالا چه در جریان قیام تنباکو و چه در برخی جریان‌های دیگر می‌بینیم زنان ما اگر فرصتی پیش می‌آمد، کنشگرانی فعال بودند و تمایل زیادی داشتند بتوانند در صحنه‌های مختلف اجتماعی نقش‌آفرینی کنند، اما در مقطعی این نگاه‌های نامناسبی که به زن وجود داشت، موجب شده بود بخشی از جامعه هم احساس کند نیازی به حضور زنان و فعالیت آنها نیست، بنابراین دو نگاه حاصل شد که یا باید بی‌بندوبار بود تا در جامعه حضور داشت یا اگر می‌خواهید شأن و سبک زندگی خود را به عنوان یک زن مسلمان حفظ کنید، باید مهجور باشید و در هیچ کجا حضور پیدا نکنید!

پس اینجاست که انقلاب اسلامی و امام(ره) توانستند جایگاه اجتماعی زنان را احیا کنند؟

دقیقاً. انقلاب اسلامی نخستین موضوعی که در حوزه زنان شکل داد این بود که هویت زن را به رسمیت شناخت. انقلاب اسلامی با دیدگاه‌های بسیار مترقی حضرت امام(ره) که از اسلام ناب نشئت می‌گرفت، هویت زن را به رسمیت شناخت و این هویت را در خدمت انقلاب اسلامی قرار داد، بنابراین می‌بینیم که با ایجاد این ظرفیت زنان چگونه در جامعه حضور پیدا کردند و حتی از جان‌شان مایه گذاشتند و درخشیدند، گرچه در طول تاریخ ایران از این نقش‌آفرینی‌ها داشته‌ایم، مثلاً در جریان مقابله رئیسعلی دلواری با انگلیسی‌ها می‌بینیم که زن‌ها چه نقش‌آفرینی‌ای داشتند و چگونه در همراهی کردن با رئیسعلی دلواری درخشیدند و توانستند استعمار را عقب بزنند یا در طول تاریخ اسلام ما زنان نوقانی را در مشهد داریم که برای تشییع پیکر مطهر امام رضا(ع) حضور داشتند، بنابراین هر گاه زمینه‌ای فراهم شده است، زنان ما برای این مرز و بوم حتی از جان‌شان گذشته‌اند، پس وقتی حضرت امام(ره) زمینه را ایجاد و در واقع این انگیزه‌های قدسی زنان را بیدار کرد و به ظهور و بروز رساند، ما دیدیم چگونه خودشان در مسیر انقلاب اسلامی قدم گذاشتند و خانواده‌شان را در مسیر انقلاب هدایت کردند.

> از این جهت حضور زنان بسیار تأثیرگذار بود که وقتی زنان در انقلاب اسلامی حضور پیدا کردند گویی لایه‌های مختلف اجتماعی در متن انقلاب قرار گرفتند. قبلا در خیزش‌هایی که وجود داشت با عدم حضور زنان مواجه بودیم اما وقتی زنان هم حضور پیدا کردند، گویی در جامعه خیزش ضدظلم و ضداستکبار ایجاد شده است، به همین ترتیب زنان با رهنمودهای امام و نفس قدسی ایشان به صحنه آمدند و نقش‌آفرینی کردند و مسئولیت پذیرفتند

اهمیت و تأثیرگذاری حضور زنان در پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بود؟

از این جهت حضور زنان بسیار تأثیرگذار بود که وقتی زنان در انقلاب اسلامی حضور پیدا کردند، گویی لایه‌های مختلف اجتماعی در متن انقلاب قرار گرفتند. قبلاً در خیزش‌هایی که وجود داشت با عدم حضور زنان مواجه بودیم اما وقتی زنان هم حضور پیدا کردند، گویی در جامعه خیزش ضدظلم و ضداستکبار ایجاد شده است، به همین ترتیب زنان با رهنمودهای امام و نفس قدسی ایشان به صحنه آمدند و نقش‌آفرینی کردند و مسئولیت پذیرفتند.

و این حضور و نقش‌آفرینی مقطعی نبود و تا به امروز ادامه دارد.

بله، این خیلی مهم است که زنان حضور داشته باشند و این حضور حضوری مداوم باشد. زنان ما نه فقط حضور دارند و نقش‌آفرینی می‌کنند بلکه این مسیر را کاملاً باز می‌بینند و این حضور مستمر است. زنان ما خودشان را برای ادامه مسیر مسئول می‌دانند چراکه با حاکمیت اسلام ناب زمینه این ظهور و بروز و اثرگذاری فراهم شد، بنابراین در تمامی توطئه‌هایی که از ابتدای انقلاب علیه انقلاب اسلامی شکل گرفت، توطیه‌هایی مانند پان ترکیسم، پان کردیسم و پان عربیسم، همه توطئه‌هایی که به تحریک ضدانقلاب و رژیم صهیونیستی در شهرهای مختلف اتفاق افتاد، می‌بینیم که زنان در همان شورش‌ها در خط مقدم می‌ایستادند و ما در همین شورش‌ها صدها شهید زن داریم. ۱۱۰ زن داریم که منافقین در فاصله سال‌های ۶۰ و ۶۱ به شهادت رساندند، حتی خانم‌هایی که باردار بودند و از سوی منافقین در خیابان‌ها به شهادت رسیدند، بنابراین می‌خواهم روی این نکته تأکید کنم که وقتی هویت زن به رسمیت شناخته می‌شود و زمینه ظهور و بروز او فراهم می‌شود، کاری می‌کند کارستان! خانواده در مسیر اعتلای کلمه حق قرار می‌گیرد. همسر اطمینان پیدا می‌کند که اگر خودش هم به شهادت برسد، این خانواده منسجم و متعالی پیش می‌رود. یکی از نقش‌آفرینی‌های مهمی که زنان در طول انقلاب اسلامی و دفاع مقدس داشتند این بود که نه تنها خانواده را مستحکم نگه داشتند بلکه با وجود نبود مردان و حضور آنها در جبهه‌ها خانواده را در مسیر تعالی قرار دادند و برای نگهداشت خانواده دچار روزمرگی نشدند، بلکه به سمت تعلیم و تربیت متعالی سوق دادند. بسیاری از عزیزان تحصیلکرده ما همه در خانواده‌هایی رشد کردند که پدر در جبهه بود و مادر خانواده را در مسیر رشد و تعالی قرار می‌داد.

ذره‌بین

در موضوع خانواده در سمت درست تاریخ ایستاده‌ایم

در انقلاب اسلامی ایران خانواده رو به تعالی رفت، در حالی که می‌بینیم در انقلاب فرانسه بعد از رنسانس چقدر خانواده آسیب دید و تعاریف بسیار سخیفی از خانواده صورت گرفت و اساساً خانواده به سمت نابودی و بی‌هویتی پیش رفت. در انقلاب اسلامی ایران خانواده نه فقط آسیب ندید، بلکه در مسیر رشد و ارتقا قرار گرفت، چون خانواده در این گفتمان بسیار مستحکم است و زن در این گفتمان جایگاه ویژه‌ای دارد که توانسته است هم هویت خودش را بازیابی کند و هم خانواده را مستحکم نگه دارد، بنابراین دشمنان انقلاب نقطه گرانیگاه گفتمان انقلاب اسلامی، یعنی خانواده را هدف قرار داده‌اند، چون اگر زن را بزنند، در واقع خانواده رو به نابودی می‌رود و فرزندان در مسیرهای انحرافی قرار می‌گیرد و آرامش جامعه به محاق می‌رود.

وقتی جامعه دچار آسیب دیدگی و خشونت می‌شود، آنها سود بیشتری می‌برند، چون به هر حال تولیدات‌شان در مسیر ترمیم این ناهنجاری‌ها پیش می‌رود. در دنیای غرب از هر کاری به فکر سود و پر کردن جیب‌های سرمایه‌داران هستند، بنابراین آسیب به خانواده، بی‌هویت کردن و بی‌بندوبار کردن زنان برای آنها سود دارد چراکه به سمت خودنمایی و تبرج در حد اعلای آن را تعریف کرده‌اند، در حالی که اگر زن در خانواده تعریف شود و این تعالی را ادامه دهد، قطعاً سرمایه‌های کلان آنها بر باد می‌رود، بنابراین به ترویج جریان‌های فمینیسم اقدام کردند و متأسفانه جریان اصلاحات هم بر موج فمینیسم سوار شد و فمینیسم اسلامی را تعریف کرد که خود این فمینیسم اسلامی آسیب‌های زیادی را وارد کرد. طبیعتاً دشمن هم با تمام توان و قدرت، بودجه‌های هنگفتی برای ترویج بی‌بندوباری و مدهای غیرمتعارف در کشور ما و برخی کشورهای اسلامی هزینه و از هر زمینه‌ای برای دمیدن در آزادی بی‌حصر و حد و حصر زن و مرد استفاده استفاده کرد، اما امروز می‌بینیم در کشورهای خودشان این آسیب خیلی بالاست از جمله در کشورهای انگلیس و امریکا درصد بسیاری از افراد به شکل نامشروع متولد می‌شوند و این آسیب بسیار بزرگی است.

طبق آمارهای انگلیس بالای ۳۰-۴۰ درصد از جمعیت این کشور به صورت نامشروع متولد می‌شوند و این موضوعی فاجعه‌بار در روند طهارت جامعه جهانی است. آنها سعی می‌کردند این روش‌ها را در کشور ما هم پیاده کنند و مدت زیادی ما را تحت فشار قرار داده بودند تا موضوعاتی مانند همجنس‌گرایی را در جامعه بپذیریم.

آنها دائماً این موضوعات را مطرح می‌کنند اما به دلیل آنکه در کشور ما خانواده ریشه بسیار مستحکمی دارد و زنان عفیف جامعه ما همچنان پایبند خانواده هستند، شاید حتی ظاهر مناسبی نداشته باشند اما غالباً پایبند به خانواده و ارزش‌های آن هستند، بنابراین تیر آنها به سنگ خورده است، ما باید مراقبت کنیم چراکه دشمن همچنان فعال است تا با حیازدایی و ایجاد بحران هویت ارزش‌های مقدس را از بین ببرد، مانند اینکه در امریکا واژه مقدس مادر حذف شد و هر کس واژه مادر را استفاده کند، توبیخ می‌شود، حتی یکی از وزرای امریکا که کلمه مادر را به کار برده بود، توبیخ شد و مورد سرزنش جدی قرار گرفت!

امروزه بسیاری از کشورها می‌خواهند از الگوی خانواده مسلمان ایرانی پیروی و از مبانی آن استفاده کنند، بنابراین به نظر می‌رسد ما در بحث خانواده در سمت درست تاریخ ایستاده‌ایم؛ خانواده‌های‌مان بسیار مستحکم هستند و می‌توانند برای جهان الگو باشند.

ویترین

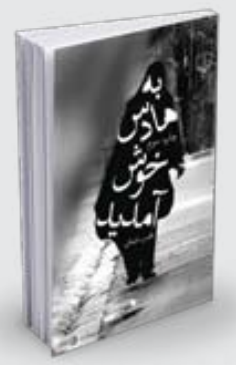

به هادس خوش آمدید

کتاب «به هادس خوش آمدید» اثر بلقیس سلیمانی درباره دختری است که برای تحصیل به تهران می‌آید اما ناخواسته در میان دگرگونی‌های دوران انقلاب و جنگ تحمیلی گرفتار می‌شود و حوادث تلخی برایش رقم می‌خورد.

درباره کتاب به هادس خوش آمدید:

نام این رمان برگرفته از هادس، فرمانروای دنیای مردگان و زیر زمین در اساطیر یونان باستان است که پرسفونه، دختر زئوس خدای خدایان و دیمتر الهه حاصلخیزی را با خود به دنیای تاریکی‌ها و زیر زمین می‌برد تا با هم بر آنجا فرمانروایی کنند.

اما ارتباط میان نام کتاب به هادس خوش آمدید و داستان آن چه می‌تواند باشد؟

داستان این رمان درباره دختر جوانی به نام رودابه است. او در یک خانواده بزرگ و سرشناس کرمانی به نام شیخ خانی بزرگ شده، اما تصمیم می‌گیرد برای تحصیل و دور ماندن از محیط خانواده به تهران برود. زمان داستان در روزهای جنگ تحمیلی و دوران پس از انقلاب اسلامی می‌گذرد و نیروهای عراق، تهران و مرکز شهر را مورد حمله موشکی قرار داده‌اند. احسان نامزد رودابه و خانواده‌اش به او اصرار می‌کنند که خواهگاه نماند و نزد یکی از دوستان خانوادگی‌شان یوسف برود. آقا یوسف مردی میانسال و بازنشسته شرکت نفت است که خانواده‌اش او را رها کرده‌اند و تنهایی زندگی می‌کند و بیشتر اوقاتش را با نوشیدن الکل و کشیدن سیگار پر می‌کند.

آقا یوسف و رودابه ابتدا رابطه دوستانه خوب و محبت‌آمیزی با هم آغاز می‌کنند، اما شباهت ظاهری رودابه به عمه‌اش زلیخا یادآور عشق نافرجام آقا یوسف به زلیخا و کینه‌اش از طایفه شیخ خانی‌ها باعث می‌شود او در حالت مستی به رودابه تعرض کند. پس از این اتفاق دید رودابه نسبت به زندگی، خانواده و نامزدش احسان تغییر می‌کند و در تاریکی فرو می‌رود. تعصبات و مشکلات خانوادگی، حوادث پس از انقلاب و ناملایمات جنگ هر کدام دست به دست هم می‌دهند تا او را در میان چنگال خود له کنند. رودابه نماینده نسلی است که در بحبوحه دگرگونی‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی قدم به دنیا می‌گذارد، اما فرصت رشد و شکوفایی و زندگی کردن از او گرفته می‌شود و در تاریکی‌ها فرو می‌رود.

بلقیس سلیمانی با چیره‌دستی و مهارت هرچه تمام‌تر این رمان را نگاشته است و داستان را به روش جریان سیال ذهن روایت می‌کند. لحن و گویش راوی تقریباً ثابت است و در چند جمله در پایان داستان تغییر می‌کند. راوی که دانای کل است با عقب و جلو رفتن در زمان به شناخت بیشتر قهرمان داستان و حال و هوای او کمک و شما را در غم قهرمان شریک و با خود همراه می‌کند تا قدم به قدم با او در حوادث داستان پیش بروید. از نظر مکان وقوع اتفاقات این رمان در تهران، خوزستان و کرمان می‌گذرد.

کتاب به هادس خوش آمدید مناسب چه کسانی است؟

اگر به خواندن رمان‌های ایرانی با مضامین اجتماعی و مسائل و مشکلات زنان که در دوران دفاع مقدس می‌گذرد علاقه دارید، مطالعه این کتاب را از دست ندهید.

در به هادس خوش آمدید می‌خوانیم:

جنگ شهرها نشونه پایان جنگه.

مردم چه گناهی کردن! زن‌ها، بچه‌ها، خیلی نامردیه.

جنگه خانم‌جان، جنگ.

بالاخره جنگ هم قواعد و اصول خودشو داره.

مهندس خم شد دود سیگارش را به‌طرف رودابه فرستاد، چشم‌هایش را تنگ کرد و به او خیره شد. رودابه لبخند زد.

دختر لطفعلی‌خان بالاخره دانشجو شدی. اصول، قواعد،... اینها از اون واژه‌های پدر درآر دانشجویی‌اند.

رودابه لیوان چایش را برداشت. به جست‌وجوی قندان نگاهی به میزهای عسلی دوروبر انداخت. مهندس بلند شد و از روی یکی از عسلی‌ها قندان را برداشت و آن را بغل‌دست رودابه گذاشت. رودابه باز هم بوی عطر مهندس را به ریه‌هایش فرستاد و با خودش فکر کرد، این عطر پسرهای جوان است، نه پیرمردها.

جنگ قواعد و اصول نداره، صلحه که قواعد و اصول داره. جنگ یعنی بی‌قانونی، بی‌قاعدگی، یعنی کشتن، بردن و خوردن، همون داستان کهنه همیشگی.

تا اون‌جا که من می‌دونم جنگ هم قوانین خاص خودشو داره.

بله براش وضع کردن، اما اگه آدم‌های درگیر جنگ قانون حالی‌شون بود که جنگ نمی‌کردن دخترجون.

من فکر می‌کنم عراقی‌ها تو جبهه کاری از پیش نمی‌برن، افتادن به جون شهرها.

حتماً همین‌طوره، ولی حواست باشه جنگ‌ها تا گسترده نشن تموم نمی‌شن. این جنگ توی خط مقدم می‌تونه ۱۰۰ سال ادامه داشته باشه، اما اگه همه خاک دو کشور درگیرش بشن، بالاخره یا این سره می‌شه یا اون سره.

خدا نکنه.

رودابه این جمله را وقتی گفت که بلند شده بود لیوان خالی چایش را به آشپزخانه ببرد. دلش می‌خواست با این کار بحث با مهندس را تمام کند و سروقت کتاب خداوندان اندیشه سیاسی برود.

دختر لطفعلی‌خان، می‌دونی خیلی شبیه عمه‌زلیخات هستی؟

رودابه ایستاد. به یکباره ایستاد. احساس کرد حرفی را که نباید، شنیده است. خیلی‌ها این حرف را گفته بودند، اما فکر نمی‌کرد مهندس حالا و اینجا این حرف را بزند.

ناگهان میل به شیطنت همه وجودش را گرفت.

شنیدم خاطرخواش بودین.

یادداشت

محمدرضا هادیلو

کشت دیم، مدیریت کلان می‌خواهد

وقتی می‌گوییم در آینده جنگ‌ها سر «آب» خواهد بود نه «نفت و گاز» یعنی صرفاً تسلیحات نظامی ابزار رقابت کشورهای مختلف برای تسلط بر دیگر کشورها نیست و غذا نیز به این امر اضافه شده است.
با توجه بــه افزایش نفوس در تمــام کشــورها و محدودیت‌های صنعت کشاورزی و عدم تعادل در عدالت غذایی جمعیت جهان، حالا تأمین امنیت غذایی به یکی از اصلی‌ترین اولویت‌ها در کره زمین تبدیل شده است.
اما در این میان یک مشکل بزرگ به وجود آمده و آن هم تغییر اقلیم است.
با اینکه ایران سال‌های سال از بارندگی‌های خوب و منابع بی‌نظیر آبی بهره می‌برد، اما با بروز برخی بی‌برنامگی‌ها و سوءمدیریت و برداشت‌های بی‌رویه از آب‌های زیر زمینی و کاهش بارندگی‌ها، حالا چشم به آسمان دوخته تا در هر سال آبی، حداقل به اندازه مصرف سالانه بارش داشته باشد.
پایین آمدن سطح نزولات آسمانی سبب شده است بسیاری از کشورهای دنیا از جمله ایران به سمت افزایش سرمایه‌گذاری روی دیمزارهای خود بروند و از اراضی بالقوه دیم در جهت تأمین امنیت غذایی و کشت بسیاری از محصولات کشاورزی استفاده کنند.
بر اساس گزارش‌ها و آمارهای ثبت شده، در هر سال آبی به طور متوسط ۲۴۷ میلیمتر بارندگی در ایران صورت می‌گیرد، این در حالی است که میانگین بارندگی سالانه سطح کره زمین ۸۵۰ میلیمتر در سال است و به عبارت دیگر، ایران فقط حدود یک‌سوم بارندگی متوسط جهانی را دارد.
قرار داشتن ایران در جمع کشورهای گرم و خشک از یک طرف و کاهش بارندگی‌ها به ویژه در سال زراعی جاری، موجب کاهش کشت و پایین آمدن میزان تولید انواع غلات شده است.
در مناطقی که کشــاورزی دیم رایج اســت، کمبود بارندگی تأثیرات شدیدی بر عملکرد محصولات گذاشته است. کشاورزان در این مناطق با کاهش قابل توجه تولید مواجه شده‌اند و تأمین منابع آبی برای کشت پایدار به یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های آنها تبدیل شده است.
این موضوع نه تنها تهدیدی برای تأمین نیاز داخلی کشــور به شــمار می‌آید، بلکه هزینه‌های تولید را نیز افزایش داده اســت به نحوی که کشاورزان مجبور به استفاده بیشتر از کودها و سموم در شرایط کم‌آبی هستند که همین امر فشار مالی مضاعفی بر آنها وارد می‌کند.
حالا مشخص شده است گرایش به سمت کشت دیم به تنهایی نمی‌تواند یک راهکار در جهت مدیریت دوران کم آبی باشد، بلکه در گام اول کشاورزان باید از روش‌های نوین آبیاری و مدیریت منابع آبی استفاده کنند.
بی‌شک بهینه‌سازی مصرف آب و رعایت اصول صحیح آبیاری می‌تواند تأثیر زیادی در کاهش اثرات منفی کم‌بارشی داشته باشد.
ضمن اینکه توســعه و اســتفاده از فناوری‌های نوین کشاورزی مانند سیستم‌های آبیاری تحت فشار و مدیریت هوشمند مزرعه نیز بهره‌وری را افزایش می دهد و از بروز بحران آبی جلوگیری می کند.
همچنین یکی از مســائل مهمی که باید برای کشــاورزی دیم مدنظر واقع شــود افزایش بهره‌وری نزولات در کشــور اســت که این مهم با اعمال مدیریت جامع حوضه آبخیز و کاهش تبخیر و ذخیره‌سازی آن امکانپذیر خواهد بود. یعنی با گسترش آبخیزداری مردمی می‌توان از قطره قطره نزولات آسمانی استفاده کرد.

خبر

رونمایی از ۲۰ طرح آموزشی محرومیت‌زدایی سپاه در خاش و تفتان

سیستان و بلوچستان

۲۰ طرح آموزشی محرومیت‌زدایی سپاه در شهرســتان خاش و تفتان استان سیستان و بلوچستان افتتاح شد.

فرمانده سپاه خاش گفت: در گرامیداشــت دهه فجر انقلاب اسلامی و با حضور امام جمعه، فرماندار و مســئولان محلی، ۲۰ طرح آموزشی حوزه محرومیت‌زدایی سپاه در دو شهرستان خاش و تفتان به بهره‌برداری رسید. سردار سرتیپ دوم پاسدار احمد مالدار افزود: سپاه شهرستان خاش طی سال‌های اخیر بر حسب اولویت‌ها و نیازســنجی‌های آموزشی، موضوع ســاخت و تجهیز مدارس را مورد توجه قرار داده است و امسال شاهد به نتیجه رسیدن طرح‌ها هستیم و فرزندان مردم منطقه از نعمت کلاس‌های درس تازه و استاندارد بهره‌مند شده‌اند. وی تصریح کرد: سپاه همواره در کنار دولت بوده و مردم محوری و مشــارکت دادن مردم و ســهیم کردن آنان در امورات مختلف در دستور کار این نهاد انقلابی است. این مسئول گفت: به مناسبت گرامیداشت دهه فجر انقلاب اسلامی و ایام ولادت امام حسین(ع) و روز پاسدار و ولادت حضرت ابوالفضل(ع) و روز جانباز و ولادت امام زین‌العابدین(ع) و پاسداشت اعیاد شــعبانیه، شماری از بسیجیان و پاسداران وطن در اقدامی خداپسندانه با عمل زیبای اهدای خون بخشی از نیازهای بیماران را تأمین کردند. ســردار مالدار افزود: برپایی میزهای خدمت جهادی در شهر و نقاط روستایی و عشایری و برپایی ایستگاه‌های صلواتی و اجرای مسابقات فرهنگی، هنری و ورزشی، برپایی جشن‌های ویژه اعیاد شــعبانیه، انجام دیدارهای مردمی و غیره مورد توجه ســپاه شهرستان خاش در ایام گرامیداشت دهه فجر انقلاب اسلامی است.

۱۹۲ چاه غیر مجاز در استان مرکزی مسلوب‌المنفعه شد

مرکزی

باصدور دستور قضایی، ۱۹۲ حلقه چاه غیرمجاز در سطح استان مرکزی مسلوب‌المنفعه شد.

رئیس کل دادگستری استان مرکزی با اشاره به استحصال بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی با حفر چاه‌های غیرمجاز در استان گفت: در ۹ ماهه سال جاری، ۱۹۲ حلقه چاه غیر مجاز در سطح استان با دستور قضایی مسلوب‌المنفعه شده است. حجت‌الاسلام ســعید جزائی افزود: با همکاری ادارات و مراکز ذیربط و صدور دســتور قضایی مبنی بر عدم ارائه برق به این چاه‌ها پس از پایان زمان اســتراتژیک کشــت، حدود ۶۰ میلیون مترمکعب ذخیره آب صورت گرفته است که با توجه به کمبود شدید منابع آبی، اتفاق خوبی به شمار می‌رود. رئیس کل دادگستری استان مرکزی تصریح کرد: استحصال بی‌رویه منابع آب زیرزمینی با حفر چاه‌های غیرمجاز، از جمله دلایلی است که باعث شده است منابع آب زیرزمینی به شدت کاهش یابد و تنش ناشی از کمبود آب گریبانگیر بسیاری از مناطق شود. جزائی افزود: با توجه به معضل کم‌آبی که امسال تشدید شده است، کشاورزان و باغداران باید ضمن آگاهی از مضرات حفر چاه‌های آب غیر مجاز، در اطلاع‌رسانی این تخلف به مراجع قضایی و امور آب اهتمام بیشتری داشته باشند و به همین منظور دادگستری استان مرکزی به ویژه حوزه دادستانی، در اجرای طرح تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی، عملیات انسداد چاه‌های غیرمجاز را به طور جدی پیگیری خواهد کرد. وی یادآور شد: جلسات حفظ حقوق بیت‌المال به صورت منظم و هدفمند به دبیری دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مرکزی تشکیل شده و موضوعات مطروحه در حوزه‌های آب، منابع طبیعی، انفال مطرح و با بحث‌های کارشناسی، دستورات قضایی لازم صادر می‌شود.

انجام ۶ طرح بزرگ آبخیزداری در اردبیل

اردبیل

در راســتای ذخیره‌ســازی بیش از ۳۰ میلیون متر مکعب آب، شش طرح آبخیزداری در اســتان اردبیل افتتاح شــد.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری اردبیل با اشاره به ذخیره‌سازی بیش از ۳۰ میلیون متر مکعب آب در سازه‌های آبخیز این استان گفت: به این منظور شش طرح آبخیزداری افتتاح شد. محمود قلی‌زاده افزود: طرح‌های توسعه آبخیز استان با هدف حفظ و پایداری آب، افزایش ذخیره آب در حوضه آبخیز، جلوگیری از فرسایش خاک، تأخیر در رواناب‌ها و جلوگیری از سیل و تخریب مرتع و پوشش گیاهی در اولویت اجــرا قرار گرفته اســت. به گفته وی، این طرح‌ها شــامل اجرای عملیــات آبخیزداری به منظور مدیریت رواناب‌های سطحی و کنترل ســیلاب و فرســایش خاک در شهرســتان‌های اردبیل، خلخــال، کوثر، گرمی و مشگین‌شــهر شده و با افتتاح آنها ۹۲۵ خانوار از مزایای طرح‌ها برخوردار خواهند شد. این مسئول ذخیره نزولات آسمانی، کنترل سیلاب و فرسایش خاک، افزایش پوشش گیاهی و تغذیه آبخوان‌ها را از دیگر اهداف اجرای طرح‌های آبخیزداری اعــلام کرد و ادامه داد: احداث سازه‌های ســنگی گابیونی، بندهای زیرزمینی و دو منظوره پخش ســیلاب و کنتور فارو از جمله اقدامات انجام گرفته در حوضه آبخیز استان است. قلی‌زاده با تأکید بر لزوم همکاری و تعامل بیش از پیش مردم با اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری اظهار امیدواری کرد با مشارکت مردم در اجرای این طرح‌ها گام بلندی در راستای صیانت و ارتقای منابع طبیعی و آبخیزداری استان و کشور برداریم. وی گفت: اگرچه سازه‌های آبخیزداری در مقایسه با طرح‌های عمرانی بزرگ مانند سدها بســیار کوچک‌تر هســتند اما در عین حال این سازه‌ها هم از بابت تقویت پوشش گیاهی، تقویت آب چشمه‌ها و قنوات، کاهش اثرات خشکسالی و تقویت ســفره‌های آب‌های زیر زمینی مفیدتر و مؤثرتر بوده و آثار و پیامدهای زیســت‌محیطی کمتری برای طبیعت به همــراه دارند. قلی‌زاده با بیان اینکــه تاکنون در اســتان اردبیل بیش از ۹۰۰ طرح آبخیزداری در مناطق مختلف استان اجرا شــده است، افزود: ســال گذشته در منطقه ارشق مشگین‌شهر سازه آبخیزداری با هدف تأمین آب زراعی و توسعه آبیاری مدرن اجرا شد که این طرح منجر به توسعه کشت پســته، گردو و گل محمدی و همچنین مهاجرت معکوس روستاییان این منطقه شده است.

جشن خودکفایی ۲ هزار و ۷۰۰ مددجوی کمیته امداد در کهگیلویه و بویراحمد

کهگیلویه و بویراحمد

جشن خودکفایی ۲هــزار و ۷۰۰ مددجوی تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی استان کهگیلویه و بویراحمد همراه با تکریم یاوران اشــتغال و کارآفرینــان برتــر برگــزار شــد.

قائم مقــام بنیاد حیات در جشــن خودکفایی ۲هزار و ۷۰۰ مددجوی تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی اســتان کهگیلویه بویراحمد گفت: سال گذشته جشن ملی خودکفایی یکصد هزار نفر از ولی نعمتان را گرفتیم که این افراد توانمند شده از بدنه حمایتی خروج پیدا کردند.
هدایت صفــری افــزود: یکــی از ویژگی‌های این اشــتغال‌ها این اســت که نه تنها شغلی را راه‌انــدازی می‌کنند، بلکــه آن را حفظ کرده، توسعه داده و تبدیل به یک کارآفرینی می‌کنند که این ویژگی هم از لحاظ نظارت‌های پیشینی و پسینی و هم از لحاظ همت و اراده خود افراد یک ویژگی منحصر به فرد و ستودنی است.
وی با بیــان اینکه جشــن خودکفایی ملی نیز اسفند ماه امسال برگزار خواهد شد، اعلام کرد: امسال تاکنون بیش از ۷۰هزار نفر در قالب این طرح به مرحله خودکفایی رسیده‌اند.
این مســئول گفت: اشــتغال‌هایی که کمیته امداد امام خمینی(ره) ایجــاد می‌کند ویژگی منحصــر به فــردی دارد کــه آن خدمت مهم جمهوری اســلامی در زمینه تسهیلات قرض الحسنه بلندمدت به اقشار ضعیف و نیازمندان واقعی است.
صفری یادآور شد: به دلیل نظارت‌های متعدد پیشینی، پسینی و میدانی کمیته امداد، اصابت به هدف تسهیلات در این نهاد بسیار بالاست و در همین راستا با نگاه سختگیرانه و به صورت یکپارچه اشــتغال‌های ایجاد شــده در ســال گذشته را اعتبار سنجی و راستی آزمایی کردیم و به این نتیجه رســیدیم که این اشتغال‌ها ۹۰ درصد پایداری داشته‌اند.
وی گفت: کمیته امداد امام خمینی (ره) اولویت خود را به ســمت مشــاغل در قالب زنجیره‌ها، راهبران و کمک به اقتصــاد کلان و ناترازی‌ها سوق داده که در نتیجه یک مسیر برد، برد در توسعه کشور اتفاق می‌افتد.
قائم مقام بنیاد حیات تأکید کرد: سال گذشته ۲۷۰ هزار شغل در کشور ایجاد کردیم که این آمار طی امســال تا این لحظه ۱۵۰ هزار شغل است و در حوزه جذب منابع، تقریباً ۵۰ درصد منابع در کشور جذب شده است.

بهره‌برداری از ۴۹ پروژه آب و فاضلاب در مازندران

مازندران

همزمان بــا آغاز دهه فجر ۴۹ پروژه عمرانی در استان مازندران به بهره‌برداری رسید.

معاون فنی و مهندسی آب و فاضلاب مازندران گفت: در دهه فجر با حمایت‌های مســئولان کشوری و اســتانی، خیران و مشارکت مردم در بخــش آب و فاضلاب شــاهد بهره‌برداری از ۴۹ پروژه و و کلنگ‌زنــی ۱۱ پروژه خواهیم بود. حمیدرضا خدابخش‌پور با اشــاره به آغاز عملیات اجرایی حفر چاه طالقانی در شهر آمل گفت: این چاه با پیش‌بینی آبدهی ۲۵ لیتر در ثانیه و به منظور افزایش ظرفیت تأمین آب شرب ۳هزار خانوار ضلع جنوبی بلوار بسیج در دستور کار قرار گرفت. معاون فنی و مهندسی آبفای مازندران اعتبار پیش‌بینی شده برای این طرح را ۵۰ میلیارد ریال عنوان کرد. وی در ادامه سخنانش به افتتاح هزار متر عملیات اصلاح شبکه توزیع و انشعاب آب روستاهای نوده و کلیکان با صرف ۸۰ میلیارد ریال اعتبار در شهرستان آمل اشاره و تصریح کرد: در این طرح ۳۴۴ خانوار ساکن در این مناطق از نعمت آب شرب کافی و بهداشتی برخوردار شدند.

بذرکاری کویر سرخه در قالب پویش کویر سبز در دهه فجر

سمنان

درقالب پویش کویر سبز بذرکاری در کویــر ســرخه در دهــه فجــر انجــام می‌شــود.

رئیس منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان ســرخه از اجرای پویش کویر سبز با عملیات بذرپاشی و بذرکاری به نام پدر در ایام‌الله دهه فجر خبر داد و افــزود: این پویش درختکاری در قالب یک پویش سراســری درختکاری با مشــارکت مردم و با هدف گسترش پوشش گیاهی و توجه به منابع طبیعی و محیط زیست انجام می‌شود. مرتضی شیرعلی تصریح کرد: درختان از حیاتی‌ترین عناصر حیات بخش در زمین هستند و توســعه آن نقش مهمی در کاهش آلودگی و بهبود محیط‌زیست دارد. وی کاشت نهال در طبیعت و مقابله با قطع درختان را ضروری خواند و گفت: در مقابل هر درختی که قطع می‌شود باید ده‌ها نهال را جایگزین آن کرد تا دین‌مان را به آیندگان ادا کنیم. رئیس منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان سرخه افزود: برگزاری این پویش‌ها می‌تواند به ترویج فرهنگ درختکاری و توسعه فضای سبز در شهرستان کمک کند.

افتتاح و کلنگ‌زنی ۷۱ پروژه عمرانی در بندر خمیر

هرمزگان

همزمــان بــا آغــاز دهــه فجــر ۷۱ پــروژه در بنــدر خمیــر اســتان هرمــزگان افتتــاح و کلنگ‌زنــی می‌شــود.

فرماندار شهرستان بندرخمیر به تشریح پروژه‌های قابل افتتاح و کلنگ‌زنی در دهه فجر پرداخت و گفت: تعداد ۷۱ پروژه بهره‌برداری و کلنگ‌زنی می‌شود. میرهاشم خواســتار افزود: این پروژه‌ها در حوزه‌های آب، عمران شهر و روســتا، آموزشی، بهداشت درمان، مســکن، ورزش و جوانان، برق، دریانوردی، راه و کشاورزی است. وی ادامه داد: حوزه آب، عمران شــهر و روستا، بهداشت و درمان، آموزشی و ورزش و جوانان بیشــترین اعتبار را به خود اختصاص داده‌اند. فرماندار شهرستان بندر خمیر تصریح کرد: برنامه فرهنگی، ورزشی و اجتماعی نیز در سطح شهرستان در این ایام پیش‌بینی شده اســت. وی گفت: دیدار با خانواده شهدا و مسابقات ورزشی از جمله برنامه‌های این ایام خواهند بود. خواســتار افزود: تلاش خواهیم کرد پروژه‌های نیمه‌تمام هرچه زودتر به پایان برسد.

اجرای ۵۷ پروژه بنیاد مسکن سمنان در دهه فجر

سمنان

۵۷ پروژه بنیاد مسکن استان سمنان در دهه فجر به بهره‌برداری می‌رسد.

مدیرکل بنیاد مسکن استان سمنان از بهره‌برداری ۵۷ پروژه بنیاد مسکن طی دهه فجر در استان خبر داد و گفت: برای این طرح‌ها ۲۷۲ میلیارد ریال اعتبار هزینه شــده اســت. حمیدرضا همتی با بیان اینکه عمده این طرح‌ها بهبود شــرایط روستاهای استان سمنان اســت، افزود: محل اعتبارات نیز از حوزه ملی، استانی و دهیاری‌ها به صورت مشارکتی بوده است. وی با بیان اینکه بیشتر این پروژه‌ها با ۲۷ روستا در شهرستان شاهرود انجام گرفته است، تصریح کرد: برای این طرح‌ها ۱۰۲ میلیارد ریال اعتبار هزینه شده است. این مسئول تصریح کرد: طرح‌های عمران روستایی برای دامغان و میامی در هفت روستا، سمنان و سرخه در چهار روستا، مهدی‌شهر در پنج روستا، گرمســار و آرادان در هفت روستا طی دهه فجر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. صفری افزود: این پروژه‌ها بیشتر شامل اجرای طرح هادی است.

ورود ۸۵ درصد ریزگرد بیابان‌های ترکمنستان به ایران

گلستان

یکی از عوامــل آلودگی هــوا در اســتان گلســتان ریزگرد بیابان‌های ترکمنســتان اســت که بــه طرف ایــران می آید.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلســتان با اشاره به همجواری این استان با بیابان‌های قره‌قوم و بالخان در کشور ترکمنستان گفت: ۸۵ درصد پدیده ریزگرد در استان منشأ ریزگرد خارجی و ۱۵ درصد منشأ داخلی است که عمده منشأ ریزگردها در استان در تالاب‌های آلاگل، آجی گل، آلماگل و گمیشــان و در آینده ممکن است خلیج گرگان هم به منشأ ریزگردها تبدیل شود، ضمن اینکه ۷۰ هزار هکتار مراتع استان فقیر است که می‌تواند منشأ ریزگرد باشد. حمید سلامتی افزود: تولید نهال مرتعی در شهرهای گنبدکاووس، مراوه تپه و آق قلا همچنین انتقال و غرس نهال‌های بیابانی، بهره‌برداری از سازه‌های سنگی و ملاتی در گالیکش، آزادشهر و علی‌آبادکتول، تکمیل و مرمت پروژه کنترل رســوب در مراوه تپه و احداث ســازه سرشاخه گیر در شهرستان‌های کردکوی و گرگان از جمله این پروژه‌هاست.

احداث ۳ زمین چمن مصنوعی فوتبال در مناطق کم برخوردار خوزستان

خوزستان

در راســتای فعالیت‌هــای اجتماعی سه زمین چمن مصنوعی فوتبال در مناطق کم برخوردار تأسیســات شرکت نفت و گاز کارون در استان خوزستان ساخته شد.

مدیر خدمات شــرکت نفت و گاز کارون گفت: به درخواست اهالی مناطق کم برخوردار تأسیسات شرکت نفت و گاز کارون و در راستای ترویج فرهنگ ورزش و کمک به غنی‌سازی اوقات فراغت نسل جوان که سلامت و امنیت اجتماعی جامعه را به دنبال دارد، برای احداث زمین چمن مصنوعــی هماهنگی با فرمانداری و بخشــداری‌های مربوطه صورت گرفت. ســعید محمدی با بیان اینکه در این راستا برآورد احداث دو زمین چمن مصنوعی در روستاهای دغاغله اهواز و جلیعه شهرستان باوی انجام و کار احداث در حال اجراست، افزود: قبل از آن نیز چمن مصنوعی مسجد انقلاب مهدی کوی منبع آب اهواز از سوی شــرکت بهره‌برداری نفت و گاز کارون به طور کامل تعویض شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. وی ادامه داد: ان‌شاءالله کمک جهت رفع مشــکلات و کمبودهــای مــدارس و خانه‌های بهداشت و توسعه ورزش در دســتور کار این شرکت قرار دارد. این مســئول گفت: شــرکت بهره‌برداری نفت و گاز کارون بزرگ‌ترین شرکت بهره‌بردار تابع مناطق نفتخیز جنوب است که نسبت به انجام مســئولیت‌های اجتماعی خود در قبال جامعه شهری و روستایی حوزه فعالیت داشته و کمک به توسعه فضاهای آموزشی، مذهبی و بهداشتی، توسعه فضای سبز، توزیع بسته‌های معیشتی فرهنگی و نوشت افزار، توزیع اقلام بهداشتی و آبرسانی به روستاهای همجوار و تأسیسات بخشی از فعالیت‌های این شرکت در سالیان اخیر است. محمدی افزود: از جمله این اقدامات می‌توان به شروع احداث پارک ساحلی ۵۹ هکتاری شهدای نفت در شهرســتان کوت عبدالله در حاشیه رود کارون اشاره کرد که برای اولین بار در چنین وسعتی در این شهرستان انجام می‌پذیرد. وی ادامه داد: همچنین این شرکت در خصوص توسعه فضای سبز و کمک به افزایش سرانه فضای سبز با احداث شش نهالخانه، نسبت به ایجاد کمربند سبز پیرامون تمامی تأسیسات فراورشی، کاشــت ۷هزار اصله نهال در بلوار نفت، توزیع نهال بین روستاهای همجوار تأسیسات، توزیع نهال به شهرداری‌های اهواز و دارخوین، توزیع نهال و گل بین مدارس سطح شهر، ترمیم فضای سبز دبستان نرگس و همچنین احداث و ترمیم چهار زمین چمن مصنوعی در بخش باوی روستای جلیعه، کوی شهید سلیمانی اهواز (منبع آب)، پیچ کارون و روستای دغاغله اقدام کرده است.

ایجاد ۱۲ سایت ارتباطی در روستاهای ایلام

ایلام

۱۲ سایت ارتباطی در روســتاهای استان ایلام به مناســبت دهه فجر افتتاح شد.

مدیــر کل ارتباطات و فنــاوری اطلاعات ایلام با اشــاره به افتتاح و راه‌اندازی ۱۲ پروژه جدید ارتباطــی در روســتاهای این اســتان گفت: این پروژه‌ها در روســتاهای «وربــر هلیلان»، «وچــکاب»، «وچکبــود» و «هفت‌چشــمه» شهرســتان آبدانان، روستای ســادات دالپری دهلران، روستاهای قرجلیگان و درگه ملکشاهی و همچنین روستاهای زیرتنگ، نیدوله سفلی و علیا، دول زرد و دول کلان چرداول به بهره‌برداری خواهد رسید. علی کریمی افزود: ۹۸ درصد از ۳۷۸ روستای بالای ۲۰ خانوار این استان به اینترنت متصل شده‌اند که ۸۵ درصد از این روستاها از اینترنت پرسرعت بهره‌مند هســتند. وی ادامه داد: در این راستا، برنامه‌ریزی برای دسترســی به اینترنت پرسرعت در ۵۸ روستای باقیمانده اســتان ایلام تا پایان سال آینده در دســتور کار قرار دارد. مدیرکل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان ایلام گفت: بر اساس ماده ۶۴ برنامه هفتم توسعه، دولت مکلف است تا پایان سال ۱۴۰۷ تمامی روستاهای بالای ۲۰ خانوار را به شبکه ملی اطلاعات و اینترنت پرسرعت متصل کند.

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شــماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۷۱۰۰۰۱۳۴۸ - ۱۴۰۳/۱۰/۱۸ هیات اول / موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســاختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه ۲ زنجان تصرفات مالکانــه بلامعارض متقاضی آقای مســلم احمدی فرزند برجعلی به شماره شناسنامه ۴۳۴ صادره از نیک پی در یک باب خانه به مساحت ۷۲ متر مربع پلاک ۱۰۵۳ فرعی از ۵۲۹۹ اصلی واقع در ابهر بخش ۱ زنجان خریداری از مالک رسمی آقای قندعلی بابائی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۱۸۶۵۹۴۹
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۱۰/۳۰
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

اسحق بیگدلی
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابــر رای صادرهیات موضوع قانون تعییــن تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وســاختمان های فاقد ســند رســمی مســتقر درواحد ثبتی تصرفــات مالکانه بلامعارض کلاســه ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۸۳۱ تقاضــای خانم رقیه دلاویز به شــماره شناســنامه ۸۱ وکدملی ۳۶۷۴۳۰۲۹۱۸ صادره از زابل فرزند عبدالرسول درشش دانگ زمین که درآن احداث بنا شده است به مساحت ۱۸۴ متر مربع از پلاک شماره ۲۶۱ - اصلی واقع دراراضی لا ملنــگ بخش دو حوزه ثبــت گرگان طبق رای صــادره حکایت ازانتقال ازمالک رســمی به متقاضی دارد، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله پانزده آگهی می شود، ازاین رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شــماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.

شناسه آگهی: ۱۸۶۴۷۵۵
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۱۰/۳۰
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

مهدی شاه مهری
سرپرست اداره ثبت اسناد واملاک منطقه یک گرگان

خبر

ساخت و افتتاح ۸۱ پروژه راهداری در بوشهر آغاز شد

بوشهر

با هدف کاهش حوادث رانندگی افتتاح یا ساخت ۸۱ پروژه راهداری در استان بوشهر آغاز شد.

مدیر کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان بوشهر گفت: همزمان با سومین روز از بزرگداشت دهه مبارک فجر بهره‌برداری و ساخت ۸۱ پروژه این اداره کل با اعتبار ۱۲ هزار و ۹۰۰ میلیارد ریال آغاز شد.
عبدالکریم اخترشــناس افزود: در قالب پروژه‌های دهه فجر ۲۳ پروژه آســفالت و روکش محورهــای مواصلاتی اســتان با اعتبــار ۶هزار و ۷۰۰ میلیارد ریال به بهره‌برداری می‌رسد.
وی یادآور شــد: در راســتای محرومیت زدایی از مناطق روســتایی برای بهسازی و آسفالت راه‌های روســتایی ۲۳ پروژه با اعتبار ۴هزار و ۴۰۰ میلیارد ریال آماده بهره‌برداری و کلنگ‌زنی است.
این مســئول گفت: همچنین به مناســبت ایام دهه فجر و در راستای ارتقای ایمنی راه‌ها، پنج پروژه روشنایی جاده‌ای با اعتبار ۱۶۰ میلیارد ریال و شش پروژه با اعتبار ۲۸۰ میلیارد ریال در حوزه نگهداری ابنیه فنی آماده افتتاح و بهره‌برداری است.
اخترشناس با اشاره به افتتاح ۳۵ پروژه با اعتبار ۷ هزار و ۸۰۰ میلیارد ریال افزود: بهره‌برداری از ۴۶ کیلومتر مرمت محور «جم به سیراف»، ۱۱ دستگاه ماشــین آلات سنگین و نیمه ســنگین راهداری، روکش آسفالت محور «سعدآباد به وحدتیه»، روکش آسفالت «میدان بسیج تا پلیس راه گناوه»، قطعه اول محور «دیلم - بهبهان تا روستای عامری»، روکش آسفالت «کمربندی خورموج تا عالی حسینی»، بازسازی پلیس راه‌های استان، تکمیل ساختمان پاسگاه پلیس راه «کنگان - عسلویه»، تعریض و بهســازی محور «آبدان - دوراهک» و بهسازی راه روستایی «سعدآباد - جتوط» دشتستان از شاخص‌ترین این پروژه‌هاست. وی ادامه داد: احداث جاده آبنمای «کاکی - شیخیان»، بهسازی قطعه دوم «آبپخش به ساحلی»، روکش آسفالت کمربندی «کنگان»، تکمیل و بهسازی واریانت محور «اهرم - فراشبند» برخی از پروژه‌های شاخصی هستند که در دهه مبارک فجر عملیات اجرایی‌شان آغاز می‌شود.

گذری بر استان‌ها

■ **مازندران:** دادســتان شهرســتان نور گفت: با مشــارکت خیران به مناسبت عید مبعث رسول اکرم (ص) ۱۲ زندانی جرائم غیرعمد از زندان نور آزاد شدند و به آغوش خانواده بازگشتند. امین یوسفی افزود: با کمک خیران، ارائه تسهیلات کم بهره بانکی، استفاده از قانون اعسار و گذشت شاکیان می‌توان زمینه آزادی تعداد بیشتری از زندانیان را فراهم کرد.
■ **خوزستان:** ۲۵ پروژه برق‌رسانی، اصلاح و بهینه‌سازی و روشنایی معابر در شهرستان حمیدیه همزمان با دهه فجر به بهره‌برداری رسید. محمد فراتی افزود: در مجموع این تعداد پروژه برق رسانی، اصلاح و بهینه‌سازی و روشنایی معابر با اعتباری بالغ بر ۳۸۰ میلیارد ریال اجرا و افتتاح شد.
■ **چهارمحــال و بختیاری:** معــاون وزیر صنعت، معــدن و تجارت چهارمحال و بختیاری در حاشــیه آییــن افتتاح طرح‌هــای تولیدی و صنعتی این اســتان گفت: یک واحــد تولیدی میعانــات گاز با ظرفیت ۷۵۰ تن اکسیژن طبی و ۷۵۰ تن اکسیژن صنعتی در شهرک صنعتی شهرکرد افتتاح شد. ملک‌محمد قربانپور افزود: این واحد با سرمایه ۵۰ میلیارد تومان و اشتغال به کار برای ۱۲ نفر به منظور تولید اکسیژن برای کاربردهای غذایی، دارویی و صنعتی افتتاح شد.
■ **کرمانشاه:** سرپرست معاونت محیط انسانی محیط زیست کرمانشاه از شناسایی ۸۷ واحد آلاینده در این استان خبر داد. مهرداد شهبازی افزود: دلیل متغیر بودن این تعداد دو عامل است؛ اول اینکه طی سال‌های اخیر واحدهای خدماتی به لیست صنایع آلاینده اضافه شده‌اند و دیگر اینکه واحدهایی که خوداظهاری در پایش انجام ندهند نیز جزء صنایع آلاینده محسوب می‌شوند و همین امر باعث افزایش آمار نسبت به سنوات گذشته شده است.
■ **کهگیلویه و بویراحمد:** مدیرعامل شــرکت آب منطقه‌ای استان کهگیلویه و بویراحمد با اشاره به اینکه طرح عظیم آبرسانی به شهرستان بهمئی از ســد کوثر با هدف تأمین آب شــرب و صنعتی منطقه در حال اجراست، گفت: این پروژه که از سال ۱۳۹۰ آغاز شده، تاکنون حدود ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته که با بهره‌برداری از آن سالانه ۸/۵ میلیون مترمکعب آب تأمین خواهد شــد. آرش مصلح افزود: از این میزان، ۵/۵ میلیون مترمکعب برای آب شرب مورد نیاز ۸۵ هزار نفر از ساکنان منطقه و ۳ میلیون مترمکعب برای مصارف صنعتی در نظر گرفته شده است. وی تصریح کرد: طول خط انتقال این پروژه تا ورودی شهر لیکک و انشعاب شهرک ولیعصر، حدود ۶۰ کیلومتر اســت که کل آن خریداری، حمل و اجرا شده و تنها ۱۰ کیلومتر آن در حال نصب است.
■ **یزد:** معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد گفت: طرح سلامت نوروزی از پانزدهم اسفند تا پانزدهم فروردین ماه سال آینده با حضور فعال بازرســان بهداشت محیط در ســاعات اداری، غیراداری و روزهای تعطیل اجرا می‌شود. دکتر محمدهادی فرحزادی افزود: این طرح با اولویت نظارت بر مراکز، اماکن حساس و همچنین نظارت بر سامانه‌های آبرسانی همزمان با سراسر کشور اجرا می‌شود.
■ **لرستان:** رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری بروجرد در رابطه با پارک جنگلی بروجرد گفت: در حال حاضر داخل این پارک بزرگ‌ترین نهالستان در سطح استان لرستان وجود دارد که نیم میلیون انواع و اقسام درخت در آن تولید می‌شود. یحیی کریمی با بیان اینکه از این پارک شهید بهشتی مراقبت می‌شود و رها نشده است، افزود: در ۱۱۲ هکتار از این پارک تولید نهال انجام می‌شود که یا در اختیار مردم قرار می‌گیرد یا در سطح شهر کاشته می‌شود.

گزارش ۲

پنل خورشیدی سرمایه‌گذاری امروز برای برق فردا

با توجه به بحران انرژی و ناترازی موجود، نصب پنل‌های خورشیدی در آپارتمان‌ها، نه تنها راه‌حلی پایدار برای تأمین برق است، بلکه با کاهش هزینه‌ها و تولید انرژی پاک، به بهبود شرایط زیست‌محیطی و اقتصادی کمک می‌کند. این اقدام، آینده‌ای روشن برای ساختمان‌ها و کشور به‌همراه دارد.

با توجه به رشد فزاینده جمعیت و توسعه روزافزون ساخت‌وساز در شهرها، یکی از مشکلات عمده‌ای که کشور با آن مواجه است، ناترازی انرژی به‌ویژه در بخش برق و گاز است. این ناترازی علاوه‌بر ایجاد فشار بر منابع انرژی، باعث قطعی‌های مکرر برق و بروز مشکلات زیست‌محیطی شده است. در این میان، انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی به‌عنوان یک راه‌حل مؤثر و پایدار مطرح می‌شوند تا بتوانند این چالش‌ها را کاهش دهند و به تأمین انرژی کشور کمک کنند.

یکی از اقداماتی که به منظور بهره‌برداری از انرژی خورشیدی در کشور درحال بررسی است، الزام نصب پنل‌های خورشیدی در ساختمان‌های مسکونی، به‌ویژه آپارتمان‌هاست. این طرح با هدف استفاده بهینه از منابع طبیعی و کاهش وابستگی به شبکه برق، می‌تواند راه‌حلی مؤثر در مواجهه با بحران انرژی باشد. علاوه‌بر این، استفاده از پنل‌های خورشیدی در ساختمان‌ها به کاهش هزینه‌های بلندمدت انرژی و حفظ محیط‌زیست کمک خواهد کرد.

■ تفاهمنامه نظام مهندسی و توانیر: شروع یک تحول در ساختمان‌ها

نصب پنل‌های خورشیدی در آپارتمان‌ها می‌تواند، مزایای قابل توجهی به همراه داشته باشد از جمله کاهش ناترازی انرژی کشور و کمک به بهره‌برداری از انرژی‌های تجدیدپذیر. با این حال، این کار هزینه‌هایی نیز به ساخت مسکن اضافه می‌کند که به‌طور میانگین ۳ تا ۴ درصد از هزینه کل ساخت‌وساز را افزایش می‌دهد. به تازگی خبری منتشر شده است که براساس آن، نصب پنل‌های خورشیدی در ساختمان‌های بالاتر از چهارطبقه الزام‌آور خواهد بود. این تصمیم به تفاهمنامه‌ای بین سازمان نظام مهندسی کشور و شرکت توانیر در مرداد سال جاری باز می‌گردد که به تجهیز پشت‌بام‌ها، محوطه‌ها و پارکینگ‌های ساختمان‌های مسکونی بیش از چهارطبقه به پنل‌های خورشیدی تأکید دارد.

این طرح در ابتدا به‌دلیل تغییرات داخلی دولت متوقف شد، اما اخیراً با توجه به دغدغه‌های جدید دولت در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر، این موضوع دوباره مطرح شده و الزامات نصب پنل‌های خورشیدی به سازمان‌های تابعه و استانی نظام مهندسی ابلاغ شده است. با این حال، وزارت راه و شهرسازی تأکید کرده است، تفاهمنامه هنوز الزام‌آور نبوده و به تصویب نهایی نرسیده است. حامد مانی‌فر، مدیرکل دفتر مقررات ملی و کنترل ساختمان وزارت راه و شهرسازی، گفته است که طرح مذکور هنوز اعتبار قانونی ندارد و هرگونه تصمیم‌گیری باید از طریق وزارت راه‌وشهرسازی انجام شود. همچنین اشاره کرده که در ویرایش جدید مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان، نصب پنل‌های خورشیدی در نظر گرفته شده است و پس از تأیید نهایی، اجرایی خواهد شد.

■ کاهش هزینه‌ها در ساختمان‌های بلندمرتبه

درحال‌حاضر، نصب پنل‌های خورشیدی الزامی نیست اما به نظر می‌رسد در آینده نزدیک این طرح اجرایی خواهد شد. هزینه نصب هر کیلووات پنل خورشیدی حدود ۲۵ میلیون تومان است. به‌عنوان مثال، یک ساختمان متوسط با زیربنای ۱۰۰ تا ۲۰۰ مترمربع نیاز به ۱۰ کیلووات ظرفیت پنل خورشیدی دارد که معادل ۲۵۰ میلیون تومان هزینه اولیه می‌شود. این هزینه می‌تواند هزینه ساخت را ۳ تا ۴ درصد افزایش دهد. البته هزینه نصب پنل خورشیدی ممکن است با توجه به تراکم جمعیت و تعداد طبقات ساختمان متفاوت باشد. در ساختمان‌های بلندمرتبه، هزینه نصب به ازای هر مترمربع کاهش می‌یابد.

اگر این طرح در مقیاس وسیع‌تری اجرا شود، می‌تواند تأثیر زیادی در حل مشکل ناترازی انرژی کشور داشته باشد. به‌طور متوسط، سالانه ۱۰۰ هزار ساختمان جدید در کشور ساخته می‌شود و اگر نصب پنل‌های خورشیدی در این ساختمان‌ها صورت گیرد، ظرفیت نصب‌شده سالانه می‌تواند به حدود هزار مگاوات برسد. این میزان می‌تواند به کاهش کمبود برق در کشور و تأمین انرژی پایدار کمک کند.

■ تأثیرات زیست‌محیطی و اقتصادی نصب پنل‌های خورشیدی

علاوه‌بر مزایای زیست‌محیطی، نصب پنل‌های خورشیدی می‌تواند برای مالکان ساختمان‌ها درآمدزایی نیز به‌همراه داشته باشد. یک سیستم پنل خورشیدی ۱۰ کیلوواتی می‌تواند سالانه ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان درآمد برای ساختمان به‌همراه داشته باشد. این درآمد می‌تواند برخی از هزینه‌های جاری ساختمان را پوشش دهد. علاوه‌بر این، نسل جدید اینورترهای هیبریدی قادرند، انرژی تولیدی را در زمان قطعی برق به‌عنوان منبع انرژی اضطراری تأمین کنند که ویژگی‌ای مفید برای خانه‌های مجهز به پنل خورشیدی است.

با توجه به بحران‌های انرژی در کشور، ضروری است که دولت طرح‌هایی را برای گسترش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند پنل‌های خورشیدی در نظر بگیرد. با این حال، این الزام نباید به‌گونه‌ای باشد که فشار زیادی به خانوارها وارد کند. اگرچه نصب پنل‌های خورشیدی در کوتاه‌مدت تأثیر زیادی در حل ناترازی انرژی کشور نخواهد داشت اما در بلندمدت می‌تواند به کاهش قطعی برق و ارتقای فرهنگ استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر کمک کند. درصورتی که این طرح به تصویب برسد، نهادهای مسئول باید توجه ویژه‌ای به اجرای صحیح آن داشته باشند تا مشکلات مشابه با اجرای نادرست مقررات قبلی در بهینه‌سازی مصرف انرژی تکرار نشود.

اگرچه درحال‌حاضر نصب پنل‌های خورشیدی در آپارتمان‌ها الزامی نیست اما با توجه به مزایای متعدد این فناوری در کاهش ناترازی انرژی، تولید برق پاک و کاهش هزینه‌های بلندمدت، به نظر می‌رسد در آینده‌ای نزدیک شاهد اجرایی شدن این طرح در مقیاس وسیع‌تری خواهیم بود. درصورت اجرای این طرح، می‌توان انتظار داشت، با بهره‌مندی از انرژی خورشیدی، ساختمان‌ها نه‌تنها به کاهش فشار بر شبکه برق کمک کنند، بلکه به یک منبع درآمد برای مالکان تبدیل شوند و از آن سو، در ارتقای فرهنگ استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور تأثیرات مثبتی داشته باشند.

گزارش یک

سعیده زمانی

گفت‌وگوی «جوان» با مشاور کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی

تأمین گاز پایدار فرماندهی واحد و با اقتدار می‌خواهد

ایران این ظرفیت را دارد که منابع گاز خود را به موتور محرکه رشد اقتصادی تبدیل کند. در سال‌های گذشته بخش نفت و گاز پیشران رشد اقتصادی بوده و نسبت به بخش‌های دیگر رشد بالاتری داشته است. با این حال به دلیل انباشت مشکلات و ناترازی‌ها در چند دهه گذشته این میزان از رشد، طبق اهداف اسناد بالادستی محقق نشده است. مشاور کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی با اشاره به ضرورت افزایش سرمایه‌گذاری و بهره‌وری در حوزه گاز در خصوص الزامات ارتقای امنیت انرژی و نقش آن در تحقق رشد ۸درصدی اقتصاد به «جوان» گفت: ناترازی گاز بسیار مسئله‌ای جدی و فوری است و عبور از این مقطع، درگرو مرکز فرماندهی واحد و با اقتدار است.

توسعه صنعتی ایران در دهه ۹۰ با مشکل نامتعادلی انرژی به ویژه در قالب کمبود گاز در فصول سرد سال مواجه شده است. این بی‌تعادلی نه تنها بر صنایع وابسته به گاز برای تولید محصولات صنعتی تأثیر می‌گذارد، بلکه تأثیر موجی بر رشد کلی اقتصادی کشور دارد. کمبود موقتی و مقطعی گاز منجر به تعطیلی صنایع، کاهش تولید و در نهایت مانع از توسعه صنعتی کشور می‌شود. قانون برنامه هفتم توسعه، بر حل گره‌های گاز با برنامه‌های متعدد و متنوع تمرکز کرده و محور اصلی مبتنی بر روش ذخیره‌سازی است که راهکار اصلی و کلیدی به شمار می‌رود و دولت باید با سرمایه‌گذاری و ارائه مشوق‌های متنوع، زمینه توسعه ظرفیت ذخیره‌سازی گاز را فراهم کند. به باور کارشناسان، طبق قانون برنامه هفتم توسعه، هدف‌گذاری ایجاد ظرفیت تأمین گاز معادل ۱۲۰ میلیون متر مکعب در روز در نظر گرفته شده است که با تکیه بر سرمایه‌گذاری بخش دولتی و صنعتی کشور و همچنین ارائه مشوق‌های جذاب دولتی برای ورود سرمایه به بخش صنعتی این امکان به راحتی وجود دارد که عدد مذکور در زمینه ذخیره‌سازی روزانه ۱۲۰ میلیون مترمکعب گاز در اوج ۱۰۰ روز ایام سرد سال محقق شود.

نصرت‌الله سیفی، مشاور کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی در خصوص تبدیل شدن ایران به هاب گازی منطقه به «جوان» گفت: ابتدا باید تعریف درستی از هاب ارائه شود. تصور برخی این است که هاب همانند جعبه تقسیمی است که چند ورودی و خروجی دارد اما باید بدانیم که هاب، تعریف گسترده‌تری دارد و با صرف این مطلب که زیرساخت فیزیکی موجود است نمی‌توان از هاب شدن صحبت کرد. موضوع مهم و اساسی برای هاب شدن این است که عرضه از تقاضا و ورودی نسبت به خروجی بیشتر باشد و ناترازی و کمبودی وجود نداشته باشد. بنابراین صرف داشتن فقط خط لوله و پالایشگاه و مواردی مرتبط با آن، مثل ایستگاه‌های تقویت فشار یا مخازن ذخیره‌سازی برای هاب‌شدن کافی نیست. در حال حاضر در حوزه گاز نه تنها عرضه و تولید بیشتر از مصرف و تقاضا نیست، بلکه کمتر نیز است. بنابراین در ابتدا نیاز به اقدامات متعددی برای جبران این ناترازی وجود دارد.

مدیرعامل اسبق شرکت ملی صادرات گاز، با اشاره به ظرفیت‌های قابل توجه در کشور از جمله ۱۰۰ ایستگاه تقویت فشار گفت: این ظرفیت‌ها که وجود دارد شرط لازم است اما اگر گازی وجود نداشته باشد برای تبدیل شدن به هاب گازی کافی نیست.

وی با اشاره به ضرورت ایجاد بازار و قواعد و قوانین خرید و فروش گاز افزود: در کنار زیر ساخت‌های سخت‌افزاری زیر ساخت‌های نرم افزاری را نیز لازم داریم بنابراین قوانین حاکم بر بازار نیز از دیگر موارد مهم است که باید تدوین، اجرا، پایش، عیب‌یابی و مجدداً تدوین شوند و این یک چرخه دائمی است.

مدیر عامل اسبق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت کشور در خصوص راهکارها و الزامات توسعه گاز در کشور و نقش آن در رشد ۸درصدی اقتصادی گفت: در طول چند دهه گذشته بارها و بارها از زبان مقامات دولتی و حاکمیتی و مراکز مختلف بخش خصوصی درباره نقش و اهمیت امنیت عرضه انرژی و ضرورت بهره‌وری و رخ ندادن ناترازی آن صحبت به میان آمده بود و راهکارهایی ارائه شده بود و اراده برای انجام آن نیز وجود داشت و کارهایی هم انجام شد، اما کافی نبود. واقعیت آن است که برای اجرای این اهداف توسعه‌ای ضرورت دارد تا یک مرکز فرماندهی واحد و با اقتدار سکانداری مدیریت و بهره‌وری حوزه انرژی از جمله گاز را در دست بگیرد، همه راهکارها و احجام بودجه و بازیگران و زمان‌بندی‌ها و فناوری‌های مورد نیاز مشخص است، اما هیچ حرکتی رو به جلو نداریم. اراده‌اش را داریم اما نتیجه‌گیری نداریم. وضعیت فعلی ما همانند شخصی است که ریزش بهمن را می‌بیند و اراده برای گریز از آن را هم دارد، اما برای فرار از خطر هیچ حرکتی نمی‌کند. بنابراین برای عبور از وضعیت فعلی باید موانع از طریق مدیریتی واحد و قدرتمند و البته سالم برداشته شود.

مشاور کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی به بیان مثالی از راهکارها و بودجه مورد نیاز آن پرداخت و گفت: به عنوان نمونه، برای جلوگیری از افت فشار میدان پارس جنوبی در طرف ایران، لازم است پروژه فشار افزایی اجرا شود که تخمین زده شده ۳۷ میلیارد دلار منابع مالی نیاز دارد و در غیر این صورت به اندازه یک فاز (۲۵ میلیون متر مکعب در روز) در سال کاهش تولید داریم. اینکه این منابع باید از چه طریقی تأمین شود موضوعی است که سال‌ها درباره آن صحبت شده است.

سیفی ادامه داد: رقم‌های متعددی در خصوص منابع لازم برای توسعه بخش گاز و انرژی عنوان شده است که یکی از این رقم‌ها را جناب آقای اوجی وزیر نفت محترم دولت سیزدهم در مجلس شورای اسلامی اعلام کردند، حدود ۸۰ میلیارد دلار برای توسعه گاز لازم داریم. تاکنون برآوردهای مختلفی از سوی سازمان‌های مسئول ارائه شده است که مجموعاً حدود ۲۰۰ میلیارد دلار منابع برای افزایش تولید و نگهداشت در حوزه نفت و گاز و برق است.

مدیر عامل اسبق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت افزود: البته صرف افزایش تولید گاز موضوعی نیست که حل کننده ناترازی گاز در کشور باشد بلکه برای عبور از ناترازی ضروری است تا بازدهی و بهینه‌سازی را در بخش تولید، انتقال و مصرف افزایش دهیم. برآوردی از سوی اساتید دانشگاه شریف صورت گرفت مبنی بر اینکه اگر ۱۰ سال در حوزه تولید، نقل و انتقال و مصرف مدیریت صورت گیرد، حدود ۷۰۰ میلیارد دلار صرفه‌جویی و بازگشت سرمایه درپی خواهد داشت که خود خلق ثروت عظیمی است.

مشاور کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی با بیان اینکه مدیریت انرژی از جمله مدیریت گاز تبدیل به کلاف سردرگمی شده و عدم این مدیریت به تولیدات کشور از جمله فولاد و پتروشیمی‌ها آسیب وارد کرده تصریح کرد: مرکز فرماندهی برای تحول در حوزه مدیریت گاز نیاز داریم، چراکه این موضوع برای کشور استراتژیک و حیاتی است. کوهی از مشکلات مختلف داریم و ضرر ناشی از این مشکلات هر روز کنتور می‌اندازد.

به گفته او راهکار برای مدیریت انرژی موجود است اما آنچه در حال حاضر از اهمیت راهبردی برخوردار است چگونه اجرا کردن و مدیریت واحد (کسی که در آن واحد اختیارات تام سه قوه را داشته باشد) است. این مرکز فرماندهی برای مدت محدودی که خطر فوری و جدی ناترازی انرژی مرتفع شود، مورد نیاز است. پس از عبور از بحران می‌توان دوباره از سازمان‌های بوروکراتیک کشور استفاده کرد.

> **صرف داشتن خط لوله و پالایشگاه و مواردی مرتبط با آن، مثل ایستگاه‌های تقویت فشار یا مخازن ذخیره‌سازی برای هاب‌شدن کافی نیست. در حال حاضر در حوزه گاز نه تنها عرضه و تولید بیشتر از مصرف و تقاضا نیست، بلکه کمتر نیز است. بنابراین در ابتدا نیاز به اقدامات متعددی برای جبران این ناترازی وجود دارد**

جوابیه

جوابیه سازمان مدیریت صنعتی به گزارش «جوان»

پیرو انتشار گزارشی با عنوان «کارنامه‌سازی با پول‌پاشی» که ۱۱ بهمن در بخشی از آن نوشته بودیم: «خبرهای رسیده حاکی از آن است که شرکت‌ها برای قرار گرفتن در فهرست بررسی سازمان مدیریت صنعتی باید حدود ۲۵۰ میلیون تومان بپردازند و برای قرار گرفتن در فهرست برترین‌ها و اخذ تندیس از دست وزیر صمت باید مبلغی حدود ۳۰۰ میلیون تومان پرداخت کنند.» روابط عمومی سازمان مدیریت صنعتی جوابیه‌ای ارسال کرده و در آن قید شده است: در بسیاری از کشورها به منظور بررسی وضعیت شرکت‌ها ارزیابی‌ها و رتبه بندی‌هایی صورت می‌گیرد. این ارزیابی‌ها می‌تواند شناخت بهتری از وضعیت آن سازمان در کسب و کار ارائه دهد. در رتبه‌بندی‌ها مدل‌های مختلفی وجود دارد که معمولاً بر اساس هدف و نیاز رتبه‌بندی و ارزیابی شرکت‌ها تعریف می‌شود. به طور کلی برخی رتبه‌بندی‌ها بر اساس نتایج است مانند رتبه‌بندی شرکت‌های برتر سازمان مدیریت صنعتی و برخی دیگر بر اساس فرایندها مانند جوایز تعالی و کیفیت سازمان مدیریت صنعتی که هرساله هر دو رتبه‌بندی برای ارائه تصویر روشن‌تری در کسب‌وکار انجام و نتایج آن ارائه می‌شود. مدل رتبه بندی شرکت‌های برتر سازمان مدیریت صنعتی بر اساس مدل‌های بین‌المللی مانند فوربز، فورچون و... که بر مبنای پایه درآمد است، نتایج مالی مانند فروش، تعداد کارکنان و... از صورت‌های مالی حسابرسی شده استخراج شده و در ابتدا شرکت‌ها از نظر فروش رتبه‌بندی می‌شوند، سپس به منظور ارائه تصویر روشن‌تر در هر گروه صنعتی (گروه‌های صنعتی بر اساس ISIC تعیین می‌شود) نیز جداگانه رتبه‌بندی نتایج مالی تعیین می‌شود. شاخص‌های رتبه‌بندی در رتبه‌بندی IMI- ۱۰۰، شاخص‌های کمّی (مقداری) هستند و مقادیر آنها از «صورت‌های مالی حسابرسی شده» شرکت‌ها استخراج می‌شود. بنابراین، بر خلاف بسیاری از ارزیابی‌ها و رتبه‌بندی‌ها که در رتبه‌بندی شرکت‌ها قضاوت ارزیابان دخالت دارد یا از خود اظهاری شرکت‌ها استفاده می‌کنند، در رتبه‌بندی IMI- ۱۰۰، نرم‌افزار مربوط، براساس مقادیر عددی، رتبه هر شرکت را مشخص می‌کند و هیچ قضاوتی از سوی اجرا کنندگان رتبه‌بندی صورت نمی‌گیرد.

شاخص‌های رتبه‌بندی

عنوان دسته‌بندی	شاخص‌ها
شاخص‌های اندازه و رشد شرکت	فروش – رشد فروش – فروش سرانه – ارزش افزوده –دارایی – رشد دارایی – تعداد کارکنان – رشد اشتغال
شاخص‌های سودآوری و عملکرد	سودآوری – رشد سود – بازده فروش –بازده دارایی – بازده ارزش ویژه – گردش دارایی – نسبت مالکانه –سهم دارایی های غیر جاری از کل دارایی ها
شاخص های بهره وری	بهره وری کل– بهره وری کل عوامل –بهره وری نیروی انسانی –بهره وری سرمایه
شاخص‌های صادرات	صادرات – صادرات سرانه – رشد صادرات –نسبت صادرات به فروش
شاخص‌های نقدینگی	نسبت جاری – نسبت خالص وجوه ناشی از عملیات به فروش – نسبت خالص وجوه ناشی از عملیات به سود عملیاتی
شاخص‌های بدهی	نسبت بدهی – نسبت پوشش هزینه بهره
شاخص‌های بازار	ارزش بازار– بازده بازار حقوق صاحبان سهام –نسبت P/E – نسبت P/B.

هدف اصلی از رتبه‌بندی شرکت‌های برتر عبارت است از:۱- تولید اطلاعات در مورد بنگاه‌های اقتصادی کشور و شفاف‌سازی فضای کسب و کار ۲- رتبه‌بندی شرکت‌ها از نظر میزان اثرگذاری در اقتصاد ملی ۳- گسترش رقابت بین بنگاه‌های اقتصادی ۴- استفاده از نتایج رتبه‌بندی برای کمک به برنامه‌ریزی اقتصادی در کشور

شرایط کسب رتبه ویژه در رتبه بندی IMI-100

عنوان رتبه	شرایط کسب رتبه
شرکت پیشرو- دریافت تندیس	حضور در دسته اول، زیان ده نبودن در سال آخر، بهبود رتبه در سال آخر، حضور مستمر در چهار سال مالی اخیر، بهبود رتبه فروش طی چهار سال اخیر
شرکت برتر از نظر رشد سریع - دریافت لوح تقدیر	حضور در دسته دوم تا پنجم، زیان ده نبودن در سال آخر، بهبود رتبه در سال آخر، حضور مستمر در ۴ سال مالی اخیر، بهبود رتبه فروش طی چهار سال اخیر
۱۰ شرکت اول از نظر شاخص فروش- دریافت لوح تقدیر	۱۰ شرکت اول از نظر شاخص فروش بین ۵۰۰ شرکت
شرکت برتر صادرات گرا- دریافت لوح تقدیر	۱۰ شرکت برتر از نظر شاخص ترکیبی صادرات، رشد صادرات و نسبت صادرات به فروش
۱۰ شرکت اول از نظر شاخص ارزش افزوده- دریافت لوح تقدیر	۱۰ شرکت اول از نظر شاخص ارزش افزوده بین ۵۰۰ شرکت
رتبه اول از نظر شاخص فروش در گروه صنعتی- دریافت لوح تقدیر	رتبه اول از نظر شاخص فروش در گروه صنعتی (۳۲ گروه)
رتبه اول از نظر بهره وری کل عوامل در گروه صنعتی- دریافت لوح تقدیر	رتبه اول از نظر بهره وری کل عوامل در گروه صنعتی (۳۲ گروه)
رتبه اول از نظر شاخص بازده فروش در گروه صنعتی- دریافت لوح تقدیر	رتبه اول از نظر شاخص بازده فروش در گروه صنعتی (۳۲ گروه)

در روش‌شناسی مدل رتبه‌بندی شرکت‌هایی به منظور ایجاد انگیزه و معرفی به جامعه انتخاب و معرفی می‌شوند

خبر

افزایش ۶۰ درصدی قاچاق فرآورده‌های نفتی در کشور

فرمانده انتظامی کشور از افزایش ۶۰ درصدی قاچاق فرآورده‌های نفتی در ۱۰ ماه گذشته خبر داد.

به گزارش خبرگزاری صداوسیما، سردار رحیمی، فرمانده انتظامی کشور در مراسم امضای تفاهمنامه طرح «پایش لحظه‌ای و هوشمندسازی زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی»، با اشاره به مشکلات موجود در مبارزه با قاچاق فرآورده‌های نفتی، گفت: کشفیات با همکاری شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در حال انجام است به طوری که ما نیاز به ابزار و تجهیزات به روز برای مقابله با این معضل را داریم، چراکه نمی‌توان با روش‌های قدیمی و منسوخ شده در مواجهه با قاچاق موفق شد.

سردار رحیمی، بر لزوم تجهیز پلیس با ابزارهای نوین برای مقابله مؤثر با این پدیده تأکید کرد و ادامه داد: در این راستا، پلیس باید به‌طور خاص تجهیز شود تا بتوانیم به‌طور مؤثر با قاچاق فرآورده‌های نفتی مقابله کنیم. با وجود تمام این تلاش‌ها، واقعیت این است که میزان قاچاق در کشور در ۱۰ ماه گذشته ۶۰ درصد افزایش یافته است. در همین مدت، کشفیات قاچاق فرآورده‌های نفتی بالغ بر ۸ میلیون لیتر بوده است که رقم قابل توجهی است.

فرمانده انتظامی کشور افزود: آمار دستگیری‌های قاچاقچیان و توقیف خودروهای متخلف نشان‌دهنده ابعاد وسیع این پدیده است. به‌طوری که تعداد افراد دستگیر شده در این حوزه از ۲۷ هزار نفر عبور کرده است و بیش از ۲۵ هزار خودرو که درگیر قاچاق فرآورده‌های نفتی بوده‌اند، توقیف شده‌اند.

سردار رحیمی تأکید کرد: آمارهای قاچاق گویای واقعیت‌های تلخی است که مبارزه با قاچاق فرآورده‌های نفتی نیازمند همت و تجهیز بیشتر است. باید این پدیده را به‌طور ریشه‌ای حل کنیم تا از هدررفت منابع ملی و آسیب به اقتصاد کشور جلوگیری کنیم.

همچنین در ادامه این مراسم عظیمی‌فر، مدیرعامل شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی گفت: به‌دنبال ایجاد یک سیستم یکپارچه و هوشمند هستیم که امکان پایش لحظه‌ای هر قطره فرآورده نفتی از تولید تا مصرف نهایی را فراهم می‌آورد. همچنین در زمینه کاهش هدررفت‌ها و افزایش بهره‌وری در زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی، نقش بسزایی خواهد داشت.

عظیمی‌فر ادامه داد: با استفاده از پیشرفته‌ترین سیستم‌های اندازه‌گیری، اینترنت اشیا (IoT) و هوش مصنوعی، این طرح به ما این امکان را می‌دهد که داده‌های لحظه‌ای را جمع‌آوری کرده و با تحلیل این داده‌ها، فرایندهای تولید، انتقال و توزیع فرآورده‌های نفتی را به‌طور مؤثرتر مدیریت کنیم.

مدیرعامل شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی همچنین در پایان صحبت‌های خود بر اهمیت کاهش هدررفت‌ها و بهینه‌سازی مصرف فرآورده‌های نفتی تأکید کرد و گفت: هدف اصلی این طرح به حداقل رساندن اتلافات و بهینه‌سازی مصرف از تولید تا مصرف نهایی است تا فرایند تأمین و توزیع به‌صورت هوشمند و کارآمدتر پیش برود.

فوتبال

دنیا حیدری

بازگشایی درهای آزادی به روی لیگ نخبگان

آزمون سخت سهراب

سرانجام پای لیگ نخبگان به آزادی باز شد. درهای آزادی مدت‌ها بود که برای تعمیرات به روی فوتبال بسته شده بود و حالا بعد از بازگشایی نصفه و نیمه آن، استقلال عصر امروز (ساعت ۱۹:۳۰) در این ورزشگاه از الشرطه عراق، هفتمین حریف خود در لیگ نخبگان پذیرایی می‌کند.

■■■

میزبانی در آزادی می‌تواند اتفاق خیلی خوبی باشد و یک پوئن مثبت برای آبی‌پوشان پایتخت، اما نه وقتی اوضاع استقلال آنقدر به‌هم ریخته است که شاید حتی بازی در آزادی هم نتواند تغییری در شرایط آن ایجاد کند.

کمتر از یک هفته قبل بود که استقلال با شوکی شبانه مواجه شد. موسیمانه بعد از دیدارهای دوستانه با مدیریت باشگاه و دادن نوتیس برای دریافت مطالباتش، اقدام به فسخ یک‌طرفه قراردادش کرد، آن‌هم در آستانه بازی با استقلال خوزستان. هرچند که باشگاه سریعاً سهراب بختیاری‌زاده را به عنوان مربی موقت معرفی کرد تا شوک ناشی از این اتفاق تیم را وارد بحران نکند و استقلال در نخستین بازی بعد از این اتفاق ناگهانی همنام خوزستانی خود را از سد راه برداشت، اما داستان لیگ نخبگان بی‌شک تفاوت زیادی با لیگ و بازی با استقلال خوزستان دارد.

استقلال بعد از برتری مقابل الغرافه در هفته نخست لیگ نخبگان نتوانست این نتیجه را تکرار کند و باقی راه را با دو تساوی و سه شکست ادامه داد تا در آستانه هفته هفتم لیگ نخبگان با کسب پنج امتیاز و تعداد گل زده کمتر نسبت به الریان در رده هشتم جدول جای گیرد. جایگاهی که حساسیت بازی امروز مقابل الشرطه را صدچندان می‌کند، چراکه استقلال برای صعود به مرحله بعد باید در میان هشت تیم برتر قاره (غرب آسیا) حضور داشته باشد و هیچ تضمینی وجود ندارد که در صورت باخت یا کسب مساوی بتواند در هفته بعدی خود را در بین تیم‌های صعودکننده قرار دهد.

بدون شک الشرطه عراق که هیچ بردی در این رقابت‌ها دشت نکرده و با دو تساوی و چهار باخت در قعر جدول جای گرفته روی کاغذ نمی‌تواند حریف سرسختی برای استقلال باشد، اما آبی‌های پایتخت هم وضعیت چندان جالبی ندارند و نمی‌توانند صرف حضور در رده هشتم به برتری در این دیدار مطمئن باشند، خصوصاً که عراقی‌ها چیزی برای از دست دادن ندارند و در دو بازی باقی‌مانده از این مرحله برای اعاده حیثیت به میدان می‌روند. این تیم که در همین رقابت‌ها برابر پرسپولیس هم تن به شکست داده تاکنون شش مرتبه برابر آبی‌پوشان تهرانی به میدان رفته که دو بار به عنوان تیم برنده و دو مرتبه هم به عنوان تیم بازنده زمین بازی را ترک کرده و دو بازی نیز با تقسیم امتیازها بین دو تیم خاتمه یافته است، اما این‌بار بدون شک شرایط با هر شش بازی قبلی تفاوت دارد.

این نخستین بار نیست که سهراب هدایت آبی‌پوشان را به دست می‌گیرد. او بعد از نکونام هم تا زمان انتخاب سرمربی، هدایت تیم را به دست گرفته بود و بعد از حضور موسیمانه هم در کنار او به کارش در استقلال ادامه داد. با وجود این بازی با الشرطه مهم‌ترین آزمون سهراب بختیاری‌زاده به عنوان مربی موقت استقلال است و درست در روزهایی که مدیریت باشگاه در تدارک انتخاب یک مربی دیگر است و باید اوضاع تیم را در زمین بازی تحت کنترل داشته باشد تا شرایط از چیزی که هست بغرنج‌تر نشود، اما دست او هم خیلی در این بازی باز نیست. استقلال در آخرین بازی خود در لیگ قهرمانان با وجود تلاش فراوان داور برای برتری حریف عربستانی بازی با الاهلی را با تساوی به پایان برد و حالا انتظار می‌رود که الشرطه را به سادگی از سد راه بردارد، اما هماهنگ کردن تیمی که به تازگی با بحران جدایی سرمربی مواجه شده، نمی‌تواند کار ساده‌ای باشد، خصوصاً که لیست مصدومان استقلال افزایش یافته و حالا به غیر از ماشاریپوف و مهرداد محمدی، محمدرضا آزادی هم وضعیت نامشخصی دارد. مهاجمی که مقابل استقلال خوزستان خوش درخشید و می‌توانست برگ برنده سهراب مقابل حریف عراقی برای افزایش شانس صعود به مرحله حذفی باشد، اما هنوز مشخص نیست به بازی با الشرطه می‌رسد یا نه. بلاتکلیفی که کار بختیاری‌زاده را برای کسب سه امتیاز این بازی دشوار می‌کند. سه امتیازی که در صورت از دست رفتن کار استقلال را برای صعود به مرحله بعد پیچیده خواهد کرد.

خبر

پایان رقابت‌های ورزشی بانوان شاهد و ایثارگر

خراسان رضوی و البرز قهرمان شدند

مسابقات تنیس روی میز و دارت بانوان شاهد و ایثارگر کشور با قهرمانی تیم‌های خراسان رضوی در تنیس روی میز و البرز در رقابت‌های دارت به پایان رسید.

به گزارش اداره کل امور ورزشی و اردویی بنیاد شهید و امور ایثارگران کشور، به مناسبت سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و گرامیداشت شهدای فجرآفرین، مسابقات تنیس روی میز و دارت بانوان شاهد و ایثارگر کشور در کلاس‌های مختلف، با حضور ۳۰۰ ورزشکار از ۲۶ استان با همکاری اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان مازندران، هیئت جانبازان و توان‌یابان استان مازندران و مسئولان اردوگاه شهید چمران رامسر از تاریخ ۹ لغایت ۱۲ بهمن‌ماه برگزار شد و در پایان با شناخت نفرات و تیم‌های برتر به کار خود خاتمه داد. در رقابت‌های تنیس روی میز تیم‌های خراسان رضوی، البرز و گیلان به ترتیب اول تا سوم شدند و در مسابقات دارت نیز تیم‌های استان البرز، اصفهان و فارس مقام‌های اول تا سوم را از آن خود کردند.

گزارش

شیوا نوروزی

سرنوشت اعزام به بازی‌های اسلامی و آسیایی جوانان چه خواهد شد؟

آینده ورزش در گرو اختلاف کمیته و وزارت!

خارج شدن دو رویداد ورزشی از دستور کار کمیته ملی المپیک زنگ خطر را برای ورزش ایران به صدا درآورده است.

درحالی‌که وزیر ورزش چند باری بر اهمیت حمایت از نسل جوان، استعدادهای ورزش و حضور موفق در بازی‌های کشورهای اسلامی تأکید کرده بود، بودجه اعزام کاروان‌های ورزشی به بازی‌های آسیایی جوانان در بحرین و بازی‌های کشورهای اسلامی از کمیته ملی المپیک گرفته و به وزارت ورزش سپرده شده است!

■■■

بودجه یکی از چالش‌های همیشگی ورزش کشور بوده و همواره دغدغه تأمین نشدن منابع مالی جهت اعزام ورزشکاران به تورنمنت‌های مهم وجود داشته است. در سال آینده ورزشکاران کشورمان دو رویداد بازی‌های کشورهای اسلامی در ریاض و بازی‌های آسیایی جوانان در بحرین را پیش‌رو دارند. از آنجایی که اعزام نفرات و همچنین کسب نتیجه در تورنمنت‌ها نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت است، انتظار می‌رفت مشکل بودجه این اعزام‌ها هرچه سریع‌تر مرتفع شود، اما حالا خبر انصراف کمیته ملی المپیک از اعزام این دو کاروان شوک بزرگی به جامعه ورزش وارد کرده است. بازی‌های آسیایی جوانان ۳۰ مهرماه و بازی‌های کشورهای اسلامی ۱۶ آبان‌ماه در ریاض برگزار خواهند شد.

■■■

اعتبارات مصوب سال آینده کمیته ملی المپیک کاهش یافته و این کاهش به دلیل حذف بودجه اعزام کاروان به بازی‌های اسلامی و جوانان آسیا بوده است. سرپرست دبیرکلی کمیته با مدیران سازمان برنامه و بودجه صحبت کرده و ضمن تشریح حساسیت این موضوع خواستار همکاری با کمیته المپیک و تخصیص بودجه لازم شده است، با این حال تصمیم مدیران سازمان برنامه، حذف بودجه دو رویداد پیش‌رو از اعتبارات کمیته ملی المپیک و اضافه کردن آن به اعتبارات وزارت ورزش بود! حال آنکه مسئولیت اعزام کاروان‌های مختلف ورزشی به رویدادهای بزرگی چون المپیک، بازی‌های آسیایی، بازی‌های زمستانی، کشورهای اسلامی و آسیایی جوانان برعهده کمیته ملی المپیک است و طبعاً این کمیته نیز وظیفه اعزام ورزشکاران جانباز و توان‌یاب را به تورنمنت‌هایی چون پارالمپیک و پاراآسیایی را برعهده دارد. بازی‌های آسیایی زمستانی هاربین تازه‌ترین رویدادی است که ورزشکاران ایرانی با مسئولیت و زیر نظر کمیته المپیک به چین اعزام شدند. طبق قوانین موجود، وزارت ورزش نمی‌تواند راساً اقدام به اعزام تیم‌ها و کاروان به مسابقات کند و این مسئله برعهده فدراسیون‌ها و کمیته‌های المپیک و پارالمپیک است. اینکه چرا و با چه هدفی بودجه دو اعزام برون‌مرزی به جای کمیته به وزارت سپرده شده، ابهامی است که باید منشأ آن را در اختلافات مدیریتی و برخی جابه‌جایی مدیران دنبال کرد. البته این اولین باری نیست که چنین تصمیمی گرفته می‌شود و پیش از این و درست قبل از بازی‌های المپیک پاریس رقمی قابل توجه از اعتبارات کمیته حذف شد و به وزارت ورزش تخصیص یافت.

■■■

محمد تابع از تصمیم‌گیری بیشتر در خصوص نقش کمیته ملی المپیک در آماده‌سازی تیم‌ها برای اعزام به دو رویداد پیش‌رو خبر داد. سرپرست دبیرکلی کمیته ملی المپیک با اشاره به فعالیت‌های انجام شده، اظهار داشت: «از مدت‌ها پیش بحث حضوری قدرتمند در بازی‌های کشورهای اسلامی ریاض و آسیایی جوانان بحرین در اولویت فعالیت‌ها و اهداف کاری کمیته ملی المپیک قرار گرفت و در همین راستا نشست‌های تخصصی و کارشناسی زیادی نیز برگزار کردیم. با توجه به کاهش بودجه کمیته ملی المپیک از سوی سازمان برنامه و بودجه، ضمن درک شرایط موجود و سیاست‌های کاری آن سازمان، بحث حضور در این دو رویداد مهم از دستور کار هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک خارج شد و تمرکزمان را فقط بر حضور در بازی‌های آسیایی ناگویا خواهیم گذاشت. در اولین نشست هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک درباره این موضوع رسماً تصمیم‌گیری و مصوب خواهد شد.»

■■■

سیدشروین اسبقیان اختلاف بین وزارت ورزش و کمیته المپیک را تکذیب کرد. روز گذشته و پس از انتشار خبر خارج شدن دو اعزام بین‌المللی از دستور کار کمیته ملی المپیک، معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای تنها کسی بود که به این خبر واکنش نشان داد. اسبقیان در حاشیه مجمع انتخاباتی فدراسیون شطرنج بر حضور پرقدرت در این دو رویداد تأکید کرد: «هیچ اختلاف مالی و کلی بین وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک نیست. اگر چنین مطلبی عنوان شده، تکذیب می‌کنم. شاید به خاطر حذف ردیفی از بودجه که سازمان برنامه و بودجه انجام داده، این مطلب عنوان شده است. وزیر ورزش قویاً این موضوع را دنبال می‌کند، اما از طرف مقام عالی وزارت اعلام می‌کنم با تمام قدرت در این رویدادها حضور پیدا خواهیم کرد. مشکل مالی نداریم و دولت حمایت‌های لازم را از این رویدادها انجام داده است و قطعاً با صحبت این موضوع را حل خواهیم کرد. اختصاص بودجه به وزارت به جای کمیته بعید است. همه ارگان‌ها مطمئناً به دنبال اعتبارات و بودجه خود می‌روند و همیشه کمیته ملی المپیک در این حوزه پرتلاش بوده و اعتبارات خود را پیگیری کرده است. وزرای ورزش نیز کمک‌های لازم را انجام داده‌اند. قطعاً دنیامالی با توجه به ظرفیت‌های که در مجلس داشت و ظرفیت‌های مدیریتی که دارد و در دولت یک مدیر موفق شناخته می‌شود، پیگیری‌های لازم را انجام خواهد داد. مشکل مالی مطرح شده حل و فصل می‌شود. در هر صورت هیچ نگرانی وجود ندارد و به عنوان معاون قهرمانی از طرف وزیر ورزش اعلام می‌کنم قطعاً در این رویدادها با قدرت و قوت حضور پیدا خواهیم کرد.»

یادداشت

فریدون حسن

انتخاب سرمربی از آرایشگاه تا قهوه‌خانه

این روزها باشگاه استقلال محله بروبیای دلال‌هاست. این روزها دلال‌های چسبیده به فوتبال با تمام توان مشغول هستند تا گنجشک‌های رنگ شده خود را به اسم قناری به استقلال بچپانند، درست مانند آنچه در خصوص موسیمانه اتفاق افتاد. حالا به قول علی جباری، پیشکسوت بزرگ آبی‌ها، آقایان در قهوه‌خانه به‌دنبال سرمربی برای تیمی هستند که امروز کوچک‌ترین نشانی از آن استقلال بزرگ ندارد. البته قبلاً سابقه داشته که مثلاً مربی را در آرایشگاه انتخاب کنند یا اینکه در نمایشگاه و هزار و یک جای بی‌ربط دیگر، پس حالا اگر در قهوه‌خانه انتخاب شود، تعجب چندانی ندارد.

جباری درست می‌گوید، امثال استراماچونی که این روزها تا دلتان بخواهد نامش برده می‌شود اگر خوب بودند بیکار نمی‌گشتند. او که در حساس‌ترین زمان ممکن استقلال را رها کرد و کل پول دو فصل قراردادش را هم گرفت، درست مانند کاری که موسیمانه با استقلال کرد. جباری درست می‌گوید، استقلال باید سراغ مربی برود که در شأن استقلال باشد، کسی که رزومه داشته باشد، نه اینکه در قهوه‌خانه به دنبال مربی باشند!

تمام حرف‌های پیشکسوت ارزشمند استقلال در خصوص انتخاب سرمربی قابل و بادانش در خصوص احترام و ارزش قائل شدن به هوادار کاملاً درست است، اما جناب جباری یک نکته مهم را فراموش کرده و آن اینکه اگر می‌خواهید استقلال و کل فوتبال ایران سروسامان بگیرند باید ابتدا از پس دلال‌های چسبیده به فوتبال برآیید. باید اول بساط این زالوصفتان را از فوتبال برچینید تا دیگر هیچ مدیری جرئت نکند با انتخاب غلط خود اول پول ملت ایران را به باد بدهد و بعد با احساسات پاک هواداران تیم‌ها بازی کند.

علی جباری درست می‌گوید، ولی جناب جباری اگر می‌خواهید اوضاع استقلال و کل فوتبال ایران روبه‌راه شود باید اول فوتبال را از لوث مدیرانی پاک کنید که با سوءمدیریت و عدم تدبیر کاری می‌کنند که پای دلال‌ها به باشگاه‌ها و حتی فدراسیون باز شود. مدیرانی که کوچک‌ترین درک و فهمی از فوتبال ندارند، ولی تا دلتان بخواهد برای خراب کردن اوضاع و احوال فوتبال کشور ادعا دارند.

این روزها همه منتظرند تا باشگاه استقلال نام سرمربی جدید خود را اعلام کند و تا دلتان بخواهد هم نام‌های بزرگ ردیف شده برای نشستن روی نیمکت آبی‌ها و این درست همانجایی است که باید از آن ترسید. جایی که مدیران فوتبال ایران بارها در آن امتحان پس داده و همیشه هم در این امتحان مهم و تأثیرگذار رد شده‌اند. هیچ تفاوتی هم نمی‌کند که مدیر امروزی باشد یا دیروزی. علی جباری از مدیران قبلی استقلال به درستی انتقاد می‌کند، ولی پیشکسوت آبی‌ها ظاهراً فراموش کرده که مدیران کنونی استقلال هم امتحان پس داده‌اند و قبلاً شاهد بوده‌ایم که چگونه برنامه‌ریزی‌های آنها دمار از روزگار استقلال درآورده است. البته آنها فعلاً فرصت جبران دارند، اما از آنجا که مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد و تجربه‌های قبلی پیش چشمان همه هست پس زیاد نمی‌توان امیدوار بود. تجربه به ما می‌گوید که یک بیکار دیگر به فوتبال ایران می‌آید. بیکاری که از همین حالا به کمک شبکه دلالی خوب می‌داند که قرار است میلیاردها تومان از کنار فوتبال ایران به جیب بزند. بیکاری که به قول جباری این‌بار از قهوه خانه‌راهی نیمکت استقلال می‌شود.

بازتاب

مجمع انتخاباتی تکلیف فدراسیون را روشن کرد

رأی اعتماد شطرنج به شادی پریدر

شادی پریدر با کسب حداکثر آرا به عنوان رئیس فدراسیون شطرنج انتخاب شد. مجمع انتخاباتی فدراسیون شطرنج روز گذشته به ریاست شروین اسبقیان در آکادمی ملی المپیک برگزار شد که براساس آن شادی پریدر با کسب ۵۱ رأی از مجموع ۶۰ نفره شطرنج به عنوان رئیس این فدراسیون انتخاب شد.

شادی پریدر، کمال جوانمرد و نیکوکار سه کاندیدای نهایی ریاست فدراسیون بودند، اما جوانمرد و نیکوکار به‌رغم اعلام برنامه‌های خود در پایان انصراف دادند که البته رئیس مجمع آن را قبول نکرد تا نام‌شان به عنوان کاندیدا روی تابلو باقی بماند. البته جوانمرد مجمع را ترک کرد، ولی نیکوکار به جایگاه خود به عنوان رئیس هیئت بازگشت تا شاهد برتری مقتدرانه پریدر در انتخابات باشد.

انتخابات فدراسیون شطرنج در حالی روز گذشته برگزار شد که این فدراسیون ۶۰۰ روز بدون رئیس و توسط شهرام عظیمی، شادی پریدر و محمدرضا امیاری به عنوان سرپرست اداره می‌شد. اما با برگزاری مجمع و مشخص شدن تکلیف ریاست آن برای چهار سال آینده انتظار می‌رود اوضاع این رشته سروسامان یابد و اندکی از بار مشکلاتش کاسته شود، خصوصاً که پریدر هم به عنوان شطرنج‌باز و هم مسئول در این فدراسیون رفت و آمد داشته و کاملاً به اوضاع اشراف دارد.

بسکتبال | اشرف رامین

مرحله گروهی لیگ‌برتر بسکتبال امروز تمام می‌شود

آخرین امیدهای طبیعت برای بازگشت به صدر

آملی‌ها برای حفظ صدرنشینی راهی جز پیروزی بر شهرداری گرگان ندارند. مرحله گروهی لیگ‌برتر بسکتبال امروز با برگزاری پنج دیدار به پایان می‌رسد و در مهم‌ترین بازی کاله میزبان عقاب‌هاست. تیم مهران حاتمی که با ممارست فراوان توانست جای طبیعت را در بالای جدول بگیرد، همچنان امیدوار است در آخرین بازی از سد شهرداری بگذرد و مرحله گروهی را با صدرنشینی به پایان برساند. این در حالی است که طبیعت در اصفهان به مصاف گلنور می‌رود. شاگردان مهران شاهین‌طبع همانند کاله ۳۵ امتیازی هستند، اما به خاطر تفاضل کمتر در رده دوم جای گرفته‌اند. در صورتی که طبیعت پیروز شود و کاله نتواند مقابل شهرداری به برتری برسد، این مدافع قهرمانی است که دوباره صدر جدول را به دست می‌آورد. پالایش نفت آبادان دیگر مدعی لیگ هم این هفته میهمان است. تیم حماد سامری در تهران به مصاف آینده‌سازان می‌رود و نفتی‌ها نیز برای بقا در رتبه سوم محکوم به شکست حریف‌شان هستند. مهگل البرز نیز از ذوب‌آهن پذیرایی می‌کند. مهگل با هدایت محمدرضا اسلامی نتایج خوبی کسب کرده و هم‌اکنون تیم پنجم جدول است. با این حال ذوبی‌های رده هشتمی لب مرز قرار دارند و در صورت ناکامی دوباره فرصت حضور در پلی‌آف را از دست می‌دهند.

نوبت دوم

((آگهی مناقصه همراه با ارزیابی کیفی))
شماره مناقصه ۲۷-۱۴۰۳/۱۱م ن (یک مرحله ای)
شماره سامانه ستاد: ۲۰۰۳۰۰۲۷۰۲۰۰۰۰۵۸
سازمان بنادر و دریانوردی /اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

وزارت راه و شهرسازی
سازمان بنادر و دریانوردی
اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

موضوع مناقصه: خدمات نگهداری و تعمیرات تاسیسات اطفاء حریق اماکن و محوطه های اداره بندر بوشهر و بنادر تابعه

■ محل، مهلت و نحوه دریافت اسناد: از تاریخ درج آگهی (روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۴) تا ساعت ۱۷:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۰ با مراجعه به سایت (setadiran.ir) اسناد مناقصه را دریافت نمایند.

■ محل و مهلت تسلیم اسناد مناقصه: مناقصه گران باید پیشنهادها را تا ساعت ۱۷:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ در سامانه ستاد به آدرس (setadiran.ir) بارگذاری نموده و تنها نسخه فیزیکی پاکت الف (ضمانتنامه) را تا ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ به دبیرخانه مناقصه گزار با رعایت موارد مندرج در اسناد مناقصه تحویل دهند.

■ محل و زمان بازگشایی پیشنهادها: پیشنهادهای مناقصه گران راس ساعت ۹:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۵ در محل ساختمان مرکزی به آدرس دستگاه مناقصه گزار مفتوح خواهد شد.

■ تاریخ جلسه توجیهی: ساعت ۱۰:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۸ با حضور نماینده مناقصه گران (ارایه معرفی نامه از مناقصه گر با ذکر عنوان مناقصه الزامی است) در محل سالن جلسات مناقصه گزار برگزار خواهد شد.

■ سپرده شرکت در مناقصه: مناقصه گران باید ضمانتنامه بانکی بدون قید و شرط و قابل تمدید به دفعات به مبلغ ۱۴/۸۳۴/۰۴۰/۳۴۹ ریال، یا اصل فیش واریز وجه به حساب شبا IR۷۷۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۶۴۵۷۱۲۱۴۹۲۹ نزد بانک جمهوری اسلامی ارائه نمایند.

شناسه ملی دستگاه مناقصه گزار: ۱۴۰۰۰۱۸۰۶۱۴
کد اقتصادی دستگاه مناقصه گزار: ۴۱۱۳۱۹۵۷۷۹۸۶

■ آدرس دستگاه مناقصه گزار: بوشهر - بزرگراه طالقانی - بلوار بندر - اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر - کدپستی ۷۵۱۷۶۳۸۴۸۰ - تلفن ۷-۳۳۳۲۲۰۵۱، فاکس ۶۵۰۰-۳۱۶۶۶۷۰۰، پست الکترونیک info@bpmo.ir، آدرس سایت www.bpmo.ir

■ برآورد پروژه: ۲۹۶/۶۸۰/۸۰۶/۹۸۳ ریال

■ مدت پروژه: ۱۸ ماه

شرایط لازم: (ارائه مدارک و مستندات ذیل الزامی است)

۱- داشتن حداقل رتبه ۵ تاسیسات و تجهیزات یا آب (زیر شاخه انتقال آب و شبکه های فاضلاب) از سازمان برنامه و بودجه کشور
۲- داشتن ظرفیت خالی و ریالی و تعدادی در حد براورد انجام کار (ملاک سایت سازمان برنامه بودجه)
۳- ارائه صورتهای مالی رسیدگی شده
۴- مناقصه گرانی که در ۵ سال گذشته دارای سابقه کار با سازمان بنادر و دریانوردی (سازمان مرکزی و بنادر تابعه) می باشند، موظف هستند پروژه های مذکور را معرفی و نسبت به ارائه حسن انجام کار آن که به تایید معاونت ذیربط و یا مدیرکل رسیده، اقدام نمایند. در صورت عدم اعلام مورد مذکور، به پیشنهادهای واصله ترتیب اثر داده نخواهد شد. بدیهی است به حسن انجام کارهایی ترتیب اثر داده می شود که از لحاظ کیفی با تشخیص کمیسیون مناقصه تایید گردند.

■ مدت اعتبار پیشنهادها: مدت اعتبار پیشنهادها باید ۹۰ روز باشد.

اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر

شناسه آگهی: ۱۸۷۷۰۱۵

امور مشترکین و توزیع
روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۵

سازمان آگهی‌های
روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۵۴۸۸

۶۲ هزار راننده گوشی به دست هنگام رانندگی جریمه شدند

رئیس پلیس راهور تهران بزرگ از صدور بیش از ۶۲ هزار قبض جریمه برای افرادی که هنگام رانندگی با تلفن همراهشان حرف می‌زدند، خبر داد.

به گزارش «جوان»، سردار سید ابوالفضل موسوی‌پور گفت: در سال جاری مأموران پلیس راهور تهران برای بیش از ۶۲ هزار راننده‌ای که هنگام رانندگی از گوشی تلفن همراه استفاده می‌کردند، جریمه صادر کرده‌اند. وی ادامه داد: عدم توجه به جلو جزو رتبه‌های اول تصادف‌های تهران است و استفاده از تلفن همراه یکی از مصادیق مهم تخلف است که نسبت به مدت مشابه سال گذشته شاهد افزایش ۲۴ درصدی این تخلف هستیم.

سردار موسوی‌پور افزود: رانندگان وسایل نقلیه‌ای که هنگام رانندگی از تلفن همراه استفاده می‌کنند، بخش عمده‌ای از تمرکزشان به جای رانندگی و توجه کامل به جلو، به تلفن همراه است که این مسئله می‌تواند عامل بسیاری از حوادث خطرناک و جبران‌ناپذیری باشد.

وی همچنین به عدم استفاده رانندگان از کمربند ایمنی اشاره کرد و گفت: سال گذشته با آمار ۱۴۰ هزار اعمال قانون مواجه بودیم، این تخلف در سال جاری حدود ۴۱ درصد کاهش داشته‌است.

سردار سید ابوالفضل موسوی‌پور گفت: کمربند ایمنی نقش مؤثری در حفظ جان راننده و سرنشینان وسایل نقلیه دارد و استفاده از آن در موارد متعددی از مرگ حتمی راننده و سرنشینان جلوگیری کرده‌است.

دستبرد شبانه کارگر رستوران به محل کارش

کارگر رستورانی در غرب تهران که با همدستی دو نفر از دوستانش شبانه به محل کارش دستبرد زده بود با بررسی دوربین‌های مداربسته شناسایی و بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ محمد افشار، سرکلانتر دوم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: چند روز قبل مردی وارد کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس شد و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. او گفت، وقتی صبح وارد رستوران شده، دیده که لوازم داخل محل کارش سرقت شده است. بعد از مطرح شدن این شکایت، مأموران پلیس با بررسی دوربین‌های مداربسته متوجه شدند سرقت شبانه از سوی سه مرد جوان رقم خورده است. آنها لوازم رستوران را بار خودروی وانت کرده و از محل متواری شده بودند. صاحب رستوران وقتی تصاویر دوربین‌های مداربسته را دید، یکی از آنها را که کارگرش بود، شناسایی کرد. بعد از آن بود که مأموران متهم و دو همدستش را شناسایی و بازداشت کردند. متهم گفت: از مدتی قبل در رستوران شروع به کار کردم و زمانی که مدیر رستوران به من اعتماد کرد و کلیدها را به من سپرد، تصمیم به سرقت گرفتم. بعد از آن با همدستی دو نفر از دوستانم لوازم داخل رستوران را سرقت کردیم و منتظر فرصت مناسب برای فروش آنها بودیم که بازداشت شدیم. با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت، لوازم سرقت شده کشف و به شاکی تحویل داده شد. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان جریان دارد.

کشف ۴ کیلو شیشه از اتاق خواب سوداگر مرگ

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر پایتخت از کشف ۴ کیلو مخدر شیشه از اتاق خواب سوداگر مرگ و بازداشت وی خبر داد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ حسین باباپور گفت: مأموران پلیس در جریان بررسی‌های خود متوجه شدند یکی از سوداگران مرگ با اجاره خانه‌ای در شمال تهران در حال خرید و فروش موادمخدر است که بعد از انجام تحقیقات وارد مخفیگاه متهم شدند و همزمان با دستگیری او، ۴ کیلو مخدر شیشه از اتاق خواب منزلش کشف کردند. تحقیقات بیشتر از متهم جریان دارد.

بازداشت سارقان گوشی بازیگر «آقای قاضی»!

■ **غلامرضا مسکنی**

سارق گوشی بازیگر سریال آقای قاضی در آخرین سرقت تعادلش را از دست داد و به دام افتاد. متهم و همدستانش ادعا می‌کنند هنگام سرقت گوشی بازیگر، او را نشناخته‌اند.

چندی قبل، مأموران پلیس تهران در جریان موبایل‌قاپی‌های سریالی از سوی سارقان موتورسواری قرار گرفتند. آنطور که مالباخته‌ها اعلام می‌کردند سارقان چهار پسر جوان هستند که با دو موتورسیکلت در خیابان‌های شمال و شمال غرب تهران پرسه می‌زنند و در فرصت مناسب موبایل شهروندان را سرقت می‌کنند.

یکی از شاکیان به مأموران گفت: «در یکی از خیابان‌های شمالی تهران در حالی که در پیاده‌رو قدم می‌زدم با تلفن همراهم با یکی از دوستانم صحبت می‌کردم که پسر جوانی در یک چشم به‌هم زدن موبایلم را از دستم قاپید. پسر جوان به سرعت داخل خیابان رفت و سوار موتورسیکلتی شد و راننده آن هم حرکت کرد.»

■ **موبایل آقای بازیگر**

بررسی‌های مأموران حکایت از آن داشت سارقان اعضای باند چهارنفره هستند که با دو موتورسیکلت به صورت دو ترکه در خیابان‌های شهر اقدام به موبایل‌قاپی می‌کنند. سارقان برای اینکه شناسایی نشوند ماسک بهداشتی به صورت دارند و پلاک موتورشان را هم مخدوش می‌کنند.

مأموران پلیس تهران تحقیقات و جست‌وجوی برای شناسایی سارقان را به دستور قاضی افضلی، بازپرس شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت ادامه می‌دادند تا اینکه به مأموران پلیس خبر رسید سارقان موتورسوار تلفن همراه یکی از بازیگران معروف سینما و تلویزیون را سرقت کرده‌اند.

بررسی‌ها نشان داد آخرین مالباخته بازیگر اصلی سریال تلویزیونی آقای قاضی است. بهزاد خلج، بازیگر نقش آقای قاضی در طرح شکایتش از موبایل‌قاپان به مأموران گفت: «همراه یکی از دوستانم به کافی‌شاپی در یکی از خیابان‌های شمال غربی رفته‌بودیم. جلوی مغازه کافی‌شاپ محوطه‌ای بود که تعدادی صندلی برای مشتری‌ها گذاشته بودند. من و دوستم روی صندلی‌های بیرون نشسته بودیم و قهوه می‌خوردیم. همزمان من عکس‌های پشت صحنه سریال آقای قاضی را به دوستم نشان می‌دادم که ناگهان پسر جوانی گوشی آیفونم را از دستم قاپید و فرار کرد. پسر جوان ماسک به صورت داشت و به نظر می‌رسید سن کمی دارد و به سرعت به طرف موتورسیکلتی داخل خیابان رفت که راننده آن منتظرش بود و سوار شد و فرار کردند. پشت سر آنها موتورسیکلت دیگر با دو سرنشین آنها را اسکورت کرد و از محل دور شدند.»

■ **سرقت ناکام**

تحقیقات برای دستگیری موبایل‌قاپان ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل کارآگاهان پلیس آگاهی با خبر شدند یکی از سارقان در آخرین سرقت تعادلش را از دست داده و زمین خورده و در دام شهروندان گرفتار شده‌است. سارق ۱۸ ساله لحظه حادثه برای سرقت تلفن همراه یکی از مشتریان کافی‌شاپی که روی صندلی نشسته می‌رود، اما پس از سرقت پایش در جدول گیر می‌کند و به زمین می‌خورد. متهم از سوی مالباخته و شهروندان دستگیر می‌شود و همدستانش هم از محل فرار می‌کنند.

متهم پس از انتقال به اداره پلیس سه همدست خود را به پلیس معرفی کرد و مأموران هم سه همدست او را بازداشت کردند. متهمان در بازجویی‌ها به موبایل‌قاپی‌های سریالی اعتراف کردند. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

■ **هیجان سرقت**

سهیل همان سارقی است که در سرقت ناکام به دام افتاد و او مدعی است سرقت‌ها را به خاطر هیجانش شروع کرده‌است.

سهیل سابقه داری؟

نه من و همدستانم هیچ سابقه‌ای نداریم.

چه شد باند موبایل‌قاپی را تشکیل دادی؟

ما چهار نفر همه بچه یک محل هستیم و نیازی هم به پول نداریم و ابتدا به خاطر هیجانش سرقت می‌کردیم. واقعیتش ما وقتی دور هم جمع می‌شدیم، کلیپ‌های سرقتی که در فضای مجازی منتشر می‌شد، نگاه می‌کردیم و می‌دیدیم که چقدر هیجان دارد. مخصوصاً تعقیب و گریز سارقان و مالباخته‌ها برای ما خیلی هیجان داشت، به همین‌خاطر شروع به سرقت کردیم.

از کی شروع به سرقت کردید؟

از دو سال قبل شروع کردیم.

یعنی از دو سال قبل شما دنبال هیجان هستید؟

نه. گفتم که اول به خاطر هیجانش بود، اما بعد که فهمیدیم پول خوبی گیرمان می‌آید، عادت کردیم و سرقت‌هایمان را برای پول ادامه دادیم. البته ما هر دو ماهی چند روزی سرقت را کنار می‌گذاشتیم تا شناسایی نشویم و بعد دوباره شروع می‌کردیم.

وقتی موبایل بازیگر آقای قاضی را سرقت کردید، او را شناختی؟

نه. من او را نمی‌شناختم و او در حال دیدن عکس‌هایی داخل گوشی‌اش بود که سرقت کردم. چون گوشی‌اش قفل نبود، بعد از سرقت عکس‌های داخل گوشی‌اش را نگاه کردیم و دیدیم عکس‌های پشت صحنه سریال آقای قاضی است. تازه متوجه شدیم که گوشی متعلق به بازیگر نقش آقای قاضی است.

یعنی اگر می‌شناختید، گوشی او را سرقت نمی‌کردید؟

نه. سرقت نمی‌کردیم.

تصمیم نگرفتید گوشی را پس دهید؟

نه. فقط برای اینکه شناسایی نشویم، گوشی او را خیلی زود فروختیم تا ردی از خودمان باقی نگذاریم.

به چه قیمتی فروختید؟

شاید باور نکنید، اما گوشی آیفون ۱۳ او را به ۲میلیون تومان فروختیم.

فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

نه به این زودی. چون ما ماسک داشتیم و دو همدستمان هم ما را اسکورت می‌کردند، اما در آخرین سرقت بدشانسی آوردم و تعادلم را از دست دادم.

دستگیری عاملان قتل موتورسوار در فردیس

سرنشینان دو خودروی سواری که راکب موتورسیکلت در شهرستان فردیس کرج را با چاقو به قتل رسانده بودند، بازداشت شدند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ حکمت اله شجاعی، رئیس آگاهی استان البرز گفت: چند روز قبل مأموران پلیس آگاهی بعد از دریافت گزارش درگیری در یکی از محله‌های فردیس در محل حاضر شدند. با حضور پلیس مشخص شد مردی موتورسوار در جریان درگیری با سرنشینان دو خودروی پژو ۲۰۶ و ۴۰۵ به قتل رسیده‌است. همزمان با حضور بازپرس و انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران موفق شدند عاملان حادثه را شناسایی و بازداشت کنند. عامل اصلی قتل گفت: با مقتول از مدتی قبل اختلاف داشتم و روز حادثه همراه دوستانم راهش را سد کردیم و او را کتک زدیم. من در جریان درگیری با چاقو به سفیدرانش ضربه زدم که کشته شد. تحقیقات در این‌باره جریان دارد.

دزدان نقابدار پس از خروج از محل سرقت گرفتار پلیس شدند

دو سارق نقابدار بعد از سرقت از خانه‌ای در محله نیاوران در حال خروج بودند که گشت پلیس از راه رسید و آنها را بازداشت کرد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ صادق ضرونی، سرکلانتر یکم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: روز گذشته مأموران گشت کلانتری ۱۲۳ نیاوران در حال گشت‌زنی بودند که متوجه شدند دو مرد نقابدار از ساختمانی مسکونی در حال خارج شدن هستند که به آنها مظنون شدند.

وقتی مأموران برای تحقیق به سمت مردان نقابدار حرکت کردند، آن دو به سرعت از محل متواری شدند که مأموران پلیس در جریان تعقیب و گریز با شلیک گلوله دو متهم را بازداشت و در بازرسی از آنها، ادوات سرقت و هفت سکه طلا کشف کردند. دو متهم در بازجویی‌ها به سرقت از خانه مورد نظر اعتراف کردند.

تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر سارقان جریان دارد.

فیلم رهگذر، پلیس را به قاتل فراری رساند

■ **آرمین بینا**

مأموران پلیس تهران با بررسی فیلم صحنه قتل یک زن در یکی از پارک‌های شرق پایتخت که زنی رهگذر در اختیارشان گذاشته بود، موفق شدند متهم را شناسایی و بازداشت کنند.

شامگاه پنج‌شنبه ۱۳ دی‌ماه امسال، زنی وحشت‌زده با اداره پلیس تماس گرفت و خبر درگیری زن و مردی را در پارک نیما به مأموران اعلام کرد.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران به پارک نیما در شرق تهران رفتند و در نخستین گام با جسد خونین زن جوانی در میان شمشادها روبه‌رو شدند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود.

بررسی‌ها و اوراق هویتی همراه زن جوان نشان داد مقتول آرزو نام دارد و لحظاتی قبل در درگیری با مرد جوانی به قتل رسیده و قاتل هم از صحنه جنایت گریخته است.

■ **فیلمبرداری از صحنه قتل**

همچنین مشخص شد زن جوانی که حادثه را به پلیس خبر داده از صحنه جنایت فیلم گرفته است. وی در توضیح حادثه به مأموران گفت: «برای هواخوری به پارک نیما آمدم و در حال قدم زدن بودم که صدای فریاد کمک‌خواهی زن جوانی را از میان شمشادها شنیدم. به سرعت به طرف صدا رفتم و دیدم زن و مرد جوانی با هم درگیر شده‌اند. زن جوان زیر مشت و لگدهای مرد خشن فریادش به آسمان بلند شده بود و مرد خشن هم با دیدن من فریاد زد دعوا خانوادگی است و از من خواست از آنجا بروم. گوشی‌ام را از جیبم بیرون آوردم، ابتدا درگیری را به صورت مخفیانه به پلیس خبر دادم و بعد تصمیم گرفتم برای شناسایی ضارب از صحنه فیلم بگیرم. به خاطر ترس از مرد جوان کمی دور شدم. در حال فیلم گرفتن از صحنه درگیری بودم که فریادهای دلخراش زن جوان به گوشم رسید و دیدم آن مرد با چاقو ضرباتی به زن جوان زد. با شنیدن التماس‌های زن جوان و دیدن این صحنه دست و پایم به لرزه افتاده بود که ضارب به سمتم حمله‌ور شد. با خواهش و التماس از او خواستم مرا نکشد و او هم گوشی‌ام را از دستم گرفت و به زمین کوبید و زیر پایش گذاشت و خرد کرد، سپس به سرعت فرار کرد. زن جوان خونین نقش بر زمین شد و لحظاتی بعد هم رهگذران و افراد دیگری که برای تفریح به پارک آمده بودند با شنیدن فریادهایش در محل تجمع کردند، اما قاتل از صحنه گریخته و زن جوان هم نفس‌هایش بند آمده بود.»

■ **اختلاف مالی**

مأموران پس از انتقال جسد زن جوان به پزشکی قانونی به سراغ خانواده او رفتند. یکی از اعضای خانواده مقتول گفت: «آرزو مدتی قبل با مرد جوانی به نام بهزاد آشنا شد. او مقدار زیادی طلا و جواهر داشت و به ما گفت برای سرمایه‌گذاری در اختیار او قرار داده است. چندی قبل آرزو گفت بهزاد پول و طلاهایش را برنمی‌گرداند و از او کلاهبرداری کرده است. روز حادثه هم برای صحبت کردن با بهزاد از خانه بیرون رفت.»

مأموران پلیس در ادامه فیلم ثبت شده از صحنه قتل را به خانواده آرزو نشان دادند و آنها هم بهزاد را به عنوان قاتل فرزندشان شناسایی کردند.

■ **رمال قاتل**

با به دست آمدن این اطلاعات، بهزاد تحت تعقیب قرار گرفت و مأموران چند روز قبل وی را بازداشت کردند. متهم پس از انتقال به اداره پلیس به جرم خود اعتراف کرد و در ادعایی گفت: «کار من رمالی است و خرید و فروش زیر خاکی هم انجام می‌دهم، به همین دلیل افراد زیادی برای رمالی و فالگیری به خانه‌ام رفت و آمد دارند. مدتی قبل آرزو برای بخت‌گشایی به خانه‌ام آمد و گفت از طریق یکی از دوستانش به من معرفی شده است. او بار اول از من خواست برایش فال بگیرم و بعد هم برای گره‌گشایی زندگی‌اش نسخه‌ای برای او بنویسم. بار دوم که برای گرفتن نسخه به خانه‌ام آمد به صورت مخفیانه تعدادی سنگ قیمتی و عتیقه و مقداری هم طلا از خانه‌ام سرقت کرد. وقتی فهمیدم از او خواستم سنگ‌ها، عتیقه‌ها و طلاهای مرا پس بدهد، اما قبول نکرد. روز حادثه برای صحبت درباره همین موضوع با او در پارک قرار ملاقات گذاشتم. وقتی به پارک آمد از او خواستم اموال مرا پس بدهد، اما باز هم قبول نکرد که با هم مشاجره کردیم. مشاجره ما به درگیری کشید و من هم عصبانی شدم و با چاقویی که همراه داشتم ضرباتی به او زدم و فرار کردم.»

متهم در حالی در بازجویی‌ها ادعا می‌کند که مقتول اموال او را سرقت کرده است که بررسی‌ها حکایت از آن دارد مقتول اموالش را برای سرمایه‌گذاری در اختیار او قرار داده است. تحقیقات از متهم برای روشن شدن زوایای پنهان حادثه ادامه دارد.

مفقودی

اسنادمالکیت (برگ سبز، فاکتور فروش شرکت، کارت انتظامی) خودرو سواری پژو روا مدل ۱۳۸۵ رنگ خاکستری با شماره موتور ۱۱۶۸۵۰۱۴۵۵۴ و شماره شاسی IRFC۱۵۱VETP۴۱۲۶۰۷ با شماره انتظامی ۴۳۷ب۱۸ ایران ۲۱ بنام اکبر علی نژاد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. اسلامشهر

آگهی موضوع ماده ۱۰ آئین نامه اجرایی قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن

نظر به اینکه پرونده کلاسه ۱۲۸۱ متعلق به آقا / خانم کورش حیدروند فرزند حسنعلی به شماره ملی ۴۸۵۰۰۰۷۰۰۷ صادره از پلدختر در ششدانگ یکباب ساختمان مسکونی به مساحت ۳۵۹.۸۴ متر مربع از پلاک - فرعی از ۸ اصلی واقع در شهر سراب حمام حوزه ثبتی شهرستان پلدختر بخش ۸ از مالکیت - محرز گردیده است و منجر به صدور رای ۳۸۹۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۰۲ گردیده، لذا به منظور اطلاع عموم یک نوبت آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت نامبرده اعتراضی داشته باشند. انتشار آگهی به مدت ۲۰ روز اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ — رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پلدختر مرکزی

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۱۰۵۷۰۰۴۱۲۲ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم بهاره عزیزیان جلیلیان فرزند محمد باقر بشماره شناسنامه ۷۲۰ صادره از خرمشهر در یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۵۳۱/۷۰ متر مربع از پلاک ۱۶۲۰ فرعی از ۹ اصلی واقع در کرج ماهدشت خیابان یاس خریداری از مالک رسمی آقای / خانم بهاره عزیزیان جلیلیان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰

شناسه آگهی: ۱۸۷۶۵۷۹ — مهران رشیدی، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۱۰۵۷۰۰۴۱۲۶ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم رضا فرزاد فرزند محمد به شماره شناسنامه ۴۴۵ صادره بروجرد در سه دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۶۶۰/۲۰ متر مربع از پلاک ۹۴۸۵ فرعی از ۹ اصلی واقع در کرج ماهدشت خیابان (مهران طعام) خیابان اقاقیا۱ مجتمع شهرک ویلایی اقاقیا طبقه همکف خریداری از مالک رسمی آقای / خانم فرزانه کیانی دهکردی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰

شناسه آگهی: ۱۸۷۶۵۶۶ — مهران رشیدی، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۱۰۷۰۰۴۱۲۴ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم فرزانه کیانی دهکردی فرزند کریم به شماره شناسنامه ۱۱۷۲ صادره از شهر کرد در سه دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۶۶۰/۲۰ متر مربع از پلاک ۹۴۸۵ فرعی از ۹ اصلی واقع در کرج ماهدشت خیابان (مهران طعام) خیابان اقاقیا۱ مجتمع شهرک ویلایی اقاقیا طبقه همکف خریداری از مالک رسمی آقای / خانم فرزانه کیانی دهکردی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰

شناسه آگهی: ۱۸۷۶۵۵۱ — مهران رشیدی، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

گزارش یک

حامد خبیری

مقابله شریکان با آشوب ترامپی

رئیس‌جمهور امریکا با جنگ تعرفه‌ای علیه کانادا، مکزیک، برزیل و چین، نظمی را که ایالات متحده به یاری متحدان بنا کرده است، به‌هم زد. واکنش متقابل این کشورها علیه تعرفه‌های ترامپ، نظم تازه ترامپی را نیز فروریخت

رئیس‌جمهور امریکا همان‌طور که وعده کرده بود، در دومین هفته حضورش در کاخ سفید، رسماً اعمال تعرفه ۲۵درصدی بر واردات از مکزیک و کانادا را اعلام، ۱۰درصد تعرفه اضافی بر صادرات چین اعمال کرد و وعده کرد که به‌زودی تعرفه سنگینی را هم بر اتحادیه اروپا اعمال خواهد کرد؛ اقداماتی که علاوه بر کلید زدن یک جنگ تجاری، تبعاتی گسترده بر نظم بین‌المللی به دنبال خواهد داشت. دولت‌ها از جمله دولت امریکا، اعمال تعرفه را به عنوان یک ابزار مقطعی و محدود، برای تحریک رشد اقتصادی به کار می‌گیرند، ولی جنگ تعرفه‌ای که ترامپ آن را با بلندپروازی‌های ژئوپلیتیک در گرینلند، کانادا و پاناما در هم آمیخته و دوست و دشمن را هم به یک چوب می‌راند، تبعاتی بلندمدت بر نظم سیاسی و اقتصاد بین‌المللی خواهد داشت. نخست‌وزیر کانادا از مردمش خواسته که جنس امریکایی نخرند، مکزیک از مقابله به مثل و اعمال تعرفه بر کالاهای صادراتی امریکا خبر داده و پکن هم اقدام دولت امریکا را محکوم و تأکید کرده که «اقدامات متقابلی» را در پاسخ به این حرکت اتخاذ خواهد کرد که از روز سه‌شنبه اجرایی می‌شود.

■■■

دونالد ترامپ، شنبه شب اول فوریه، با امضای فرمان اجرایی، تعرفه‌های ۲۵ درصدی بر کالاهای وارداتی از کانادا و مکزیک و تعرفه ۱۰درصدی بر کالاهای چینی اعمال کرد؛ سه کشوری که بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایالات متحده هستند. ترامپ در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال، اعمال این تعرفه‌ها را اعلام و تصمیم خود را در چارچوب قانون «اختیارات اقتصادی بین‌المللی در شرایط اضطراری» توجیه کرد: «من امروز، تعرفه ۲۵ درصدی بر واردات از مکزیک و کانادا (۱۰درصد بر انرژی کانادا) و تعرفه ۱۰درصدی بر چین اعمال کردم. این اقدام از طریق قانون اختیارات اقتصادی بین‌المللی در شرایط اضطراری (IEEPA) به دلیل تهدید عمده مهاجران غیرقانونی و مواد مخدر کشنده، از جمله فنتانیل، که شهروندان ما را به کام مرگ می‌کشند، اتخاذ شد.» پس از اعلام تعرفه از سوی ترامپ، ارزش دلار کانادا و پزو مکزیک سقوط کرد، دو کشوری که به دلیل وابستگی شدیدی که به مبادلات تجاری خودشان به امریکا دارند، آسیب شدیدی خواهند دید. تجارت حدود ۷۰ درصد از تولید ناخالص داخلی هر دو کشور را تشکیل می‌دهد و به خصوص وابستگی آنها به تجارت با ایالات متحده، آنها را به طور جدی تحت تأثیر قرار خواهد داد. در حالی که بیش از ۸۰ درصد از صادرات مکزیک از جمله اتومبیل، ماشین‌آلات، میوه، سبزیجات و تجهیزات پزشکی به امریکا می‌رود، واردات از مکزیک، تنها ۱۵ درصد از کل واردات امریکا را تشکیل می‌دهد، به طوری که طبق ارزیابی بلومبرگ‌اکونومیکس، تعرفه ۲۵ درصدی یکجانبه بر این کالاها می‌تواند تولید ناخالص داخلی مکزیک را تا ۱۶درصد کاهش دهد. بزرگ‌ترین بخشی که در مکزیک آسیب می‌بیند، صنعت خودروسازی است که نزدیک به ۸۰ درصد از خودروهای تولیدی مکزیکی (سالانه ۲/۵میلیون خودرو) به امریکا صادر می‌شود و بعد از آن هم بخش انرژی مکزیک است که تقریباً ۶۰ درصد از صادرات نفت آن به مقصد پالایشگاه‌های امریکا انجام می‌شود، کانادا نیز با چالش مشابهی مواجه خواهد شد. بیش از ۷۰ درصد صادرات کانادا را امریکا خرید می‌کند که تعرفه ۲۵درصدی ترامپ شوکی بزرگ به آن وارد خواهد کرد، در حالی که کالاهای وارداتی از کانادا، فقط ۱۴ درصد از کل واردات امریکا است. در کانادا نیز بخش انرژی، بیشترین آسیب را خواهد دید که ۸۰درصد نفت خود را به امریکا صادر می‌کند. با وجود همه اینها، جنگ تعرفه‌ای ترامپ هم کانادا و هم مکزیک را مجبور کرد که به آن پاسخ دهند. جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا که پیش از این هم با ادعای ارضی ترامپ برای تبدیل کانادا به ایالت پنجاه‌ویکم امریکا روبه‌رو شده در واکنش به جنگ تعرفه‌ای ترامپ گفت که اتاوا با اعمال تعرفه ۲۵درصدی علیه ۱۵۵میلیارد دلار کالاهای امریکایی پاسخ خواهد داد و در کنفرانس خبری گفت که تعرفه‌ها را بر کالاهای امریکایی شامل «تعرفه فوری بر ۳۰ میلیارد دلار کالا از روز سه‌شنبه» اعمال خواهد کرد. ترودو گفت: «مانند تعرفه‌های امریکا، پاسخ ما نیز بسیار گسترده خواهد بود و شامل اقلام روزمره مانند آبجو امریکایی، شراب و بوربن، میوه‌ها و آبمیوه‌ها از جمله آب پرتقال، سبزیجات، عطر، لباس و کفش می‌شود.» نخست‌وزیر کانادا مستقیماً امریکایی‌ها را خطاب قرار داد و گفت که این اقدام ترامپ «عواقب واقعی برای شما، مردم امریکا خواهد داشت.» او کانادایی‌ها را تشویق کرد که به فکر راه‌هایی برای «ایفای سهم خود» برای مقابله با جنگ تعرفه‌ای ترامپ باشند، مانند انتخاب محصولات ساخت کانادا به جای محصولات امریکایی در فروشگاه‌ها و گذراندن تعطیلات تابستانی در کانادا به جای امریکا. ترودو گفته که با مکزیک برای مقابله با تعرفه‌های امریکا همکاری خواهد کرد. کلودیا شینبام، رئیس‌جمهور مکزیک نیز در پستی در شبکه ایکس به زبان اسپانیایی نوشت که به وزیر اقتصاد مکزیک دستور داده است «طرح B» را برای مقابله با جنگ تعرفه‌ای ترامپ اجرا کند که شامل اقدامات تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در دفاع از منافع مکزیک است؛ اقداماتی که هرچند جزئیات آن اعلام نشده، ولی نشان می‌دهد که مکزیکی‌ها نیز در مسیر مقابله‌به‌مثل حرکت می‌کنند. شینبام ادعای ترامپ درباره صادرات ماده مخدر فنتانیل را رد کرد و در ایکس نوشت: «ما قاطعانه تهمت‌های کاخ سفید به دولت مکزیک مبنی بر ادعای اتحاد با سازمان‌های جنایتکار و همچنین هرگونه قصد مداخله در قلمرو خود را رد می‌کنیم.» چین نیز به جنگ تعرفه‌ای ترامپ واکنش نشان داده و ضمن تهدید به «اقدامات متقابل لازم برای حفاظت از حقوق و منافع» خود، گفت که پکن به سازمان تجارت جهانی شکایت خواهد کرد: «اعمال تعرفه‌های اضافی ایالات متحده نقض جدی قوانین سازمان تجارت جهانی است.» چین از ایالات متحده خواسته اشتباهات خود را اصلاح کند، برای درک متقابل تلاش کند و وارد گفت‌وگوی صریح شود. حتی لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور برزیل که ترامپ پیشتر آن را به اعمال تعرفه تهدید کرده است، گفته که اگر ترامپ محصولات برزیلی را محدود کند، برزیل هم به همان شکل عمل خواهد کرد.

■ **تنش‌های ژئوپلیتیک در افق**

ترامپ علاوه بر مکزیک، کانادا و چین، گفته که قصد دارد تعرفه‌های سنگینی را هم علیه اتحادیه اروپا وضع کند. او گفته که اگر از من سؤال کنید که آیا قصد دارم علیه اتحادیه اروپا تعرفه وضع کنم، می‌گویم که جواب واقعی را می‌خواهید یا جواب سیاسی؟ و گفته که قطعاً وضع می‌کنم! او تأکید کرد که صادقانه بگویم بر اتحادیه اروپا هم تعرفه سنگین اعمال می‌کنم. جنگ تعرفه‌ای که ترامپ از شنبه شب کلید زد و پیش از آن با ادعاهای ژئوپلیتیک علیه کانادا، گرینلند، کانال پاناما و خلیج مکزیک همراه شده، از یک طرف به نگرانی‌ها درباره تبعات اقتصادی بین‌المللی و همچنین عواقب ژئوپلیتیک اقدامات ترامپ دامن زده و از طرف دیگر نگرانی‌های جدی در داخل امریکا ایجاد کرده که جنگ تعرفه‌ای در نهایت به ضرر امریکا تمام خواهد شد. در حوزه ژئوپلیتیک، در شرایطی که مقام‌های پاناما از احتمال اقدام نظامی امریکا برای تصرف کانال پاناما ابراز نگرانی کردند، مارکو روبیو، وزیر خارجه امریکا وارد این کشور شد و گفت که هر کاری برای تقویت امنیت امریکا لازم باشد انجام خواهیم داد. چند هفته قبل هم، «مت فردریکسن»، نخست‌وزیر دانمارک در واکنش به سفر پسر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب امریکا به گرینلند گفته بود این سرزمین فروشی نیست و «ژان نوئل بارو» وزیر امور خارجه فرانسه اواخر هفته قبل گفت که پاریس درباره احتمال اعزام نیروهای مسلح فرانسه به این جزیره با دانمارک گفت‌وگو کرده است. پیش از این، امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نیز با اشاره به نارضایتی ترامپ از بودجه دفاعی اندکی که کشورهای اروپایی برای امنیت خودشان هزینه می‌کنند، گفته بود: «این رویکرد رئیس‌جمهور امریکا زنگ هشداری است تا اروپا بیدار شود، چرا که به دلیل تغییرات مورد انتظار در سیاست خارجی واشینگتن، لزوم کاهش اتکا به ایالات متحده برای تأمین امنیت اروپا امری اجتناب‌ناپذیر است.» حالا با شروع جنگ تعرفه‌ای ترامپ، این نگرانی گسترده وجود دارد که پایه‌های نظم اقتصادی که امریکا طی چند دهه گذشته به همراه متحدان خود در اروپا و امریکایی شمالی ایجاد کرده بود، به طور جدی آسیب ببیند. نیوزویک نوشته که با بازگشت ترامپ، به نظر می‌رسد که رهبری جهانی ایالات متحده برای چهار سال آینده به پایان رسیده است. گرگلی وارگا، کارشناس سیاست امنیتی، رئیس سابق برنامه یوروآتلانتیک در مؤسسه روابط بین‌الملل مجارستان می‌گوید: «دونالد ترامپ بار دیگر رئیس‌جمهور ایالات متحده شد و با صعود او، بسیاری شروع به دفن نظم بین‌المللی لیبرال کردند. زیر سؤال بردن هنجارها و نهادهای بین‌المللی، بی‌احترامی به متحدان سنتی و دلبستگی به دیکتاتورها تنها برخی از اتهامات رایج علیه ترامپ است. اظهارات اخیر او در مورد کانادا، گرینلند و پاناما تنها تعدادی از آخرین مواردی است که به نظر می‌رسد از این ایده حمایت می‌کند که ترامپ مانند گاو نر در یک مغازه چینی رفتار خواهد کرد. خداحافظی با نظم لیبرال بین‌المللی حداقل چیزی است که به نظر می‌رسد همه در اروپا به آن فکر می‌کنند.»

■ **شلیک به پای خود**

علاوه بر این، این نگرانی گسترده در داخل امریکا وجود دارد که جنگ تعرفه‌ای ترامپ حتی در کوتاه‌مدت، به رغم ضرر به متحدان، به ضرر امریکایی‌ها نیز تمام شود. برآوردهای بلومبرگ‌اکونومیکس نشان می‌دهد که تعرفه‌های جدید ترامپ می‌توانند کل واردات امریکا را تا ۱۵ درصد کاهش دهد. همچنین شورای روابط خارجی امریکا نوشته است که بخش‌های خاصی از اقتصاد امریکا از جمله بخش‌های خودرو، انرژی و مواد غذایی به‌شدت آسیب خواهند دید. قیمت گاز می‌تواند تا ۵۰سنت در هر گالن افزایش یابد، زیرا کانادا و مکزیک بیش از ۷۰ درصد واردات نفت خام را به پالایشگاه‌های ایالات متحده عرضه می‌کنند. همچنین خودروها و سایر وسایل نقلیه در معرض خطر هستند، زیرا ایالات متحده تقریباً نیمی از قطعات خودرو را از همسایگان شمالی و جنوبی خود وارد می‌کند. شورای روابط خارجی امریکا همچنین نوشته که تعرفه ۲۵درصدی بر کانادا و مکزیک هزینه‌های تولید خودروسازان امریکایی را افزایش می‌دهد و تا ۳هزار دلار به قیمت برخی از ۱۶ میلیون خودرو فروخته شده در ایالات متحده در هر سال اضافه می‌کند. هزینه‌های مواد غذایی نیز می‌تواند افزایش یابد، زیرا مکزیک بزرگ‌ترین منبع محصولات تازه ایالات متحده است و بیش از ۶۰درصد واردات سبزیجات و تقریباً نیمی از واردات میوه و آجیل را تأمین می‌کند. با چنین چشم‌اندازی، بیش از ۴۰ نماینده دموکرات کنگره دیروز از ترامپ خواستند تعرفه‌های گمرکی بر مکزیک و کانادا را لغو کند. نمایندگان دموکرات در کنگره بر این باورند که تعرفه‌ها باعث نابودی امریکایی‌هایی خواهد شد که از قیمت‌های بالا رنج می‌برند.

واکنش

انتقاد نهاد امدادی سازمان ملل:

ادعاهای اسرائیل مانع فعالیت آنروا شد

آژانس امداد و کار سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی با اشاره به اجرای قوانینی در اراضی اشغالی علیه این نهاد تصریح کرد که صهیونیست‌ها با اطلاعات غلط و طرح ادعاهایی در مسیر فعالیت آنروا مانع ایجاد کرده‌اند.

روز پنج‌شنبه دو قانون در سرزمین‌های اشغالی به اجرا درآمد که به‌طور مؤثر فعالیت‌ها و توانایی آژانس امداد و کار سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی (آنروا) را برای کار در این منطقه ویران شده در جنگ محدود می‌کند. آنروا که بزرگ‌ترین سازمان بشردوستانه در نوار غزه است، حدود ۱۳هزار کارمند و بیش از ۳۰۰ تأسیسات دارد. یکی از این قوانین کار، آژانس را در مناطق تحت کنترل اسرائیل ممنوع و دیگری هرگونه تماس با آژانس را ممنوع می‌کند. آنروا تأکید دارد که رژیم صهیونیستی با انتشار اطلاعات غلط و طرح ادعا علیه فعالیت‌های این سازمان، آن را مجبور به تخلیه مراکز خود در نوار غزه کرده است. مقامات سازمان ملل و کارکنان امور بشردوستانه می‌گویند گرچه رژیم صهیونیستی نتوانست در جریان جنگ خود علیه غزه، حماس را از بین ببرد، به برنامه خود برای ریشه‌کن کردن «دشمن» اعلام شده دیگرش ادامه می‌دهد. میدل‌ایست‌آی با انتشار این مقدمه تأکید کرد: «اسرائیل سال‌هاست که آنروا را آزار می‌دهد.» بنابر گزارش میدل‌ایست‌آی، این رژیم، مدارسی را که قبلاً آنروا آن را اداره می‌کرد، به پایگاه‌های نظامی سربازان خود تبدیل کرده که نشان‌دهنده عدم کنترل آژانس بر تأسیسات خود در میان حملات اسرائیل است.

نیکولا جینز، سخنگوی اتحادیه بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر در خاورمیانه اعلام کرد شهروندان در نوار غزه نیازهای امدادی و انسانی دارند که باید برطرف شود. وی در گفت‌وگو با شبکه خبری القاهره گفت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر ارائه کمک به شهروندان غزه برای حمایت از عملیات‌های بشردوستانه و امدادی در وهله اول تمرکز دارد و به منظور رفع نیازهای فوری و ارائه خدمات پزشکی به تمام نیازهای شهروندان غزه از طریق هماهنگی با سازمان‌های بین‌المللی پاسخ می‌دهد. نیکولا جینز گفت سیستم بهداشتی در غزه به طور کامل ویران شده است و بیمارستان‌ها دیگر قادر به ارائه خدمات پزشکی نیستند. آنها در ۱۵ ماه گذشته تخریب شده‌اند، از این روی، صلیب سرخ در حال تسهیل تحویل تجهیزات پزشکی به نوار غزه است تا فلسطینی‌ها و هلال احمر فلسطین بتوانند به ارائه خدمات پزشکی برای شهروندان به ویژه در شمال ادامه دهند.

گزارش ۲

فرشید پرهام

تا زمان تعیین نتیجه ملاقات با ترامپ

نتانیاهو مذاکره با حماس را تعلیق کرد!

نتانیاهو اعزام تیم مذاکره‌کننده به قطر برای گفت‌وگو درباره مرحله دوم آتش‌بس در غزه را به پس از دیدار خود با ترامپ موکول کرده است، اقدامی که به احتمال زیاد با هدف طفره رفتن از تعهدات آتش‌بس و افزایش فشارها برای خارج کردن حماس از روند مذاکرات است اما این تحرکات که حتی صهیونیست‌ها نیز با آن به مخالفت برخاسته‌اند، می‌تواند دوباره آتش جنگ در غزه را شعله‌ور کرده و بازگشت اسرا به خانه‌هایشان را دچار مشکل کند.

به گزارش «جوان»، اگرچه مرحله اول توافق آتش‌بس در غزه بین حماس و رژیم صهیونیستی در مدت دو هفته با آزادی تعدادی از اسرا از بین دو طرف، بدون مشکل خاصی انجام شد اما به نظر می‌رسد اجرای فاز دوم این توافق با اما و اگرهای زیادی همراه است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی که توافق با حماس را بنابه فشارهای داخلی و بین‌المللی پذیرفت و رضایت چندانی از امتیاز دادن به حماس نداشت، اکنون در مرحله دوم مذاکرات کارشکنی می‌کند. نتانیاهو روز یک‌شنبه در اظهاراتی مبهم درباره زمان ازسرگیری مرحله دوم توافق آتش‌بس در نوار غزه و تبادل اسرا، برگزاری مذاکرات را به نشستی در واشینگتن موکول کرد.

به گزارش الجزیره، دفتر نخست‌وزیر اسرائیل در بیانیه‌ای اعلام کرد که نتانیاهو با استیو ویتکوف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور امریکا، درباره روند اجرای مرحله دوم توافق تبادل اسرا گفت‌وگو کرده است. در این بیانیه آمده است که دو طرف توافق کرده‌اند مذاکرات مرحله دوم روز دوشنبه در جریان نشستی در واشینگتن آغاز شود. به گفته سخنگوی کاخ سفید، نتانیاهو در کاخ سفید با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا گفت‌وگو خواهد کرد.

در این میان شبکه ۱۲ اسرائیل گزارش داد که نتانیاهو به فکر جایگزینی «ران درمر» وزیر امور راهبردی اسرائیل با «دیوید بارنیا» رئیس موساد برای سرپرستی هیئت مذاکره‌کننده تل‌آویو در مذاکرات آتش‌بس است. منابع آگاه به این شبکه گفتند که انتخاب ران درمر، تبعات زیادی برای توافق خواهد داشت و حتی ممکن است موجب شکست مذاکرات در همین مرحله اول شود.

این تأخیر باعث نگرانی برخی از ناظران شده که بر این باورند می‌تواند تأثیر منفی بر روند مذاکرات با حماس بگذارد، به‌ویژه از آنجایی که این مذاکرات معمولاً از طریق میانجی‌هایی مانند قطر و مصر انجام می‌شود، نه مستقیماً با ایالات متحده. انتظار می‌رود نتانیاهو در این دیدار با ترامپ درباره مسائل مربوط به وضعیت غزه، اسرای اسرائیلی و موضع تل‌آویو در قبال آتش‌بس گفت‌وگو کند. تحلیلگران معتقدند که انتقال محل مذاکرات از دوحه و قاهره به واشینگتن و عدم حضور نمایندگان حماس در این مذاکرات، نشان‌دهنده نیت نتانیاهو برای تغییر در روند مذاکرات و احتمالاً فرار از اجرای تعهدات است. بنابراین، این تأخیر ممکن است نشان‌دهنده تمایل نتانیاهو برای کسب حمایت ایالات متحده پیش از پیشبرد مذاکرات باشد، به‌ویژه در شرایطی که چالش‌های سیاسی و امنیتی پیرامون این توافق وجود دارد. این اقدامات باعث ایجاد ابهام در نیت نتانیاهو و نگرانی‌هایی درباره سرنوشت آتش‌بس و تعهدات اسرائیل در قبال آن شده است. کابینه نتانیاهو دنبال کنار گذاشتن حماس از تحولات سیاسی و امنیتی غزه است و به همین دلیل قصد دارد با دولت جدید ترامپ در این زمینه رایزنی کند. این درحالی است که ترامپ هفته گذشته در اظهاراتی جنجالی مدعی شد که ساکنان غزه باید به کشورهای اردن و مصر بروند که با هدف کوچاندن اجباری آنها انجام می‌شود، طرحی که تنها از سوی وزرای افراطی اسرائیل با استقبال مواجه شد و جامعه جهانی به شدت با آن مخالفت کرد.

■ **مخالفت صهیونیست‌ها با تعویق مذاکرات**

صهیونیست‌ها که مذاکرات آتش‌بس را بارقه امیدی برای بازگرداندن اسرای خود می‌دانند، با سیاست‌های نتانیاهو برای مرحله دوم مذاکرات مخالفت کرده‌اند. رؤسای موساد و شاباک هشدار داده‌اند که این تغییر می‌تواند به مذاکرات مرحله دوم آسیب برساند. وبگاه آکسیوس روز یک‌شنبه به نقل از یک مقام ارشد اسرائیلی نوشت: «نتانیاهو تصمیم به لغو دیدار با تیم مذاکره‌کننده گرفته و ترجیح می‌دهد همه چیز را تا دیدار با ترامپ به تعویق بیندازد». این مقام ارشد اسرائیلی به آکسیوس گفت: «آنچه امروز اتفاق افتاد، در مورد مرحله دوم نگران‌کننده است و امیدواریم که بر مرحله اول تأثیر نگذارد». همزمان با این تحولات، خانواده اسرای اسرائیلی در غزه هشدار دادند که نتانیاهو و وزرای افراطی کابینه او در تلاش برای به شکست رساندن توافق مبادله اسرا هستند. آنها در پیامی به ترامپ اعلام کردند: «نتانیاهو تلاش خواهد کرد همان‌طور که در دوره بایدن از رسیدن به توافق طفره رفت، این کار را این بار نیز انجام دهد بنابراین نباید اجازه این کار داده شود».

■ **مرحله دوم آتش‌بس به نفع مقاومت**

با اینکه نتانیاهو قصد امتیازگیری بیشتر از فلسطینیان را دارد اما نماینده حماس در لبنان اعلام کرد مرحله دوم مذاکرات آتش‌بس در غزه سخت اما بیشتر به نفع مقاومت خواهد بود. احمد عبدالهادی در گفت‌وگو با سایت خبری المیادین گفت: «افسران و سربازانی که مقاومت به اسارت گرفته است، برگ برنده‌ای برای مقاومت است. فضا اکنون نسبت به قبل مثبت‌تر شده است که موقعیت مقاومت را تقویت می‌کند». عبدالهادی افزود: «با وجودی که رژیم صهیونیستی سقف مطالبات را بالا خواهد برد و شروط جدیدی مطرح خواهد کرد اما شرایط نشان می‌دهد توافق آتش‌بس ادامه خواهد داشت.»

در صورتی که نتانیاهو بخواهد جنگ با حماس را ازسربگیرد، سرزمین‌های اشغالی بیش از پیش ناامن‌تر خواهد شد و از آنجا که این جنبش نیروهای خود را سازماندهی و هزاران رزمنده جدید را جذب کرده است، این مسئله چالش بزرگی برای ارتش اشغالگر برای دستاوردسازی در غزه ایجاد خواهد کرد. از طرفی، بدنه ارتش نیز توان لازم برای بازگشت مجدد به میادین جنگ را ندارد و سستی و ضعف مستولی شده بر نیروهای نظامی، نتانیاهو را در رسیدن به اهدافش ناکام خواهد گذاشت. علاوه بر این، سایر گروه‌های مقاومت در منطقه به ویژه انصارالله یمن هشدار داده‌اند که اگر اسرائیل بخواهد جنگ در غزه را ادامه دهد، دامنه عملیات خود را به سرزمین‌های اشغالی تشدید خواهند کرد.

چشم‌انداز

امریکا در مسیر برگزاری انتخابات در اوکراین

رویترز در گزارشی نوشت که واشینگتن از کی‌یف می‌خواهد که به عنوان بخشی از مذاکرات احتمالی صلح با مسکو، تا پایان سال جاری میلادی انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی برگزار کند.

ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین در مصاحبه با آسوشیتدپرس درباره دولت دونالد ترامپ و کشورش موضع‌گیری کرد و گفت: «پس از گفت‌وگو با ترامپ، باید به نوعی از قالب گفت‌وگو با روس‌ها برویم و من دوست دارم ایالات متحده امریکا، اوکراین و روس‌ها را بر سر میز مذاکره ببینم و صادقانه بگویم، صدای اتحادیه اروپا هم باید در میز مذاکره شنیده شود.» او افزود که کی‌یف با دولت ترامپ در تماس است اما بحث‌ها همچنان ماهیت کلی دارند. پس از تشدید تنش‌ها بین روسیه و اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، زلنسکی در اوکراین حکومت نظامی اعلام و از آن زمان بارها آن را تمدید کرد. این فرمان نوامبر ۲۰۲۴ یک بار دیگر تمدید شد و انتظار می‌رود که دست‌کم تا هفتم فوریه ۲۰۲۵ نیز برقرار باشد. انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری اوکراین که به ترتیب برای اکتبر ۲۰۲۳ و مارس ۲۰۲۴ برنامه‌ریزی شده بود، با اعلام زلنسکی، مبنی بر عدم برگزاری این انتخابات تا زمان رفع حکومت نظامی اعمال‌شده در جریان جنگ با روسیه، برگزار نشد. رویترز در گزارشی به نقل از کیث کلاگ، فرستاده ویژه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا در امور اوکراین، نوشته است که واشینگتن به عنوان بخشی از مذاکرات احتمالی صلح برای حل و فصل جنگ اوکراین از کی‌یف می‌خواهد که تا پایان امسال انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی برگزار کند. گزارش رویترز حاکی از این است که کلاگ و مقامات کاخ سفید درباره درخواست از کی‌یف برای برگزاری انتخابات بحث و تبادل نظر کرده‌اند. کلاگ به رویترز گفت که هم برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و هم پارلمانی «ضروری» است. وی توضیح داد: «بیشتر کشورهای دموکراتیک در زمان جنگ انتخابات برگزاری می‌کنند. فکر می‌کنم که این کار اهمیت دارد و برای دموکراسی مفید است. زیبایی یک دموکراسی مستحکم همین است و بیش از یک نفر برای نامزدی در انتخابات حضور دارند.»

ترامپ بارها تأکید کرده است که به سرعت به جنگ اوکراین پایان خواهد داد و در تازه‌ترین موضع‌گیری هم موضوع آغاز مذاکرات جدی امریکا درباره جنگ با روسیه را به میان کشید؛ مسئله‌ای که مسکو تاکنون آن را تأیید نکرده است. رویترز نوشته است که براساس مذاکرات صورت گرفته در کاخ سفید، در صورتی که طرح امریکا در نهایت پیش از دستیابی به توافقی دائمی‌تر، یک توافق آتش‌بس موقت را بین روسیه و اوکراین در بر بگیرد، برنده انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور مسئولیت مذاکره بر سر مفاد توافق نهایی را برعهده خواهد داشت. این در حالی است که مسکو مشروعیت زلنسکی را زیر سؤال برده و اعلام کرده از آنجا که دوران ریاست جمهوری او در ماه مه ۲۰۲۴ منقضی شده است، وی برای امضای توافقنامه‌های بین‌المللی صلاحیت ندارد.

رویکرد

چراغ سبز امریکا به حمایت از سوریه تحت رهبری الجولانی

وزیر خارجه امریکا با اعلام اینکه روند مرحله پیش رو در غرب آسیا با توجه به وضعیت سوریه تعیین می‌شود، تأکید کرد دولت کنونی سوریه به رهبری «احمد الشرع» می‌تواند از حمایت امریکا برخوردار شود.

احمد الشرع ملقب به ابومحمد الجولانی، رئیس دوره انتقالی سوریه، روز یک‌شنبه در جریان سفر به عربستان با محمد بن سلمان، ولیعهد این کشور در کاخ الیمامه در ریاض دیدار کرد. العربی‌الجدید درباره این سفر نوشت که ناظران سیاسی بر این باورند که موضع‌گیری الجولانی ماهیت سیاست خارجی حاکمان جدید سوریه را نشان می‌دهد که به دنبال ایجاد موازنه در روابط خود با کشورهای مؤثر در سوریه و در صدر آنها عربستان و ترکیه و نیز قطر است که حامی اصلی آنها است. محمد جزار، تحلیلگر امور سیاسی نیز در این باره به پایگاه العربی‌الجدید گفت: «دمشق روی روابط با عربستان حساب زیادی به ویژه از حیث سیاسی و اقتصادی و نیز نقش ریاض در بازسازی سوریه باز کرده است.» وی افزود: «دمشق همچنین به دنبال تلاش برای ایجاد توازن درباره نفوذ ترکیه در سوریه است.» این سفر در شرایطی انجام شد که مارک روبیو در جدیدترین اظهارات خود به تمایل واشینگتن برای حمایت از دولت تحت حمایت جولانی اشاره کرده است. بنابر اظهارات روبیو، دولت کنونی سوریه به رهبری احمد الشرع می‌تواند از حمایت امریکا برخوردار شود. وی افزود: دولت امریکا از نزدیک به منظور آگاهی از جهت‌گیری‌های مرحله آتی، وضعیت سوریه را دنبال می‌کند و مرحله پیش رو در غرب آسیا با توجه به وضعیت سوریه تعیین می‌شود. وزیر خارجه امریکا با اشاره به اینکه تحولات سوریه امکان تحقق ثبات جدید در منطقه را به وجود می‌آورد، اضافه کرد: «سوریه پس از سقوط دولت بشار اسد، شاهد تحولی ریشه‌ای است. این گروه که قدرت را در دست گرفته، لزوماً افرادی که بتوانند از فیلتر بررسی پیشینه امنیتی اداره تحقیقات فدرال عبور کنند، نیستند.» وی خاطرنشان کرد: «با این حال، اگر فرصتی برای ایجاد فضایی باثبات‌تر از آنچه در دوران اسد داشتیم، وجود داشته باشد که در آن ایران و روسیه تسلط داشتند و داعش به طور آزادانه فعالیت می‌کرد، ضرورت دارد که این فرصت را پیگیری کنیم و ببینیم که این روند ما را به کجا خواهد برد.» وی ادعا کرد: «ثبات سوریه و لبنان و کاهش نفوذ حزب‌الله می‌تواند پویایی منطقه را تغییر دهد که این امر ممکن است منجر به تحقق تفاهمات بزرگ شود.» وزیر خارجه امریکا افزود یکی از این تفاهمات، توافق احتمالی میان عربستان و اسرائیل است و این امر گامی مهم و تعیین‌کننده است و می‌تواند نقشه اتحادهای منطقه‌ای را دوباره ترسیم کند.

اخبار کوتاه

■ **اهانت دوباره سیاستمدار هتاک دانمارکی به قرآن کریم**

راسموس پالودان، رئیس حزب راست‌افراطی «راه سخت» در دانمارک خبر داد که با حضور در مقابل ساختمان سفارت ترکیه، مصحف شریف قرآن کریم را آتش زده است. پالودان با انتشار ویدئویی در شبکه اجتماعی ایکس گفت که این کار را در واکنش به کشته شدن «سلوان مومیکا» دیگر هتاک به قرآن کریم که روز چهارشنبه هفته گذشته در آپارتمانش در سوئد به قتل رسید انجام داده است. این سیاستمدار هتاک دانمارکی در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۳ نیز مقابل سفارت ترکیه در سوئد دست به همین اقدام شنیع زد که موجب تنش دیپلماتیک میان آنکارا و استکهلم شد. پالودان تاکنون سه مرتبه در دادگاه‌های دانمارک به نژادپرستی محکوم شده است، اما دولت دانمارک هیچ اقدامی در ممانعت از هتاکی‌های وی انجام نمی‌دهد.

■ **هلاکت ۷ تروریست داعشی در عراق**

منابع عراقی از هلاکت هفت تروریست داعشی بر اثر حمله هوایی جنگنده‌های اف ۱۶ این کشور به مخفیگاه داعشی‌ها خبر دادند. به گزارش الفرات‌نیوز، جنگنده‌های اف ۱۶ عراق ضربه هوایی مهلکی به مقر تروریست‌ها در الزرکه حدفاصل استان‌های صلاح‌الدین و کرکوک انجام داد. فرماندهی عملیات مشترک عراق در بیانیه‌ای در این باره اعلام کرد: پیرو بیانیه واحد اطلاع‌رسانی امنیتی در جمعه گذشته، پیرامون حمله هوایی جنگنده‌های اف ۱۶ عراق، و بر اساس اطلاعات دقیق اداره اطلاعات نظامی نیروهای مشترک یگان ویژه و فرماندهی عملیات شرق صلاح‌الدین و نیروهای اداره اطلاعات نظامی و با نظارت کنترل فنی واحد هدف‌گیری فرماندهی عملیات مشترک، اقدام به بازرسی محل حمله هوایی انجام شده کردند. فرماندهی عملیات مشترک عراق بیان کرد: در این عملیات، جسد هفت تروریست که تعدادی از آنها کمربند انتحاری بر تن داشتند کشف شد. همچنین سلاح متنوع، مواد لجستیکی، تجهیزات و شواهد جرم دیگری کشف و ضبط شد.

تجسمی

نقاشی جدید حسن روح‌الامین برای میلاد امام حسین (ع)

نقاشی دیجیتال جدید «تبرک عرش» از حسن روح‌الامین برای میلاد امام حسین علیه‌السلام منتشر شد. وی در توضیح این اثر نوشته است: «خدایا ما را میهمان خانه رسول‌الله(ص) کن امشب. خدایا ما رو محرم این خانه قرار بده. یا زهرا قدم نو رسیده مبارک بی‌بی جان.»

جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشر گستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۲۳۵ | دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ | ٤ شعبان ۱٤٤٦ | اذان ظهر: ۱۲:۱۸ |
غروب آفتاب: ۱۷:۳۷ |اذان مغرب: ۱۷:۵۳ |نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۳۵ |اذان صبح فردا: ۰۵:۳۶ |طلوع آفتاب فردا: ۰۷:۰۲ |

حکمت

پیامبر اکرم صلی الله علیه‌وآله:

فاطمه عزیزترین مردم نزد من است.

بشاره‌المصطفی، ص ۷۰

نما | حسین کشتکار

دیده‌بان | سینما

بهرام رادان از هیئت داوران جشنواره فیلم فجر خارج شد

بهرام رادان که پیشتر به عنوان یکی از هفت داور مسابقه سینمای ایران چهل و سومین جشنواره فیلم فجر معرفی شده بود از جمع هیئت داوران جشنواره خارج شد. به گزارش «جوان»، بهرام رادان به دلیل طولانی شدن مدت زمان بازگشت از سفر با ارسال نامه‌ای از جمع اعضای هیئت داوران جشنواره فیلم فجر چهل و سوم خارج شد. در بخشی از متن نامه بهرام رادان آمده است: «به دلیل طولانی شدن سفر و عدم اطمینان از تاریخ قطعی بازگشتم به وطن، لاجرم از حضور شما بزرگواران عذرخواهی می‌کنم.» بنا به تصمیم منوچهر شاهسواری دبیر جشنواره و موافقت سایر اعضای هیئت داوران، عضو جدیدی جایگزین رادان در هیئت داوران نخواهد شد.

دیده‌بان | موسیقی

برگزاری یک کنسرت پنج زبانه در ماه مبارک رمضان

احسان یاسین سومین کنسرت خود را اسفندماه امسال در ماه مبارک رمضان در سالن اصلی وزارت کشور روی صحنه می‌برد. به گزارش «جوان»، احسان یاسین در تاریخ ۱۷ اسفندماه ۱۴۰۳ سومین کنسرت خود را در سالن اصلی وزارت کشور در یک سانس و در ساعت ۲۱ اجرا خواهد کرد. این خواننده با همراهی ارکستر ثنا، گروه کر، کنداکتوری شامل اجرای آثاری از آلبوم «ماه من» به همراه برخی آثار جدید خود به پنج زبان فارسی، انگلیسی، عربی، کردی و آذری برنامه‌ریزی کرده است. در این کنسرت قطعات ماه من، دوستت دارم، بازم برگرد، تا ابد، رینا، لایا دنیا، جانیم سن‌سن، یا الهی، بی‌تاب، از سرگذشت، سلام‌علیکم و قطعات جدیدی که برای اجرا در کنسرت آماده شده، اجرا خواهد شد.

دیده‌بان | کتاب

کانون پرورش فکری ۳ کتاب جدیدش را رونمایی می‌کند

همزمان با دهه مبارک فجر، سه عنوان از کتاب‌های جدید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان روز دوشنبه ۱۵ بهمن‌ماه در مرکز فرهنگی هنری شماره ۳ کانون تهران رونمایی می‌شود. به گزارش «جوان»، رمان «امید فرار کرد»، نوشته عباس ناصری با تصویرگری جلد و طراحی گرافیک محمدعلی عدیلی، کتاب علمی «ستاره لایکا» به نویسندگی حمید نوایی‌لواسانی و تصویرگری نرگس طهماسبی و کتاب «بازی سُک‌سُک» به نویسندگی مرضیه طلوع‌اصل و تصویرگری فاتیما کریمی عنوان‌های این کتاب‌هاست. این آثار ساعت ۱۰ تا ۱۲ روز دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ در مرکز فرهنگی هنری شماره ۳ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رونمایی می‌شود.

در نشست خبری فیلم‌های «رها» و «بچه مردم» چه گذشت؟

شهاب حسینی: باید به اصل گمشده فیلمنامه‌نویسی بازگردیم

عرضیه موسوی | ایرنا

■ **احمد جوان**

اکران فیلم «رها» در اولین سانس از سومین روز جشنواره فیلم فجر تا حدودی توانست یخ دو روز گذشته را آب کند و باعث شود تماشاگران فیلمی نسبتاً خوب ببینند.

«رها» به کارگردانی حسام فرهمند و بازی شهاب حسینی و غزل شاکری با سوژه‌ای اجتماعی در برج میلاد اکران شد و مورد توجه اهالی رسانه و منتقدان هم قرار گرفت. پس از اکران فیلم، نشست خبری فیلم «رها» با حضور عوامل فیلم برگزار شد.

■ **فیلمی تلخ اما قصه‌گو**

کارگردان فیلم درباره سوژه تلخ فیلم گفت: من دیروز فیلم را در دو سانس با مردم تماشا کردم و جالب بود که همه می‌گفتند، فیلم تلخ است، اما سیاه‌نمایی ندارد. من از ابتدای ساخت این فیلم به همه دوستان و همکاران گفتم که «رها» قرار است فیلمی قصه‌گو باشد و ملودرام داستان بر این اساس شکل گرفت. علی حسینی درباره اینکه چرا فیلم دوربین مداربسته از دید پلیس پنهان ماند، توضیح داد: به این دلیل که دفعه اولی که به تعمیرگاه می‌روند، پلیس شک نمی‌کند که دوربین‌های مداربسته را چک کند و پاسخش را از تاریخ مراجعه به تعمیرگاه دریافت می‌کند. غزل شاکری درباره همکاری با کارگردان فیلم اولی گفت: در جلسه اول این اطمینان برایم حاصل شد که این فیلم نمی‌تواند از یک استانداردی پایین‌تر باشد.

همچنین حضور آقای شهاب حسینی هم در فیلم قطعی شده بود. در آن زمان اتفاقات شخصی بسیار تلخی در زندگی‌ام رخ داد، حتی تلخ‌تر از چیزی که در فیلم تماشا کردید و تمام گروه بسیار همراه من بودند.

■ **توجه به فیلمنامه**

شهاب حسینی نیز در پاسخ به این پرسش بیان کرد: هر کسی کو دور ماند از اصل خویش /باز جوید روزگار وصل خویش. این اصل در زندگی شخصی هر کسی یک جوری تعریف می‌شود، اما در حرفه کاری ما این اصل به فیلمنامه برمی‌گردد. از حدود ۲۰ سال پیش با حسام فرهمند آشنایی دارم و او در این چند سال تمرین و ممارست کرد و تدوین و ریتم را بلد است. وی تأکید کرد: این فیلم با یک سوم هزینه یک فیلم نرمال در ۳۷ روز فیلمبرداری می‌شود. امیدوارم این اصل به هنرهای نمایشی ما برگردد که همه چیز مبتنی بر فیلمنامه باشد. خانی عنوان کرد: وقتی حسام فرهمند با این فیلمنامه به من مراجعه کرد، بسیار از آن خوشم آمد. ساخت فیلم ملودرام قطعاً برای هر تهیه‌کننده‌ای ریسک است و من نیز مجبور شدم بخشی از بودجه فیلم را خودم تأمین کنم.

حسین علیزاده بیان کرد: هر پروژه‌ای یک مربی خوب نیاز دارد و این مربی به کارگردانی برمی‌گردد که چگونه بازیگرانش را انتخاب کند. فیلمبردار و طراح صحنه مکمل یکدیگر هستند، اگر این افراد یکدیگر را تکمیل کنند، اتفاقات خوبی رقم می‌خورد. من دوست دارم

شهاب حسینی: در حرفه کاری ما این اصل به فیلمنامه برمی‌گردد. از حدود ۲۰ سال پیش با حسام فرهمند آشنایی دارم و او در این چند سال تمرین و ممارست کرد و تدوین و ریتم را بلد است

طراحی صحنه فیلم به شکلی باشد که بازیگران حس کنند در خانه خودشان حضور دارند.

■ **سؤال خبرنگار روزنامه جوان**

فرهمند در پاسخ به سؤال خبرنگار روزنامه جوان درباره یک‌دست نبودن بازی بازیگران فیلم و ضعف بازی بازیگران جوان توضیح داد: تأکید من از ابتدا برای انتخاب بازیگران جوان این بود که با بازیگرانی کار کنیم که شناخته شده نیستند، اما در تئاتر و فیلم کوتاه فعالیت داشته‌اند. غزل شاکری گفت: به نظر ما بازی بازیگران جوان هم خیلی خوب بود.

شهاب حسینی نیز تأکید کرد: ارزش کار بازیگر بزرگ در هماهنگی با بازیگران دیگر مشخص می‌شود و مدیون بازیگرانی است که پاس درست به او می‌دهد. من مدیون همه بازیگران این فیلم هستم.

فرهمند درباره گرته‌برداری از اتفاقات واقعی گفت: کل فیلم برگرفته از داستان واقعی نیست، اما هر کدام از عناصر فیلم گرته‌برداری از داستان‌های واقعی است، حتی داستان گیر افتادن رها در کانال کولر.

■ **فیلمی با موضوعی انسانی**

فیلم «بچه مردم» دومین فیلمی بود که برای اهالی رسانه اکران شد. این فیلم با موضوعی انسانی و عاطفی شهدای بهزیستی را محور داستان خود قرار داده بود. «بچه مردم» نخستین تجربه کارگردانی سینمایی محمود کریمی، مستندساز شناخته‌شده کشور به شمار می‌رود. در ابتدای این نشست، محمود کریمی کارگردان گفت: این فیلم بر اساس دغدغه چندین و چند ساله یوسف اصلانی است که زندگی خود را در راه بچه‌های بهزیستی صرف کرده‌است، ساخته شد. او روزی با پرونده‌ای روبه‌رو می‌شود از بچه‌های بهزیستی که به جبهه رفته‌اند. هسته اصلی داستان و ایده کلی از این دغدغه گرفته شد، اما نود درصد فیلمنامه بر اساس تخیل و قصه‌پردازی ما پیش رفت. محمود کریمی در ادامه درباره چگونگی نامگذاری فیلم نیز توضیح داد: ابتدا در یک جلسه ما درباره موضوع حرف زدیم و صحبت از «بچه مردم» شد. ما آن را به عنوان نام موقت انتخاب کردیم. کمی بعد با جست‌وجو در اینترنت متوجه شدیم جلال آل احمد نویسنده، نیز کتابی با همین عنوان دارد که موضوع آن متفاوت از فیلم ما بود، بنابراین همین عنوان را به‌عنوان نام اصلی فیلم انتخاب کردیم.

سید علی احمدی، تهیه‌کننده نیز بیان کرد: یوسف اصلانی سال‌ها به بچه‌های پرورشگاهی کمک کرد و سال‌های طولانی در این حوزه کار کرده و حتی شیرخوارگاهی برای بچه‌ها احداث کرده‌است. شنیدن روایت‌های او از حضور این بچه‌ها در جبهه‌های جنگ باعث شد که به ساخت فیلم ترغیب شویم.

یوسف اصلانی، ایده‌پرداز و نیکوکار گفت: این فیلم آرزوی بیست و چند سال من بود. تا هم امید و انگیزه برای بچه‌های بهزیستی شکل بگیرد و هم این جریان آگاهی‌رسانی شود. در مجموعه «بهشت امام رضا(ع)» خود من ۳۰۰ بچه را بزرگ کرده‌ام و باید بگویم در این بچه‌ها تعداد بزه بسیار کم و تعداد بچه‌های موفق بسیار زیاد است. در دوران جنگ ۸۵۰ کودک در بهزیستی زندگی می‌کردند و ۸۵ نفر آنها به جبهه رفته و شهید شدند؛ یعنی بیش از ۱۰ درصد یک خانواده. باید نگاه مردم به بچه‌های بهزیستی تغییر کند. من برای ساخته‌شدن این ایده بارها تلاش کردم، اما به ثمر ننشست تا زمانی که با سید علی احمدی آشنا شدم.

یادکرد

پدرم با کار فرهنگی، شب و روزش را به هم گره زده بود

پدرم شاگرد مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای حکیم بود. برای شاگردان مکتب خمینی در کلاس مجاهدت، نمره قبولی نمره شیرین شهادت است.

به گزارش «جوان»، به نقل از مهر، سومین سالگرد حاج محمود عاطفی، رئیس اسبق مرکز بسیج رسانه روز گذشته در سالن رضوان سازمان بسیج رسانه برگزار شد.

فاطمه عاطفی دختر مرحوم محمود عاطفی در این مراسم گفت: ساختمان بسیج و یادواره بسیجی و پاسداری که نفس جان ما بود. وصله جان ما مست‌کننده روح متعلق به آخرین رگ چسبیده به آخرین جان آدمی ریشه احساسات عمیق و بنا کننده غم‌های زیبا بود.

وی افزود: حاج محمود وصله جان ما پدرم همانند شیشه عطری می‌ماند که با شکستنش رایحه خوش او بیش از پیش طنین‌انداز شد. پدرم شاگرد مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای حکیم بود. برای شاگردان مکتب خمینی در کلاس مجاهدت، نمره قبولی نمره شیرین شهادت است. دختر مرحوم محمود عاطفی در ادامه گفت: حاج محمود تنها یک کارمند نبود، بلکه انقلابی بی‌قراری بود که با کار فرهنگی، شب و روزش را به هم گره زده بود. خاصیت سربازان خمینی همین است و نفس جان ما مدال سربازی ولایت را با افتخار بر سینه داشت.

وی ادامه داد: روزهای نه‌چندان دور همدانی عزیز نفس جان ما را این‌طور معرفی کرد؛ «عاطفی صیقل داده شده زیر آتش خمپاره‌ها در خاک مقدس شلمچه»؛ آن زمان ۱۰ ساله بودم که قدم به یکباره بلند شد. سردار که از پشت تریبون پایین آمد، نفس جان ما پشت میکروفن قرار گرفت و حاج محمود بسیج را مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنام می‌خواند که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر دادند. نفس جان ما پارسایی را مسئولیت خود می‌دانست و به گواه دوستان همرزمان و همکارانش عاشقانه هم پاسداری می‌کرد.

عاطفی گفت: باور کنید که خاک داغ‌ترین مخلوق خداست و آن روز همه دخترها پایین پای مامان کنار تخت شما جمع شده‌بودند. مامان مثل همیشه میان شیون‌های ما بسیار آرام شروع به گفتن کلمات شد که دایی از بیمارستان تماس گرفته و تنها چشمان پدر سالم است. در آن لحظه به ۱۰ سالگی و روضه روز تاسوعا در مسجد بلال و سخنرانی حجت‌الاسلام ادیب یزدی پرت شدم. حاج احمد واعظی مداحی می‌کرد. چادرم را سفت و سخت گرفته بودم و سرم را روی پای بابا گذشته بودم. شور روضه به «اهل حرم میر و علمدار نیامد» رسید. شهادت می‌دهم شانه‌هایتان تکان خورد و اشک‌های تان سرازید، شهادت می‌دهم و دوستانتان را به حقانیت خون اباعبدالله شاهد می‌گیرم، چشم‌هایتان برای حسین فاطمه خیلی گریه کرد. یقیناً آنچه با چشم‌ها گفته شده فراموش نخواهد شد. شما محب شیعه و نوکر ارباب بودید.

وی در پایان گفت: صوت شهید آوینی هنوز در ذهنم زمزمه می‌شود. از نور یاد کردن از غیبت به حضور آمدن است و انسان مگر این گونه انسان گردد. شهیدان شاهدانی بر این باور هستند که می‌توان ریشه در نور داشت و شاخه بر آستان. اینک اگر ما از او یاد می‌کنیم، حیات خویش می‌جوییم، چراکه آنان زنده‌اند. آن سان که نور و قسم به نور تا نفس آخر، نفس جان ما پاسدار حق و سینه سوخته انقلاب بود. علمداران رفتند تا ولی امر مسلمین بماند. علمداران رفتند تا انقلاب بماند. علمداران رفتند تا ایران و ایرانی بماند و برای عهد بستن کجا بهتر از مجلس نور عهد می‌بندیم که تا آخرین لحظه عمرمان راه و رسم علمداران انقلاب را ادامه خواهیم داد و دست از ولایت برنمی‌داریم.

نقدی به فیلم «آنتیک» به مناسبت اکران در جشنواره فیلم فجر

یک کمدی ضعیف با شوخی‌های کلیشه‌ای و تکراری

■ **احمد محمدتبریزی**

ساختن فیلم کمدی در سینمای ایران هم معضلی شده است. کارگردانان به چند فرمول از پیش امتحان داده در کمدی‌سازی رسیده‌اند و حاضر نیستند به سمت تجربه‌های جدید در این سبک بروند. آنها با استفاده از کمدی موقعیت و بردن فضای فیلم‌شان به دهه ۵۰ و ۶۰ و استفاده از بازیگران کلیشه شده در فیلم‌های کمدی می‌خواهند فیلم‌شان را با کمترین زحمت بسازند. در حالی که این شکل ساختن فیلم کمدی که بیشتر به سری‌سازی شبیه است کار درستی نیست و بیشتر به سینمای ایران ضربه می‌زند.

فیلم «آنتیک» تا پیش از اکران در جشنواره فیلم فجر، فضای تبلیغاتی خوبی را پیرامون سوژه و داستانش شکل داده و کنجکاوی زیادی ایجاد کرده‌بود، اما فیلم فقط طبل توخالی بود و از درون و به لحاظ محتوایی چیزی برای ارائه نداشت. همانند بیشتر فیلم‌های کمدی چند سال اخیر، دو شخصیت اصلی فیلم در سال‌های اول انقلاب در موقعیتی متضاد گیر می‌افتند و با ظاهرسازی به دنبال پیشبرد منافع خودشان هستند.

پژمان جمشیدی که همان بازی همیشگی خود را دارد و انگار از سرصحنه «زیر خاکی» یا «دینامیت» آمده‌است. این روند انتخاب نقش جمشیدی که به هیچ فیلمی نه نمی‌گوید برای کارنامه کاری‌اش بدترین اتفاق ممکن است و او را از دایره بازیگران خوب سینمای ایران خارج می‌کند.

فیلم درباره کلاهبرداری دو شخصیت و سوءاستفاده از باورهای دینی و مذهبی مردم است. فیلم به ظاهر می‌خواهد حرف مهمی بزند، ولی به قدری همه چیز در فیلم بد پردازش شده که همان حرف اصلی هم به حاشیه می‌رود. «آنتیک» حتی توان خنده گرفتن از مخاطبش را ندارد و به همان شوخی‌های دم‌دستی فیلم‌های کمدی بسنده کرده‌است.

به نظر کارگردانان فیلم‌های کمدی باید از یک جایی به بعد از یکسری شوخی‌های لوده و سطحی که از فرط استفاده برای تماشاگر تکراری شده‌اند، صرف‌نظر کنند و با کمی خلاقیت به فکر ایجاد موقعیت‌های بهتر برای خنده گرفتن از مخاطب بیفتند. «آنتیک» بر همان موج دیالوگ‌نویسی فیلم‌های کمدی که حالا به کلیشه تبدیل شده، افتاده و توانایی بیشتری برای خلق کمدی ندارد.

ضعیف‌ترین بخش فیلم نیز پایان‌بندی آن است. پایان فیلم نیز نتوانسته از کلیشه‌ها دوری کند و نمونه‌اش را بارها در فیلم‌های مختلف دیده‌ایم. ناگهان دست شخصیت‌های کلاهبردار رو می‌شود و در آن میان یک شخصیت منطقی و عاقل مردم را هدایت می‌کند و در عرض چند ثانیه مردم متوجه اشتباه‌شان می‌شوند و فیلم به پایان می‌رسد.

تمام این موارد نشان می‌دهد فیلمنامه‌نویسی در سینمای ایران تا چه اندازه ضعف دارد و فیلمنامه‌نویسان زحمتی به خودشان بابت دور شدن از کلیشه‌ها نمی‌دهند. «آنتیک» به خوبی نشان می‌دهد نویسندگان فیلم، با الگوبرداری از فیلم‌های قبلی ساده‌ترین راه را انتخاب کرده‌اند. اگر این روش انداختن زوج فیلم در موقعیت‌های متضاد در فیلم‌هایی مثل «هزار پا» و «خوب بد جلف» و چند فیلم دیگر نتیجه داده قرار نیست همیشه از همان فرمول استفاده شود و نتیجه دهد. باید به این فیلمسازان با صدای بلند گفت باور کنید کمدی‌سازی گونه‌های دیگری هم دارد که اگر به خودتان زحمت بدهید می‌توانید کمدی‌های مخاطب‌پسند و جذاب بسازید.

چهل و سومین جشنواره فیلم فجر، بیش از گذشته، معضل ضعف در فیلمنامه‌نویسی را فریاد می‌زند. تاوقتی سینمای ایران امکان تربیت و کشف فیلمنامه‌نویسان خلاق نداشته باشد، این سینما همچنان با فیلم‌های کمدی سطحی ضعیف‌تر از قبل می‌شود.

نگاهی به فیلم «اسفند» ساخته دانش اقباشاوی

قهرمانانی در دل تاریخ

■ **نساء نیکو**

چندسالی است که در جشنواره فجر شاهد نمایش فیلم‌هایی از قهرمانان آشنا و ناآشنای جنگ هستیم؛ موقعیت مهدی در چند سال گذشته و مجنون جشنواره فجر گذشته و موارد بسیار دیگر. امسال هم چند فیلم دفاع مقدسی در جدول مسابقه شرکت دارند که «اسفند» یکی از آنهاست.

همانگونه که اشاره شد ساختن اینگونه فیلم‌ها برای مخاطبانی که جنگ را تجربه کرده‌اند و به یاد دارند جذاب است، چراکه با زوایای پنهانی از جنگ آشنا و واقف به زندگی افرادی می‌شوند که در تمام این سال‌ها فقط نامی از آنها شنیده‌اند، این نکته بسیار حائز اهمیتی است، اما خطر تکراری شدن اینگونه فیلم‌ها از یک‌سو و جذاب نبودن برای مخاطبان کم‌سن و سال‌تر، نکته‌ای است که به نظر می‌رسد کمتر به آن پرداخت شده است. اسفند داستان خوبی دارد و نقاط عطف آن هم در دل فیلمنامه نشسته است، اما سکانس‌های آغازین فیلم هم ریتم کندی دارد و هم آن تعلیق‌گذاری جاسوس بودن علی و معرفی افراد خیلی به خورد فیلم نرفته است و در واقع نیمه اول فیلم با ریتم کند و صحنه‌های اضافه و افرادی که هیچ نقشی در کاربرد داستان ندارند و با حذف آنها به روند داستان خللی وارد نمی‌شود، حوصله تماشاگر را سر می‌برد. برای مثال آیا با حذف سکانس‌های خانه مادری علی و حذف شخصیت مادر علی در داستان ایرادی ایجاد می‌شود، به نظر می‌رسد نویسنده تلاش داشته تا با افزودن گره‌های دراماتیک بار عاطفی فیلم را بیشتر کند، اما این تلاش ناکام مانده است.

نیمه دوم فیلم، اما جاندار است و شاخ و برگ‌های داستانی در دل قصه جای گرفته‌اند و ریتم تندی دارد که می‌تواند بیننده را ترغیب به تماشای فیلم کند و البته دیالوگ‌هایی که در توضیح اهمیت جزیره مجنون گفته می‌شود نیز به دل فیلم نشسته است و ای کاش فیلم می‌توانست از جلوه‌های ویژه بهتری استفاده کند تا برای بیننده امروزی هم صحنه‌های درگیری جذاب باشد. فراموش نکنیم که نسل تماشاگر امروز با نسل تماشاگر دیده‌بان متفاوت است و برای تحت تأثیر قرار دادنش یک داستان و قصه کافی نیست. به هر روی ساخت هر اثری درباره دفاع مقدس شایان تمجید است، اما به نظر می‌رسد که این فیلم نیاز به یک تدوین مجدد و حذف بسیاری از صحنه‌های اضافی دارد و شاید با به‌کارگیری وی اف ایکس بتوان جلوه‌های ویژه کار را بهتر کرد، اما در مجموع «اسفند» فیلم شریفی است که بیننده را فریب نمی‌دهد و او را با زندگی شهید علی هاشمی تا حد زیادی آشنا می‌سازد که این امتیاز کمی نیست.